

زر و آتش
یا
ذهب و نار

مجموعه‌ای از آثار مبارکه
درباره
بهره‌وری از آزمایشهای زندگی

ترجمه: فاروق ایزدی‌نیا

۲۰۰۳

تألیف و تدوین: برایان کورزیوس

۱۹۹۵

ناشر انگلیسی

جورج رونالد - آکسفورد

۱۹۹۵

تقدیم به خاطرہ پدر روحانی ام

ریچارد گوان

کہ بدون شور و اشتیاقش، بدون خلوص عمیق و
محبتِ انتہی ناپیدایش بہ حضرت بہاء اللہ، این
مجموعہ نہ بدایتی داشت و نہ نہایتی

۳	۱- پاسگزاری
۴	۲- مقدمه
۹	۳- حذف از امتحانات
۱۰	۳-۱ نزدیکتر شدن ما به خداوند
۱۴	۳-۲ ترقی اخلاقی و روحانی
۱۹	۳-۳ منتفع ساختن ما از دنیا
۲۲	۳-۴ آموزش توکل و تسلیم
۲۷	۳-۵ اثبات اخلاص
۳۳	۳-۶ اصلاح اعمال
۳۸	۳-۷ رشد امرالله
۴۷	۳-۸ مواهب النبی
۵۰	۴- منشأ امتحانات
۵۱	۴-۱ نفس
۵۶	۴-۲ بکندبگر
۶۳	۴-۳ عالم و خصوصیات آن
۷۱	۴-۴ ایذاء و آزار اجنبی النبی
۷۷	۴-۵ مصائب و بلاها در عالم
۸۶	۵- راه حل برای امتحانات
۸۷	۵-۱ ایمان و اطمینان
۹۵	۵-۲ قدرت، قاطعیت و عزم راسخ
۱۰۳	۵-۳ دعا و تزئید معارف
۱۱۱	۵-۴ تسلیم در مقابل اراده النبی

- ۱۱۵ ۵-۵ استقامت
- ۱۲۰ ۵-۶ انقطاع
- ۱۲۵ ۵-۷ اطاعت از تعالیم مبارکه
- ۱۳۰ ۵-۸ صبر و ناظر بودن به عاقبت کار
- ۱۳۷ ۵-۹ تحوّل روحانی
- ۱۵۰ ۵-۱۰ اعتذار برای خویش و بخشش برای دیگران
- ۱۶۳ ۵-۱۱ تبلیغ امرالله
- ۱۶۹ ۵-۱۲ تأمل در آلام و بلیات جمال مبارک
- ۱۷۴ ۵-۱۳ مشورت
- ۱۷۹ ۵-۱۴ طلب بخشش از خداوند
- ۱۸۳ ۵-۱۵ خشية الله
- ۱۸۷ ۶-بیانات مبارکه برای حصول آسایش
- ۱۹۴ ۷-بیانات مبارکه درباره مرگ
- ۲۰۱ ۸-کتابشناسی نویسنده
- ۲۰۳ ۹-کتابشناسی مترجم

سپاسگزاری

به تهیه و تدوین این مجموعه کمکهای زیادی شده است. سپاس خاص از دایان ایورسون^(۱) برای تشویق‌ها و توصیه‌های ارزشمندش و دانش فراوانش در آثار بهائی و شور و اشتیاقش که موجب فراهم آمدن این مجموعه گردید.

امتان بی‌پایان از وندی مومن Vendi Momen در جورج رونالد برای ویراستاری هوشمندانه این مجموعه و نیز تشویق‌ها و بردباری‌اش در سفر طولانی و گاه مشقت‌بار طبع و نشر این کتاب.

تقدیر وفیر از خواهر و برادرم، هوپ زاینسکی Hope Zelinkski و منیو کورزیوس Matthew Kurzius و نیز عشق و تکریم عدیم‌التظیر خاطره‌مادر و پدرم دوریس Doris و چارلز Charles کورزیوس.

مایلم مراتب تشکر قلبی خود را به نفوسی که نامشان ذیلاً ذکر می‌شود، به خاطر مراقبت و نیز حمایت بی‌دریغشان در طول سالی که برای تکمیل این کتاب سیری شد، تقدیم دارم:

جین گوان Jane Gowan جفری بوکل Geoffrey Boeckel، میشل واکر Michelle Walker، ترزا گوان Teresa، کالن گوان Collen، معین، راجان و رامین برنی Rajan Burney، روزاموند لینگلن دی Rosamond Lincoln-Day، ران پیس تری Ron Peace Tree، پیتر بورن Peter Bornn، و میلی هزاری Millie

در انتهی، باید اذعان کنم اگر مساعی نفوس بیشمار دیگری که کتابهای مرجع و مورد استفاده در این اثر را جمع‌آوری و منتشر ساختند، نبود، تدوین این کتاب ابداً امکان نداشت. بر مبنای زحمات آنها در فراهم آوردن شالوده و زیربنا است که این اثر پدید آمد.

شاید هیچ موهبتی اعظم از این نباشد که در زمانِ احاطهٔ مشکلات، آرامشی و درخنگام رنج و عذاب، امیدی و در موقع بریشانی و نومیدی، راحتایی و هدایتی به آدمی هدیه شود. با این روح است که این کتاب تقدیم می‌شود.

با گوهرهای بی‌شمارِ هدایت، آرامش و امید که از آثار مبارکه و سایر کتب امر بهائی استخراج شده، این کتاب تدوین گردیده است. این اثر نه تنها به سؤال دیرین، که چرا باید این جهان آکنده از رنج و درد باشد، پاسخ می‌دهد، بلکه از آن مهم‌تر، توضیح می‌دهد که چگونه می‌توانیم با امتحانات و آزمایش‌هایی که هر از گاهی به آن دچار می‌شویم، روبرو شده بر آنها غلبه کنیم. برای درک موضوع امتحانات و بلاها باید اساساً ماهیت و هدف از زندگی را دریافت. حضرت بهاء الله، شارع امر بهائی، توضیح می‌دهند:

مقصود از آفرینش، عرفانِ حق و لقای آن بوده و خواهد بود.^(۱)

جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند. لعمریه شئونات درنده‌های ارض لایق انسان نبوده و نیست. شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود.^(۲)

حضرت بهاء الله توضیح می‌فرمایند که هدف ما در روی این کرهٔ خاکی، شناخت خداوند و نزدیکتر شدن به او و نیز برخورداری از فضائل و اخلاق روحانی و اصلاح عالم است. حضرت بهاء الله بیان می‌فرمایند که روح ما وجود حقیق ما است، نه جسم ما که چند سالی در این جهان در اختیار می‌گیریم. بعد از بازگشت جسم به خاک، روح ما زمانی طولانی به زندگی خود ادامه خواهد داد.

زمانی که در این جهان سپری می‌کنیم، در واقع دورانِ آماده شدن برای روح ما است، یعنی دورانی که به کسب فضائل و کمالات می‌پردازیم تا خالق خود را بهتر بشناسیم و به او نزدیکتر شویم. زیرا تنها با کسب صفات حسنه مانند محبت، رحمت، بردباری و استقامت می‌توانیم آفریننده‌ای را بشناسیم که منشأ تمام فضایل و متعالی‌ترین مظهر آنها است. این فضائل عبارت از کمالات روحانی نیز هستند که ما برای حیات در جهان بعد لازم داریم. حضرت عبدالبهاء، فرزند حضرت بهاء الله و مبین آیات ایشان، چنین توضیح می‌فرمایند:

در بدایت حیاتش، انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم استعداد و لیاقیت و ترقی به این عالم حاصل کرد و فوائدی که در این عالم لازم بود، در آن عالم تحصیل نمود؛ چشم لازم داشت در این عالم، در عالم رحم پیدا کرد؛ گوش لازم داشت در این عالم، در

۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۴۰

۱- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۶۸

عالم رحم پیدا کرد ... پس در این عالم نیز باید تیبّه و نذارک عالم بعد را دید و آنچه در عالم ملکوت محتاج، باید تیبّه و نذارک آن در اینجا بیند، همچنان که در عالم رحم قوانین که در این عالم محتاج به آن است، پیدا نمود، همچنین لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند...

چون آن عالم، عالم تقدیس است، عالم نورانیت است، لہذا لازم است که در این عالم تحصیل تقدیس و نورانیت کنیم و آن نورانیت را باید در این عالم حاصل کنیم و در آن عالم روحانیت لازم، آن روحانیت را باید در این عالم تحصیل نمائیم. در آن عالم ایمان و ایقان و معرفت اللہ و محبت اللہ لازم، جمیع را باید در این عالم تحصیل کرد تا بعد از صعود از این عالم به آن عالم باقی، انسان ببیند جمیع آنچه لازم آن حیات ابدی است حاصل نموده است... آن عالم، عالم انوار است، لہذا نورانیت لازم است؛ آن عالم، عالم محبت اللہ است، لہذا محبت اللہ لازم است؛ آن عالم، عالم کمالات است، لہذا باید در این عالم تحصیل کمالات کرد.^(۱)

بنابراین این عالم عنصری محلی برای آمادگی و رشد است؛ کارگاهی است که در آن به کسب فضایی مانند محبت، رحمت، صبر و استقامت می پردازیم، یعنی صفات و کمالاتی که با نفس ما محبت آنها نه تنها فرد متعال می گردد، بلکه تأثیر زیادی بر رشد و ترقی مدنیت خواهد داشت.

ما در تمام طول زندگی خود با مشکلات و امتحانات بسیاری مواجه می شویم و اگر چه نمی توانیم اکثر تجاربی را که به سوی ما می آید کنترل کنیم، اما می توانیم نحوه واکنش نسبت به آنها را، خود انتخاب کنیم. امر بهائی تعلیم می دهد که با استفاده از اختیار و اراده آزاد می توانیم اکثر واکنش های خود نسبت به جهان اطرافان را شخصاً انتخاب کنیم. می توانیم صبور بودن یا سرخورده و دلسرد شدن را برگزینیم، خشم را بپذیریم، عشق بورزیم یا مأیوس و اندوهگین شویم. هر چه در بروز و ظهور فضایل بیشتر تلاش کنیم، بیشتر روحانیت کسب خواهیم کرد. حتی وقتی نمی توانیم در مقابل آزمایشی عکس العمل مناسب نشان دهیم، می توانیم از شکست هائیمان برای فرا گرفتن روش های سازنده تر جهت مقابله با مشکلاتمان بهره گیریم. حضرت شوق افندی، حفید مجید حضرت عبدالہاء می فرماید:

همواره باید ناظر به آبنده و طالب کسب توفیق در انجام دادن امری باشیم که در گذشته نتوانسته ایم تحقق بخشیم. شکستنا، امتحانات و افتانات اگر به نحو صحیح مورد استفاده قرار گیرند، می توانند وسیله تطہیر روح ما، تقویت و تحکیم شخصیت ما گردند و ما را به قیام به اعلی مراتب خدمت قادر سازند. (ترجمه)^(۲)

کار سترگ و بزرگ و تاب در مورد امتحانات این است که از آنها برای رشد و بالندگی استفاده گردد، نه این که از ظهور و بروز آنها شکایت و گله شود. زیرا اگر به رنجهای خود به عنوان فرصتی

۱- خطابات مبارکہ، ج ۲، صص ۱۷۲-۱۷۰

۲- مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از اہباء / انوار ہدایت شماره ۲۰۳۹

جهت رشد نگاه کنیم، تجارب منفی خود را به تجربه‌های مثبت تبدیل می‌کنیم و می‌توانیم استعداد، توانایی و قابلیت‌های خود را به وجود آوریم که هرگز از وجودش اطلاعی نداشتیم.

همه ما می‌توانیم آزمایشی را به خاطر آوریم که، زمانی، بدترین بلای قابل تصور بود و با این حال، وقتی که به گذشته نظر می‌افکنیم و آن را می‌نگریم، درمی‌یابیم که در ما استقامت و مقاومت بیشتری ایجاد کرده و شخصیتی قوی‌تر با درکی بهتر نسبت به حیات به وجود آورده است.

می‌توانیم نمونه‌های بیشماری از نفوس بشری را در سراسر تاریخ بیابیم که علیرغم، یا شاید در اثر، بحرانهای عظیم شخصی، تأثیراتی عظیم و استثنایی بر ترقی و پیشرفت مدنیت گذاشتند. حضرت ولی امرالله می‌فرماید:

رنج و درد هم تذکر است هم راحنا. رنج ما را برمی‌انگیزد تا خود را با شرایط محیطی بهتر تطبیق دهیم و به این ترتیب طریقی را برای ارتقاء وجود خود طی کنیم. هر فردی در هر ناراحتی و رنجی می‌تواند معنی و حکمتی بیابد. اما همیشه یافتن سر حکمت مزبور سهل و آسان نیست. گاهی اوقات فقط وقتی که رنج مزبور سپری شد بر شمره و فایده‌اش وقوف می‌یابیم. (ترجمه)^(۱)



مقصود از این مجموعه آثار که در این کتاب گردآوری شده، توضیح امتحانات و بلایا و نیز اعطاء درکی بهتر نسبت به این جریان مرموز و بویا است. معدودی از موارد نقل شده در اینجا برای نخستین مرتبه ذکر می‌شود و برخی از آنها ممکن است برای اجنبایی مطلع و اهل کتاب هم آشنا نباشد. هدف این است که برای همه ما در اوقات احاطه بلایا آرامش و امید به ارمغان آورد و در درک مقصود از امتحانات به ما کمک کند. از آن مهم‌تر به ما مساعدت خواهد کرد از عهده امتحانات بر آئیم و ما را قادر خواهد ساخت از آنها به عنوان وسیله رشد و وصول به حد اعلای سعادت استفاده کنیم.

بخش اول کتاب به هدف از امتحانات مربوط می‌شود؛ چرا با آنها روبرو می‌شویم و نحوه کمک آنها به ما برای رشد و بالندگی چگونه است؟ بخش ثانی به توصیف منشأ امتحاناتی که در زندگی با آن روبرو می‌شویم می‌پردازد. بخش سوم و شاید مهم‌ترین قسمت، راه‌حلهایی را نشان می‌دهد که چگونه از عهده امتحانات بر آئیم. بخش چهارم بیاناتی را معرفی می‌کند که در موارد بسیاری به ما آرامش می‌بخشد و بخش پنجم بیاناتی را برای آرامش خاطر محرومین عرضه می‌کند.

اما مبادا اشتباه شود. هیچ راه سریع و آسانی برای کسانی که با امتحانات روبرو می‌شوند وجود ندارد. هر قدر هدایت عرضه شده مشخص یا جواب روشن باشد، راهی که باید پیمود سخت‌خسته کننده و دشوار است. بهترین کاری که می‌توان کرد سعی و تلاش است، صبور بودن با خود و مدارای با دیگران است، آگاهی بر این نکته است که هر قدر رنجهای ما مصیبت‌بار و محنت‌افزا باشد، به هر نحو یا هر دلیلی به آن دچار شده باشیم، محبت و عشق خداوند، حفظ و صیانت او برای ما، بی‌پایان و قوی است.

برایان کورزیوس - اکتبر ۱۹۹۵

۱- مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله نقل در *Unfolding Destiny*، ص ۴۳۴

هدف از امتحانات

هدف از امتحانات:

نزدیکتر شدن ما به

خداوند

نزدیکتر شدن به خدا

حکایت کنند عاشق سالها در حجر معشوقش جان می‌باخت و در آتش فراقش می‌گذاخت، از غلبه عشقش صدرش از صبر خالی ماند و جسمش از روح بیزاری جُست و زندگی در فراق را از نفاق می‌شمرد و از آفاق بغایت در احتراق بود. چه روزها که از هجرش راحت نبسته و بسا شبها که از دردش نخفته؛ از ضعف، بدن چون آهی گشته و از درد، دل چون وای شده؛ به یک شریه وصلش هزار جان رایگان می‌داد و می‌تر نمی‌شد. طیبیان از علاجش درماندند و مؤانسان از آنس دوری جستند. بلی مریض عشق را طیب چاره نداند مگر عنایت حبیب دستش گیرد.

باری، عاقبت شجر رجایش ثمر یأس بخشید و نار امیدش بیفرد، تا آن که شبی از جان بیزار شد و از خانه به بازار رفت. ناگاه او را عسی تعاقب نمود. او از پیش تازان و عس از پی دوان. تا آن که عس‌ها جمع شدند و از هر طرف راه فرار بر آن بی‌قرار بستند و آن فقیر از دل می‌نالید و به اطراف می‌دوید و با خود می‌گفت این عس عزرائیل من است که به این تعجیل در طلب من است و یا شذاد بلادست که در کین عباد است. آن خسته تبر عشق به پا دوان بود و بدل نالان تا به دیوار باغی رسید و به هزار زحمت و محنت بالای دیوار رفت. دیواری به غایت بلند دید. از جان گذشت و خود را در باغ انداخت. دید معشوق در دست چراغی دارد و تفحص انگشتری می‌نماید که از او گم شده بود. چون آن عاشق دلداده معشوق دل‌برده را دید آهی برکشید و دست به دعا برداشت که ای خدا این عس را هزرت ده و دولت بخش و باقی دار که این عس جبرئیل بود که دلیل این علیل گشت یا اسرافیل بود که حیات بخش این ذلیل شد و آنچه گفت فی الحقیقه درست بود. زیرا ملاحظه شد که این ظلم منکر عس چقدر عدلها در سر داشت و چه رحمت‌ها در پرده پنهان نموده بود. به یک قهر تشنه صحرای عشق را به طیب قلب راه نمود. حال، آن عاشق اگر آخربین بود در اول بر عس رحمت می‌نمود و دعایش می‌گفت و آن ظلم را عدل می‌دید. چون از آخر بحجوب بود، در اول ناله آغاز نمود و به شکایت زبان گشود. ولکن مسافران حدیقه عرفان چون آخر را در اول بینند لهذا در جنگ، صلح و در قهر، آشتی ملاحظه کنند.^(۱)

با تحمل رنج به کمال می‌رسی

وقتی انسان مسرور است ممکن است خدا را فراموش کند؛ اما زمانی که غم او را احاطه می‌کند و حزن او را فرا می‌گیرد، در آن حال، پدرش را که در آسمانهاست به خاطر می‌آورد، خدایی که قادر است او را از ذلتها برهاند و نجات بخشد.

انسانی که قرین رنج و درد نباشد، به کمال نمی‌رسد. گپاهی که باغبانان بیشتر آن را هرس کنند و شاخ و برگ اضافاتش را قطع کنند، وقتی تابستان فرا می‌رسد، زیباترین گلپنا و بیشترین

۱- حفت وادی، آثار قلم اعلی ج ۳، صص ۱۰۷-۱۰۸

بسا اوقات بلا به فضل و عنایت منجر می‌گردد. تا انسان برای وصول به شبی متحمل شدت و سختی نگردد، ارزش کامل آن را درک نخواهد کرد. هرچه انسان برای تحصیل چیزی بیشتر رنج گردد، ارزش آن را بهتر می‌فهمد، همانطور که در قرآن نازل شده، *أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون.*^(۲) امتحانات، افتتانات و بلا یا برای نفوس مؤمن، یعنی کسانی که آنها را با صبر و انقطاع از ماسوی‌الله تحمل می‌کنند، سبیل ترقی روحانی است. در قرآن می‌فرماید، *أم حسبتم أن تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم منهم البأساء و الضراء.*^(۳)

انسان تا از یاده محبت ننهد، سرمست نگردد. ابدآ به لذت نفوسی که از حقیق محبت‌الله نوشیده‌اند پی‌نبرد، مگر آن‌که از کأس بلا سرمست شود. هرچه بیشتر بر آهن بکوبید، شمشیر شما تیزتر شود؛ هرچه بیشتر آن را در آتش بگذارید، خالص‌تر شود. (ترجمه)^(۴)

مهم نیست که جسم و روان ما چه چیزی را تحمل می‌کند

موقعی که از این بلاها و مصائب رنج می‌بریم، باید به خاطر داشته باشیم که انبیاء الهی خود از مصائبی که انسانها به آن مبتلا می‌شوند مصون نبودند. آنها نیز با حزن و اندوه، بیماری و درد آشنا بودند. آنها با روح متعالی خود فوق این مصائب حرکت می‌کردند و این همان امری است که ما نیز باید سعی کنیم در حین ابتلاء به مصائب به آن عامل باشیم. معضلات حیات سهری می‌شوند و آنچه از ما باقی می‌ماند همان است که ما از روح و روان خود ساخته‌ایم. لذا باید به این ناظر باشیم که روحانیتر شویم، به خداوند تقرب جویم؛ مهم نیست جسم و روان ما چه چیزی را تحمل می‌کند. (ترجمه)^(۵)

تا انسان بتواند به خدا نزدیکتر شود

واقفیم که رنج نوع انسان باید بالمال او را میبای توجّه به حضرت بیاء‌الله و پیام حیات بخش ایشان کند، اما ما نمی‌توانیم بگوییم چه زمان این جریان تحقق خواهد یافت. ما فقط می‌توانیم جدّ و جهد کنیم تا مثالی را به عرصه شهود آوریم که قلوب انسانها را جذب کند و لیلآ و نهارآ به انتشار تعالیم مبارکه بپردازیم. (ترجمه)^(۶)

بیت‌العدل اعظم مکتوب شما را که در طی آن احزان قلبی خود را ابراز داشتید و نسبت به

۲- سورة عنکبوت، آیه ۲

۱- Paris Talks صص ۵۱-۵۰

۳- سورة بقره، آیه ۲۱۱

۴- منسوب به حضرت عبدالیهاء، نقل در *Summon Up Remembrance* اثر مرضیه گیل، صص ۶-۲۵۵

۵- نقل از مکتوب ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء. انوار هدایت قفر: ۱۰۱۴

۶- از مکتوب ۲۵ فوریه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء.

✓ سرنوشت توده‌های مصیبت‌دیده نوع بشر ابراز نگرانی کردید دریافت کردند...

بدیسی است عالم به امراض مستولیه مبتلا شده و در زیر ثقل مصیبت و بلای مخوف و وحشتناک ناله و فریاد می‌کند. ابتلائات نفس بی‌گناه فی الحقیقه دلخراش و جانگداز است و سبب شزی است که ذهن انسان قادر به کشف آن نیست. حتی خود انبیاء الهی در هر عصری از این مصایب و مشکلات دردناک سهمی برده‌اند و نصیبی برداشته‌اند. اما علی‌رغم شواهد دال بر این مصایب، مظاهر منذبیه الهیه، که حیات و حکمت آنها نشان می‌دهد که درک ایشان به مرتب اعلی و اشرف از افراد بشر است، بالاتفاق بر عدالت، محبت و رحمت الهی شهادت می‌دهند.

برای درک شرایط عالم لازم است قدمی به عقب برداریم و با اصطلاح بدی و واضح‌تر نسبت به چشم‌انداز نقشه کلی عظیم نجات‌بخش الهی که سرنوشت انسان را مطابق با اراده و مشیت الهی رقم می‌زند، پیدا کنیم. نباید بر این تصور بود که وقایع مصیبت‌باری که در جمیع اطراف و اکناف کره ارض اتفاق می‌افتد، اتفاقی و بدون هدف است، اگرچه درک یکایک آنها ممکن است دشوار باشد. بنا به بیان حضرت ولی امرالله، "بدی غیبی در کار است و لرز و تلاطمی که بر وجه ارض حادث می‌شود مقدمه اعلام امر مبارکه الهی است." لیبذا، زمانی که نطمات بنزده مخرب طرفانی شتا سبر خورد را طی نمود، در کمال اطمینان می‌توانیم انتظار طبیعه "ربیع بدیع حیات بخش" را داشته باشیم.

ما بهائیان می‌دانیم که "شقای غالب" برای هر یک از این امراض در توجه و تسلیم به طیب حاذق و منفرد و "یزشک دانا" است. حضرت بهاءالله در آثار مقدمه خود به ما اطمینان داده‌اند که خداوند ما را به حال خود رها نکرده است. او نسبت به نفوس که در کمال تضییع و ابتیال به او توجه نمایند، بصبر و علیم و ادعیه آنها را سمیع و موجب است و با بعث مظاهر ظهور، منابع معرفت و حقیقت روحانی برای آزادی ابناء بشر از ظلمت جهالت و تضمین صلح و آرامش عالم انسانی، در تاریخ بشر فعالانه مداخله می‌فرماید. در این عصر، خداوند معتم است ملکوت ابدی‌اش را در میان انسانها تأسیس فرماید و لذا برای حصول این هدف، حضرتش روح و پیام بوم بدیع را با بعث دو مظهر ظهور متوالی به ما عنایت فرمود. اسفا که هر دو مظهر ظهور را عموم ناس رد و طرد نمودند. (ترجمه)^(۱)

۱- نقل از دستخط ۱۴ مارس ۱۹۸۵ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبائه.

هدف از امتحانات:

ترقی اخلاقی و روحانی

ترقی اخلاقی و روحانی

یا این انسان لکل شیء علامة و علامة الحب الصبر فی قضائی و الاضطبار فی بلانی.^{۱۱}

ترقی روحانی

انسان در این عالم هرچه بیشتر با مشکلات مواجه شود کاملتر می‌گردد. زمین را هرچه بیشتر شخم بزیند حاصلخیزتر می‌گردد. ذهب را هرچه بیشتر در آتش بگذاری خالص تر می‌شود. فولاد را با ساییدن و پرداختن تیزتر کنی بهتر می‌شود. لایذا، هرچه شخص احزان بیشتری را منقلب کرده، کاملتر می‌شود. به این سبب است که همیشه انبیاء الهی با مصائب و مصائب مواجه شدند و استقامت ورزیدند. هرچه ناخداهی کشی بیشتر در معرض طوفان و معضلات کشمیرانی قرار گیرد، دانش او افزونتر می‌گردد. لایذا من سرورم که شما با مصائب و مشکلات عظیمه مواجه شده‌اید. من به این علت سرورم که شما احزان بسیار داشته‌اید. بسیار غریب است که من به شما محبت دارم و باز هم سرورم که محاط به احزان هستید. (ترجمه)^{۱۲}

کارگر با شخم خود زمین را می‌شکافد و از این زمین محصول پربار و فراوان به دست می‌آید. هرچه انسان بیشتر تأدیب و تزکیه شود، محصول فضائل روحانی او بیشتر به منقہ ظهور می‌رسد. یک سرباز جنرال خوبی نیست مگر آن که در جبهه شدیدترین نبردها حضور داشته و شعبه‌ترین جراحات را برداشته باشد. (ترجمه)^{۱۳}

ای کنیز جمال مبارک محزون مباش، مغموم مگرد. اگرچه امتحانات الهی شدید است اما منتج به حیات روح و قلب می‌شود. ذهب ابریز هرچه بیشتر در کوره امتحانات بعاند، خلوص و درخشش آن بیشتر شود و جلال و تلالو بدیع کسب کند. امبد من چنان است که تو در چنین وضعی باشی.

حیات نفوس مقدسه سالنه را ملاحظه نما؛ چه امتحاناتی را مقاومت نمودند و چه ابتلائاتی را مشاهده فرمودند؛ زمانی که محاط به بلا یا بودند بر استقامت افزودند و موقعی که مستغرق در امتحانات بودند اشتیاق و شپامت مضاعف به ظهور رساندند. تو هم مانند آنها باش. (ترجمه)^{۱۴}

این امتحان همانست که مرفوم نمودید، زنگ انانیت را از آئینه دل زائل نماید تا آفتاب

۱- کلمات مکتونه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷

۲- لوح مبارک حضرت عبدالهبا، نجم باختر مجلد ۱۱، شماره ۲، ص ۴۱

۳- حضرت عبدالهبا، Paris Talks، ص ۵۱

۴- لوح مبارک حضرت عبدالهبا، مندرج در Tablets of 'Abdu'l-Baha، صص ۴-۲۰۲

حقیقت در آن بدرخشد، زیرا هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست و هر چند آن حجاب رقیب باشد، عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید.^(۱)

تبدیل ضعف به قدرت

هر چه انسان از عالم، از اعمال، از امور بشری، از اوضاع و احوال، بیشتر منفک و منقطع گردد، در امتحانات الهی مقاوم تر و محکم تر شود. امتحانات الهی وسیله ای است که به توسط آن، لیاقت و قابلیت او سنجیده و با سلوک و رفتارش صحّت آن ثابت می شود. خداوند بر لیاقت و صلاحیت او و نیز عدم آمادگی او واقف است، اما انسان که نفس بر او غلبه دارد بر عدم قابلیت خویش وقوف ندارد، الا آن که بر او مدلل و مبرهن شود. در نتیجه وقتی در ورطه امتحانات افتد، آسیب پذیری و شکنندگی او در مقابل مصائب و بلاها ثابت شود و امتحانات استمرار یابد تا نفس بر عدم قابلیت خود وقوف یابد و بعد ندامت و تأسف سبب شود که ضعف او بالمعزّه زائل گردد. همان امتحانات به درجات بیشتر و شدیدتر تکرار شود تا زمانی که معلوم گردد ضعف سابق به قوت تبدیل شده و قدرت غلبه بر مصائب و شرور حاصل شده است. (ترجمه)^(۲)

به نظر می رسد اغلب اندازات واضح و مکرر مولای محبوبمان را فراموش می کنیم که، بالاخص در سنوات اخیر رسالتش بر وجه ارض بر امتحانات شدید ذهنی که مسلماً احتیاجش در غرب را احاطه خواهد کرد تأکید می فرمود، امتحاناتی که آنها را تطهیر، ترکیب و برای رسالت و مأموریت متعالی شان در زندگی مهیا خواهد ساخت. (ترجمه)^(۳)

تطهیر روح

همواره باید ناظر به آینده و طالب کسب توفیق در انجام دادن امری باشیم که در گذشته نتوانسته ایم تحقق بخشیم. شکستها، امتحانات و افتانات اگر به نحو صحیح مورد استناد قرار گیرند، می توانند وسیله تطهیر روح ما، تنویر و تحکیم شخصیت ما گردند و ما را به اعلی مراتب خدمت قادر سازند. (ترجمه)^(۴)

رنج و مصیبت، از هر نوع که باشد، به نظر می رسد سبب و نصیب انسان در این عالم است. حتی نفوس محبوب و معزز یعنی انبیاء الهی ابدأً از امراض و عللی که در این جهان ما مشهود می گردد، مستثنی و معاف نبودند؛ فقر، بیماری و ماتم به نظر می رسد بخشی از صیقلی است که خداوند برای ایجاد خلوص

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۱۷۸ (فقره ۱۵۵)

۲- بیانات منسوب به حضرت عبدالهبا، در جواب سؤالاتی که دکتر ادوارد گتسینگر مطرح ساخته است، مندرج در نجم باختر، مجلد ۶، شماره ۶، ص ۴۵

۳- بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۵۰ Bahá'í Administration

۴- مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء / اتوار هدایت شماره ۲۰۳۹

بیشتر در ما مورد استفاده قرار می‌دهد تا ما را قادر سازد صفات و سجایای الهی را بیشتر منعکس سازم. نردیدی نیست که در آئینه ایام، وقتی که اساس و شالوده اجتماع منطبق با نقشه الهی نبوده شود و انسانها از روحانیت کامل بهره‌مند شوند. بسیاری از امراض، علل و مشکلات فعلی ما مرتفع خواهند شد. مآ که هم‌اکنون متحمل آلام و اوجاع می‌گردیم، راه را برای دنیایی بهتر هموار می‌سازم و این معرفت باید ما را در هر افتتانی تثبیت کند و حفظ نماید. (ترجمه)^(۱)

ترقی اخلاقی و روحانی

هر یک از اجزاء باید به خاطر داشته باشد که از خصیلت‌های اساسی این عالم عنصری آن است که مستمراً با امتحانات، مصائب، شداید و آلام مواجه می‌شویم و با غلبه بر آنها به ترقیات اخلاقی و روحانی نائل می‌گردیم. باید در آینده طالب کسب توفیق در انجام دادن امری باشیم که در گذشته نتوانسته‌ایم تحقق بخشیم و بدانیم که خداوند به این طریق بندگان را امتحان می‌کند و ما باید به شکست‌ها و نفاص به عنوان فرصتی برای سعی مجدد و کسب آگاهی و معرفت بیشتر نسبت به مثبت و هدف الهی نگاه کنیم. (ترجمه)^(۲)

طبیعی است که دوره‌های رنج و عذاب و وقوع مشکلات و حتی امتحاناتی شدیدتر وجود خواهد داشت. اما اگر شخص در نیابت استقامت و ثبات قدم به مظهر ظهور الهی توجه نماید، تعالیم روحانی او را مطالعه کند، و از نشانات روح القدس بهره‌مند شود، متوجه می‌شود که در واقع این امتحانات و مشکلات مواهب الهیه‌اند تا او را به رشد و ترقی قادر سازند.

شما به این ترتیب می‌توانید به مشکلات خود که در سبیل خدمت با آن مواجه می‌شوید، نگاه کنید. آنها وسیله رشد و ترقی روح شما هستند. شما ناگهان ملاحظه می‌کنید که بر بسیاری از مسائل خود که شما را مضطرب و آشفته ساخته‌اند غلبه کرده‌اید و بعد متحیر خواهید ماند که اصلاً چرا باید آنها موجب ناراحتی شما شده باشند. (ترجمه)^(۳)

حضرت ولی امرالله شما را تشویق می‌فرماید که از هیچ مانعی مأیوس و دلسرده نشوید. زندگی عبارت از جریانی از امتحانات و افتتانات است و آنها، برخلاف آنچه که ما احتمالاً تصور می‌کنیم، برای ما مفیدند، به ما توان و استقامت می‌بخشند، و می‌آموزند که به خداوند توکل کنیم. ما با وقوف بر این که او ما را تأیید خواهد نمود، می‌توانیم پیش از پیش به خود کمک کنیم. (ترجمه)^(۴)

۱- مکتوب ۳ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجزاء. انوار هدایت فقره: ۲۰۴۹

۲- دستخط مورخ ۹ ژانویه ۱۹۷۷ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از اجزاء. انوار هدایت شماره ۱۲۲۶

۳- مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجزاء. *Living the Life* صص ۳۶-۳۵

۴- مکتوب ۲۳ دسامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجزاء. *Unfolding Destiny* صص ۵۳

آیا حضرت بنیاء الله به ما اطمینان نداده اند که رنج و حرمان در حقیقت مواهب الهی اند، که قوای روحانی باطنی ما به وسیله آنها برانگیخته می شوند، تطهیر و منمائی می گردند؟ پس مطمئن باشید که شدائد عنصری شما نه تنها مانع فعالیت های امری شما نخواهند شد، بلکه انگیزه و محرکی قوی به قلب شما خواهد بخشید تا بیشتر به خدمت پردازید و منافع امرالله را ترویج دهید. (ترجمه)^(۱)

۱- مکتوب ۲۲ نوامبر ۱۹۳۶ از طرف حضرت ول امرالله به یکی از احباب. *Compilation of*
Compilations. ج ۲، فقره: ۱۲۸۲

هدف از امتحانات:

منقطع ساختن ما از دنیا

منقطع ساختن ما از دنیا

اِنَّ لَعْلَىٰ يَقِيْنُ فِي حَبِي لَكَ بِاَنْكَ لَمْ تَنْزَلْ عَلٰى اَحَدٍ بِلَا اِلَّا بِمَا اُرِدْتَ لَهٗ بِاَنْ تَرْفَعُ دَرَجَاتِهٖ فِي رِضْوَانِكَ وَ تَثْبِتَ قَلْبَهٗ بِاَرْكَانِ قَهَّارِيَّتِكَ فِي هَذِهِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا اَنْ لَا يَمِيْلَ اِلٰى زَخْرَفِهَا^(۱)

اِنَّهٗ قَدْ يَنْزِلُ مِنْ سَمَاءٍ جُوْدَهٗ مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ مَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِهٖ اِنَّا لَيُنِيْكُمُ عَنِ الْعَالَمِيْنَ^(۲)

ای بنده الهی از بلاها و محنتی که بر تو وارد شده مکدر مباش. جمیع مصائب و بلاها از برای انسان خلق شده است تا انسان از این جهان فانی نفرت کند، چه که نهایت تعلق به دنیا دارد. چون به زحمت و مشقت بسیار گرفتار شود، از طبیعت نفرت کند و توجه به خدا نماید و جهان باقی طلبد که از جمیع مصائب و بلاها میزاست. انسان عاقل چنین است. جامی که نهایتش درد است او نتوشد، همیشه جام صافی طلبد، شهدی که ممزوج به سم است تناول ننماید.^(۳)

همانطور که شخم زمین را عمیقاً می شکافد و آن را از علفهای خودرو و خارها پاک و تمیز می کند، رنجها و مصائب هم انسان را از امور جزئیة حیات دنیوی خلاصی می بخشد تا به انقطاع کامل واصل شود و طرز تفکر او در این دنیا تمایل به سعادت روحانی و سرور حقیقی گردد: (ترجمه)^(۴)

این دو احساس (حزن و سرور) شامل جمیع عموم بشر است. از برای روح انسان حزنی حاصل نمی شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی دهد، یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی گردد. اگر حزنی از برای انسان حاصل شود از مادیات است. اگر برای انسان خمودت و جمودنی حاصل شود از مادیات است. مثلاً تاجر است زیان می کند، محزون می شود؛ زراعتی دارد، برکت حاصل نمی شود، مغموم می گردد؛ بنیانی می سازد، خراب می شود، محزون می شود و مضطرب می گردد.

مقصود این است که حزن انسان، کدورت انسان از عالم مادیات است؛ باس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است. پس واضح و مشهود شد که حزن انسان و نکبت انسان و نحوست انسان و ذلت انسان همه از مادیات است. اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زبانی و غصه و غمی از برای انسانی حاصل نمی شود ... وقتی که از مادیات نهایت تنگدلی حاصل گردد انسان توجه به روحانیات می کند، زائل می شود...^(۵)

۱- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اول، صص ۱۵۴-۱۵۳

۲- همان، ص ۱۱۶

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباہ، ج ۱، ص ۲۳۱

۴- Paris Talks، ص ۱۷۸

۵- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۱۷؛ ج ۲، ص ۱۴۶

وقایع سان فرانسسکو^(۱) عظیم بود. اینگونه وقایع باید سبب انتباه گردد و تعلق قلوب به این جهان فانی کم شود. زیرا جهان ناسونی چنین وقایع موعظه دارد و چنین جامها از بادۀ تلخ بپخشند.^(۲)

هیچ نفسی در این عالم راحت نیست، از ملوک گرفته تا به معلوک برسد. اگر یک جام شیرین دهد، در عقب صد جام تلخ دارد. این است شأن این دنیا. لپیذا انسان عاقل به حیات دنیویّه تعلق ندارد و اعتمادی ننماید بلکه در بعضی اوقات بی نهایت آرزوی وفات کند تا از این اقدار و احزان نجات یابد.^(۳)

۱- مقصود زلزله سال ۱۹۰۶ سان فرانسسکو است.

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباہ، ج ۱، ص ۷۸

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباہ، ج ۱، ص ۱۹۵

هدف از امتحانات:

تا به ما بیاموزد به خدای توکل

کنیم و اراده اش را بپذیریم

تا به ما بیاموزد به خدای توکل کنیم و

اراده‌اش را بپذیریم

يَا ابْنَ الْاِنْسَانِ اِنْ لَا يُصِيْكَ الْبَلَاءُ فِي سَبِيْلِ كَيْفٍ تَسْلُكُ سُبُلَ الرَّاٰضِيْنَ فِي رِضَاٰنِيْ وَ اِنْ
لَا تُشْكُ الْمَشَقَّةُ شَوْقًا لِلْقَانِيْ كَيْفَ يُصِيْكَ التَّوْرُ حَبًا لِّجَهَالِيٍّ^(۱)

بگو ای قوم، مبادا این حیات و جلوه‌های آن شما را فریب دهد. چه که عالم و مافیها کلی در قبضه اراده الهی است. مواهبش را به هر که بخواهد عنایت می‌فرماید و از هر که اراده کند اخذ می‌کند. يفعل مایشاء و بحکم ما یرید است. (ترجمه)^(۲)

لَا تَنْعُ الْمُقْرَبِيْنَ اَرِيَّاحُ الْاِفْتَانِ عَنِ التَّوَجُّهِ اِلَى اَفْقِ عَزَّكَ وَ لَا تَطْرُدُ الْمُخْلِصِيْنَ عِرَاصُفُ
الْاِمْتِحَانِ عَنِ التَّقَرُّبِ الْيَكِّ ... لَا يَقْلِبُهُمُ الْبَلَايَا عَنِ اَمْرِكَ وَ لَا الْقَضَايَا عَنِ رِضَانِكَ.^(۳)

آنچه قد ینزل من سماء جویده ما هو خیر لکم و ما نزل من عنده أنه لیغنیکم عن العالمین.^(۴)

باید توجه داشته باشیم که هر آنچه اتفاق می‌افتد، بنا به حکمتی است و ابداً هیچ واقعه‌ای بدون دلیل نیست. (ترجمه)^(۵)

ما در زمان انکاء به شرایط مادی زندگی می‌کنیم. مردم تصور می‌کنند که عظمت و قدرت کشتی، موتور و دستگاه کامل و پیشرفته و مینارت ناخدا امنیت را تضمین می‌کند. اما این مصیبت‌ها^(۶) گاهی اتفاق می‌افتد تا مردم بدانند خداوند حافظ حقیقی است. اگر مشیت خداوند بر حفظ انسان تعلق گرفته باشد، قایق کوچک از انهدام و نابودی نجات می‌یابد، در حالی که بزرگترین و کاملترین کشتی با ماهرترین و بهترین ناخدا ممکن است از خطری که امروز در اقیانوس وجود دارد مصون نماند. مقصود این است که اهل عالم به خداوند که تنها حافظ و حارس است توجه کنند و نفوس بشری به حفظ و صیانت او توکل کنند و بدانند که او امنیت حقیقی است ...

تصور نکنید که مقصود از این کلمات این است که انسان در تعقدانش نباید کامل، بی‌نقص و

۱- کلمات مکتوبه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷

۲- فقرة ۱۰۳ از *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah* (اصل این بیان یافت نشده است).

۳- مناجاة، طبع برزیل، ص ۷

۴- منتخبات آیات از آثار حضرت تنظی اولی، ص ۱۱۶

۵- خطابه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالها، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۴۶

۶- غرق شدن کشتی تابنائیک

دقیق باشد. خدا به انسان هوش و درایت عنایت کرده تا خود را حفظ و حراست کند. لہذا، از تمام آنچه که مهارت های علمی می تواند خلق کند باید برای خود استفاده کند. او باید در مقاصد خود آگاہ، سنجیده و با تفکر عمل کند، بهترین کشتی را بسازد و از مجرب ترین ناخدا استفاده نماید؛ اما در عین حال به خداوند توکل کند و او را تنها حافظ حقیقی بشناسد. اگر خداوند حفظ کند، هیچ چیز نمی تواند امنیت انسان را دچار مخاطره نماید و اگر ارادۀ او به صیانت و حراست تعلق نگرفته باشد، هر قدر تدارکات کامل و احتیاط و پیشگیری در حدّ عالی باشد، نتیجه ای ندارد. (ترجمه) (۱)

ایمان و اعتماد بیشتر به خدا

در عین حال که حضرت ولی امرالله شما را تشویق می فرمایند که در کمال شہامت با بسیاری از موانع که بر سر راه شما قرار دارد، مواجهه شده بر آنها غلبه نمایید، اما توصیه می فرمایند در صورتی که شکست حاصل شود یا هر اتفاقی برای شما بیفتد، شما باید در کمال بشاشت و طراوت راضی به رضای الہی و کاملاً تسلیم ارادۀ او باشید. ابتلائات، امتحانات و افتانات ما گاهی مواهب الہی در ہیاتی متنازند، چه که به ما می آموزند ایمان و اعتماد بیشتر به خدا داشته باشیم و خود را به او نزدیکتر سازیم. (ترجمه) (۲)

هر واقعه ای دلیلی دارد

رنج و درد هم تذکر است هم راحتم. رنج ما را برمی انگیزد تا خود را با شرایط محیط بهتر تطبیق دهیم و به این ترتیب طریقی را برای ارتقاء وجود خود طئی کنیم. هر فردی در هر ناراحتی و رنجی می تواند معنی و حکمتی بیابد. اما همیشه یافتن سر حکمت مزبور سهل و آسان نیست. گاهی اوقات فقط وقتی که رنج مزبور سہری شد بر نمره و فایده اش وقوف می یابیم. آنچه را که انسان شرم می بندارد غالباً معلوم می شود علتی برای مواهب الہیہ بوده است. این بدان سبب است که انسان میل دارد بیش از آنچه که می تواند، بداند. حکمت الہی مسلماً برای همه ما اسرار آمیز و غیر قابل درک است و سعی و تلاش بیش از حدّ برای کشف آنچه که باید همیشه برای ذهن ما به صورت سری باقی بماند، بی فایده است. (ترجمه) (۳)

چقدر غریب است که انسان مادام که بر وجه ارض حضور دارد چقدر باید رنج و مصیبت را بر خود هموار سازد، اما تسلای ما باید آن باشد که این مصائب بخشی از نقشه الہی است که ما هنوز نمی توانیم کاملاً پی به ارزش آن ببریم. (ترجمه) (۴)

۱- خطبہ ۲۳ آوریل ۱۹۱۲، Promulgation، ص ۴۸

۲- مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجبآء، Compilation، ج ۲، صفحہ ۷، قمر ۱۲۸۲

۳- مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجبآء، Unfolding Destiny، ص ۴۳۴

۴- مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجبآء، Unfolding Destiny، ص ۴۲۹

جناب ... در مکتوب مورخ ۱۹ اوت ۱۹۹۴ سزالاتی را در خصوص رنج و اختیار مطرح می‌کنند. ایشان سؤال می‌کنند که غیر از افتنانانی که خود ما با برای یکدیگر مسبب آن هستیم، آیا تمام امتحانات را خداوند برای تطهیر فردی و جسمی عالم انسانی نازل می‌فرماید یا برخی از آنها مانند زمین لرزه یا امراض علاج‌ناپذیر کاملاً تصادفی هستند. ایشان همچنین مایلند بدانند آیا اراده آزاد و اختیار انسان برای ظهور مثبت الیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایشان برای این که به مثال این موضوع را روشن کنند به قتل ناقض ميثاق، سید محمد اصفهانی، به دست سه نفر از بهائیان که در آن زمان با حضرت بهاء الله در عکا زندگی می‌کردند اشاره می‌کنند. ایشان متوجه هستند که حضرت بهاء الله این کار را نهی فرمودند و بعد از وقوع آن مبیوت و مأیوس شدند، معیناً در کتاب اقدس به مرگ سید محمد اصفهانی به عنوان هشدار به میرزا بحیی اشاره کرده می‌فرمایند، *قد أخذ الله من أغواک*^(۱). یعنی در این مثال، می‌تواند اینگونه باشد که خداوند از نفوس بیگناه و باوفا برای ارتکاب یک عمل نذیر انگیز استفاده می‌کند تا هدف خودش تحقق یابد...

همانطور که جناب ... از مطالبی که قبلاً مطالعه کرده‌اند متوجه هستند سألۀ رنج بردن و برخورداری از اختیار، هم عمیق است و هم درکی آن بسیار دشوار. در برخی یادداشت‌های زائرین مذکور است که حضرت عبدالبهاء خاطر نشان می‌فرمایند که رنج موجودات بیگناه و اختیار انسان دو مورد از سه راز بزرگ الهی است و سر مین مورد راز خیر و شراست. معیناً، برخی از نصوص امری این مواضع را تا حدی روشن می‌کنند. ما به طور اخص به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

- دو نوع رنج و عذاب وجود دارد؛ یکی برای آزمایش و دیگری برای مجازات؛
- عالم انسانی به طور اعم مجازات الهی و بلاهی را که عفویت اوست تجربه می‌کند و این مصیبت عبارت از آشوبها، پریشانی‌ها، جنگ، فحطی و شوع بیماری سری است.
- برخی از امتحانات نتیجه اختیار خود انسان و اراده آزاد اوست.
- علم خداوند به وقایع آتی موجب و سبب وقوع آنها نیست.
- هر آنچه که رخ می‌دهد برای احبای الهی مطلوب و مفید است.
- خداوند از هر آنچه که اتفاق می‌افتد برای اهداف خود استفاده می‌کند.

شاید نکته اخیر بخصوص به موضوع قتل سید محمد اصفهانی به وسیله پیروان باوفای حضرت بهاء الله مربوط باشد. نمی‌توان گفت که ارتکاب قتل منطبق با مثبت الیه بود، زیرا نقض آشکار حکم الهی است که حضرت بهاء الله بنفسه المقدس هدایت فرمودند. معیناً این عبارت که *انه ينصر امره مرة بأعدائه وأخري بأوليائه*^(۲) به نظر می‌رسد تلویحاً به این نکته اشاره دارد که هر نفسی، از جمله نفوسی که بنا به اختیار خویش به مخالفت با امر الهی و عصیان نسبت به خداوند مبادرت می‌کنند، در آخرین تحلیل، وسیله‌ای در اختیار خداوند است. این موضوع با آن فرضیه انطباق دارد که هر چه اتفاق می‌افتد تجلی یا وسیله مثبت الیه است که *كل عباد له وكل*

بأمره قائمون^(۱)، گو این که هر آنچه اتفاق می افتد میببب آن ضرورتاً خداوند نیست. تفاوت بین نفوسی که آگاهانه به خداوند روی می آورند و کسانی که با او مخالفت می کنند با عصیان او امر او را می نمایند، به نظر می رسد چنین باشد که گروه اول آگاهانه حالتی را انتخاب می کنند که در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض^(۲) باشند.^(۳)

جناب ... ممکن است مابیل باشند به توضیحات جان اسلمنت که در کتاب بهاء الله و عصر جدید در مبحث عمومیت رنج^(۴) مطرح کرده اند مراجعه نمایند. (ترجمه)^(۵)

۱- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطة اول، ص ۱۵۶

۲- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۷

۳- این بحث از توضیحات آرش ابی زاده که در *Journal of Bahá'í Studies* مجلد سوم، شماره ۱، صص

۶۷-۷۲ درج شده، اقتباس شد. ۴- بخش ۶

۵- یادداشت دارالتحقیق بیت العدل اعظم به تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۹۴

هدف از امتحانات:

اثبات أخلاص

اثبات اخلاص

لو لا البلیا فی سبیلک من اینّ تظهر مقامات عاشقیک و لو لا الرّزایا فی حبّک بأی شیء
تبین شتون مشتاقیک و عزّتک انیس محبّیک دموع عیونهم و مونس مریدیک زفّرات قلوبهم و
غذاء قاصدیک قطعات اُکبادهم.^(۱)

امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از
کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خوار از کُل ممتاز و معلوم شود.
چنانچه فرمود: *ألم أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون*^{(۲) (۳)}

لو لا البلیا لم یظهر الامتیاز بین عبادک الموقنین و المریین، انّ الذینهم سکروا من خمر
معارفک اولئک یسرعون الی البلیا شوقاً للقانک.^(۴)

آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بُعد و هوی بیمن قُرب و لقا
رساند. لو شاء الله لیكون الناس أمة واحدة. ولكن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجرّده
است که بفطرت اصلیه خود بشاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان
امکنه ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند. کذلک قُدّر الامر من قلم عزّ منیر...^(۵)

چون مقصود امتیاز حقّ از باطل و شمس از ظلّ است، این است که در کلّ حین
امتحان های مُنزله از جانب ربّ العزّه چون غیث هاطل جاری است.^(۶)

بلیا و محن نصیب اصفیاء الهی است

فاعلموا بانّ البلیا و المحن لم یزل کانت موکّلة لاصفیاء الله و احبّانه ثمّ لعیاده المنقطعین
الذین لا تُلهیهم التجارة و لا یبع عن ذکر الله و لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم لمنّ العالمین. کذلک
جرت سنّة الله من قبل و یجری من بعد.^(۷)

امتحانات و افتنانات فقط قلوب ضعیفه را مضطرب سازد. اما صد هزار بلیا برای نفوس
مخلصه جز شبح، تصوّرات و ظلّ زائل نیست. ظلّ مقاومت اشعه آفتاب نتواند و نفعات پاک

۱- حضرت بهاء الله، مناجاة، طبع برزیل، ۱۲۸ بدیع، ص ۱۰۶

۲- قرآن، سوره عنکبوت، آیه ۲

۳- ایقان، طبع آلمان، ۱۵۵ بدیع، ص ۵

۴- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ۱۱

۵- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۳۶۹

۶- ایقان، ص ۲۵

۷- سوره الملوک طبع طهران، ص ۱۵ / الواح نازله خطاب به ملوک و رزسای ارض، ص ۲۸

مقدس با شک و ریب جمع رعاع مستور نییاند. صداع منزلزلین و مریبین بر شعور و اشفاق
سرمست خمر محبت الیه تأثیر نگذارد. (ترجمه)^(۱)

تاگوهر از خرف و ذهب ابریز از زر مغشوش متمایز شود

اگر امتحانات نبود ذهب ابریز از زر مغشوش متمایز نمی‌یافت. اگر امتحان نبود، نفس شجاع
و شهبم از خائف و جیون تمیز داده نمی‌شد. اگر امتحان نبود، نفوس باوقا از بی‌وقایان متمایز
نمی‌شدند؛ اگر امتحان نبود، متفکرین و هیأت‌های علمیه محققین در دارالعلم‌های عظیم پدید
نمی‌آمد. اگر امتحان نبود احجار کريمة ثعینه از سنگریزه‌های لایثمن و لایغنی متمایز نمی‌گشت.
اگر امتحان نبود هیچ چیز در این دنیای فانی ارتقاء نمی‌یافت. (ترجمه)^(۲)

تا انسان به امتحان نینشد زر خالص از زر مغشوش ممتاز نگردد. عذاب آتش امتحان است
که زر خالص در آن رخ برافروزد و مغشوش سوخته و سیاه گردد.^(۳)

از امتحانات وارده نگاشته بودید. امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است،
زیرا شخص شجاع به میدان امتحان حرب شدید بنیابت سرور و شادمانی بشتابد ولی جبان
بترسد و بلرزد و به جزع و فزع افتد و همچنین تلمیذ ماهر دروس و علوم خویش را بنیابت مبارک
تشیع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور اسنادان در نیابت شادمانی جلوه نماید و همچنین
ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید. پس واضح شد که امتحان از برای نفوس
مقدمه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان.^(۴)

مکتوب مفصل واصل شد. از فرائد آن سروری نیابت حاصل گردید، چون دلالت بر این
حقیقت می‌نمود که به معرفت و اذیت امتحانات نائل شده‌ای که تحمل بلا یا فی سبیل الله سبب
حصول نماید است؛ بلکه قوه آسمانی است و فیوضات عوالم قدرت و عزت. اما مصائب و بلاها از
برای ضعف امتحان است چه که ضعف ایمان و اطمینان آنها را به مصائب و مشکلات مبتلا سازد.
اما، برای نفوس که ثابت و مستقیمند، امتحانات اعظم فیوضاتند. ملاحظه نما وقت
امتحان علوم و فنون، تلمیذ کردن و تنبیل خود را محاط به بلا یا مشاهده کند. اما برای تلمیذ هوشیار
و دانا امتحان آموخته‌ها، مورث فخر و مباحات لایتنامی است. زر مغشوش چون بر آتش قرار
گیرد، پستی و غش خود را ظاهر سازد، اما شدت آتش بر جمال زر خالص بیفزاید. لذا، امتحان
برای نفوس ضعیفه مصیبت است و برای محتجبین موجب رسوایی و حقارت. پس در سبیل حق

۱- حضرت عبدالهبا، Tablets of Abdu'l-Baha، ص ۲۵۲

۲- حضرت عبدالهبا، نجم باختر، مجلد ۸، ص ۲۳۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۱۱۷

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۱۷۷

هر مشکلی آسان شود و هر مصیبتی فیض بی منتونی گردد. لهذا احتیای الهی و اماء الرحمن نباید در بلا یا آرام و ساکن نشینند و هیچ بلایی نباید آنها را از خدمت به امرالله مانع و رادع گردد. (ترجمه)^(۱)

و اما در خصوص امتحانات؛ مسلم است که آنها باید شدید باشند تا نفوسی که ضعیفند مأیوس و متفعل شوند؛ اما نفوس ثابته مخلصه از افق هدایت کبری بمشابه انجم مضیئه بدرخشند. (ترجمه)^(۲)

صداقت و خلوص نیت فقط با افعال ثابت شود

نفوسی که اظهار تعامیل می‌کنند که به خاطر حضرت مسیح متحمل رنج و عذاب گردند باید صداقت و خلوص خود را ثابت نمایند؛ نفوسی که اظهار اشتیاق می‌کنند که فداکاری عظیم نمایند فقط با اعمال و رفتار می‌توانند صدق گفتار خود را ثابت کنند. ایوب وفای به محبت الهی را با وفای خود در حین تحمل فقر شدید و همچنین ثروت و مکنت در زندگی اثبات کرد. حواریون مسیح که در کمال استقامت جمیع مصائب و آلام را تحمل کردند، وفای به عهد را به ثبوت رساندند؛ تحمل آنها بهترین دلیل و برهان بود. آن احزان، حال به انتهن رسیده؛ قیافا زندگی راحت و سعادت‌مندی داشت، در حالی که زندگی پطرس مشحون از احزان و مصائب بود. کدام یک از آنها بیشتر محسود سابرین است؟ لابد بر این است که شرایط فعلی پطرس أرجح است، چه که از حیات ابدی برخوردار است؛ اما قیافا ننگ ابدی برای خود خرید. مصائب پطرس وفای او را امتحان کرد. (ترجمه)^(۳)

اقبال به ملکوت الله آسان ولی ثبات و استقامت مشکل و امتحانات صعب و گران.^(۴)

نامه‌ات رسید و مضمون معلوم شد. فی الحقیقه در ورطه امتحانات شدید افتادی و ابتلائات مولمه تحمل کردی. این امتحانات مطابق نهایت حکمت است، لهذا احسن و اولی. انسان باید متحمل باشد.

در حضرت ایوب تأمل کن؛ چه مصائبی، ابتلائاتی و معضلاتی را تحمل فرمود. اما این امتحانات مانند نار بود و حضرت ایوب مانند ذب ابریز. لابد بر این است که چون ذب را در آتش نمی‌تظہر گردد و بر خلوص بیفزاید و اگر مغشوش باشد یا ناخالصی داشته باشد، غش زائل گردد. این است که امتحانات شده علت عزت ابدیه صالحان شود و به محو و زوال ناصلاحان منتج گردد.

۱- بیان حضرت عبداله‌ا. خطاب به خانم الاگودال کوپر، نجم باختر، مجلد ۲، شماره ۱۵، صص ۵-۶

۲- حضرت عبداله‌ا. Tablets of Abdu'l-Baha، ص ۴۷۱

۳- خطابه حضرت عبداله‌ا. Paris Talks، ص ۵۰

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌ا. ج ۱، ص ۲۶۴

حکمت جمیع این مصائب که لایضطیع بر تو نازل گردید، این بود که می‌بایست آماده می‌شدی و منتهی‌ای این امر می‌گشتی و مشتاق و وصول به هدایت گیری می‌شدی؛ چه که جمیع این امتحانات فقط جهت حصول آمادگی تو برای ورود به فردوس اعلی و هدایت کسب فیض عظمی بود.

اگر فصل زمستان ظاهر نشود، رعد نغزد، صاعقه ندرخشد، برف نریزد، باران نیارد، نگرگ و سرما نیاید، شدت برد احاطه نکند، در این صورت بیمار و حبهش پدیدار نگردد و نسیم جانبخش نوزد، اعتدال هوا تحقق نیابد، گل و سنبل نروید، بسط غیرا فردوس اینی نگردد، درخت به شکوفه نشیند، ثمر نبخشد، شاخ و برگ نرویند. آن شدت برد و برف و یخ و طوفان بدایت ظبور گل و سنبل، شکوفه و غنچه و ثمر بود.

پس، از این بلاهای وارده محزون مباش و مغموم مگرد؛ بلکه برخیز و حمد و ثنا گوی که مقصد نهائی حصول این فیض جلیل است و تنعم از این موهبت جمیل رب عزیز. لہذا، کمر همت محکم ببند و بذل مجبوبات کن تا اعمار پدیدار شود و فواکه فراهم آید، سراج حیات ابد به مضاء گردد و مواهب رب الملکوت باهر شود تا بتوانی در کمال وجد و شغف و شور و اشتیاق به عبادت رب الجنود پرداززی. (ترجمه)^(۱)

ای احباء و اماء الرحمن نامہ‌ئی از محفل روحانی لاز آنجلیز رسبد. دلیل بر این بود که نفوس مبارکہ کالیفرنیا مانند جبل راسخ مقاومت اریاح نقض می‌نمایند و چون اشجار مبارکہ در ارض میناق ریشه نموده‌اند و در نهایت متانت و ثباتند. لہذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم که روز بروز بر متانت و استقامت بیفزایند. امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است. چون تا بحال چنین میناقی صریح به قلم اعلی و قوع نیافته، لہذا امتحانات نیز عظیم است. این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید، ولی در نفوس قویہ امتحان چه تأثیر دارد.^(۲)

امتحانات الہیہ از جمیع جہات شما را احاطہ نموده و ابتلائات کثیره واقع شده؛ اما الحمدلہ شما و همسر محترم صابر، شاکر و ثابت هستید. از لوازم و سجایای نفوس مؤمنه این است که بر امر الہی ثابت و راسخند و در مقابل امتحانات ظاہره و باطنه مستقیم و ثابت. الحمدلہ شما ممتازید و با این موهبت شیر و نامور شدید. در هنگام راحت و سلامت، صحت و نعمت، مسرت و لذت، هر نفسی ابراز رضایت نماید؛ اما اظهار مسرت و رضایت در حین شدت و مشقت و احاطہ مرض و فقدان صحت علامت علو طبع است و سمو نفس. الحمدلہ این امه عزیز نهایت صبر و شکیبایی در این مصیبت نشان می‌دهد و در جایی که سایرین لسان به شکوه و شکایت باز کنند به شکر و ثنا پردازد.

من فی الحقیقه از هر دوی شما راضی‌ام و از خداوند می‌خواهم که در عالم بالا راحت و

۱- حضرت عبدالہاء، Tablets، حصص ۷-۶۵۵ / مورد مشابه در مانند: ۵، ص ۲۲۰ (حرف ت، باب ۷)

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالہاء، ج ۱، ص ۲۰۴، فقره ۱۸۵

مسرت بی منتهی عنایت فرماید؛ چه که این جهان خاک تنگ و تاریک و خوفناک است، تصویر راحت و استراحت نتوان کرد، مسرت واقعی منقود است. هر نفسی اسیر دام احزان است و شب و روز گرفتار زنجیر مصائب و بلاها. اما احتیای الهی توجه به عالم نامحدود دارند و از مصائب و بلاها مغموم و دلسرد نشوند، بلکه تسلای دل و جان یابند. اما سابرین ابداً وسیله‌ای ندارند که در زمان مصیبت آنها را تسلی بخشد. هر زمان مصیبتی واقع شود و شدت و سختی رخ گشاید، محزون شوند و مأیوس گردند و از فیض و رحمت رب الهی نومید شوند. (ترجمه)^(۱)

برای متمایز ساختن مؤمنین مخلص از عامه ناس در عالم انسانی

در حقیقت نفس الامر این عطیة روحانیة نظر بشور و مکاره حتمیه است که متأسفانه ملت مذکور (آمریکا) بسبب انحراف در مدبیت مادیة و انهماک در شئون مادیة با وجود خصائص و مزایای جسمیة باهره بدان مبتلا گردیده است. این است که جمال اقدس ایبی و مرکز عهد اوفی حضرت عبدالیهاء آن کشور را بنحو انحصار علمدار نظم بدیع الهی که در الواح و آثار مقدسه مدون و مسطور است مقرر فرموده‌اند. زیرا به همین دلایل و امارات و ظهور شواهد و بیانات است که قدرت مطلقه حضرت بقاء الله به نسلی که به حقایق روحانیة بی اعتناء بوده و هست، واضح و مسلم می‌گردد که چگونه آن وجود مبارک از بین جماعتی که در دریای مادیات مستغرق و به یکی از موخس‌ترین و قدیم‌ترین تعصبات جنبه گرفتار و در دام مکاید سیاسیة و اعمال سینه سخیفه و عدم انضباط در اصول و مبادی اخلاقیة مقید و محصور، رجال و نسائی مبعوث فرمود که به مضی زمان و به نحو دائم‌الترایدی به اخلاق و شیم راضیه مرضیه و صفات و آداب ممدوحه از انتطاع و منانت و عفت و عصمت و راستی و صداقت و محبت عمومیة فارغ از حدود و ضوابط بشریة و نظم و انتقان و معرفت و ایقان متصف و متخلق گردند به نحوی که خود را برای تحقق سبب عظیمی که در استمرار نظم بدیع جهانی و مدبیت آسمانی بر عهده داشته مستعد و مهیا سازند، نظم و مدبیتی که سکان آن ارض بل کافه نوع بشر را بدان احتیاج و نیازمندی شدید است.^(۲)

آینده امر مبارک به مؤمنین ممتحن بستگی دارد

همیشه بین یاران و احتیای ممتحن تفاوت مهمی وجود دارد. هر قدر که یاران الهی نفوسی گرانقدر و ارجمند باشند، آینده امر مبارک به احتیای ممتحن بستگی دارد. (ترجمه)^(۳)

۱- حضرت عبدالیهاء، Tablets، صص ۵-۲۶۱ ۲- ظهور عدل الهی، ۴۲

۳- مکتوب ۴ آوریل ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احتیای، Lights of Divine Guidance ج ۲، ص ۲۴

هدف از امتحانات:

اصلاح اعمال

هدف از امتحانات:

اصلاح اعمال

اصلاح اعمال

یا حزب الله مرتب عالم عدل است چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات: و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات عالم.^(۱)

خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات ... لِلْعَدْلِ جَنْدٌ وَ هِيَ بِمَجَازَاتِ الْاَعْمَالِ وَ مَكَافَاتِهَا؛ بَهَا اَرْتَفَعَ خِيَاءُ النَّظْمِ فِي الْعَالَمِ وَ اَخَذَ كُلُّ طَائِفٍ زَمَانًا نَفْسَهُ مِنْ خَشِيَةِ الْجَزَاءِ.^(۲)

اعمال ما، ما را از خداوند دور می کند

لم ادر يا الهی ائی نار جعلتها مشتعلة فی ارضک بحيث لا یسترها التراب و لا یخمدھا المیاہ ... و مِنْ النَّاسِ مَنْ وَقَفَتْهُ يَ اَلهی بِالْتَقَرُّبِ اِلَيْهَا وَ مَنْ جَعَلْتَهُ مَحْرُومًا عَنْهَا بِمَا اُكْتَسَبَتْ يَدَاہُ فِي اِيَامِكِ.^(۳)

امتحانات بر دو قسم است. اول عواقب اعمال خود او. اگر نفسی در خوردن افراط نماید، به دستگاه هاضمه اش لطمه می زند؛ اگر زهر بخورد مریض می شود یا می میرد؛ اگر نفسی قمار کند، ثروت خود را از دست می دهد؛ اگر به شرب خمر به افراط مبادرت کند، تعادلش را از دست می دهد. موجب تمام این آلام، نفس انسان است. پس واضح است که بعضی از احزان و آلام منبث از اعمال خود ماست.

دوم، آلامی که ناشی از وفای به خداوند است. احزان عظیمه ای را که حضرت مسیح و حواریون آن حضرت تحمل کردند ملاحظه کنید. (ترجمه)^(۴)

جنگ و غارت و مظالم توأم با آن در ساحت حق مردود است و لذا مورث جزا می شود، زیرا خدای محبت خدای عدالت نیز هست و هر نفسی لابد باید جزای اعمال خود را مشاهده کند. (ترجمه)^(۵)

۱- بشارت سیزدهم از لوح بشارات. مجموعه الواح طبع مصر. ص ۱۲۲

۲- لوح مقصود، دریای دانش، ص ۱۵ ۳- مناجاة، طبع برزیل، ص ۵۶

۴- خطابه حضرت عبداله، Paris Talks، صص ۵۱-۵۰

۵- خطابه حضرت عبداله، Paris Talks، ص ۱۰۸ (توضیح مترجم: اصل این خطابه مبارک که به تاریخ ۲۱ نوامبر ایراد شده در صفحات ۱۴۵-۱۳۹ خطابات مبارکه جلد سوم مندرج است. اما عبارات فوق در اصل خطابه موجود نیست. فقط این بیانات مشاهده می شود. تا بدانند که خدا عادل است، لابد جزای هر عملی را می دهد، خداوند از ظلم نمی گذرد، البته عادل است. (ص ۱۴۲)

مجازات فی الحقیقه محبت الهی نسبت به انسان است

سؤال نمودی که آیا آلام، مصائب و مشقت ها از جانب خداست یا نتیجه اعمال شر انسان. بدان که آلام دو قسم است: یکی برای امتحان است و دیگری برای مجازات اعمال غیرممدوحه. آنچه که برای امتحان است جهت تربیت و ترقی فرد است، و آنچه که برای مجازات اعمال است کثیر شدید است.

پدر و معلم گاهی نسبت به اطفال عذرت و ملامت نشان می دهند و گاهی با خشونت رفتار می کنند. مقصد از چنین شدت و حدیث تربیت و تعلیم است؛ عذرت حقیقی است و فضل و مرحمت واقعی. اگرچه بظاهر خشم باشد، در واقع مهربانی است. هر چند به ظاهر عذاب است، در باطن نسیم رحمت رب و قاب است.

در هر دو صورت، باید به آستان مقدس دعا و مناجات کرد تا در امتحانات ثابت قدم باشی و در آلام و اوجاع صبور و بردبار بمانی. (ترجمه)^(۱)

عذاب بر دو قسم است

بدان که عذاب بر دو قسم است، عذاب لطیف و عذاب غلیظ. مثلاً نفس حیث عذاب است، ولی عذاب لطیف است و نفس غفلت از حق عذاب است، نفس کذب عذاب است، ظلم عذاب است، خیانت عذاب است، جمیع نقایص عذاب است. نپایش این است که عذاب لطیف است. البته انسانی که شعور داشته باشد نزد او قتل بیشتر از خطاست و لسان بریده بیشتر از کذب و افتراست. و نوع دیگر از عذاب، عذاب غلیظ است که مجازات است، حبس است، ضرب است، طرد است، نسی است. «ما در نزد اهل الله احتجاب از حق اعظم از جمیع این عذابهاست.»^(۲)

فی الواقع عصبان را مدخلی عظیم در امراض جسمانی محقق است. اگر چنانچه بشر از اوساخ عصبان و طغیان بری بود و بر میزان طبیعی خلقی بدون اتباع شهوات سلوک و حرکت می نمود. البته امراض به این شدت تنوع نمی یافت و استیلا نمی نمود. زیرا بشر منبمک در شهوات شد و اکتفا به اطعمه بسیطه نکرد. طعام های مرکب و متنوع و متباین ترتیب داد و منبمک در آن و در ردایل و خطایا شد و از اعتدال طبیعی منحرف گشت. لیزا، امراض شدیدة متنوعه گوناگون حادث گردید.^(۳)

به علت قصور انسان در اقبال به یزدان

دو عامل وجود دارد. اراده الهی و اختیار ما؛ ما باز بچه و آلت دست نیستیم؛ اگر مرتکب اشتباهی شویم، باید بیای آن را بپردازیم. حضرت بیاء الله طالب معانعت از وقوع جنگهای پنجاه سال گذشته

۱- بیان حضرت عبدالهبا، نجم باختر، مجلد ۸، ص ۲۳۵

۲- مفاوضات عبدالهبا، ص ۱۹۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۷، ص ۱، ۱۴۹، فقره ۱۳۴

بودند. احدی اعتناء نکرد. حال ما با تحمل این آلام و اوجاع مجازات می شویم و این به نفع ما است؛ اما راه ساده تری هم وجود داشت که اقبال به پیام نازل از ساحت حق بود. ما آن طریق را انتخاب نکردیم، لذا خداوند ما را در این سیل فرار داد...

مصائبی برای امتحان و نیز برای مجازات وجود دارد - تصادفات و آشنائینی نیز وجود دارد که به وضوح مربوط به امر علت و معلول است. (ترجمه)^(۱)

نقض قوانین روحانی به مالطمه می زند

در ملاحظه تأثیر اطاعت از احکام در زندگی فردی، باید به خاطر داشت که هدف از این حیات آماده ساختن روح جهت زندگی بعدی است. در اینجا باید آموخت که چگونه باید غرایز و امیال حیوانی را تحت انضباط در آورد و برده آنها نشد. زندگی در این عالم عبارت از یک رشته امتحانات و موقفتها، یک سلسله شکستها و ترقیات روحانی است. گاهی اوقات سیر امور ممکن است دشوار به نظر آید، اما مکرراً می توان مشاهده نمود نفسی که در کمال استقامت از احکام حضرت بهاء الله، هر قدر که مشکل به نظر برسند، اطاعت می کند، از لحاظ روحانی رشد می نماید، در حالی که شخصی که برای حصول مسرت ظاهری خود حکم الهی را بی اعتبار می سازد، آشکارا از اوهام و خیالات خویش تبعیت می نماید. او به مسرتی که طالب آن است واصل نمی گردد، ترقی روحانی اش را به تعویق می اندازد و غالباً برای خود مشکلاتی ایجاد می کند. (ترجمه)^(۲)

درست همانطور که قوانینی بر زندگی عنصری ما حاکم است و ما را ملزم می سازد که اگر مایلیم از ناتوانی های جسمی پرهیز کنیم، غذای معلوم را برای جسم خویش تأمین نماییم و آن را در حد معینی از حرارت حفظ نمائیم و امثال آن، احکامی چند نیز بر حیات روحانی ما حاکم است. این احکام و قوانین در هر عصری توسط مظاهر ظهور الهی برای نوع بشر نازل شده، و اطاعت از آنها برای هر یک از افراد بشر حائز اهمیت حیاتی است و عالم انسانی به طور کلی، باید به نحوی مناسب و هماهنگ رشد نماید. بعلاوه، این وجوه مختلف از یکدیگر مستقل هستند. اگر نفسی احکام روحانی را به خاطر پیشرفت شخصی خود نقض نماید، نه تنها به خویش بلکه به جامعه ای که در آن زندگی می کند نیز لطمه خواهد زد. همچنین شرایط جامعه تأثیر مستقیم بر افرادی دارد که باید در آن زندگی کنند. (ترجمه)^(۳)

تبدیل موانع به مرحله ای از پیشرفت

ما بهائیان اعتقاد راسخ داریم که، اگر روحی سلیم داشته باشیم، می توان موانع را به مراحل از

۱- مکتوب ۱۹ مارس ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احنایا.

۲- دستخط بیت العدل اعظم به یکی از احنایا. Lights of Guidance، قرة: ۱۲۰۹

۳- دستخط بیت العدل اعظم به یکی از احنایا. Lights of Guidance، قرة: ۱۱۴۶

بیشتر تبدیل کرد. شما، بالاخره، با شجاعت یا حقیقت مواجه شدید و تصدیق نمودید که تاکنون در اداره امور زندگی خود قصور نموده مرتکب اشتباه شده‌اید و در صراط مستقیم قدم نینادید. اما، حال، این وضعیت جدید و روحانی شما باید ثابت گردد و اثبات و امتحان مطمئناً شامل طریقی خواهد بود که برای مکافات خود تعیین می‌کنید.

زندگی مبتنی بر قوانین و احکام است. قوانین عصری، مصنوع بشری و قوانین روحانی. چون شما مقررات اجتماعی را که در آن زندگی می‌کنید نقض کرده‌اید، باید مردانه بایستید و منحل مجازات شوید. روحیه انجام دادن این کار بسیار حائز اهمیت است و فرصتی عظیم را برای شما تأمین خواهد نمود ... در حال حاضر، تا زمانی که محکومیت شما به انتهی برسد، باید در درون خود به نحوی زندگی کنید که آینده جدیدی را که منتظر شماست ضایع نکنید. نباید احساس مرارت کنید - زیرا از همه چیز گذشته، ثمره اعمال خود را می‌چشید. حضرت پناه‌الله و حضرت عبدالبنیاء، بدون این که ادنی جرمی مرتکب شده باشند، بهترین ایام حیات را در تبعید و سجن سپری ساختند. اما، اگرچه قربانی بی‌عدالتی بودند، اهدای زندگی را به خود تلخ نکردند. از طرف دیگر، شما قربانی بی‌عدالتی ای هستید که مسبب آن خود شما هستید، لهذا، نباید نسبت به عالم، احساسی تلخ و ناگوار داشته باشید.

هیكل مبارك به شما توصیه می‌فرمایند که در نیابت رسوخ به تعالیم امر مبارک متمسک باشید و به عائله و دوستان بیانی بسیاری که دارید عشق بورزید تا گذشته را بکلی پشت سر بگذارید و دریابید که گذشته نمی‌تواند به شما آسیبی برساند. برعکس، گذشته با منحول ساختن و آگاهی روحانی بخشیدن به شما، می‌تواند باعث غنای روحانی زندگی آینده شما شود. (ترجمه)^(۱)

مجازات می‌تواند ما را از ضعف‌های گذشته خلاصی بخشد

حضرت ولی امرالله او را تشویق فرمودند شجیمانه با آینده رویرو شود، مجازات قانونی جامعه را به عنوان تنبیهی جهت رفتار که مذموم است ضد اجتماع بود بپذیرد و بداند که رنج، نحتیر و مجازات او می‌تواند - اگر خود او بگذارد - وسیله استخلاص او از بسیاری از نقاط ضعف و اشتباهات گذشته‌اش شود و او را عضو ارزشمند جامعه سازد. او باید ناظر به آینده باشد، زیرا در قوه اوست که با اعانت حضرت پناه‌الله، در طریق ارزنده و سازنده زندگی قدم بگذارد. (ترجمه)^(۲)

۱- مکتوب ۸ آوریل ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباب، *Unfolding Destiny*، صص

۴۴۹-۵۰

۲- مکتوب ۲۳ ژوئن ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباب.

هدف از امتحانات:

رشد امرالله

رشید امرالله

در این کور ملاحظه شد که این هیچ رعاع گمان نموده‌اند که بقتل و غارت و نقی احتیای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفرسند و شمس صمدانی را از نور باز دارند. غافل از این که جمیع این بلاها به منزله دُهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یدکل الله ما یشاء و انه علی کل شیء قَدیر^(۱)

این بدگویان چنینند. سبب می‌شوند که مردم تفحص می‌کنند. در زمان مسیح‌گسی که در مذمت مسیح تألیف کردند، افتراهایی که به مسیح زدند، کذبهایی که در حق حواریون گفتند، آبا هیچ تعمیری داشت؟ کتب که فلاسفه آن زمان ردّ به مسیح نوشتند، آبا هیچ ضرری رسانید؟ بلکه جمیع آن کتب سبب ترویج شد، زیرا ذکر مسیح را مردم شنیدند، به تفحص و تجسس آمدند و هدایت یافتند.^(۲)

... معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمة الله و نشر آثار الله است. اگر تعرض مسکیرین و تینک مرجفین نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عریده بلهائ نبود، کسی صبت ظبور نقطه اولی روحی له الفدا و آوازه سطوع شمس بقاء روحی له الفدا بشرق و غرب می‌رسید و جهان را از کران تا به کران به جنبش و حرکت می‌آورد ... این فیوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش به حسب ظاهر استکبار جهلاء و تعرض بلهائ و تعنت ثقلا و تشدد ظلماء بود و الا صبت ظبور حضرت اعلیٰ هنوز به اقرب بقاع نرسیده بود. پس نباید از جهل جهلاء و تعدی زعماء و غففت فقها و تکفیر بلهائ محزون شد.^(۳)

ایذاء و آزارها باعث تقویت ایمان ما است

تاریخ امر مبارک، بخصوص در ایران، تصویری بارز از این حقیقت است که ایذاء و آزارها با برانگیختن قوای روحانی مکنون در قلوب آنها و با ایفاظ آگاهی و وقوفی جدید و عمیق‌تر در آنها نسبت به وظایف و مسئولیت‌هایشان در قبال امر مبارک، بلااستثناء موجب تقویت ایمان احتیای الهی می‌گردد. (ترجمه)^(۴)

امر مبارک دیر یا زود در معرض جمیع انواع حملات و آزارها واقع خواهد شد و این حرکتها فی الواقع عبارت از جریان خون حیات بخش در عروق تشکیلات امریه و به عبارت دقیق‌تر، بخش ذاتی

۱- مجموعه الراح طبع مصر. ص ۲۷۰ ۲- خطابات مبارکه، ج ۳، ص ۱۳۵

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۲۷

۴- مکتوب ۲۰ ژانویه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملّ حند و برما، *Compilation*. ج ۱، صص ۱۴۷-۱۴۶، قرة: ۲۸۵

و لا یشک رشد و توسعه آن است. امتحانات و افتتائات به بیان حضرت بهاء الله عبارت از ذهنی است که سراج امر مبارک را مضمی، نگاه می دارد و مسلماً در باطن. موجب الیهی است. لینذا باران باید مطمئن باشند که تمام این حملات که حال امر مبارک در معرض آن قرار گرفته ... برای اتساع نطاق امرالله لازم و ضروری است و نتیجه آنها برای مصالح و منافع امر مبارک منفید و مؤثر خواهد بود. (ترجمه)^(۱)

مخالفت با امرالله موجب انتشار و اعلان آن است

اما بعد از عزیمت من، بعضی از نفوس به مخالفت قیام کنند، شما را در کمال مرارت معرض ایذاء و آزار قرار دهند، و در جراید مقالاتی علیه امر منتشر کنند. مطمئن و مستقیم باشید. متین و آرام باشید و به خاطر داشته باشید که این به مثابه آوازی است از آواز طیور است و طولی نکشد که محو و نابود شود... پس، مقصود این است که شما را در مقابل بهتانها، انتقادهای، دشمنیها و استهزاهای در مقالات جراید یا سایر نشریات، اذار نعایم و تقویت کنم. از آنها متأثر نشوید، ملول نگردید. آنها نفس تحکیم امرند، منشأ اعتلاء این حرکتند. (ترجمه)^(۲)

امیدواریم خداوند بومی را قطعیت بخشد که دهها قسب کلباساها قیام کنند و با نفوس برهنه به صدای بلند فریاد برآرند که بهائیان گمراهند. مشتاقم آن یوم را ببینم، چه که بومی است که امر الهی انتشار یابد. حضرت بهاء الله امثال اینها را منادی امرالله خواندند. آنها بر فراز منابر فریاد بر آرند که بهائیان از جیلانند و از بلهها، گویند که آنها نفوس شیرینند و ناصالح. اما شما بر امر الهی ثابت و راسخ باشید. آنها پیام حضرت بهاء الله را انتشار خواهند داد. (ترجمه)^(۳)

امتحانات شدید موجب تقویت شجره ساری شده است

تاریخ محترالمقول این قرن جلیل بالمآل بر جمیع مخالفین امرالله، در سراسر عالم، واضح و مبرهن خواهد ساخت که آشوبها و بلواهای شدید موجب تقویت ریشه این شجره سعاری شده، امتحانات و مشکلات شدید اساس و بنیاد این بنای الیهی را قوت بخشیده است. ذلت محض به خلع عزت مزین گشته و مشقات و مصیبات ذهن سراج دین الله گشته و شعله اش را اشتعالی شدیدتر بخشیده است. حملات و خشونت های شدید مورت رسوخ و استقامت گشته و ایذاء و محرومیت بر شور و شوق افزوده و به اقبال نفوس و اعلان امر منجر شده است. (ترجمه)^(۴)

۱- مکتوب ۳۱ اوت ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجزاء. *Compilation*. ج ۱، فقرة ۲۸۸. صص ۱۴۹-۱۴۸

۲- خطابه مبارک ۱۰ نوامبر ۱۹۱۲. *The Pronulagation of Universal Peace*. صفحات ۴۳۰-۴۲۸

۳- مأخذ قبل

۴- بیان حضرت ولی امرالله مندرج در عالم بهائی. ج ۱۸، ص ۳۷

از آنجا که مخالفت با امرالله، از هر نشانی که نشأت گیرد، به هر شکل و صورتی که ظاهر شود، هر قدر طغیان‌ناپذیر و شدید و حاد باشد، فی الحقیقه قوه محرکه‌ای است که از طرفی نفوس مدافعین شیطی را برمی‌انگیزد، و از طرف دیگر سیلان جدیدی از قوه النیبه پابان‌ناپذیر را از وجود آنها به جریان می‌اندازد. مگر دعوت شده‌ایم تا مظهر مدافع و مروج مصالح و منافع باشیم، باید، نه تنها هر گونه ظهور و بروز خصوصی را دال بر تضعیف ارکان امرالله تلقی نکنیم، بلکه آن را موهبتی از طرف خداوند و فرصتی الهی بدانیم که، اگر منظور و می‌باید باقی بمانیم، می‌توانیم برای پیشبرد امر الهی و اضمحلال و اسقاط کامل مخالفتش و اعدایش مورد استفاده قرار دهیم...

مخالفت و مشابه‌ای که این بلور و ظهور باید برانگیزد، شدید، سبعانه، بلاوقته و بیرحمانه خواهد بود. احساس خطری که باید ایجاد نماید و خواهد نمود، خند و حسدی که محققاً بر خواهد انگیزد، سوء نیتی که به شدت و بی‌امان در معرض آن قرار خواهد گرفت، موانع و مشکلاتی که دیر بازود با آنها مواجه خواهد گشت، اغشاش و آشوبی که بالعمال باید برانگیزد، اعماری که نپایاناً باید برداشته نماید، مواهب و عنایاتی که مستقماً باید اعطاء نماید و عصر ذهبی جلیل و شکوهمندی که به نحوی متفاوت‌ناپذیر طلایه‌اش را باید آشکار سازد، تنها بدایتی است که به نحوی مبهم و ضعیف درک می‌شود و موقعی که نظم کین در زیر ثقل ظهوری چنین عظیم و شگفت‌انگیز منلاشی و مضمحل گردد، به نحوی دائم‌التراید ظاهر و باهر گردد و جالب انظار عموم شود. (ترجمه)^(۱)

از آن طرف آئین مبارکی که به آن همه خیانت ظالمانه دچار و به آن همه حجمات عنیفه محاط شده بود، پیوسته قدرتمندتر می‌شد و به پیش می‌رفت و از جراحاتش پروانداشت و ارکانش از هم نپاشید و زخم کاری بر نداشت و در بحبوحه بلا یا پیروان باوفايش را چنان الیام بخشید و چنان عزمی راسخ عطا کرد که هیچ سد محکمی مانعی برایشان به وجود نمی‌آورد و نور ایمانی در جانسان برافروخت که هیچ مصیبتی خاموش نمی‌کرد و امیدی در دلشان نیاد که هیچ نیروی سرسختی آن را بدر نمی‌برد.^(۲)

حرکتهای ایدایی اخیر در ایران

حرکتهای ایدایی جاری باعث شده است که صحت و شہرت امر مجربمان آنچنان مورد توجه اهل عالم قرار گیرد که ابدأ در طول تاریخ سابقه نداشته است. نتیجه مستقیم اعتراضاتی که توسط جامعه جهانی اسم اعظم به اولیاء حکومت در ایران گردید، شکایاتی که در اثر بی‌توجهی به این اعتراضات برای رسانه‌های گروهی فرستاده شد، مراجعه مستقیم تشکیلات بیانی به دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، جوامع کشورها، سازمانهای بین‌المللی و نقش سازمان ملل متحد، چنان بود که امر مبارک حضرت بنه‌الله در شوراها و جبهان نه تنها مورد توجه شفقت‌آمیز قرار گرفته، بلکه مزایا و حقوق پایمال شده‌اش مورد بحث واقع و قطعنامه‌های اعتراض‌آمیزی توسط حکومتها و دولت‌ها، اعم از انفراداً یا متفقاً، برای اولیاء حکومت ایران ارسال

۱- مکتوب ۱۲ اوت ۱۹۶۱ حضرت ولی امرالله به همایان آمریکا، Messages fo America صص ۵۲-۵۰

۲- نظم جهانی جهانی، ص ۱۵۲

گردیده است. جرابد عمده جهان و به دنبال آنها میطیوعات محلی، گزارش های شفقت آمیز درباره امر مبارک خطاب به میلیونها خواننده درج کردند، و ایستگاههای رادیو و تلویزیون به نحوی دائم التزاید حرکتیهای ابدایی در ایران را موضوع برنامه های خود قرار می دهند ... مسلماً این موج جدید اذیت و آزارها را که مید امرالله را فرا گرفته، می توان الطاف الهیه در کسوتی دیگر، مشاهده کرد، "عنایتی" دید که "بلا"یش را چون همیشه، جامعه محبوب ایرانی در کمال شهادت تحمّل می کنند. می توان آن را به عنوان جدیدترین حرکت در نشئه عظیم الهی دید، یعنی صور اسرافیلی دیگر برای بیدار کردن غافلان از خواب سنگین و عمیقشان ... (ترجمه)^(۱)

حضرت ولی امرالله در حیات طبیعی امر مبارک مناظره ای بین پیروزی و بحران را دریافتند. انتصارات غیر مترقبه منبث از استقامت سرسختانه باران ایرانی، مسلماً مورث مخالفتهایی خواهد شد تا موجب امتحان و افزایش قوت و توان ما گردد. هر یک از بهائیان عالم اطمینان داشته باشد هر آنچه که این امر در حال رشد و بالندگی الهی بدان مبتلا گردد، شاهدهی است محقق و غیر قابل انکار بر توجه محبت آمیزی که سلطان ملکوت جلال و مبشر شهیدش، از طریق مرکز بی مثیل و بدیل میثاقش و ولی محبوب امرالله، به وسیله آن پیروان ضعیفش را برای فتح و ظفر نهایی و عظیم آماده می سازد. (ترجمه)^(۲)

امتحانات و افتتانات حارس امرالله است

... مؤثرترین وسیله ای که توسط آن این نور حقیقت صیانت و حراست می گردد، عبارت از هجوم اعداء، امتحانات شديده و شداید کثیره است. زجاج این سراج اریاح طوفانی است و امنیت این سفینه در امواج متلاطم شدید.

لینذا، باید در مقابل مصائب آتویی به شکر و ستایش پرداخت و در برابر ظلم و جور شدید اشرار به ابراز سرور و حبور مشغول شد. چه که مصائب و مصاعب به بقای ابدی منجر گردد و اعظم وسیله جذب تأییدات لاریبیه و عنایات لانتباهه شود. (ترجمه)^(۳)

وقتی انسانها مشاهده کنند امر الهی، حتی در چنین ادوار ناآرامی های دهشتناک و با موانع بسیاری که در مقابل آن ایجاد شده، همچنان به ترقی و تقدّم خود ادامه می دهد، اگر انصاف داشتند و عدالت را می شناختند، حقیقت امرالله را تصدیق می کردند. بدیهی است اگر در این امر حقیقتی وجود نداشت، چنین ناآرامی و آشوبی، چنین موانع و سدهایی تاکنون شعله اش را خاموش ساخته بود. اما چون این امر الهی است، علیرغم هر مانع و رادعی به پیش می رود و

۱- پیام ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ معهد اعل خطاب به اجل عالم، Compilation، ج ۱، شماره ۲۲۷

۲- پیام ۲ ژانویه ۱۹۸۶ بیت العدل اعظم، Compilation، ج ۱، شماره ۲۲۸

۳- بیان حضرت عبدالباہ، عالم بهائی، ج ۱۸، ص ۲۹

اگر به دیده بصیرت ملاحظه شود، واضح و معلوم گردد که نفس اضطراب و آشفتگی، همین توالی مصائب و بلاها و شداید، و تکثیر امتحانات، مشقات و آلام فی نفس نیروی محرکه استعدادهای مکون در امر مبارک شده و قوه پُر جُذبه و نفوذ پراگیر آن را تقویت نموده است.

مسئلاً در نتیجه خوب ارباب بلاها و طوفان شدید امتحانات و امتحانات، ابعاد فعالیت امر مبارک توسعه، ارکانش به درجات متعالی تر ارتقاء و اساس و بنیانش تحکیم، شکوه و جلالش تزیید، سرعت توسعه نفوذش ازدیاد و تنوّق و استیلاش ظہور و بروز یافته است.

هر نظمه‌ای که از خارج توسط ابادی خطیبان بر جامعه پیروان امرالله وارد گشته، وسیله فتح و ظفر جدیدی برای امر الهی شده و هر بلا و آشوبی که از داخل جامعه در اثر دسائس و تحریکات خائنین بی‌وفا ایجاد شده به توفیق بارز امرالله و ظہور جلال و عظمت آن منجر شده است. (ترجمه)^(۲)

حال چون به نظر دقیق ملاحظه نمائیم معلوم می‌شود که این صرصر حوادث و شدائد با آن که به صورت ظاهر علت تشویش و اضطراب دوستان و موجب تشبیت و تفریق شمل یاران و مودت حدود بلاهای فراوان گردید و از جانب اعداء به ظہور علائم ذہول و انحطاط و بروز آثار ضعف و انحلال تلقی می‌شد، نتوانست از پیشرفت و تقدم آئین الهی جلوگیری نماید و با از وحدت و جامعیت آن بکاهد. بلکه بالعکس هیوب عواصف شدید سب نزول برکات سواره گردید و حدوث مصائب و فنن علت شعول تأییدات لاریبه شد و موجب تحقق وعود و بشارت و تائبه، ارکان و دعائم جامعه تشدید پذیرفت و حزب مظلوم از ثروت نفوس نالایسته تطہیر شد. نطقش توسعه یافت و آثار غلبه و سطوتش نمودار گردید و استحکام قواعد و مبادیش در انتظار جهانیان واضح و لانس آمد و منبوم و حقیقت آن محن و رزایا نزد اهل دانش و پیش آشکار گردید و بار و اغیار به اهمیت و ضرورت آن می‌بردند و کمتر موردی بود که این قضایای میرمه‌الیه حکمتش از انتظار مسنور و نتایج پینه خطیره‌اش از قبل و بعد از افشده منیره صافیه مخفی و مکتوم باقی مانده باشد.^(۳)

هر بلائی علتی و معنایی و نتیجه‌ای دارد

در چنین حال پُرونیالی که اهل عالم پریشان و دانایان امم در چاره‌آلام جهان حیرانند، اهل بنیاء به برکت و هدایت آثار مندمسه یقین دارند که این و فایع مُدمسه را هر یک علتی و معنایی و نتیجه‌ای است و کلّ از وسائل ضروریه استقرار مشبّت غالبه‌الیه در جهان محسوب. یعنی از یک طرف نازیانه خشم و فیر الهی در کار است تا کاروان گسخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواہ و ناخواہ به سرمنزول مقصود براند و بنانزند. از طرف دیگر مشتی ضعنار را در ظلّ هدایت و عنایت

۱- بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، نقل در ص ۲۵۸ Summon Up Remembrance اثر مرضیه گیل

۲- بیان حضرت ولی امرالله، عالم بهائی ج ۱۸، ص ۲۷

۳- قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۱۵۰

خوبش تربیت فرموده تا در این دوره تحول و عصر تکوین در میان طرفان‌های سهمگین به ساختن حصنی حصین که بالمآل منزلگاه و پناه آن قافله گم‌گشته است، همچنان مشغول باشند. لهذا، یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشایی در مقابل خوبش دارند، البته از آنچه پیش آید، پریشان خاطر نشوند، از نهب حادثه نهراسند، در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التیاب نیفتند و آتی از وظائف مقدسه خوبش باز نمانند.^(۱)

هر بلیه‌ای حکمتی دارد

اما یقین تام و اطمینان تمام دارم و آتی ادنی تزلزلی در عقیده راسخ من راه نیافته که هر آنچه در امر الهی پیش آید، هر قدر تأثیرات آتی آن نگران‌کننده و اضطراب‌آور باشد، مشحون از حکم بالغه لایق‌بایه است و نهایتاً به زویج مصالح امریه در عالم متج خواهد شد. مسلماً تجربه‌هایی که از ایام سالنه بعیده و نیز وقایع اخیره دارم، آنقدر کثیر و متنوع است که هرگونه شک و تردید نسبت به حقیقت این اصل اساسی را زائل می‌سازد؛ اصلی که در جمیع فراز و نشیب‌های رسالت مقدس ما در این عالم ابداً نباید از آن غفلت گردد یا به نییان سپرده شود. (ترجمه)^(۲)

امتحانات قلوب را برای اقبال به امرالله آماده می‌سازد

این مخاطرات، آلام و فتن صورت ظاهری عنایات است که طریق را هموار می‌سازد و قلوب نفوسی را که با آن مواجه شده استقامت می‌نمایند، برای معرفتی عمیق‌تر و اقبالی سریع‌تر و کامل‌تر به پیام سماوی حضرت بهاءالله آماده می‌سازد. (ترجمه)^(۳)

مشقت قلوب انسانی را آماده می‌سازد، و راه را برای اقبال قلبی و عمومی به اصول و معتمدات امر محبوب ما هموار می‌نماید. (ترجمه)^(۴)

احباء نباید از آلام و اوجاعی که چنین رفقت بار و اسفناک عالم انسانی را مبتلا ساخته مقهور و مایوس گردند. آنها باید بدانند که هرچه آتش پُر حرارت‌تر باشد، فلز انعطاف‌پذیرتر می‌شود. آنها باید امیدوار باشند که از تألمات و اضطرابات فعلی، آینده متولد می‌شود، آینده پرشکوه و جلال صلح و وحدت در میان ابناء بشر. بدیعی است تنها مشقت شدید است که با قوت تمام قلوب انسانها را تطهیر خواهد کرد. (ترجمه)^(۵)

- ۱- پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ بیت‌العدل اعظم به احببای ایرانی سراسر عالم، منتخباتی از پیامهای عمومی بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به یاران ایرانی. طبع آلمان، ۱۴۲ بدیع، ص ۸۳
- ۲- حضرت ولی امرالله، *Bahá'í Administration*، ص ۲۷
- ۳- حضرت ولی امرالله، *Dawn of a New Day*، ص ۹۱
- ۴- حضرت ولی امرالله، *Dawn of a New Day*، ص ۹۵
- ۵- مکتوب ۲۶ مارس ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

در تمام شرایط، فتح و ظفر از آن ما است.

آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقاق و تفاق نار. اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیاء وارد باز ریح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوس که غافل و جاہل و جاہدند اگرچه گویندہ بخیال دیگر گفته ولکن مطابق است با دستگاه حق. تو گوی بردی اگر جفت و اگر طاق آید. در هر حال ریح و تروت و منفعت با دوستان الهی بوده و اولیای حق از نار سردند و از آب خشک. یعنی امورات ایشان غیر از امورات اهل عالم است در هر تجارتی ریح با ایشانست. بشهد بذلک کل عاقل بصیر و کسل منصف سبیح^(۱)

اعداء کاملاً قاصر و ناتوان ماندند

چه بسیار نیرومند بوده اند فوانی که در خاموشی نور و قراموشی نامش از داخل و خارج کوشش فراوان کرده اند بعضی از نفوس اصولش را زیر پانواده راه آرنداد جُستند و به امرش خجالت و زردند و بعضی دیگر به لعن و نکبیرش چنان پرداختند که هیچ رهبر دینی به نکبیری بالاتر از آن قادر نبود و بالاخره برخی دیگر چنان توشین و تعذیبش نمودند که پیش از آن در قوت هیچ سلطان مستبذی نبود.

اما چیزی که از دشمنان پنهان و سرسخت ساخته بود متنبایش این بود که از سرعت رشدش بکاهد و موقتاً از تعقیب منافذش مانع شوند. در عوض کاری که بدست دشمنانش صورت گرفت تطبیر حیانتش و افزودن عمش و اشتعال روحش و پیرایش مؤسسانش و بسط اتحادش بود و هرگز اهل عدوان نتوانستند که در حیث وسیع پیروانش شکافی اندازند و تشبیه در آن به وجود آورند.^(۲)

از فتح و ظفر نهایی مطمئن باشید

امر مبارک چون قوت گیرد و دقت و توجه جدی عالم خارج را به خود جذب کند، احباً باید افزایشی مشابه، اگر نه شدیدتر از آن را، در قوای مخالف انتظار داشته باشند که، از هر جهت، اعم از مذهبی یا غیرمذهبی، مناجم گردد و در تضعیف اساس و بنیاد موجودیت آن جد و جید بذول دارند. نتیجه غائی چنین مبارزه‌ای، که مطمئناً عظیم و بنیابت جسم خواهد بود، برای آحاد احبّاء واضح و روشن است. امر مبارکی که از ذات الهی نشأت گرفته و با روح مقدس جامع و غالب البی‌اش هدایت شده، هر قدر قوایی که باید با آنها مبارزه نماید مستمر، بی‌وقفه و موزیانه باشد، بالمآل مظفر و منصور شده در نیابت انتان تأسیس و تثبیت خواهد شد. باران باید اطمینان داشته باشند و در نیابت حکمت و اعتدال حرکت و فعالیت نمایند، و باید بالاخص از هرگونه عمل تحریک‌آمیز اکیداً اجتناب کنند. آینده مطمئناً متعلق به آنها است. (ترجمه)^(۳)

۱- حضرت بها، الله - مجموعه بحرانها و پیردزی‌ها تدوین دارالتحقیق بین الملل. فقره ۴۷

۲- نظم جهانی جهانی. ص ۱۵۲

۳- مکتوب ۲۴ ژوئن ۱۹۳۶ از طرف حضرت ول امرالله خطاب به یکی از احبّاء. Compilation، ج ۱، فقره

ص ۲۸۷، ۱۴۸

هر آنچه برای امر مبارک اتفاق بیفتد، آینده درخشان است

هر چند امرالله در عتود و عنود آیه دچار شداند و مصائب عظیمه گردد و هر مقدار بر خطرات و انقلابات حائله در مرحله بعدی تکامل جهانی امر الهی بیفزاید و حملات و میاجمات اعدا از هر ناحیه و جهت علیه آئین نازنین تشدید پذیرد و امواج سهمگین مخالفت از هر سو سفینه نجات را احاطه نماید. نزد اهل بیاء، متمسکین بعروة وثقی که بحقائق الیه آشنا و براحمیت این امور که پیوسته ملازم با بسط و توسعه کلمة الله بوده واقف و مستحضرند و نتائج و آثار جسمه اش را در اعتلاء شریعت رحمانی بدیده بصیرت احساس کرده اند، این مسأله محقق است که همان قدرت و سطوتی که امرالله را طاعتی یکصد سال تحوّل و نظور خویش حفظ نموده و آن را در مسیر ترقی و تعالی سوق داده است، این دژ ثمین را پیوسته از تعرضات اهل عدوان محروس و در کنف صون و حمایت خویش مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت و موجبات نشو و ارتقاء آن را فراهم و از هر آفت و بلیّی حراست و صیانت خواهد نمود. آفاق جدیدی در مقابل انظار اهل عالم هویدا و فتوحات و انتصارات خطیره نصب پروان اسم اعظم خواهد گردید تا آن که پیام آسمانی حضرت بیاء الله کاملاً تحقق یابد و صبت عظمت و بزرگواریش بسمع اهل عالم رسد و سیطره محیطه از لیه اش بر جهان و جویان واضح و آشکار گردد. (۱)

هدف از امتحانات:

مواهب الهیه

مواهب إلهيه

يَا أَبْنَ الْإِنْسَانِ بِلَانِي عِنَابِي ظَاهِرُهُ نَارٌ وَنِعْمَةٌ وَبَاطِنُهُ نُورٌ وَرَحْمَةٌ فَاسْتَبِقْ إِلَيْهِ لِتَكُونَ نُورًا أَزْلِيًّا وَرُوحًا قَدِيمًا وَهُوَ أَمْرِي فَاعْرِفْهُ^(١)

تَنْظُرُ أَحْبَابَكَ بِلَحْظَاتِ أَعْيُنِ الطَّافِكِ وَلا تَنْزُلُ لَهْمَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهْمَ بِفَضْلِكَ وَ
مَوَاجِبِكَ^(٢)

يَا مَنْ بِلَانِكَ دَوَاءُ الْمُقْرَبِينَ وَسَيْفِكَ رَجَاءُ الْعَاشِقِينَ وَسَهْمِكَ مَحْبُوبُ الْمُشْتَاقِينَ وَقَضَائِكَ
أَمَلُ الْعَارِفِينَ^(٣)

يا مَنْ ... دَانِكَ شِفَاءُ صَدُورِ الْمُقْبِلِينَ وَبِلَانِكَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُنْقَطِعِينَ^(٤)

يا مَنْ بِلَانِكَ دَوَاءُ صَدُورِ الْمُخْلِصِينَ...^(٥)

نعمتهای الهیه مخصوص اصفیاء تو است

إِنَّ الْبَلِيَّةَ فِي حُبِّكَ رَحْمَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ وَالرِّزْيَةَ فِي سَيْلِكَ نِعْمَتَكَ لِاصْفِيَانِكَ^(٦)

آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جان است و مقصود روان * سهم مهلک در
سبیلش شهادت فائق و عذابش عذیبت لائق^(٧)

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْبَلَاءَ غَادِيَةَ لِهَذِهِ الدَّسَكِرَةِ الْخَضْرَاءِ وَذِبَالَةَ لِمَصْبَاحِهِ الَّذِي بِهِ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ
وَالسَّمَاءُ^(٨)

ما أحلى ذكرَكَ في السَّدَّةِ وَالبَلَاءِ وَثَنَاتِكَ عِنْدَ هُبُوبِ أَرْيَاحِ التَّضَاءِ^(٩)

مشقت را موهبت الهی در پی است

سرو سامان و آسودگی و آزادگی هر چند کام دل و راحت جانست ولی آزردهی و آوارگی در

١- کلمات مکتوبه عربی، فقرة ٥١، مجموعه الواح طبع مصر، ص ٢٧

٢- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٦١

٣- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٤٨

٤- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ٩٢

٥- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ٥٨

٦- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٤٧

٧- حضرت بهاء الله، لوح شیخ نجفی، ص ١٣

٨- همان مأخذ

٩- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٢٦

راه خدا به از صد هزار سر و سامان. چه که این غریب و هجرت موهبت از بی دارد و رحمت
بیایی.^(۱)

گلزار

گفتند از وقایع و حوادث کونی فدوی ملول و محزون و کمی مغموم و مهموم و حال آنکه
عاشقان جمال دلبر ابهی و سرمستان پیمانۀ پیمان از هیچ آفتی افسرده نگردند و از هیچ مشقتی
پژمرده نشوند آتش را گلزار بایند و فعر دریا را بین دشت هموار.^(۲)

بلا عین عطاست

آنچه واقع شود خیر است زیرا بلا عین عطاست و زحمت، حقیقت رحمت و پریشانی،
جمعیت خاطر است و جانفشانی، موهبت باصر. آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانست.^(۳)

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ج ۱، صص ۲۷۰-۲۶۹

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ج ۱، ص ۲۹۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ج ۱، ص ۲۳۷

منشأ امتحانات

منشأ امتحانات

نفس

نفس

ای قوم بقوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمائید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره اند پاک و طاهر گردد. این اصنام حائلند و خلق را از علو و صعود مانع. امید آن که ید اقتدار مدد فرماید و ناس را از ذلت کبری برهاند.^(۱)

ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رِجْلِ نَحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد.^(۲)

ظلمت نفس

اهریمنان در کمینگاهان ایستاده اند آگاه باشید و بروشنایی نام بینا از تیره گیها خود را آزاد نمائید. عالم بین باشید نه خودبین. اهریمنان نفوسی هستند که حائل و مانعند ما بین عباد و ارتفاع و ارتقاء مقاماتشان.^(۳)

غرور ما را تنزل می دهد

انّ الانسان مرّة یرفعه الخضوع الی سماء العزّة و الاقتدار و آخری ینزله الغرور الی اسفل مقام الذلّة و الانکسار^(۴)

قوای ما در اثر امیال ما مستور و مهجور است

انسان را ... مظهر کل اسماء و صفات و مرات کینونت خود قرار فرمود و باین فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود. و لکن این تجلیات صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوبست چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش ذرخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و بحالی که از زنگ و غبار شئون بشری تیره و مظلم گشته غنی و مهجور است.^(۵)

خطرات حسد و خشم

ای پسران ارض براستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد البته بجهت باقی

۱- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۸ ۲- مجموعه اقتدارات، ص ۳۲۸

۳- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۹

۴- ورق سوم از کلمات فردوسی، مجموعه اشراقات، صص ۱۲۰-۱۱۹

۵- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۳۳۹

من در نیاید و از ملکوت تقدیس من روانح قدس نشود.^(۱)

قل الحسد يأكلُ الجسد والعیظ یحرقُ الكبِدَ انْ أجتبوا منها كما تجتبون من الاسد^(۲)

نَحْم من نفوس اقبلوا الی الله و دخلوا فی ظلّ کلمة الله و استنبوا فی الافاق کعبودا
الاسخريوطی ثم عند ما استند الامتحان و عظم الافتتان زلت اقدمهم عن الصراط و رجعوا من
الاقرار الی الانکار و ارتدوا من الحبّ و الوفاق الی اشدّ النفاق فظہرت فورة لا متحان الذی يتزعزع
منه الارکان

إن یهوذا الاسخريوطی کان اعظم الحواریین و بدعو الی المسیح فظنّ أنّ المسیح زاد
عواطفه علی بطرس الحواری و لمّا قال له أنت بطرس و علی هذا الصخرة ابني کبسنی فأثر هذا
الخطاب و التخصیص لبطرس تأثیراً أورت حسداً فی قلب یهوذا و لاجل هذا أعرض بعد ما أقبل و
أنکر بعد ما اقرّ و ابغض بعد ما احبّ و هذا عاقبة الحسد الذی هو اعظم سبب لارتداد البشر عن
الصراط العظیم و لكن لا بأس فی هذا لآنه هو السبب لظهور ثبوت الآخیرین و قیام النفوس الثابتة
الراسخة کالجبال الراسيات علی حبّ النور العین^(۳)

... هوای نفس آنسی است که صد هزار خرمن وجود حکمای دانشمند را سوخته و دریای
علوم و فنونشان این نار مشتعله را مخمود نموده و چه بسیار واقع که نفسی بجمع صفات حسنه
انسانیه آراسته و بزبور عرفان پیراسته، لکن اتباع هوی شیم مرضیه آن شخص را نیز عیبت اعتدال
خارج نموده در حیّز افراط انداخت؛ تبی خالصه را بنیّت فاسده تبدیل نمود؛ و همچنین اخلاق در
مواضع لائقه ظاهر نگشت بلکه بقوت هوی و هوس از مسلک مستقیم نافع منحرف بمنیج غیر
صحیح مضرّ متحوّل گشت. اخلاق حسنه عند الله و عند مقربین درگاهش و نزد اولی الالباب
مقبول و معدوح ترین امور؛ لکن بشرط آن که مرکز سنوحش عقل و دانش و نقطه استنادش اعتدال
حقیقی باشد.^(۴)

ضعف و قصور ما می تواند عامل ابتلائات باشد

تا چه حدی آنها بخشی از امتحانات ذهنی و ابتلائی را تشکیل می دهند که حتی قدیر در اوقات
مختلف برای به هیجان آوردن امر مبارکش و اعطاء نیروی جدید به آن مقدر فرموده است، و تا چه
اندازه درک ناقص ما، ضعف و قصور ما می تواند آنها را دریا بند و منشأ آنها را یابند؟ (ترجمه)^(۵)

۱- کلمات مکتوبه فارسی، فقرة ۶، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷۴

۲- لوح طبع، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۴

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۵۹

۴- حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیه، صص ۷۰-۶۹

۵- حضرت ولی امر الله، Bahá'í Administration، ص ۶۰

مع کل ذلک. اگر سرنوشت اصفیاء حق. اهل بیاء. باشد که قبل از وصول به مظننیت نهایی. با مشقت مواجه شوند و به تزیینات و بلا یا مبتلا گردند، آیا باید معتقد باشیم هر آنچه که برای ما اتفاق می افتد به اراده و مشیت الهی است، و به هیچ وجه نتیجه قلوب ضعیفه و غفلت ما نمی باشد؟ (ترجمه)^(۱)

زندگی مبارزه‌ای مستمر نه تنها علیه نیروهایی که ما را احاطه کرده‌اند بلکه علیه "نفس" خود ما نیز می باشد. ما هرگز نمی توانیم به وسایلی که در اختیار داریم مبتکی و قانع باشیم، زیرا طولی نخواهد کشید که مجدداً خود را در میان سیلاب خواهیم یافت. بسیاری از نفوسی که از امر دور شده‌اند و از آن فاصله گرفته‌اند به این علت بوده که از ترقی و تقدم باز مانده و از پیشروی دست کشیده‌اند. آنها مغرور شدند، یا بی تفاوت گشتند، و در نتیجه از کسب طراوت و قوه روحانی از امر الهی خود را ممنوع نمودند و محروم داشتند. (ترجمه)^(۲)

اصحاء و ازالة نام و تمام نفس بر کمال دلالت می کند، که انسان ابدأ قادر نیست به طور کامل به آن نائل گردد، اما نفس اماره را می توان و باید به نحوی دائم التزاید مقهور نفس نورانی انسانی ساخت. این تلویحاً به ترقی روحانی دلالت دارد. (ترجمه)^(۳)

نفس در آثار بیانی فی الحقیقه دارای دو معنی می باشد، یا به دو مفهوم به کار رفته است؛ یکی نفس^(۴)، یعنی هویت فرد که توسط خداوند خلق شده است. این نفس در بیاناتی چون "مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ"^(۵) و امثال آن ذکر شده است. نفسی دیگر عبارت از نفس اماره^(۶)، میراث مظلم و حیوانی است که هر یک از ما داریم، که طبیعت پست تری است که می تواند به امریمن خودخواهی و خودپرستی، ظلم و ستم، شهوت و هوی و امثال آن تبدیل شود. این نفس، با این جنبه از ماهیات ما است که ما باید با آن مبارزه کنیم تا روحی را که در درون ما است ثبوت ساخته آزاد سازیم و به حصول به مرتبه کمال کمک کنیم. (ترجمه)^(۷)

۱- حضرت ولی امرالله، Bahá'í Administration، ص ۶۱

۲- مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء. Lights of Guidance، فقر: ۳۸۸

۳- ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء. Compilation، ج ۲، شماره: ۱۲۹۵

self-۴

۵- برای ملاحظه شرح مربوط به آن به مجموعه الواح مبارکه، طبع مصر، صفحه ۲۴۶ به بعد مراجعه کنید - م

ego-۶

۷- ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء. Compilation، ج ۲، فقر: ۱۳۱۸

بیت العدل اعظم معتقدند که محققین بهائی باید از وسوسه های غرور روشنفکرانه بر حذر باشند. حضرت عبدالبهاء احبای غریب را هشدار داده اند که در معرض امتحانات فکری قرار خواهد گرفت، و حضرت ولی امرالله این هشدار را به آنها یادآوری فرمودند. وجوه بسیاری از تنگ‌غریبی در اذهان عامه، به مقام اصل مسلم و قطعی ارشاء یافته، که کاملاً امکان دارد زمان خطا بودن یا حد اقل صرفاً درست بودن نسبی آن را ثابت کند. هر فرد بهائی که در محافل علمی به جایگاه رفیعی ارشاء می یابد در معرض تاثیر قوی چنین طرز تفکری قرار خواهد گرفت. (ترجمه)^۱

۱- مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۸۳ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احبائه

منشأ امتحانات

یکدیگر

یکدیگر

ای پسر من صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزداید. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْتَسِعَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَأْتِنِشْ مَعَ احْتِبَانِهِ وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ فَلْيَسْمَعْ كَلِمَاتِ أَصْفِيَانِهِ^(۱)

مکرر وصیت نموده و می‌نمائیم دوستان را که از آنچه رانحه فساد استنبام می‌شود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند. عالم منقلب است و افکار عبد مختلف.^(۲)

زینهار ای پسر خاک با اشرار الت مگیر و مؤانست بجو که بحالت اشرار نور جان را بنار حُبان تبدیل نماید.^(۳)

فساد و نزاع ضَرّ عظیم برای امر مبارک است

حقّ شاهد و گواه است که ضَرّی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست. اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثمّ التوا بین التلوب باسمه المؤلف العلیم الحکیم.^(۴)

احدی حاکم بر ارواح ما نیست

فلا یحجبکم عمل الذین کفروا انهم و کَلُوا عَلٰی اِجَادکم و ما جعل الله علیهم من سلطان علی انفسکم و ارواحکم و اقتدتکم^(۵)

بیدار باشید، هوشیار باشید

هر روزی نفسی عَلم خلاف برافرازد و در میدان شبیهات بنازد و هر ساعتی انعی می‌دهان بگشاید و سَم قاتل منتشر نماید. احبّای الیهی در نهایت صدق و صفا و بی‌خبر از این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه و دسیسه و حبله و خداع بیدار باشید، هشیار باشید. المؤمن نطین و زکّی و الموقن قوی و متین. دَقّت نماید. اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنور الله. مبادا کسی سَرّاً رخنه‌نی کند و فتنه‌نی اندازد. حصن حصین را سپاه رشید باشید و قصر مشید را لشکر شجاع. بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید تا معشقی صدمه‌نی نزنند. لواح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت پی برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش

۱- کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۰

۲- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۷

۳- کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۰

۴- مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۲

۵- منتخبات آیات از آثار حضرت تقیّه اول، ص ۱۱۳

بنامه خیر دادند. اَنْ فِیْ ذَلِکَ لَعِبْرَةٌ لِّلْمُنْبَسِرِیْنَ وَیَوْهَبَةٌ لِّلْمُخْلِصِیْنَ.^(۱)

دیگران می توانند باعث ارتقاء یا انحطاط روح ما شوند

نفسی هستند که با آنها معاشرت و مکالمه می‌کنیم و بیان آنها حیات بخش و سرور آفرین است. نفوس پژمرده و افسرده را طراوت بخشد، مغموم را سرور کند، خاموش را روشنی عنایت کند و مرده را به نشانات روح القدس حیات جدید بخشد. نفسی که در بحر شک و تردید منتهک است با سفینه حیات بخش یقین و اطمینان نجات یابد. کسی که به عالم مادی متشبث است منقطع شود و کسی که مستغرق در اعمال و افعال غیر ممدوحه است، مزین به سجایای ممدوحه می‌گردد. از طرف دیگر، بعضی نفوس هستند که نفس آنها نور ایمان را خاموش می‌کند؛ تکلم با او ثبات و استقامت در امر الله را تضعیف می‌سازد؛ مؤانست با او توجه فرد را از ملکوت ابهی منحرف می‌نماید. (ترجمه)^(۲)

احدی نمی تواند نفسی را از مکان مقدّس محروم سازد

هدف هر فردی باید فقط کسب رضای الهی باشد. وقتی خداوند نفسی را به مقامی رفیع فرا می‌خواند، به این علت است که آن شخص دارای قابلیت و استعداد وصول به این مقام به عنوان یک موهبت الهی است، و به این سبب که نفس مزبور خود را تسلیم نموده تا در خدمت حق قرار گیرد. حقد و حسد، تهمت و افترا، دسب و توطئه، هیچیک ابدأ نخواهد توانست خداوند را وادار کند آن نفس را از مکانی که برای مقدر فرموده محروم سازد، چه که به فضل الهی، چنین اقداماتی از سوی آحاد بشر عبارت از امتحان برای آن بنده مقرب است، که قوه او را، تحمل و بردباری اش را، و خلوصش در شرایط مشقت و سختی را مورد آزمایش قرار می‌دهد. در عین حال، کسانی که حقد و حسد و امثال آن را نسبت به بنده‌ای نشان می‌دهند، خود را از مقام و موقف خویش محروم می‌کنند نه شخص دیگری را از مقام خود، چه که آنها نه تنها با اعمال و افعال خود ثابت می‌کنند که ارزش آن را ندارند که برای مقامی که برایشان مقدر شده فرا خوانده شوند، بلکه بر این نکته نیز صحه می‌گذارند که در اولین امتحان دچار لغزش می‌شوند، یعنی از موقفت همسایه بخود که مسرت خداوند را نیز در پی داشته، نمی‌توانند سرور شوند. تنها با چنین مسرتی قلبی و حقیقی است که موهبت الهی می‌تواند بر قلبی پاک نازل شود.

حسادت ابواب فضل و فیض الهی را سدود می‌سازد، و حقد شخص را از وصول به ملکوت ابهی ممنوع می‌دارد.

معاذ الله! احدی نمی‌تواند نفسی را از مقامی که بحق به او تعلق دارد محروم سازد، این مقام تنها در صورت عدم تمایل شخص با تصور در اجرای اراده الهی، یا با استفاده از امر الهی در جهت تأمین رضایت یا جاه طلبی خود از دست می‌رود.

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۲۰۴

۲- کلام منسوب به حضرت عبدالهبا، از دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۶، ص ۶

احدی به جز نفس منقطع یا قلبی خیال‌ص و پاک، جوایی از خداوند نمی‌گیرد. یا اعانت به بنده‌ای دیگر برای حصول مرفقت در امر الهی، شخص فی الحقیقه اساس مرفقت و اجابت آمالش را می‌گذارد.

جاه طلبی‌ها در ساحت الهی موجب نفرت و بی‌زاری است.

چقدر نأسف‌آور است! برخی حتی از امور امریه و فعالیت‌های آن استفاده می‌کنند تا در خصوص آنچه که کینه‌های شخصی، یا بی‌حرمنی‌های تصویری محسوب می‌شود با دخالت در کارهای شخص دیگر، یا طلب شکست و ناکامی او، از وی انتقام بگیرند. اگر آنها بی‌به حقیقت بپزند، چنین نحوه رفتاری فقط موجب از بین رفتن توفیق خودشان می‌گردد. (ترجمه)^(۱)

قوة تباہ کنندگی تعصب جنسی

اما تعصب جنسی که قریب یک قرن در عروق و شراین مردم امریک نفوذ نموده و ارکان و جوارح اجتماع راست و متزلزل ساخته فی الحقیقه مهم‌ترین مسأله حیاتی است که جامعه بیثباتی در مرحله کثرتی ترقی و تکامل خوش با آن مواجه است. این امر خطیر که باران امریک نسبت به حل رضایت بخش آن هنوز توفیق کامل حاصل نموده‌اند بدرجه‌ای حائز اهمیت است که فوق آن قابل نصیر نه و ینمین لحاظ مستلزم آن است که نسبت بدان اهتمام بلیغ مبذول و استقامت و پایداری و شہامت و فداکاری و حسن تدبیر و همدردی و توجه و هشباری و غیر معمول گردد.^(۲)

هر یک از ما می‌توانیم بزرگترین امتحان یکدیگر باشیم

شاید بزرگترین امتحانی که اهل بیاء همواره در معرض آن قرار دارند، در رابطه با یکدیگر باشد. اما به خاطر حضرت عبدالقیوم، آنان باید همیشه آماده باشند از عیوب و خطاهای یکدیگر چشم‌پوشی کنند و از کلمات تند و درشتی که ادا کرده‌اند پوزش طلبند، بیخشد و فراموش کنند. این است نحوه عملی که هیکل مبارک قویاً توصیه می‌فرمایند که شما انجام دهید. (ترجمه)^(۳)

شما نباید اجازه دهید آنچه که ینان می‌گویند شما را آزار دهد یا افسرده کند، بلکه باید شخصیت‌ها را فراموش کنید و با تمام وجود قیام به تبلیغ امرالله نمایید. حضرت بیاءالله اشتغال به کار را برای همه ما واجب فرموده‌اند. احدی نباید از شغلی که دارد شرمند باشد. (ترجمه)^(۴)

۱- منسوب بحضرت عبدالقیوم، در جواب سؤالات دکتر ادوارد گتسینگر، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۲، ص ۲۵

۲- ظهور عدل الهی، ص ۶۹

۳- مکتوب ۱۸ فوریه ۱۹۱۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء، انوار هدایت، شماره ۲۰۳۷

۴- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء، *Unfolding Destiny*، ص ۱۶۲

ما به علت اعتقاد به حقیقتِ مربوط به این یومِ بیانی هستیم نه به علت امیدهایی که برای عبور راحت‌تر و آسوده‌تر از مشکلاتِ این جهان در خود می‌پرورانیم! امتحانات ما غالباً از ناحیهٔ یکدیگر است؛ اما به خاطر حضرت بیاءالله ما باید در کمال بردباری آنها را تحمل کنیم و فوق آنها حرکت نماییم. (ترجمه)^(۱)

اجتباء باید در عرفان و درک میثاق حضرت بیاءالله و عهد و پیمان حضرت عبدالنبا عموق شوند. این حصن حصین شریعت‌الله برای هر فرد بیانی و آن چیزی است که او را به ثبات و استقامت در هر امتحانی و در مقابل حملات اعداء خارج از امر و به مراتب خطرناکتر از آن، نفوس مودی و ست عنصر داخل امر قادر می‌سازد. این نفوس مودیه تمسک واقعی به میثاق الهی ندارند و در نتیجه جنبهٔ عقلی تعالیم را تأیید نموده در عین حال اساس روحانی آن را که کل امر الهی بر آن مؤسس است تضعیف می‌کنند. (ترجمه)^(۲)

به اجتباء به عنوان میزان و معیار نگاه نکنید

در هیچ شرایطی نباید احساس یأس و افسردگی نمایید و اجازه دهید چنین مشکلاتی (مسائل جامعه)، حتی اگر منبعث از سوء رفتار و سلوک باشد، یا فقدان قابلیت و یش بعضی از اعضاء جامعه، در ایمان شما و وفاداری اساسی به امر مبارک تزلزلی ایجاد کند. مطمئناً، اجتباء، هر قدر که واجد شرایط لازمه باشند، اعم از مبلغین یا خادمین در امور اداری، و هر قدر که شایستگی‌های فکری و روحانی آنها بالا باشد، ابدأ نباید به عنوان معیار و میزانی ملاحظه شوند که با استفاده از آن افتدال الهیه و رسالت امر مبارک مورد سنجش قرار گیرد. بلکه نفس تعالیم مبارک و حیات شارعین امرالله است که اجتباء باید برای کسب هدایت و الهام به آن ناظر باشند، و تنها با تمسک تام به چنین نگرشی آنها می‌توانند امیدوار باشند وفاداری خود به حضرت بیاءالله را بر اساس و مبنایی پایدار و قطعی مبتنی سازند.^(۳)

رنج کشیدن بیگانهان

بیت العدل اعظم مکتوب شما را که در طی آن نسبت به وضعیت اسف‌انگیز نوزادان و اطفالی که در ید افراد استثمارگر و بیماران روانی رنج می‌برند ابراز اضطراب و تشریش نموده بودید، دریافت کردند و هدایت فرمودند که جواب زیر برای شما ارسال گردد. در این عالم وجود، بسیاری از موارد بی عدالتی وجود دارد که ذهن بشر قادر نیست به عمق آن پی ببرد. از آن جمله می‌توان به مصائب و بلاهای دلخراش و سوزناک نفوس بی‌گناه اشاره کرد. مسلماً، حتی نفس انبیاء الهی نیز در هر عصری سهمی از ابتلائات غم‌انگیز را تحمل کرده و از این بلاها نصیبی برده‌اند. معیناً، علیرغم شواهدی دال بر جمیع این آلام و اوجاع، مظاهر ظهور الهی،

۱- مکتوب ۵ آوریل ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- مکتوب محرره از طرف حضرت ولی امرالله، *Lights of Divine Guidance* ج ۲، ص ۸۴

۳- مکتوب محرره از طرف حضرت ولی امرالله، اتوار هدایت، فقره: ۲۷۵

که حیات و حکمت آنها نشان می‌دهد درک و درایت آنها به مراتب اعلی و اعظم از آحاد بشر است، جمیع متحداً متفقاً بر عدالت، محبت و رحمت الهی شهادت داده‌اند.

با توجه به اهمیت روحانی رنجهای اطفال که در بد ظالمین مبتلایند، حضرت عبدالیهاء نه تنها بیان می‌فرمایند که برای این نفوس مصائب و بلاهایی که در زندگی تحمل می‌کنند سب نزول فیض و رحمت الهی و عنایات سبحانی جهت ایشان است، بلکه توضیح می‌فرمایند که مہبط رحمت الهی بودن "بر صد هزار آسودگی و راحت دنیوی ترجیح دارد" و وعده می‌دهند که "در عالم بعد، مکافاتی عظیم در انتظار چنین نفوسی است". لذا:

و اما در خصوص مسأله اطفال صغیر و ضعفا و نفوس بی‌پناهی که در بد ظالمین مبتلایند؛ در آن حکمتی عظیم مکتون و مستور. این مسأله از مبام امور است، اما به اختصار می‌توان مذکور داشت که در عالم بعد، مکافاتی عظیم در انتظار چنین نفوسی است. در این خصوص مسأله مطالب بسیاری می‌توان بیان کرد، که چگونه مصائب و بلاهایی که در زندگی تحمل می‌کنند سب نزول فیض و رحمت الهی و عنایات سبحانی برای آنها است که بر صد هزار آسودگی و راحت دنیایی از رشد و توسعه در این عالم فانی ترجیح دارد...^(۱)

استفسار کرده‌اید که چرا برخی از نفوس، بالاخص کسانی که والدینی بامحبت دارند، به نظر می‌رسد مورد لطف و عنایت الهی هستند، در حالی که نفوسی که در خانواده‌ای ولادت یافته‌اند که والدینشان دارای سوء رفتار هستند و اطفال را طرد و دفع می‌کنند، مقدّر است عمری سراسر رنج و عذاب را تحمل کنند، زیرا اطفالی که در جزئی چنین مخرب رشد می‌کنند بسیار محتمل است که چون به سن بزرگسالی رسند بر اثر اقدام والدین خود حرکت کرده با اطفال خویش سلوک مناسبی نداشته باشند و به این ترتیب دور خشونت را تکرار کنند و به این وسیله رابطه خود با خداوند را بیش از پیش در مخاطره اندازند. بدیهی است، تنها خداوند قادر است از حالت حقیقی هر نفسی آگاهی داشته باشد. لذا، وفوف بر این نکته حائز اهمیت است که خداوند به فضل و جود خویش به هر یک از مخلوقات خود، هر قدر که حقیر باشند، تجلّی فرموده و در هر شیئی اثر و ثمری علی قدر مقدور ظاهر.^(۲) شبیه حکایتی که بر سبیل مثال در خصوص استعدادها (در انجیل متی، باب ۲۵، آیت ۳۰-۱۴) آمده، حضرت بیاء اللہ در یکی از الواح مبارکه خود^(۳) توجه را به نیاز به بذل مساعی جهت توسعه استعدادهای مکتونه موهوبه الهی و ظاهر و باهر کردن آنها، معظوف می‌فرمایند:

قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرُ الْأَمْرِ عَلَى مَا رَقِمَ فِي الْوَاحِ عَزَّ مَحْفُوظٌ. وَلَكِنْ يَظْهَرُ كُلَّ ذَلِكِ بِإِرَادَاتِ أَنْفُسِكُمْ كَمَا أَنْتُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ تَشْهَدُونَ.

آیا این دلیلی بر عدالت الهی نیست که هر یک از ما، صرف نظر از سابقه خانوادگی خود، بر حسب مساعی مبذوله برای استفاده از فرصتهایی که در زندگی داشته‌ایم، قادر بوده‌ایم

۱- تمام بیانات حضرت عبدالیهاء که در این دستخط مورد استناد واقع شده، ترجمه شده است - م

۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاء اللہ، ص ۱۲۵

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء اللہ، فقرة ۷۷، ص ۱۰۱

استعدادهای موهوبه را، اعم از بزرگ یا ناچیز، بی‌بیط داده مورد استفاده قرار دهیم؟ حضرت بهاء‌الله به ما اطمینان می‌دهند که، نکل نصیب عند ربک. (۱۱)

آلام و بلا یا که توسط خداوند برای امتحان و تکامل بندگان نازل می‌شود، جزء لاینفک حیات هستند. آنها دارای قوای مکنونه‌ای برای اعتلاء با انحطاط انسان هستند که به عکس‌العمل فرد بستگی دارد. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند:

نفسی که در معرض امتحانات الهیه واقع می‌شوند مظہر فیوضات عظیمه و مواهب و فیرہ می‌گردند؛ چه که امتحانات سماویہ سبب می‌شوند بعضی از نفوس بکلی از حیات عاری شوند، اما نفوس مقدسه را به اعلی مراتب محبت و استقامت اعتلاء می‌بخشند. (۱۲)

بعلاوه ما با مطالعه آثار بهائی بر این موضوع واقفیم که "روح در رتبه خود قائم و مستقر است و اینکه در مریض ضعف مشاهده می‌شود... در اصل ضعف بروح راجع نه، (۱۳) و نه تنہا بعد از خروج از این عالم فانی" (۱۴) به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه "بصرف فضل و موهبت ربانی" (۱۵) اعتلاء و ارتقاء می‌یابد. لذا، در ارزیابی وجود و دستاوردهای مادی انسان، نمی‌توان از پیشرفت بالقوه روحانی منبعت از میل فرد به ظهور و بروز سجایای الهیه و عکس‌العمل او به ضرورت‌های حیانش غافل شد، و نمی‌توان امکان تأثیر رحمت الهی در خصوص جبران آلام و رنج‌های دنیای خاکی در عالم بعد را از نظر دور داشت. (ترجمه) (۱۶)

۱- مانده آسمانی ج ۱، (نشر اول) صفحه ۶۱ (باب بیستم)

۲- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۲۴ *Tablets of Abdu'l-Baha*

۳- اقتدارات، ص ۶۹

۴- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۶۰

۵- مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۸۱

۶- مکتوب ۲ دسامبر ۱۹۸۵ عمّره از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء

منشأ امتحانات

عالم و خصوصیات آن

عالم و خصوصیات آن

يَا أَبْنَ الْوَجُودِ لَا تَشْتَبِلْ بِالدُّنْيَا لِأَنَّ بِالنَّارِ نَمْتَحِنُ الذَّهَبَ وَبِالذَّهَبِ نَمْتَحِنُ الْعِبَادَ^(۱)

یا ابن البشر این اصابتک نعمه لا تفرح بها و این تمسک ذلّه لا تخزن منها لأن کلتیها تزولان
فی حین و تیدان فی وقت^(۲)

امتحان طلا

يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ أَنْتَ تُرِيدُ الذَّهَبَ وَأَنَا أُرِيدُ تَنْزِيحَكَ عَنْهُ وَأَنْتَ عَرَفْتَ غِنَاءَ نَفْسِكَ فِيهِ وَ
أَنَا عَرَفْتُ الْغِنَاءَ فِي تَقْدِيرِكَ عَنْهُ وَعَمْرَى هَذَا عَلِمَى وَذَلِكَ ظَنُّكَ كَيْفَ يَجْتَمِعُ أَمْرِي مَعَ أَمْرِكَ^(۳)

ای مغروران با اموال فانیه بدانید که غنا سدیست محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و
معشوق هرگز غنی بر مقرر قرب وارد نشود و بمدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلیلی * پی
نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعمش نناید و از دولت ابدی محرومش
نگرداند * قسم باسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین
را^(۴)

در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نباید * هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا
از عقب^(۵)

از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا
بیاشامی^(۶)

ایم الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون ... ثروت عالم را وفاتی نه * آنچه را فنا
اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا بوده و نیست مگر علی قدر معلوم^(۷)

نگذارید این حیات شما را فریب دهد

بگو ای قوم، مبادا این حیات و جلوه‌های آن شما را فریب دهد. چه که عالم و مافیها کلّ

۱- کلمات مکتونه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸

۲- همان مأخذ

۳- کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۹

۴- همان مأخذ، ص ۳۸۷

۵- همان مأخذ، ص ۳۹۰

۶- کتاب عهدی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۱

در قبضه اراده الهی است. مواهبش را به خیر که بخواهد عنایت می فرماید و از هر که اراده کند اخذ می کند. یفضل مایشاء و یحکم ما یرید است. اگر عالم را نزد او ارزشی بود، ابتدا اجازه نمی داد اعداء بقدر خردلی از آن را تملک نمایند. اما او شما را در ازاء آنچه که به ید شما در امر الهی صورت گرفته، به امور دنیوی مربوط و مشغول ساخته است. تردیدی نیست که این مجازاتی است که شما به اراده خود، خویشتان را به آن مبتلا ساخته اید، اگر بتوانید درک کنید. آیا از آنچه که عندالله حقیر و فاقد ارزش است و راز قلوب مرییین را به آن مکشوف می سازد، مسرت می یابید؟ (ترجمه)^(۱)

لو أردت بعد خیراً تحو من حول فزاده کل ذکر و شأن الا ذکرک وحده و این أردت بعد با کسبت یدیه بین یدیک بغیر الحق شراً تفته بآلاء الدنیا و الآخرة لیثقل بها و ینسی ذکرک...^(۲)

این عالم فقط مورث یأس و خسران است

هر نفسی را فکری و مقصدی، شب و روز در تحصیل مقصود می کوشد. یکی نیابت آرزویش ثروت است و دیگری عزت است و دیگری شهرت است و دیگری صنعت است و دیگری تجارت است و امثال اینها. لکن عاقبت کل خائب و خاسر گردند. جمیع این امور را بگذارند و مع صفالیبد بجهان دیگر شناهند، همه زحمات بیاد زود، برهنه و افسرده و پژمرده و مأیوس زیر خاک روند.^(۳)

... تبا و نعا ل نفس تطلب راحتها و نعمتها و ثروتها و غناها مع غفلة عن ذکرالله^(۴)

رنجها و آلام منبعث از مادیات است

ثروت عالم و سوسه انگیز و جذاب است. چشم فرمایان مسحور شده اش را با ظواهر فریبده اش متحیر سازد و آنها را به لبه ورطه های وسیع کشاند. ثروت سبب شود انسان خود محور گردد به خود مشغول شود، از خدا و امور قدسیه مبارکه غفلت کند. (ترجمه)^(۵)

قوة مخربة مادی گرایي

... مسأله دیگر ... تمسک نفوس به فلسفه مادی صرفه است که در جمیع شئون زندگانی

۱- نفرة ۱۰۳ از *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah* (اصل این بیان یافت نشده است).

۲- منتخبات آیات از آثار حضرت تقی اولی، ص ۱۳۶

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالها، ج ۱، ص ۱۹۹

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالها، ص ۲۳۲

۵- کلام منسوب به حضرت عبدالها، دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۲، ص ۱۹

حکم فرما بوده و برای رفاه و آسایش ظاهری اهمیت فوق‌العاده و دانشم‌التراید قائل و از حقائق روحانیه که یگانه اساس ثابت و رزین جامعه بشری است عاری و مهجور است. در این مفسده ملت امریک و در حقیقت کلیه ملل تابع سیستم سرمایه‌داری ولو به نسبت کمتر یا دشمن سرسخت آن سیستم و ممالک تحت نفوذ آن سیستم و شریک می‌باشند. این مفسده همان مادیستی است که بمثابة سرطان ابتدا در قاره اروپا به وجود آمد و در امریکای شمالی بحدّ اعلیٰ بسط و انتشار یافت و ملل و اقوام آسیا را نیز آلوده و گرفتار ساخت و چنگال‌های شوم خود را به سواحل قاره‌ی افریک متوجه نمود و اکنون به قلب آن قاره حمله ور گردیده است. حضرت پیاء‌الله به کمال صراحت و تأکید در آثار خود آن را مذموم شمرده و به آتش جیانسوزی تشبیه می‌فرماید که علت اصلی نزول بلاهای عظیمه و ظهور بحران‌های شدید‌ای است که سبب احتراق مدن و ایجاد وحشت و اضطراب در قلوب کلیه عباد خواهد بود. خرابی و دماری که این آتش خانمانسوز در عالم ایجاد خواهد کرد و ویرانی و انهدامی که دامنگیر مدن و بلاد شرکت‌کننده در این مخاصمات تأثرانگیز جهانی خواهد گردید نتیجه غفلت از حق و عدم توجه به انذارات صریحه حامل برگزیده پیام الهی در این یوم جلیل است که ناگزیر عالم بشریت باید به کمال تأسف تحمل نماید.^(۱)

موانع عظیمه‌ای که باید بر آن غلبه کنیم

مادیّت خشک و خشنی که در حال حاضر سرناسر ملت را فرا گرفته، تعلق به اشیاء دنیوی که نفوس بشری را احاطه نموده، ترس و اضطرابی که افکار را پربیشان کرده، لذات و تفریحاتی که اوقات را معطوف به خود ساخته، تعصبات و خصوماتی که آفاق را تیره و نار کرده، لافیدی و رختی که مشاعر روحانی را فلج ساخته - اینها از جمله موانع عظیمه‌ای هستند که هر طالب مجاهدی که قصد خدمت در سبیل امر حضرت پیاء‌الله را دارد با آن مواجه می‌گردد و برای تجدید حیات و رستاخیز هموطنانش باید با آن به مبارزه برخاسته، بر آن غلبه نماید.^(۲)

انحطاط مستمر و موحش شتون اخلاقی که اثرات آن در ازدیاد وحشت‌انگیز جنایات و فساد روزافزون سیاسی در بین مقامات عالیه و سایر طبقات و سستی علائق و روابط مقدّمه ازدواج و میل و اشتیاق مفرط به تفریحات و لذائذ مادی و خارج شدن تدریجی زمام اختیار اولاد از کف والدین ظاهر و مشهود می‌باشد، بلاشک و خیم‌ترین و مشخص‌ترین وجهه نزل و انحطاطی است که در مقدرات قاطبه ملت حاصل گردیده است.^(۳)

بیایان باید توجه نمایند که مناسفانه مدنیت شدیداً مادی امروز که کامل‌ترین مثال و نمونه آن در ایالات متحده به عرصه شهود رسیده، از حدود و ثغور اعتدال تجاوز عظیم نموده و همانطور که حضرت پیاء‌الله در آثار مبارکه خود خاطر نشان فرموده‌اند، نفس مدنیت، وقتی که از حد اعتدال خارج

۱- حصن حصین شریعت‌الله، صص ۴-۱۶۳

۲- همان مأخذ، ص ۱۹۵

۳- همان، صفحه ۱۶۳

شود، به ویرانی و نابودی کشیده می‌شود.^(۴۱) یاران کانادا باید در مقابل این تأثیر و نفوذ مهلک که مستمراً در معرض آن هستند، و می‌توانیم بینیم که قوه اخلاقی نه تنها آمریکا، بلکه مسلماً اروپا و سایر نقاط عالم را که سریملاً در آنها در حال گسترش است، تضعیف می‌نماید، کاملاً مراقب باشند. (ترجمه)^(۴۲)

پس، اهل بیاه باید در نهایت تقدیس و تزیه سلوک و رفتار نمایند، و از تقابل مذمومه و مراسم و عادات غیرمنحصر اهل غرب بکلی احتراز و اجتناب نمایند. زهد و تقوی شأن مدعین محبت و نفوس ابرار است، و الا رفته رفته روشنائی فضائل عالم انسانی در حیرت قلب خاموش و محو و زائل گردد و ظلمات قبائح و ردائیل استیلا یابد و احاطه کند. ادب و وقار سبب عزت و بزرگی انسان است و لیب و لعب و ختاکمی و بی‌باکی علت پستی و ذلت. در جمیع شئون امتیاز لازم و واجب و الا چه فرقی با دیگران. هر عملی که از شأن و مقام انسان بکاهد باید از او اجتناب و دوری جست.^(۴۳)

دلیل اصلی برای شرور و فساد که اکنون جامعه را فرا گرفته، فقدان روحانیت است. تمدن مادی عصر ما، چنان توجه و توان نوع انسان را جذب نموده که دیگر لزومی نمی‌بیند خود را به مراتب و درجانی اعلی و اشرف از شرایط و قوای زندگی مادی روزانه ارتقاء بخشند. آنچه که، در تفاوت با نیازها و شرایط وجود مادی ما، امور روحانی خوانده می‌شود به حد کافی طالب ندارد.

لذا، علل بحران عمومی که عالم انسانی را مبتلا ساخته، اساساً روحانی است. روح عصر و زمان، به طور کلی، الحاد و لامذهبی است. دیدگاه انسان نسبت به زندگی خام‌تر و مادی‌گرایانه‌تر از آن است که او را به ارتقاء خویش به اعلی مراتب روحانیه قادر و توانا سازد.

دیانت الهی طالب اصلاح و اعتلاء این وضعیت اسفناک است که جامعه بشری به نحوی اسف‌انگیز و فلاکت‌بار در آن سقوط و هیوط نموده است. (ترجمه)^(۴۴)

امروزه شاید نتوانند ملت با امسی را یافت که در وضعی بحرانی به سر نبرد. ماده‌گرایی فقدان دین و ایمان و قوای دینه متوجه از آنان که در طبیعت انسان به وجود می‌آید، کل عالم را در آستانه احتمالاً اعظم بحرانی که تاکنون با آن مواجه شده یا خواهد شد، قرار داده است. اهل بیاه بخشی از عالم هستند. آنها نیز فشارهای عظیمی را که الیم بر جمیع نوع بشر، هر کسی و در هر جایی که باشد، وارد می‌شود احساس می‌کنند.^(۴۵)

۱- اشاره به بیان حضرت بهاء‌الله است که می‌فرمایند: "ان التمّن الذی یذکره علماء مصر الصّایع و النضال لو ینجاوز حد الاعتدال لثراء نعمة علی الناس کذلک یخیرکم الخیر." (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۲۲۰)

۲- مکتوب بحرره از طرف حضرت ولی امرالله، *Messages to Canada* ص ۶۵

۳- مکتوب ۲۱ ژانویه ۱۹۲۸ از طرف حضرت ولی امرالله به فرامرز فریدون گشتاسب الله‌آبادی، مجموعه توفیعات مبارکه، ج ۳، ص ۵۶

۴- مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، شماره ۴۴۹

۵- مکتوب ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل ملی آمریکا، انوار هدایت شماره ۴۴۰

ملتی که این چنین مورد تحسین و تمجید حضرت عبدالیهاء واقع گشته و در حال حاضر چنان مقام شامخ فریدی را در میان افغان حائز است. مع الاسف باید با ابتلائات و موانع عدیده متنوعه روبرو گردد. راه وصول به سر منزل شندیر طولانی. مملو از خار و خاشاک و بُریج و خم بوده و تصادم ثوای مختلفه بر پیکر و طرز حکومت آن ملت عظیم است. بلا یای شدیدیه بی سابقه ای که غرض از آن تصفیه مؤسسات و نظفیر قلوب افراد ملت و ذوب و امتزاج عناصر مرکبه آن بوده و باید آن ملت را با سایر ملل در دو نیمکره شرق و غرب پیوند داده و در هیکل واحد جمع نماید، اجتناب ناپذیر است.^(۱)

ملت آمریکا... آینه نزدیکش از هر نقطه نظر با خطر شدید مواجه است. بلا یای و رزایابی که این ملت را تهدید می کند بعضی قابل اجتناب بوده ولی اکثر حتمی الوقوع و بین جانب الله است. بدیهی است دولت و ملتی که شدیداً پای بند اصول و عقاید کهنه و متروک استقلال و حاکمیت مطلقه بوده و روش سیاسیش مغایر مقتضیات عالم کنونی یعنی عالمی است که معالک و دیاروش به هم نزدیک شده و حکم همسایه و همجواری را حاصل کرده و نشئه وحدت است، چنین ملت و دولتی در اثر این بلا یای و رزایا از لوث عقاید و افکار ناموافق پاک و مطفیر خواهد گشت و به منافع و عود حضرت عبدالیهاء حاضر و میثا خواهد شد که در ارتفاع لوای صلح اصغر و اتحاد بشر و استقرار حکومت متحده جهانی در سراسر بسط غربا، سهم مهمی را ادا نماید. آتش این مصائب و بلا یانه فقط ملت امریک را با سایر ملل عالم در شرق و غرب متصل و مرتبط خواهد نمود بلکه در اثر قوه تطفیریه اش آن ملت را از اوساخ و آلودگی های مترکمه که در نسلهای متوالیه در نتیجه تعصبات نژادی و شیوع مادیت و توسعه لامذهبی و سنی مبانی اخلاق به وجود آمده منزه و مبرا خواهد ساخت. این آلودگی ها تاکنون مانع از آن بوده که ملت امریک مقام اولویت روحانی جهانی را که حضرت عبدالیهاء صریحاً بدان وعده فرموده اند احراز نماید، مقامی که تحصیل آن جز با تحمل رنج و الم مندور و میسر نخواهد بود.^(۲)

مبادا از عالم تأثیر پذیرد

در این ایام فقدان روحانیت در نفوس انسانی چنان ملحوظ و مشهود که احتیاجی الهی باید با هشیاری کامل خود را از هجوم امواج الحاد و ماده پرستی که اهل عالم را احاطه نموده، حفظ و صیانت نمایند. سوء ظن و تردید، بدبینی، کفر، فساد و تدنی اخلاق و خسرت و قسارت، چنان رایج و شایع که باران رحمانی در عین نفی و ضدیت با آن، باید مراقب باشند مبادا سیواً از این جو کنونی تأثیر یابند. (ترجمه)^(۳)

هیکل مبارک کاملاً درک می کنند که احتیاء گاهی اوقات، همانطور که شما مطرح کرده اید، ممکن است احساس "خلأ روحانی" نمایند، زیرا وضعیت عالم امروزه به نحوی است که مانند موج

۱- حصن حصین شریعت الله، ص ۴۵

۲- حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶

۳- مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احتیاء، انوار هدایت، شماره ۱۸۴۲

برگشتی منی عظیمی است که سعی دارد هر چیزی را بجز آنچه که از همه قوی تر و ریشه اش مستحکم تر است، در هم بکوبد. یاران باید آن را درک کنند و به یکدیگر نزدیک شوند و آگاه باشند که یک عاتقه روحانی را تشکیل می دهند که عندالله، به مراتب از نفوس که غلته های خونی دارند، به یکدیگر نزدیکترند.

هیكل مبارك برای شما دعا خوانند کرد تا بتوانید اجتهاد را به مساعی آگاهانه تر جهت حصول وحدت جلب نمایید، و آنها را الهام بخشید تا در یکدیگر همان را مشاهده کنند که حضرت مولی الوری میل داشتند، نه آن که آنچه که شخصیت های ناپردبارشان مستعد مشاهده است، یعنی نقائص و معایب زاء! (ترجمه)^(۱)

ظلمت اجتماع

در سایر اقالیم، مانند معالک اروپای غربی، احیای باوفا، با وجود بسی تفاوتی گسترده، رضایت خاطر مادی، بدبینی و انحطاط اخلاقی، باید جهت ابلاغ پیام جد و جید شدید مبذول دارند. (ترجمه)^(۲)

... نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاه های تاریک عصر تحویل و انتقال نگذشته ایم و راهی طولانی و لغزنده و پر پیچ و خم در پیش داریم، چه که کفر و الحاد متداول و ماده پرستی (مانریالیسم) شایع و رایج است. ملت پرستی (ناسیونالیسم) و نژاد پرستی هنوز وسوسه در افکار و قلوب مردم می افکنند و جامعه انسانی از راه حل های روحانی و معنوی برای حل مشکلات اقتصادی غافل است. این اوضاع و احوال، جامعه بهائی را به مجاهدت و مبارزاتی مخصوص فرا می خواند، چه که وقت تنگ است و اقدام عاجل، لازم و واجب.^(۳)

یکی از علائم جامعه ای منحط، علامتی که در جهان امروز بسیار واضح و بدیهی است، تعلقی پرهیجان و پرحرارت به لذات و تفریحات، اشتیاقی سیری ناپذیر به وسایل سرگرمی، شیفتگی تعصب آمیز نسبت به بازی ها و ورزش، اکراه از توجه و مبادرت جدی به امری از امور، و نگرشی ملامت بار و تمسخر آمیز نسبت به فضیلت و ارزش خالص و ناب می باشد. ترک رفتار سبک سرانه و توأم بالهول لعب بر آن دلالت ندارد که فردی بهائی باید نریشروی و عبوس یا همبسته سنگین و موقر باشد. بذله گویی، سرور و شادمانی از جمله خصوصیات یک حیات واقعی بهائی است. سبک سری حالتی خسته کننده می شود و نهایتاً به وضعیتی کالت آور و بی محتوا منجر می شود، اما مسرت و شادمانی واقعی و بذله گویی که بخشی از حیاتی متعادل هستند که شامل تفکر جدی، محبت، و بندگی خاضعانه خداوند می شود، خصوصیات هستند که زندگی را غنی می سازند و بر روشنی و درخشش آن می افزاید. انتخاب لغات توسط حضرت ولی امرالله همیشه

۱- مکتوب ۸ مه ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- پیام نوروز ۱۹۷۹ بیت العدل اعظم

۳- پیام رضوان ۱۹۹۰ بیت العدل اعظم

پرمعنی و قابل ملاحظه بود، و هر یک از آنها در ذرک هدايات هیکل مبارک امتیابی بسزا دارد. هیکل مبارک در این بیان خاص از توفیق ظهور عدل الهی (صفحه ۳۰ انگلیسی)^(۱)، لذات سطحی و جزئی را منع نمی فرماید، بلکه علیه "تمسک مفرطه" به آنها انذار می کنند و خاطر نشان می سازند که آنها غالباً ممکن است "به انحراف کشیده شوند." در اینجا یادآوری می فرمایند که حضرت عبدالنبیاء انذار فرمودند ما نباید اجازه دهیم که سرگرمی و تفریح موجب اتلاف وقت گردد. (ترجمه)^(۲)

۱- توضیح مترجم: مقصود بیان مذکور در صفحه ۶۲ ترجمه فارسی توفیق مبارک است. "این تقدیس و تتریه با شون و منتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مطرم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح خیری و ادبی است همچنین توجیه و مراقبت تام در احتراز از مشتهیات نفسانی و ترک أهواء و تعابلات سخیفه و عادات و تفریحات و ذبله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حقیض ذلت متازل سازد..."

۲- مکتوب ۸ مه ۱۹۷۱ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از اعضاء. *Compilation*. ج ۱. شماره: ۱۲۸

منشأ امتحانات

ایذاء و آزار احببای الهی

ایذا و آزار اجبای الهی

فاعلموا بأنّ البلیا و المحن لم یزلت کانت موکلة لاصفیاء الله و اجبانه ثمّ لعباده المنقطعين
الذین لا تلهمهم التجارة و لا یبع عن ذکر الله و لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ لمن العاملین کذلک
جرت سنة الله من قبل و یجری من بعد^(۱)

فو عزّتک لا یصحون اجبائک الا و یرون کأس البلاء فی مقابلة و جوههم بما آمنوا بک و
بآیاتک و لو انی اعلّم بانّک ارحمّ بهم من انفسهم و ما ابتلیتہم الا لایظہار امرک و اریقائهم الی
جبروت البقاء فی جوارک و لکن انت تعلم بأنّ ینہم ضعفاء یجزعون من البلیا اسئلک یا الهی
بأنّ توفّقهم علی الإصطبار فی حبّک ثمّ أشہدہم ما قدرت لهم خلف سُرادی عصمتک لِیسرِعن
الی القضاء فی سیلک و یستقنّ البلاء فی حبّک^(۲)

در جمیع اعصار ابرار هدف تیر بلا بودند

در جمیع قرون و اعصار ابرار هدف تیر بلا بودند و مقنول سبب جفا؛ گامی جام بلا
نوشیدند و گهی سمّ جفا چشیدند و دمی آسایش و راحت ندیدند و نفسی در بستر عافیت
نبار میدند بلکه عقوبت شدید دیدند و بار محنت هر یزید کشیدند و در سجن و زندان دل از جهان و
جهانیان بریدند ...

خلاصه نوک خاری نیست کز خون شہدان سرخ نیست و ارضی نیست که بدم عاشقان
رنگین نگردد. مقصود اینست تا بدانید که تحمل بلا و محن و شہادت در سبیل ذوالمنن از آئین
دیرین عاشقانست و منتهی آرزوی مشتاقان. پس شکر کنید خدا را که از این ساغر جرعه‌ئی
نوشیدید و از بلا پای سبیل آن دلبر سمّ قانلی چشیدید. این زهرنه، شہد و شکر است و این تلخ نه،
فند مکرر است.^(۳)

کثیری از نفوس علیہ ما قیام خواهند کرد

... کثیری از نفوس علیہ شما قیام خواهند کرد، بر شما ظلم و ستم روا خواهند داشت، متک
حرمت خواهند کرد، ناسزا خواهند گفت، تمسخر خواهند نمود، از جمع شما اجتناب خواهند
کرد، و شما را استهزاء خواهند نمود. اما، پدر آسمانی شما را آنچنان نورانی خواهد کرد که بمثابة
اشعة آفتاب، سحاب مظلم او حام را پراکنده خواهید ساخت، و در وسط السماء در کمال تلالو
خواهید درخشید و وجه ارض را روشنی خواهید بخشید. زمانی که این بلاها و افتانات اتفاق افتند
باید پای استقامت محکم کنید، صبر و تحمل به عرصه شہود رسانید. باید در نہایت محبت و

۱- سورة الملوک، مجموعه الواح نازلہ خطاب بملوک و رؤسای ارض، ص ۲۸

۲- مناجاة، ص ۱۰۸

۳- نار و نور، طبع آلمان، ۱۳۹ بدیع، بخش دوم، صص ۲۹-۲۸

مهربانی با آنها مقابله کنید؛ مظالم و آزارهای آنان را بوالنیوسی اطفال ملاحظه کنید و برای هر آنچه که آنها انجام می دهند ادنی احتمینی قائل نشوید. (ترجمه)^(۱)

امر عظیم است عظیم و مقاومت و مناجعه جمیع مثل و امم شدید است شدید. عنقریب نعره قبائل آفریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کُلّ بجمع قوا بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأیدی از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جُند عرفان و سپاه پیمان جند هنالك میزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار نمایند.^(۲)

احتیای غرب از بلا یا سهم و نصیبی خواهند داشت

... باران غرب را نصیب و بهره از بلا یا دوستان شرق خواهد بود. لابد در سیل حضرت پناه الله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت ... حال شما نیز البته باید قدری سهیم و شریک من گردید و از محن و آلام بهره و نصیب برید. ولی این وقایع می گذرد و آن عزت ابدیه و حیات سرمدیه باقی و برقرار می ماند و این بلا یا سبب ترقیات کتبه می شود.^(۳)

موانع بسیاری وجود دارد

به اطراف و اکناف عالم وجود نگاه کنید. معاملات جزئی دنیوی جز با غلبه بر موانع بسیار حاصل نشود؛ اهداف عالم بالا بمراتب از آن مبهم تر است. لابد برای این است که مشکلات، بلا یا، ابتلاات، تضییقات، ملامت ها، توهین ها و تحقیرها وجود دارد. در ایام ماضیه چون وقت خود را صرف انداز و نوصیه های دینی نمودی، متحمل مشکلات و تضییقات شدی. اما نمی دانی که در این لحظه چه امتحانات عظیمه مقدر شده و چه مصائب، بلا یا و مشقات تحمل ناپذیر وجود دارد که جان فدا کردن راحت ترین و سهل ترین جمیع این بلا یا است. اما خانمه اینها جز سعادت، نعمت، مسرت فوق العاده، شادمانی و رضایت فوق الحد نیست. حیات ابدی است، عزت سرمدی است، موهبت الهی و سلطنت سماوی است. (ترجمه)^(۴)

مرادی میما یتینت لک فی کتابی السابق هو ان فی اعلاء کلمة الله لامتحان و افتتان و فی محبة الله بلاء و محن و مصائب فی کل آن فینبغی للإنسان ان یقدر هذیه البلا یا و یقبلها لتغیه بطوره و رغبه اولاً ثم یبندأ بنشر نجات الله و اعلاء کلمة الله.^(۵)

۱- بیان حضرت عبدالهیا مندرج در *Compilation*، ج ۱، شماره ۲۶۹

۲- بیان حضرت عبدالهیا نقل در نظم جهانی جهانی، ص ۲۲

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهیا، ج ۱، ص ۲۳۰

۴- بیان حضرت عبدالهیا، *Tablets*، صص ۸-۵۴۷

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهیا، ج ۱، ص ۲۳۲

ای یاران روحانی و دوستان رحمانی در هر عهد مؤمن بسیار ولی مستحق کعباب. حمد کنید خدا را که مؤمن معتقد و در سبیل ربّ مجبّم اسیر هر نوع آلام و محن گشتید، در آتش امتحان مانند ذهب خالص رخ برافروختید و در نائرة ظلم و جنای ستمکاران سوختید و ساختید و هر مؤمنی را رسم و آداب ثبوت و استقامت آموختید. صبر چنین است، فرار چنان؛ جانفشانی اینست و پریشانی آن. این از موهبت پروردگار بود و عنایت بی پایان جمال الهی که یاران آن سامان را در سبیل محبتش بحمل اعظم بلا یا مخصّص دانت. ظاهره ناز و باطنه نور و برهان فبمثل هذا فلبعمل العاملون و لمثل هذا فلبتافس المتافسون.^(۱)

بحران عالم بر امر مبارک تأثیر خواهد گذاشت

آیا می توان تصوّر نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع و مذهب و دعائم اقتصاد و سیاست را در سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی و اصول جنسی و شئون اجتماعی و موازین ادبی و علائق دینی و مناسبات تجاری را مضطرب و متقلب ساخته با وجود حدّث و عظمت و صولت و دهشتی که نظیر آن در قرون و اعصار سالفه مشاهده نشده عکس العملی نسبت به مؤسسات و مشروعات امر نوزاد الهی که تعالیمش تأثیر مستقیم و حیاتی راجع به هر یک از حدود و ضوابط مذکور داشته و دارد ظاهر نخواهد ساخت و مؤسسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقبش مصون و محروس باقی خواهد ماند؟

بنابراین جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع التّقدم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را باستظلال در ظلّ ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تأثیر قوای مدهشه مرعیه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در گرداب اغراض و احواء سبّئه غصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند چندان که حرّیت و آزادیشان محدود و اصول و مبادیشان مردود و تأسیسات و معاهدشان مطرود و اهداب و مآریشان مذموم و حقوق و اختیارانشان مسلوب و اذکار و دعاویشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد.^(۲)

امر مبارک با اعداء بسیاری مواجه خواهد شد

پیروان امر حضرت بهاء الله باید بین بداندند که هر چه مراحل تجزّی و تلاشی جامعه بشری امروزی پیش تر زود، به همان نسبت نیز شدّت طوفان هایی که به این امر تباض الهی هجوم می کند بیشتر خواهد شد. همچنین باید بدانند که قلعه نشینان مقتدر ادیان گذشته هرگز نمی خواهند از تسلط خویش بر آراء و افکار مردم دست بردارند. از این روی به مجزّدی که از دعوی عظیم حضرت بیاء الله کما هو حقّه باخبر گردند قیام بر ضدّش خواهند کرد و در آن وقت است که این آئین نوزاد مظلوم با دشمنانی روبرو خواهد شد که به مراتب از روحانیون متعصب و خونخوار دوران گذشته قوی تر و مکارترند.^(۳)

۱- نار و نور، بخش دوم صفحه ۶۰

۲- ظهور عدل الهی، صص ۶-۵

۳- نظم جهانی بهائی، صص ۲۲-۲۱

در اقامه این جنایاد مضاعف، مبارزین سلحشوری که در سبیل نام و امر مقدس حضرت بنیاءالله قدم در میدان خدمت نهادند، قتیلاً با موانع شدید مواجه و با مشکلات و محظورات کثیره که سزاده و حاجز طریق است مقابل خواهند گشت. در این مقام است که نحوه استقبال و استعداد افراد جامعه و چگونگی قیام و اقدامشان باید مورد توجه و اطمینان نظر قرار گیرد و منع و تعرض عوامل محافظه کار همچنین مخالفت اصحاب ذی نفع با تصمیم قاطع متفاوت شود و اعتراضات نسل حاضر که به مشتیات نسیبیه مألوف و در گرداب رذائل غوطه ور و مستغرقند کاملاً منبزم و مغلوب گردد. بلی چون اقدامات باران برای دفاع و مبارزه‌ای که در پیش است مشکل گردد و دامنه آن بسط و اتساع حاصل نماید، طوفانهای شدید و طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و ندمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حریم مقدس دین الله مورد هجوم و رجوم اعداء واقع، مفاصدشان تعبیر و اهداف مآرشان نکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسسانشان تحریم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تریف خواهند گردید و در پایان پارهای عناصر که با از درک حقیقت گرانمایی که در دست دارند ذاهل و یا از تحمل ضربات و لطعات متکثره‌ای که چنین مبارزه شدید قطعاً در بر خواهد داشت، عاجز و قاصر مشاهده می‌شوند حصن حصین امرالله را ترک خواهند نمود و این دژ ثمین را به تمنّی بخش از کف خواهند داد. در این مقام مولای عظیم و کریم با اخبار از وقایع مدهش آتیه می‌فرماید قوله العزیز: "بسبب عبدالبیاء بسیار امتحان خواهد یافت و رحمت و رنج خواهد دید."^(۱)

احتیای الهی در میند امر رحمانی فقط متحمل اذیت و آزارهای جسمانی نبودند بلکه با حرکتیابی ابدایی اخلاقی و روانی نیز مواجه شدند زیرا جمیع ناس، بخصوص وقتی که دست از دفاع از خویش برداشتنند، هر نوع لعن و نفرین را در حق آنها روا می‌دانستند و به سعایت از آنها می‌پرداختند ... حضرت عبدالبیاء می‌فرمودند که احتیای غریبی شدیداً در معرض حرکتیابی ابدایی قرار خواهند گرفت اما اینها عمده روانی و اخلاقی خواهد بود... (ترجمه)^(۲)

حفظ وحدت در مواجهه با مخالفتها

تردیدی نیست که با ازدیاد نفوذ و تأثیر امر الهی، تعداد نفوسی که مایل به معانعت از ترقی و تندم امرالله هستند نیز تراید خواهد یافت؛ اعداء جدید، سرسخت و قیقار؛ ظهور خواهند نمود؛ نفوس خبیثه، که در جامه‌های مختلف و خارق‌العاده پدیدار می‌گردند، در کمال خرافه پرستی به تحریک جمیع نفوسی خواهند پرداخت که نسبت به امر الهی احساس نفرت می‌کنند یا سوء نیت در دل می‌پروراندند و اعلام فتنه و آشوب را بلند خواهند کرد. تحت این شرایط، لازم است احتیای از طرفی هوشیار و مراقب باشند و از طرف دیگر موجب بیداری و تقویت وفاداری سایر احتیای الهی گردند. انسجام کلمه الله را حفظ کنند، و

۱- ظهور عدل الهی، صص ۸۸-۸۷

۲- مکتوب ۱۲۲ اکتبر ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتیای. *Unfolding Destiny*، صص ۴۲۵

حافظ اتحاد و اتفاق در میان یاران الهی شوند. این است اشرف و اعلیٰ وظیفهٔ احبّاء الله. و اعظم وسیلهٔ خدمت آنها به امرالله. (ترجمه)^(۱)

وقایع عظیمه و مخالفت‌های شدید در پیش است

ما قویاً احساس می‌کنیم که ... زمان مقتضی برای ایشان (احبّاء) فرارسید که، اجتناب‌ناپذیری وقایع عظیمه و مخالفت‌های شديده‌ای را که در پیش است به وضوح درک نمایند، در دفع "سهامی" که توسط دشمنان فعلی و نیز نفوسی به سوی آنها پرتاب می‌شود که به ارادهٔ الهی، در اثر مثبت اسرارآمیز آن حضرت از داخل یا خارج از جامعه قیام خواهند کرد، در کمال اطمینان و عزم راسخ از شما حمایت کامل نمایند و امر مبارک را نصرت بخشند تا به اعلیٰ قله ارتقاء یابد، از انتصارات بیشتر برخوردار گردد، و مراحل حیاتی‌تر را در مسیر مقدّر شده‌اش بی‌مابند تا مظفریش را اکمال بخشد و به سلطه و نفوذ جهانی دست یابد.^(۲)

با تداوم خروج اجتناب‌ناپذیر جامعهٔ بیانی از مجهولیت، مواجهه با اعداء، اعم از داخل یا خارج، صورت خواهد گرفت که هدف آنها وارد کردن اتهام و وارونه جلوه دادن اصول و منویات می‌باشد، به طوری که نفوسی که محبّ و تحسین‌کنندهٔ امرالله هستند دچار سوء تفاهم گردند و ایمان پیروانش متزلزل گردد.^(۳)

۱- مکتوب ۲۴ مه ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء. *Compilation*. ج ۱، ص ۱۸۱ (اصل مکتوب فارسی است.)

۲- پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴ بیت‌العدل اعظم خطاب به جمیع محافل روحانی مثل مندرج در صفحه ۱۵۰ *Compilation of Compilations*. جلد اول، شماره ۲۹۲

۳- ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم مندرج یادداشت دارالتحقیق بین‌المللی مندرج در مجموعه تحقیق و تبیح، فوریه ۱۹۹۵

منشأ امتحانات

مصائب و بلايا در عالم

مصائب و بلایا در عالم

غفلت ناس بمقامی رسیده که از خف مدینه و نف جبل و شق ارض آگاہ نشده و نمیشوند. اشارات و علامات کتب ظاهر و در هر حین صیحه مرتفع، معذک جمیع از خمر غفلت مدهوشند الا من شاء الله هر روز ارض در بلای جدیدی مشاهده میشود و آناً فاناً در تزیاد است. از حین نزول سوره رئیس تا این یوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمینان مزین؛ گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه. مرض عالم بمقامی رسیده که نزدیک بیأس است. چه که طیب ممنوع و متطبب مقبول و مشغول^(۱)

فرا گرفتن ظلمت تمام ممالک را

الهی الهی نری قد اشتد الظلام الحالك علی کل الممالک و احتقرت الآفاق و اشتعلت نيران الجدال و القتال فی مشارق الارض و مغاربها فالدماء مسفوكة و الأجساد مطروحة و الرؤس مذبوحة علی التراب فی میدان الجدال^(۲)

رب قد طالت الحروب و اشتدت الكروب و تبدل كل معمور بمطمور رب قد ضاقت الصدور و تفرغرت النفوس فارحم هؤلاء الفقراء و لاتتركهم يفترط فيهم من يشاء بما يشاء... رب قد تموج بحر العصيان و لاتسكن هذه الزواجع الا برحمتك الواسعة فی كل الأرجاء رب ان النفوس فی هاوية الهوى فلا ينفذها الا الطائفك العظمى رب ازل ظلمات هذه الشهوات و نور القلوب بسراج محبتك الذي سيضيء منه كل الأرجاء.^(۳)

تا آن که ناس ملزم به توجه به خدا گردند

بدان که بلایا و محرومیت ها بوماً فیوماً در تزیاد، و نفوس بدان مبتلا. ابواب سرور و حبور از جمیع جهات مسدود گردد و جنگهای شدیده واقع شود. یأس و حرمان ناس را احاطه نماید تا مجبور به توجه به حق گردند. پس نور بشارت مسرت بخش بتابد و آفاق را منور سازد که فریاد بابیاء الابی از هر جهت بلند شود. این امور واقع خواهد شد.^(۴)

طوفانی که بر وجه ارض به وزیدن آمده

اکنون طوفانی که در شدت بی سابقه و در جریان فوق تصور و در اثرات فعلی دهشت آور و از حیث نتایج پر مجدد و عظمت می باشد بر سطح کره خاک به وزیدن آمده است. قوه محرکه آن بدون

۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله. ص ۲۲ (فقره ۱۶)

۲- مکاتیب عبدالبهاء ج ۳، ص ۲۴ / مجموعه مناجاتهای طبع آلمان، نشر تانی، ص ۵۶

۳- همان / مناجات، ص ۵۷

۴- لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به ایزابل برینینگهام، مندرج در انوار هدایت، شماره ۴۲۸

حتی شفت و ترخم بر وسعت و حدت خود می‌افزاید - قوه تطهیریه آن هر چند ظاهر و محسوس نیست ولی روز به روز شدیدتر می‌شود - عالم انسانی در قبضه قوه مخزبه آن گرفتار و به ضربات قیروش دچار گردیده است - در حالی که نمی‌تواند مبداء آن را دریافته و اهتیت آن را درک نموده و با عواقب آن را در نظر بگیرد؛ لذا وحشت زده و در حال عذاب و بیچارگی به این ضرر فقیر الهی می‌نگرد که چگونه به دورترین و معمولترین نقاط زمین هجوم آورده بنیادها را متزلزل ساخته و تعادل اشیاء را از میان برده و ملل را از همدیگر جدا ساخته زندگی مردم را به هم زده و شهرها را ویران و پادشاهان را به جلای وطن مجبور کرده قلاع محکمه را فرو ریخته و مؤسسات عالم انسانی را ریشه کن نموده نور آن را ظلمانی و روحیه ساکنین کره ارض را جریحه دار ساخته است.^(۱)

هدف از این طوفان

این قضاء الهی بنظر کسانی که حضرت بقاء الله را صور الهی و اعظم مظہر رحمانی در عالم می‌دانند هم مصاب جزائی است و هم بک تأدیب مقدس عالی و در عین حال که به منزله نزول بلائی من جانب الله است نوع بشر را از آلودگی‌های دنیوی پاک و مطہر می‌سازد. نارش مجازات نیککاران است و علت النیام عناصر مرکبه نوع بشر در یک جهت لایبتجرائی جامعه عمومی نوع انسان در این سالیهای پر شر و شور که از جنبی انتضای قرن اول دور یفانی و از جهت دیگر شروع قرن جدیدی را اعلام می‌دارد باراده آن که قضاء و نجات عالم در ید اقتدار اوست باید در آن واحد بحساب اعمال گذشته خود رسیده و ضمناً خود را برای انجام وظایف آینده پاک و آماده سازد. نه از مسئولیت‌های اعمال گذشته، وی را گریزی و نه نسبت به وظائف آینده، مغفرتی. زیرا خداوند عادل سبیربان و قادر متعال در این دور اعظم اجازه نمی‌دهد معاصی نوع بشر چه در قبال وظائفی که به عهده داشته و انجام نداده و چه از حیث مظالمی که مرتکب شده بی مجازات بماند و همچنین نمی‌خواهد بندگانیش را به سرنوشت خود واگذشته آنان را از آن مقام عالی و پرسعادت که در مراحل تکامل بطنی و پرزحمت در طی قرون عدیده مقدر شده و حق مسلم و سرمنزله حقیقی آنان بشمار می‌رود باز دارد.

... از طرف دیگر در توضیح مستقبل درخشان عالم که اکنون نیره و نارا است می‌فرماید، "حال ارض حامله مشهود. زود است که اثمار منیع و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جسته مشاهده شود." "سوف تضع کلّ ذی حمل حملها تبارک الله مرسل هذا الفضل الذی أحاط الاشیاء کلّها عما ظهروا عما هو المکنون" بملاره قرن ذهبی نوع انسانی را پیش‌بینی نموده می‌فرماید، "این بلائی عظمی عالم را برای درک صلح اعظم آماده می‌سازد." این عدل اعظم همان عدلی است که تنها بر آن بنیاد صلح اعظم باید بالاخره مستقر گردد و بنوبه خود صلح اعظم آن مدنیت جهانی را ظاهر خواهد کرد که همواره با اسم اعظم همراه و ملازم خواهد بود.^(۲)

۱- توقیع قد ظهر یوم المیعاد، طبع ۱۰۴ بدیع، لجنة ملی نشر آثار امری، طهران، ص ۲

۲- همان، ص ۵ و ۸

مشکلات باید مقدّم بر طلوع فجر موعود باشد...

... هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و تزلزل عالم کون بیشتر شود و هرج و مرج اتساع یابد طلوع فجر موعود قریب تر گردد و اسباب تجلّی و سطوع اتوارش بیتر فراهم آید. همچو بشارت سامیه جانپروری لابد اینگونه متذمّات و تمهیدات مدعیه مُرعبه‌نی خواهد داشت چه که تحقّق وعود حتمی الهیه بتبّه و تذکّر نعام هیت اجتماعی بشر موقوف و این تذکّر و تبّه عمومی جز بوفور بلیات و تعدّد اضطرابات و تراید مشکلات حاصل نگردد.^(۱)

مرحله تطهیر اجتناب‌ناپذیر است

به نظر می‌رسد شما در خصوص مصائبی که عالم بشری بدان مبتلا شده معترضید. در رشد روحانی انسان وجود یک مرحله تطهیر اجتناب‌ناپذیر است، زیرا در حین عبور از چنین مرحله‌ای حاجات مادی که پیش از حدّ مورد مبالغه واقع شده‌اند به صورت صحیح و متناسب خود جلوه گر خواهند شد. اگر جامعه یاد نگیرد که برای مواضع روحانی اهمّیت بیشتری قائل شود، ابدأ آمادۀ ورود به عصر ذهبی که حضرت بیهاء‌الله پیش‌بینی فرموده‌اند نخواهد بود. مصائب فعلی بخشی از جریان تطهیر است، که فقط در اثر آنها انسان درش را فرا خواهد گرفت. مقصود از آنها تعلیم این نکته به ملل عالم است که آنها باید جمیع مواضع را به نظری بین‌المللی بنگرند؛ مقصود از آنها ملزم کردن است که برای اخلاق خویش بیش از رفاه مادی اهمّیت قائل شود.^(۲)

بہائیان نباید امیدوار باشند که از مصائب و بلا یا مصون مانند

در چنین جریانی از تطهیر، وقتی که تمام عالم بشری در سکرات مصیبتی دردناک مبتلا بند، بہائیان نباید امیدوار باشند که از آن مصون مانند. اگر چویی را که در چشم خود داریم ببینیم، بلافاصله در خواهیم بافت که ما نیز که مدعی هستیم به کمال واصل شده‌ایم در این بلا یا مطمح نظر هستیم. چنین بحرانی جهانی برای بیدار کردن ما نسبت به اهمّیت وظایفمان و اجرای تکالیف خود ضروری است. رنج و الم نیروی ما را برای هدایت نوع بشر به سیل نجات تراید می‌بخشد و ما را از سستی و رخوت خارج خواهد ساخت، زیرا ما در تبلیغ امرالله و ابلاغ پیامی که به ما سپرده شده است، کما یبغی و یلقی بئذل همت نکرده‌ایم.^(۳)

وقتی که چنین بحرانی عالم را فراگیرد احدی نباید امیدوار باشد که مصون و محفوظ ماند. ما به واحدی حیاتی تعلق داریم و زمانی که بخشی از یک موجود ذیحیات متألّم گردد بنیة بدن نیز عواقب آن را احساس خواهد کرد. به دلیل همین واقعیت است که حضرت بیهاء‌الله توجّه ما را به وحدت نوع

۱- تویق ۱۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ خطاب به اعضاء محترّمه محفل مقدّس روحانی طهران، نار و نور، بخش حضرت ولی امرالله، ص ۱

۲- ترجمه مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۳۱ که از طرف حضرت ولی امرالله برای یکی از احباء نوشته شده / Lights

۳- ترجمه - همان مأخذ

of Guidance of فقره: ۴۱۷

بشر معطوف می‌فرمایند. اما ما بیانیان نباید اجازه دهیم که شدائد و مصائب امید ما به آینده را تضعیف سازند...^(۱)

فقط پیام حضرت بهاء‌الله شافی امراض عالم است

در مورد ماهیت دقیق تحولات مصیبت‌بار، ما هیچ اشاره‌ای در اختیار نداریم؛ ممکن است جنگی دیگر واقع شود... لکن آنچه‌آن که از آثار مبارکه استنباط می‌شود. هر قدر مدتی طولانی‌تر پزشک الهی (یعنی حضرت بهاء‌الله) را از مداوای امراض عالم ممنوع دارند، بحران شدیدتر و آلام بیمار وحشتناکتر خواهد شد.^(۲)

نزدیدی نیست به آن درجه که ما بیانیان عالم برای انتشار امر مبارک و برخورداری از خباتی مستطین با تعالیم الهی سعی و تلاش کنیم، در آلام و اوجاع اهل عالم تسکین و تخفیف حاصل خواهد شد. اما بدیهی به نظر می‌رسد که قصور عظیم در شیک گفتن به هدایات، توصیه‌ها و اندازات حضرت بهاء‌الله که در قرن نوزدهم شرف صدور و ترویج یافته، عالم بشری را اکنون در طریقی انداخته، با قوایی را آزاد ساخته، که باید در تحولاتی به مراتب شدیدتر و رنج و عذایی به مراتب وخیم‌تر به اوج خود برسند.^(۳)

ما می‌دانیم که آینده درخشان و آرام خواهد بود

کاملاً طبیعی است که هر نفسی که ناظر بر وضعیت فعلی عالم است، نسبت به آینده احساس یأس و نگرانی نماید. هر شخصی هوشمندی باید آنچه را که شما از خویش می‌پرسید از خود بپرسد. مسلماً مشاهده آنچه که در آینده در انتظار ما می‌باشد مشکل است، اما ما بیانیان، بر خلاف اکثر نفوس، اطمینان کامل داریم که آینده دور آرام و درخشان است. ما نمی‌دانیم که آیا در آینده جنگی بزرگ واقع خواهد شد یا خیر؛ آنچه که مسلماً می‌دانیم این است که اگر ناس به موقع از لحاظ روحانی بیدار نشوند، بلایی عظیم، شاید به صورت جنگ، بر آنها نازل خواهد شد، زیرا عالم انسانی باید متحد شود، باید نجات داده شود. اگر انسانها راه آسانتر را که ابعان است، که جستجو برای یافتن مظهر ظہور الهی برای این عصر و زمان و اقبال به او است، انتخاب نکنند، در این صورت بحرانی جدید در امور بشری و بلایی عظیم را باعث خواهند شد. آنچه که ما بیانیان باید انجام دهیم وظیفه و تکلیف ما است؛ اسفاً، ما نمی‌توانیم وظیفه سایر نفوس را برای آنها انجام دهیم؛ اما می‌توانیم با خدمت به بنی نوع انسان،

۱- ترجمه مکتوب ۱۴ آوریل ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یک عائله بهائی، مستدرج در انوار هدایت، شماره: ۴۴۶

۲- ترجمه مکتوب محرره از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباب، *Directives from the Guardian* ص ۱۲

۳- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباب، *Unfolding Destiny* ص ۵۴

برخورداری از حیات بیانی، تبلیغ امرالله، و تقویت نظم نوزاد جهانی به موجب مسئولیتبای مقدس خود عمل نمایم.^(۱)

حضرت ولی امرالله مستحضر شده‌اند که بعضی از احباء از گزارش‌های زائرین در خصوص خطرانی که در آینده، هر زمان که جنگ جهانی عظیم دیگری روی دهد، آمریکا را تهدید می‌کند، مضطرب شده‌اند.

حیکل مبارک معتقدند که یقینان نباید اوقات خود را با تمرکز بر وجوه تیره و تاریک امور هدر دهند. هر شخص بصیری با استفاده از تجربه حاصله از جنگ جهانی گذشته و اطلاع از آنچه علوم جدید در زمینه تسلیحات پیشرفته برای هر جنگی که در آینده واقع شود، تدارک دیده‌اند، می‌تواند دریابد که شهرهای بزرگ در تمام جهان در خطر عظیم خواهند بود. این بیان مبارک خطاب به زائرین بوده است.

کاملاً جدا از این موضوع، حضرت ولی امرالله احباء را تشویق کرده‌اند که به خاطر امر مبارک از مراکز مبتلا به مادی‌گرایی حاذکه امروزه زندگی را چنین شتاب‌آلود و خردکننده نموده، خارج شوند، در شهرهای کوچک و روستاها پراکنده گردند و پیام الهی را در شهرهای دور و نزدیک اتحادیه آمریکا انتشار دهند. ایشان قویاً معتقدند که زمینه در خارج از شهرهای بزرگ مستعدتر است، یقینان نهایتاً از چنین نقل مکانی مسرورتر خواهند شد، و در صورت وقوع هر جنگی، به حکم مطلق، مانند هر نفس دیگری که ساکن مناطق روستایی یا دور از مراکز بزرگ صنعتی سکونت دارد، در امنیت بیشتری خواهند بود.

اشارانی از این قبیل را زائرین در یادداشت‌های خود ثبت نموده‌اند. ایشان هیچ دلبلی برای احساس خوف مشاهده نمی‌کنند، اما ایشان مسلماً معتقدند که احباء باید برای این افکار اهمیت قائل شوند، و برای انتشار امر حضرت بنیاءالله، و نیز برای سعادت غائی خود قیام نمایند. تردیدی نیست که این دو امر با هم توأم هستند.^(۲)

خطرات فعلی و فرصتهایی که در مقابل جهان است

همراه با موج تازه آزادی‌های سیاسی که در اثر سقوط سنگ‌های کمونیزم به وجود آمده، ملت پرستی ناگهان اوج گرفته و طغیان نژاد پرستی ملازم با نهضت ملت پرستی در مناطق مختلف سبب نگرانی شدید عالم گردیده است. این تحولات در اثر توسعه تعصبات دینی بفرنج‌تر گشته و سرچشمه سعه صدر و تحمل را مسموم ساخته است. تروریسم شیوع یافته و توسعه عدم ثبات وضع اقتصادی حاکی از اغتشاش عمیق در مدیریت امور مالی در دنیای امروز است. این وضعیت احساس یأس و

۱- ترجمه - مکتوب ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء مندرج در *Unfolding Destiny* ص ۴۵۲

۲- ترجمه - مکتوب ۲۰ ژوئن ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملّی ایالات متحده، مندرج در *Lights of Guidance* صفحه ۱۳۴ (فقره: ۴۴۸)

ناابیدی را که بر فضای سیاسی جهان حاکم است عمیق تر می سازد. وخیم تر شدن وضع محیط زیست و بهداشت جماعات کثیری از مردم، موجب وحشت و اضطراب شده است. با تمام این احوال یکی از عوامل این تنبیر و تحوّل پیشرفت های حیرت انگیز در فنون مخابراتی است که انتقال سریع اطلاعات و افکار را از یک نقطه به نقطه دیگر جهان مبسر ساخته است و در مقابل این ترقی و ندنی و تألیف و تحلیل و نظم و هرج و مرج که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشیود و تأثیرات متقابل هر یک بر دیگری مستمر و محسوس^۱ (ترجمه) است که هزاران فرصت جدید برای مرحله بعدی تحقق اهداف نشئه ملکنونی حضرت عبدالیهاء جلوه گر می گردد.^(۱)

... احباً باید درک کنند که اضمحلال مصیبت بار جامعه بشری در نتیجه غفلت نوع بشر از پیام حضرت بهاء الله توسط ایشان به وضوح پیش بینی شده و ماهم اکنون مسلماً در بحبوحه چنین اختلال و اضمحلالی هستیم. آنچه که در وحله اولی باید مطمح نظر بهائیان باشد، این نیست که چگونه خود را از لحاظ عنصری حفظ و صیانت نمایند، بلکه این است که چگونه از فرصتهایی که این شرایط برای انتقال تعالیم شفا بخش امر مبارک به ابناء نوع عرضه می کند استفاده نمایند. میزان فزاینده نگرانی در حال حاضر کاملاً ممکن است یکی از کلیدهایی باشد که به یاران برای گشودن چشم اهالی اروپا به مابیت حقیقی گرفتاری آنها و جلب حمایت آنها از امر الهی مساعدت نماید.^(۲)

بیت العدل اعظم نسبت به وضع اسفناک بومیان و سکنه اصلی مناطق مختلف جهان که حقوق آنها در اثر مظالم اکثریت پایمال شده، عمیقاً نگران هستند. چنین بی عدالتی ها و بی انصافی هایی در بسیاری از ممالک عالم مشاهده می شود. هدف از ظهور حضرت بهاء الله برداشتن یوغ ظلم و ستم از گردن عزیزانش، آزادی جمیع اهل عالم، و تأمین وسائل سعادت پایدار آنها است.

رهیافت بیانی برای حل مسائل کثیره ای که جامعه بشری بدان مبتلا است، بر بیان حضرت بهاء الله مبتنی است که این امراض مستولیه جز علائم و عوارض جانبی بیماری بنیادی نیست و آن بنا به تشخیص طیب الهی عبارت از عدم اتحاد است. حضرت بهاء الله این موضوع را کاملاً واضح فرموده اند که اولین قدم اساسی برای صحت و اتفاق تمام نوع بشر عبارت از اتحاد آنها است. ایشان می فرمایند: "اصلاح عالم و راحت امم ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق."^(۳) در مقام مقایسه، رهیافت اکثر نفوس دقیقاً در جهت مخالف است، یعنی تمرکز آنها بر مداوای امراض کثیره ای است که عالم انسانی به آن مبتلا شده و انتظار دارند که حل این مسائل و مشکلات نهایتاً به اتحاد منجر شود.^(۴)

جنگ جهانی اول را در نظر بگیریم که حضرت ولی امر الله در آثار خویش آن را به عنوان

۱- پیام رضوان ۱۹۹۲ میلادی

۲- ترجمه - پیام ۲۰ فوریه ۱۹۸۴ بیت العدل اعظم خطاب به دارالتبلیغ بین المللی

۳- نظم جهانی جهانی، ص ۱۶۴

۴- ترجمه - مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء

نخستین مرحله از طوفان و اضطراب عظیمی که حضرت بنی‌الله در الواح منبره اخبار و انذار فرموده بود^(۱) توصیف می‌فرماید. حضرت عبدالبنیاء می‌فرماید: "از زبان خاص و عام کلام صلح و سلام جاری است ولی در قلوبشان آتش ضغینه و بغضاء مشتعل"^(۲) و نیز می‌فرماید: "در مستقبل حریس شدیدتر یقیناً واقع گردد"^(۳) بعد از آن که در سال ۱۹۲۹ جنگ جهانی دوم شروع شد، حضرت ولی امرالله آن را "طوفانی که در شدت بی‌سابقه"^(۴) و "تندباد عظیم و نیرومند الهی که بر انصافی نقاط و بهترین مناطق ارض در مرور"^(۵) خواندند. بعد از پایان این جنگ و تأسیس سازمان ملل متحد، حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۸ "انقلابانی باز هم شدیدتر" را پیش‌بینی فرمودند و به "طوفانهای" "منازعتی" دیگر اشاره کردند که مقدرات "اتقی بین‌المللی را تیره و نار سازد"^(۶).

از قلم میثاق بکرات نازل که بشر غافل قبل از توجه و اعتنا به تعالیم جان‌پرور تبار آفاق به چه مشقانی لایطاق مبتلا گردد. می‌فرماید:

"روز بروز هرج و مرج در دنیا در از دیاد است. عاقبت بدرجه رسد که بنیه انسانی را تحمل نماند؛ آنوقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آئین، نور مبین و احکام و نصایح و تعالیم الهی محیی روی زمین."

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که آثار اولیه این هرج و مرج در ارکان هیئت اجتماعی هر روز ظهور و بروز یافته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مخزبه‌اش بنیان مؤسسات و مشروعات معهوده قدیمه را که در قرون و اعصار، دایره مدار جمیع شئون اهل عالم و ملجأ و ملاذ بنی آدم بوده و از گون ساخته و موازین سیاسی و اقتصادی و علمی و ادبی اخلاقی بشر را دگرگون نموده و نظم و منظمی را در عصر حاضر را سرنگون داشته است. مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسی زمامداران، داغ بطلان نیاده و حرص و آز و ریا و ترور و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدم علوم و صنایع است آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل افتاده است، حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و حامی عواطف رفیقه عالیه و وسیله تطلیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد، حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لاابالی و بی‌سرو سامان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که بشمرده جمال مبارک "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه برپا شود" و "سوف تحترق المدن من ناره" تحقق یابد.

در چنین حال پُروبالی که اهل عالم پریشان و دانابان امم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بنیاء ببرکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مُدهشه را هر یک علتی و معنائی و نتیجه‌ایست و

۱- قرن بدیع. طبع کانادا. ص ۶۲۲

۲- نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۴۰ نظم بدیع جهانی

۳- نظم جهانی جهانی. ص ۶۶

۴- قد ظهر یوم المیعاد. ص ۲

۵- ترجمه

۶- ترجمه - مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۸۷ از طرف بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احباب

کلی از وسائل ضروریة استمرار مشیت غالبه الهیه در جیان محسوب. یعنی از یک طرف نازمانه خشم و
فیر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواہ و ناخواہ به سرمزل منقود
براند و بتازاند. از طرف دیگر مثنی ضمنا را در ظل هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تا در این
دوره تحوّل و عصر تکوین در میان طوفانهای سهمگین به ساختن حصی حصین که بالعال منزلگاه و پناه
آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند. لہذا باران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشانی
در مقابل خویش دارند البتہ از آنچه پیش آید پریشان خاطر نشوند، از نیب حادثہ نبراسند، در هنگام
یروز انقلاب در اضطراب التیاب نیفتند و آنی از اجرائ وظائف مقدّسه خویش باز نمانند.
از جمله وظائف مقدّسه تخلّق باخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریاست. (۱)

۱- پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ (۴ شهرالملك ۱۳۶ بدیع) خطاب به احتیای ایرانی مقیم ممالک و دیار سایرہ. مندرج
در منتخباتی از پیامهای عممی بیت العدل اعظم الهی خطاب به یاران ایرانی، لجنة ملّی نشر آثار امری به لسان
فارسی و عربی، آلمان، ۱۴۲ بدیع، ص ۸۱

راه حلّی برای امتحانات

راه حلّی برای امتحانات

ایمان و اطمینان

ایمان و اطمینان

لا تطمنن بجزائرتك فاطمنن بفضل الله ربك ثم توكل عليه في امورك وكن من المتوكلين^(۱)

فاطمثوا بالله بارنكم ثم استصروا به في اموركم و ما النصر الا من عنده ينصر من يشاء
بجنود السموات والارضين^(۲)

ان جندی توکلی و حزبی اعتمادی^(۳)

و من يتوكل عليه انه هو يخرسه عن كل ما يضره و عن شر كل مكارنم^(۴)

لا تخف من احد فتوكل على الله العزيز الحكيم^(۵)

آنچه بر شما وارد لله بوده هذا حق لا ريب فيه و حال هم جميع امور را باو راجع نمائيد و
بر او توکل کنید و تفويض نمائيد البته او هم شما را وانمی گذارد اينهم لا ريب فيه. هيچ پدر او را
را بسع نمی دهد و هيچ صاحب غنمی اغنام خود را بگرگ نمی سپارد؛ البته در حفظش سعی بلیغ
مبذول می دارد. اگر چند يومی بمقتضای حکمت بالنه امور ظاهره بر خلاف مراد جاری شود
بأسی نبوده و نیست. مقصود آن که کل بافق اعلى ناظر باشند و آنچه در الواح نازل شده
متمسک^(۶)

توكلت على الله رب كلشي، لا اله الا هو الفرد الرفيع و الى الله التي نفسي و اليه افوض
امري^(۷)

مطمئن باش که تأیید نازل شود و توفیق حاصل گردد.^(۸)

۱- سورة الملوك، الواح نازله خطاب به ملوك و رؤسای ارض، ص ۳۹

۲- سورة الملوك، الواح نازله خطاب به ملوك و رؤسای ارض، ص ۸

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۳۲

۴- سورة الملوك، الواح نازله خطاب به ملوك و رؤسای ارض، ص ۳۷

۵- لوح وفا، آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۳۵۷ ۶- نار و نور، بخش اول، صفحه ۹

۷- منتخبات آیات از آثار حضرت تقطه اولی، ص ۹

۸- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء، مندرج در Bahá'í World Faiths صفحه ۳۶۲

الله یکنی کل شیء

منقطع شو از ماسوی الله و مستغنی شو بخدا از مادون او و این آیه را تلاوت کن: قل الله یکنی کل شیء عن کل شیء و لایکنی عن الله ربک من شیء لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انه کان علماً کافیاً قدیراً. و کفایت الله را موهوم تصور ننموده که آن ایمان تو است در هر ظهوری بظهور آن ظهور و آن ایمان تو را کفایت میکند از کل ما علی الارض و کل ما علی الارض تو را کفایت نمیکند از ایمان اگر مؤمن نباشی شجره حقیقت امر یافنا، تو میکند. و اگر مؤمن باشی کفایت میکند تو را از کل ما علی الارض اگرچه مالک شیء نباشی... (۲)

به نظری صد هزار حاجات روا نماید

ای متوجه الی الله چشم از جمیع ماسوای بریند و به ملکوت ابهی برگشا آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب به نظری صد هزار حاجات روا نماید و به التفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخمها را مرهم نهد و به نگاهی دنیا را از نید غم برهاند. آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است. پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم به (۳)

باران الهی از ملکوت رحمان مؤید و بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر صعی آسان شود و هر مشکلی بنهایت سهولت انجام جوید. (۴)

به حفظ و صبات الهیه اطمینان داشته باشید. در جمیع اوضاع و احوال فرزندانش را حفظ خواهد کرد. هراسان مباشید، مضطرب نگردید. جوگان قدرت در دست اوست و چون مرغی جوچه های خود را در زیر بال و پر گیرد. از برای هر امری عنتی موجود، و در ظل شمس برای هر مفصدی زمانی معین. زمانی برای تولد، و زمانی برای مردن، زمانی برای گریستن و زمانی برای خندیدن. زمانی برای حفظ سکوت و زمانی برای سخن گفتن. حال، ای باران، این ایام زمان اطمینان و ایمان است نه خوف و هراس. (۵)

- ۱- لوح شیخ نجفی، ص ۱۰۹
- ۲- منتخبات آیات از آثار حضرت نطفه اولی، ص ۸۷
- ۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۹ / مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، طبع آلمان، نشر ثانی، ص ۳۸ (شماره ۳۷)
- ۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۶۸
- ۵- کلام منسوب به حضرت عبدالبهاء، نقل از دفتر خاطرات میرزا احمد سهراب، منقول در نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۹، ص ۲۴۱

ابدأ امید را از خدا نطع منما. در هر حال امیدوار باش زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منقطع نگردهد؛ اگر از جهنی قلت یابد از جیات سائره کاملست. در هر صورت انسان در دریای الطاف مستغرق است. لهذا در هیچ حالتی نومید نشو، امیدوار باش.^(۱)

شکر خدا نعمت‌هایش را افزون کند

سرور و کاملاً راضی باش و قیام به حمد و شکر خداوند نما تا این شکرانه به ازدیاد نعمت‌های الهی منجر شود.^(۲)

سرور حقیق

سرور بر دو قسم است، سرور جسمانی و سرور روحانی. مسرت روحانی محدود است؛ حداکثر یک روز، یک ماه یا یک سال طول می‌کشد. هیچ ثمری ندارد. مسرت روحانی ابدی است، لایتنامی است. این نوع مسرت با عشق الهی در نفس انسان به وجود می‌آید و آن را به حصول فضائل و کمالات عالم انسانی هدایت می‌کند. لهذا، در حد مقدور سعی کن و جهد نما تا سراج قلب را به نور محبت روشن و مضمیء سازی.^(۳)

کمال اطمینان به فضل حضرت یزدان داشته باشید

ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید؛ هر قدر مصائب شدید شود، مضطرب نشوید؛ در کمال اطمینان بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید.^(۴)

توکل علی الله و اتوکی ارادتک و تمسکی بارادة الله و دعی رضائک و خذی رضاء الله حتی تکنونی قدوة مقدسة روحانية ملکوتية بین اماماء الله^(۵)

احبابی الهی باید ... توکل بذیل کبریاء جویند و توکل بجمال اعلی نمایند تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند و اعتماد بر صون و حمایت رب کریم.^(۶)

مغناطیس ایمان

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ص ۲۰۰ (فقره: ۱۷۸)

۲- ترجمه - Tablets of 'Abdu'l-Bahá، ص ۴۸۳

۳- ترجمه - بیان حضرت عبدالهبا، در Tablets صفحه ۶۷۲

۴- منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۷۱ (فقره: ۳۵) - همان، ص ۷۶ (فقره: ۳۸)

۵- همان، ص ۹ (فقره: ۲)

ایمان مغناطیسی است که جاذب تأییدات رحمانه است.^(۱)

وقتی که ایمان داشته باشیم

وقتی انسان ایمان داشته باشد، جبال عالم او را معانعت ننوانند. در مقابل هر امتحانی و هر مصیبتی مقاومت کند و هیچ چیز او را ضعیف نتواند نمود. اما کسی که مؤمن حقیقی نیست، کسی که از ایمانی حقیقی محروم است، در مقابل ادنی بآس و حرمانی به تضرع و زاری پردازد، و در برابر کوچکترین امری که آرامش و آسایش او را مختل کند به آه و ناله در آید. (ترجمه)^(۲)

فرد مؤمن هر امتحانی را تحمل کند، هر سختی و شدنی را به کف نفس و صبر متحمل شود. کسی که ایمان ندارد همیشه نالان و گریان است و هباهو به راه اندازد.^(۳)

به شما می‌گویم هر نفسی که در این زمان بر امر الهی قیام نماید از روح الهی مملو خواهد شد و خداوند جنودش را از آسمان به نصرت او خواهد فرستاد و اگر ایمان داشته باشید هیچ امری برای شما مستحیل و محال نیست. حال امری را به شما می‌دهم که میثاقی بین شما و من باشد و آن این که ایمان داشته باشید؛ ایماننان قویم چون صخره باشد که هیچ طوفانی آن را حرکت ندهد، هیچ چیز مضطربش نسازد، و تا انتهی در جمیع وقایع متحمل باشد ... هر قدر ایمان داشته باشید قوا و برکات شما نیز همانقدر خواهد بود. این میزان است، این میزان است، این میزان است.^(۴)

وقتی انسان از زندان نفس آزاد می‌شود به آزادی حقیقی می‌رسد زیرا نفس بزرگترین حبس برای آدمی است. اگر انسان خود را از این حبس آزاد کند هرگز مسجون نمی‌شود. ولی تا وقتی که شخص این تقلب خطیر روحی را نپذیرد به آزادی واقعی فائز نمی‌شود و این پذیرش نباید با تسلیم اجباری باشد بلکه باید با رضایت همراه باشدمانی انجام گیرد.^(۵)

تقارن بجهودات باهره با نهایت درجه انحطاط عالم انسانی

هر قدر عالم انسانی در غمرات بآس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرو رود بانان دلیر نظم جهان آرای حضرت یه‌الله باید بیشتر در مدارج عالیة شجاعت و علو حمت صعود نمایند و خود را از تأثیر پذیری، تردید، سبات و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فاتح آیند و در سبیل خدمت قدم فراتر نیند و پیشین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات

۱- ترجمه - *Tablets of 'Abdu'l-Baha*, صفحه ۶۲

۲- بیان منسوب به حضرت عبداله‌ها. منقول در *Summon Up Remembrance* اثر مرضیه گیل، ص ۲۵۴

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله‌ها. همان، ص ۲۵۵

۴- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله‌ها. *Early Pilgrimage* اثر می مکسول، ص ۴۰

۵- نقل ترجمه از صفحه ۱۱۳ نفعات ظهور ترجمه باهر فرقانی، طبع مؤسسه معارف جهانی کانادا، ۱۵۵ بدیع

باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است منازن باشد.^(۱)

اطمینان به حضرت بهاء الله

اعظم فضل الهی عبارت از قلب مطمئن است. وقتی قلب مستریح و مطمئن باشد، جمیع امتحانات و بلبه عالم ملعبه صیان خواهد بود. اگر به حبس افتد، اگر به سیاه چال افکنده شود، اگر به انواع و اقسام بلاها و مصائب مبتلا گردد، باز هم قلب او راضی، ساکن و مطمئن است.^(۲)

بہائیان عالم گاهی اوقات همراه با سایر بنی نوع انسان در معرض ابتلائات هستند. کشور آنها مبتلا به هر بلبه ای گردد، آنها مصون هستند و حضرت بهاء الله مراقب ایشان خواهند بود و ابدأ نباید از آینده حراس به دل راد دهند بلکه باید از قصور در اجرای امور امر الله خائف باشند. (ترجمه)^(۳)

به تأیید و نصرت حضرت بهاء الله اطمینان داشته باشید. روح آن حضرت شما را هدایت خواهد کرد، و روح شما را مانده روحانی خواهد بخشید تا به مدد آن بتوانید بر موانعی که به نظر می رسد به نحوی متناصل کننده سد راه شما شده است، غلبه نمایید. (ترجمه)^(۴)

حضرت بهاء الله به ما وعده داده اند که اگر در مجهودات خویش استقامت نعیم و به آن حضرت اعتماد و اطمینان تام و تمام داشته باشیم، ابواب توفیق بر وجه ما مفتوح خواهد شد. (ترجمه)^(۵)

اعتماد علی الله محققاً قوی ترین و مطمئن ترین سلاحی است که مبلغ بهائی می تواند با خود همراه داشته باشد. زیرا به وسیله آن هیچ قوه فانی دنیوی نمی تواند شکست ناپذیر بماند و هیچ مانعی غیر قابل غلبه نخواهد بود.^(۶)

مبلغ بهائی باید کاملاً اعتماد و اطمینان داشته باشد. زیرا قوت و توان او و راز موفقیت او در این

۱- بیان حضرت ولی امر الله در صفحه ۷۵ حصن حصین شریعت الله

۲- ترجمه - نجم باختر، سال هشتم، شماره ۱۹ صفحه ۲۴۱

۳- مکتوب ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امر الله. Dawn of a New Day، ص ۲۰۱

۴- مکتوب ۴ ژوئن ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء. Unfolding Destiny، ص ۴۳

۵- مکتوب ۲۲ سپتامبر ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امر الله خطاب به یکی از احباء. Compilation، ج ۲، ص ۲۲۰ (فقره: ۱۷۰۵)

۶- ترجمه - مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امر الله خطاب به یکی از احباء. Compilation، ج ۲، ص ۲۲۱ (فقره: ۱۷۰۸)

وقتی به حضرت بنیاء الله اعتماد و توکل نماییم، آن حضرت مسائل و مشکلات ما را حل و راه را باز خواهند کرد. (ترجمه)^(۲)

توجه به مظہر الہی با اعتقاد تام

طبیعی است که در زندگی، احیاناً سختی و اندوه و حتی امتحانات شدیده نیز وجود دارد؛ اما اگر شخص با اعتقاد محکم به مظہر الہی توجه نماید و تعالیم روحانی او را با دقت مطالعه کند از برکات روح القدس فیض ببرد، درمی یابد که این امتحانات و مشکلات در واقع عطایای الہی بوده است که به قصد مساعدت او جهت حرکت در مسیر رشد و ترقی مقدر گشته.^(۳)

خداوند برای مواجهه با امتحانات قدرت عنایت می کند

اگر حیات باطنی سلیم، محکم و قوی باشد، جای هیچ خوف و هراسی از مخالفتها نیست. اگر با تمام قلب و روح به آب سماوی توجه نمایم همیشه برای مقابله و غلبه بر امتحانات توان و قوه لازم را عطا می فرماید و مشکلات اگر با روحیه صحیح با آنها مواجه شویم، اعتماد و اتکال ما به خداوند را محکم تر و کاملتر می سازند. (ترجمه)^(۴)

جمع بنی نوع انسان آشفته، رنجور و مبهوت است؛ ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که پریشان و متألّم نباشیم؛ اما نباید مبهوت و سرگردان باشیم. برعکس، اعتماد و اطمینان، امید و خوش بینی امتیاز انحصاری ما است. (ترجمه)^(۵)

نور ایمان تیرگی افکار و احساسات را زائل می سازد

نارکی محیط بر افکار و احساسات ما در اثر نور ایمان جای خود را به درخشندگی و درخششی خواهد داد که هر تیرگی در مقابل آن زائل خواهد شد. (ترجمه)^(۶)

در دنیای امروز قوای تیره یأس، نفرت و سوء ظن وجود دارد؛ احتیاء باید، به بیان حضرت

- ۱- مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احتیاء. مأخذ قبل، فقره ۱۷۰۷
- ۲- مکتوب ۱۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احتیاء. همان مأخذ، فقره ۱۷۱۶
- ۳- ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۴۷ (مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتیاء)
- ۴- انوار هدایت، شماره ۱۳۷۸ (مکتوب ۱۴ فوریه ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتیاء)
- ۵- مکتوب ۹ آوریل ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتیاء. *Unfolding Destiny*، ص ۲۲۵
- ۶- مکتوب ۷ ژانویه ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی امرالله. *Dawn of a New Day*، ص ۱۹۶

مولی الوری، از آنها روی برگرداندند و به ایشان توجه نیکند و به مساعدت و صبات ایشان مطمئن باشند.^(۱)

ایشان وضعیت نسبتاً دشواری را که شما در اثر توسعه شرایط بدان مبتلا شده‌اید کاملاً درک می‌کنند. اما در عین حال فکر می‌کنند دلیلی وجود ندارد که شما اینقدر مأیوس و دل‌سرد باشید و لذا میل دارند که اعتماد و اطمینان داشته باشید که در اثر چنین مشکلاتی قادر خواهید بود محبت و تعلق خود به امر مبارک را عمق بیشتر ببخشید و فرصتهای جدیدی برای خدمت و ترویج حقیقت به دست آورید.^(۲)

احساس قصور و شکست فی نفسه موجب شکست است

به نظر این جبهت ابراز اشتیاق منفرط به اغتنام فرصت برای رفع موانع تبلیغی به نحوی شدید و آنی و نیز نگرانی بیش از حد درباره وضع کنونی جامعه ممکن است نتیجه معکوس بخشد. با آن که امکان رشد و توسعه جامعه پیش از آن است که در حال حاضر دیده می‌شود، آن محفل و یاران الهی نباید به محض روبرو شدن با وضعی که امیدبخش نیست احساس قصور و شکست کنند، زیرا پرداختن به اینگونه افکار خود موجب رکود در پیشرفت امر می‌گردد. در برابر تمایل به باس، که گاه معلول شوق به کسب خشنودی آنی است، باید با سعی در درک عمیق‌تر سنت الهی ایستادگی کرد.^(۳)

در اثر این‌های مسئولیت‌های روحانی و فراگرفتن نحوه اتکاء بیشتر به تأییدات حضرت بیاء‌الله، اجتهاد در می‌یابند که ایمانشان نیرویی تازه و قلوبشان اطمینانی جدید حاصل می‌کند. اینها زمینه‌هایی است که اقدامات فردی اجتهاد نیازی به تشویق و تأکید دیگران ندارد. هر یک از افراد اجتهاد با این وظیفه و مسئولیت مواجه است که به تنهایی و بنفشه و با اتکاء صرف به قدرت ربّ قدیر به اکتساب این فضائل روحانی که در تکامل جامعه بی‌اندازه مؤثر است پردازد.^(۴)

۱- ترجمه - مکتوب ۹ اوت ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- ترجمه - مکتوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله

۳- دستخط ۱۹ می معهد اعلی به محفل روحانی ملّی آمریکا، پیام جهانی، شماره: ۱۸۲ (ژانویه ۱۹۹۵)، ص ۶

۴- پیام رضوان ۱۵۱ بدیع

راه حلّی برای امتحانات

قدرت، قاطعیت و عزم راسخ

قدرت، قاطعیت و عزم راسخ

ای قوم، بقوت ملکوتی بر نصرت خود قیام ننماید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره اند پاک و طاهر گردد. این اصنام حائل اند و خلق از علو و صعود مانع. امید آن که ید اقتدار مدد فرماید و ناس را از ذلت کبری برهاند.^(۱)

اسئلك ... بأن تنزل على أحبيك ما يجعلهم غنياً عما سواك ثم أستغفمهم على شأن يقومون على أمرک و بنادیک بین سمانک و أرضیک بحيث لا یمنعم ظلم الفراعنة من عبادک.^(۲)

انه لا یظلم نفساً و لا یأمر العباد فوق طاقتهم و انه هو الرحمن الرحیم^(۳)

ای ذبیح، بصر حدید باید و قلب محکم و رِجُل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلزد!^(۴)

طوبی لمقبل اقبل الیوم و لمستقیم ما خوفته جنود الظالمین^(۵)

اسئلك بأن توقفتنی و أحبتنی لإعلاء كلمتك ثم أثبتنا على شأن لا یمنعنا شیء من مکاره الدنیا و شداندها عن ذکرک و ثنائک^(۶)

با وقوف نام بر تأثیرات دائمی قوه حضرت بیاء الله، و مجتهد به اسلحه اساسی استقامت حکیمانه و عزم راسخ، باید با نمایلات ذاتی، غرایز نفسانی، عادات و آداب متغیر و بی ثبات، مظاهر کاذبه جامعه ای که در آن زندگی و حرکت می کند، مبارزه ای مداوم را آغاز نماید.^(۷)

در این سنین معدوده زودگذر جهان بشریت آبتن حوادث عظیمه و بلاهای عقیمة سقیمه ایست که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقائع هائله ایست که صفحات تاریخ نظیر آن را درج نموده است. خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و حیوب عواصف امتحان هر قدر پروحشت و شدید و سبل جارف بلیات هر مقدار مدهش و ویریل، هرگز نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب دوستان

۱- لوح دنیا. دریای دانش. ص ۸۷

۲- مناجاة، ص ۱۰۱ (فقره: ۸۶)

۳- لوح اشرف، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۱۲

۴- لوح ذبیح، مجموعه افتدارات، ص ۲۲۸

۵- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ایمی، ص ۱۵۵

۶- مناجاة، ص ۷۳ (فقره: ۶۳)

۷- ترجمه - بیان حضرت ولی امر الله در صفحه ۱۳۰ Baha'i Administration

افسرده نماید و اعین و ابصار را متبوع و تصنیفاتشان را متزلزل و منقطع سازد. تهدیدات و تضيقات به هر میزان پردغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک به هر درجه منام و مهاجم. هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احتیای الهی نسبت بآئین رحمانی بکاهد و آنان را از طریقى که به جان و دل اختیار نموده و به اهتمام تمام در پی آن پویانند منحرف سازد.^(۱)

ثابت و راسخ باشید

و انتم یا احتیاء الله تبتوا أفداکم علی امرالله نبوتاً لا یزلزله اعظم حوادث فی الدنیا لا تضطربوا من شیء فی حال من الأحوال.^(۲)

قوی و محکم باش. مصمم و مستقیم باش. وقتی ریشه شجر قوی و محکم باشد، شمر خواهد داد. لهذا، متأثر شدن از هر امتحانی جایز نیست. مایوس مگرد، دل سرد منشین، نومید مشو. امتحانات الهی بسیار است، اما اگر انسان محکم و مستقیم باشد، نفس امتحان مراحلی برای ترقی عالم انسانی است. (ترجمه)^(۳)

انک انب بلغی اماء الرحمن بانهن یبشن علی حب البیاء اذا اشتد الامتحان و الافتان لأن الزوابع و الأریاح تمر فی موسم الشتاء ثم یأتی الربیع بالمنظر البدیع و بزین التلول و السهول بالزراحیین و الورد الأنبق و ترسم الطیور بالأحان السرور علی غصون الأشجار و تخطب بأحسن الأنعام علی منابر الأفان بأبدع الألحان یسوف نظرن أن الأنوار قد سطعت و رایات الملکوت قد خفتت و نفحات الله قد انتشرت و جنود الملکوت قد نزلت و ملائكة السماء قد ایدت و روح القدس قد نفثت علی تلك الأفاق فترین المتزلزلین و المعتزلزلات خائبین و خائبات و خاسرین و خاسرات و هذا أمر محتوم من رب الآیات.^(۴)

ای باران الهی قدم و قلب مستقیم و ثابت دارید و بقوه تأیید جمال مبارک عزمی کامل نمائید و بخدمت امرالله پردازید و در مقابل اسم و مثل ثبوت و رسوخ و استقامت اهل بیاء بنمائید تا دیگران حیران گردند که این قلوب چگونه منابع اطمینان و معادن محبت حضرت رحمان تا از حوادث مؤلمه ارض مقدس فتوری نیارید و از وقایع فاجعه ملال حاصل نکنید. اگر جمیع باران معرض شمشیر گردند و یکی باقی، آن منادی الهی شود و مبشر رحمانی گردد و در مقابل من علی الارض قیام کند.^(۵)

۱- ظهور عدل الهی. ص ۱۵۰

۲- مستخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء. ج ۱. ص ۲۳۲ (فقره: ۱۹۹)

۳- لوح حضرت عبدالیهاء خطاب به چارلز هنی Charles Hancy. نجم باختر. سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۲۴۸

۴- مستخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء. ج ۱. ص ۱۶۰ (فقره: ۱۴۱)

۵- مستخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء. ج ۱. ص ۲۱۲ (فقره: ۱۸۸)

... عزّت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبود بلکه در علو فطرت و سمو همت و وسعت معلومات و حلّ مشکلات است.^(۱)

... حسن آداب نلامذه را باید بنفایت دقت نمود و اطفال را تشویق و تحریص بر فضائل عالم انسانی نمود تا از صغر سن بلند همت و پاک دامن و خوش سلوک و طیب و طاهر تربیت شوند و در امور عزم شدید و ثبّت قوی حاصل نمایند؛ از هزل در کنار باشند و در هر مقصد عزم صمیمی داشته باشند تا در هر موردی ثبات و استقامت کنند.^(۲)

تردیدی نیست که شما باید مشکلات بسیاری را در این امر تحمل نمایید و موانع بسیاری را در مقابل مشاهده خواهید کرد. بسیاری امور مانع و رادع شما خواهند شد. اما شما باید با جمیع مقابله کنید و جمیع معضلات را تحمل کنید.^(۳)

کار منشأ سرور و سعادت است

کمال کار انسان اعظم اجر و پاداش او است. وقتی که انسان کار خویش را کامل بیند و این کمال نتیجه زحمت و پشتکار بلاوقفه او باشد، او سرورترین و سعادت‌مندترین انسان در جهان است. کار منشأ سرور و سعادت انسان است.^(۴)

وقف کردن خود و عشق ورزیدن به کار خویش موجب حصول معجزات است.^(۵)

بعضی از کارها مافوق تحمل انسان است و بعضی دیگر در حدّ توانایی او؛ این مشاغل با توجه به محیط و آموزش اولیه هر فردی متفاوت است... انسان سعی و موفق کسی است که خود را به کسب توفیق در مواردی که مافوق تحمل انسان است عادت دهد. فقط نفسی که چنین عظمتی داشته باشد می‌تواند در مقابل امتحانات و مصائب زندگی استقامت نماید و از کوره حوادث و بوتّه آزمایش، خالص و بی‌غش بیرون آید. اما اگر فردی نتواند تا بدین حدّ خود را اعتلاء بخشد حدّ اقلّ می‌تواند خود را چنان تعلیم دهد که به اموری که در حدّ توانایی او است مشغول شود. اگر فردی نتواند در یکی از این دو گروه جای گیرد و حائز شرایط لازم شود سربار اجتماع

۱- رساله مدنیّه، ص ۲۰ / تحقیق و تتبع، ص ۱۰

۲- منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۲ / آثار مبارکه درباره تربیت جهانی، صص ۶۵-۶۴

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله، *Diary of Juliet Thompson*، ص ۲۵ (۲ ژوئیه ۱۹۰۹)

۴- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله، *Diary of Ahmad Sohrab*، نجم باختر، سال سیزدهم، شماره

۶، صفحه ۱۵۲ - ۵ ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله.

انسان باید در مساعی خویش خستگی ناپذیر باشد. وقتی مساعی او در جهت صحیح هدایت شود، اگر امروز موفق نشود، فردا موفق خواهد شد. سعی و تلاش فی نفسه بکسی از شریفترین خصیصه‌های شخصیت انسانی است. خود را وقف شغل خویش کردن، در اجرای سریع آن سعی و تلاش کردن، سادگی روح و استقامت در جمیع نوسانات زندگی، علائم بارز موفقیت است. شخصی که حائز این خصیصه‌ها باشد، ثمره کار خویش را خواهد یافت و از سعادت ملکوت نیز برخوردار خواهد گشت.^(۲)

اگر کوشش انجام گیرد نیروی آسمانی موجود است

هر قدر مبارزه شدید و وظائف متعدّد و وقت تنگ و وجیبه عالم تاریک و منابع مادی جامعه جوانی که تحت فشار است محدود باشد، ولی منابع دست نخورده نیروی آسمانی که بتوان از آن استفاده نمود دارای قدرت بی حساب است و اگر کوشش لازم روزمره انجام گیرد و از فداکاری ضروری با سرور و بیجت استقبال شود، نفوذ نیروبخش آن فیضان نماید.^(۳)

... در موارد ادبار و شکست که موقتاً ممکن است رخ دهد، در مخالفتها و اعتراضاتی که ممکن است با آن روبرو شوند، در امتحانات و مصائبی که بدان مبتلا خواهند شد، دقیقاً به همان میزانی که هم خود را متوجه اینای وظایف خویش نمایند، استقامت ورزند، شجاعت و وفاداری که در انجام دادن تکالیف خویش به منصفه ظهور رسانند، هدایت محتوم الهی به آنها عنایت خواهد شد.^(۴)

با مظلّم شدن جهان، مساعی را افزونتر باید ساخت

هر قدر عالم انسانی در غمرات بآس و انحطاط و فراق و استیصال بیشتر فروزود بانیان دلیر نظم جهان آرای حضرت پناه‌الله باید بیشتر در مدارج عالیّه شجاعت و علوّ حمت صعود نمایند و خود را از تأثیرپذیری، تردید، سبّت و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فاتح آیند و در سیل خدمت قدم فراتر نهند و بینین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و موجودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است متارن باشد.^(۵)

۱- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهبا، *Diary of Ahmad Sohrab* مندرج در نجم باختر، سال ۱۲،

شماره ۱۰، صص ۱-۲۷۰

۲- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالهبا، *Diary of Ahmad Sohrab* نجم باختر، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۱

۳- حصن حصین شریعت‌الله، صص ۱۱۳

۴- ترجمه - مکتوب ۱۲ ژوئن حضرت ولی امرالله، صفحه ۲۸۷ *Unfolding Destiny*

۵- بیان حضرت ولی امرالله در صفحه ۷۵ حصن حصین شریعت‌الله

بر چنین موانعی (یعنی بیماریها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول، سخت و غلبه‌ناپذیر به نظر آیند، می‌توان و باید به قوت دعا و نیز مساعی قاطع و مستمر غلبه نمود. زیرا آبا حضرت بنیاء الله و نیز حضرت عبدالنباہ مکرراً به ما اطمینان نداده‌اند که جنود لا برای نصرت الہیة نفوسی را که در نیابت شہامت و اطمینان به نام آنها فعالیت می‌کنند، تقویت و تأیید خواهند نمود؟ ... هر میدان خدمتی که شما انتخاب کنید، اعم از تبلیغ یا خدمات اداری، آنچه که نیابت اہمیت را دارد استقامت شماست و این که اجازه ندهید وقوف بر محدودیت‌هایتان موجب اعتماد نارشوق و اشتغال شما گردد، چه رسد به این که شما را از خدمت فعال و مسرت‌آمیز منصرف کند.^(۱)

وقتی که عزم باران راسخ و قوی، و ایمان آنها محکم باشد، می‌توانند به امور عجیبه موفق شوند و حتی خود آنها متحیر و مبہوت گردند.^(۲)

هر مانعی را به مرحله‌ای از پیشرفت تبدیل کنید

حیکل مبارک از مشاهده عملی ساختن یکی از امبد بخش‌ترین اصول و هدايات حضرت عبدالنباہ، یعنی جدّ و جہد برای تبدیل هر مانعی به مرحله‌ای از پیشرفت، توسط شما بسیار مسرورند. در جریان زندگی گذشته شما، جدّاً مرنکب خطا شده‌اید؛ اما، نه تنها از این تجربه مرعوب و مأیوس نیستید، بلکه عزم راسخ دارید که آن را وسیله‌ای برای تطہیر ماہیت خویش سازید، خصیصه‌های خود را اعتلاء دهید، و خود را مقتدر بر آن سازید که در آتیه شہروندی به مراتب بهتر از گذشته گردید. این امر عندالحق فی الحقیقہ مستحسن و ممدوح است.^(۳)

مانند جنود تحت حمله و هجوم

اجتہاد همیشه باید مدّ نظر داشته باشند که آنها مانند جنودی هستند که مورد حمله و هجوم واقع شده‌اند. عالم در حال حاضر از لحاظ روحانی در شرایطی بسیار مظلم واقع شده است؛ نفرت و تعصب، از هر نوع، به معنای واقعی کلمه، آن را قطعه قطعه می‌سازد. از طرف دیگر، ما حارسان قوای متقابل هستیم؛ قوای محبت، وحدت و صلح و یکپارچگی، و لذا همه، اعم از افراد، محافل یا جامعه، باید به طور مداوم مترصد و آماده باشیم مبادا قوای مخرب و منفی از طریق ما در میان جمع راه یابند. به عبارت دیگر ما باید هشیار و بیدار باشیم که مبادا ظلمت اجتماعی در اعمال و نگرش‌های ما، شاید به طور ناخودآگاه، منعکس گردد. عشق به یکدیگر، احساس عمیق نسبت به این که ما یک موجود زنده جدید، مطالع الانوار نظم بدیع جهانی هستیم، باید مستمراً حیات بیانی ما را زنده و قوی نگاه دارد، و ما باید دعا کنیم که از آلودگی‌های اجتماعی که اینچنین آلوده به مرض تعصب می‌باشد، محفوظ و مصون

۱- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله در جلد دوم Compilations. قفۃ: ۱۲۸۱

۲- ترجمه - مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله. Unfolding Destiny. ص ۱۵۶

۳- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله. مندرج در جلد دوم Compilations شماره: ۱۳۳۸

هیكل مبارك بسیار متأسفند که وقایعی چنین نامطلوب هر از گاهی ظهور و بروز می‌یابد... و شما را در کار خویش مأیوس می‌سازد و از اشتغال به امر تبلیغ امرالله و انتشار اصول امریه در اوقات فراغت باز می‌دارد. اما ایشان مایل نیستند که شما در چنین وقایعی دل‌سرد و نومید گردید. بارشده امرالله، معضلات نیز از دیاد خواهند یافت و مسائل آن نیز بیشتر خواهد شد. لذا، اجتهاد، بخصوص بزرگانان، باید سعی کنند و در مقابل آنها ثابت و راسخ بمانند. در واقع هر چه مشکلات بیشتر شوند آنها باید شهادت بیشتر کسب نمایند و در حل آنها سعی کنند. حضرت مولی‌الوری غالباً می‌فرمودند که احزان مانند شخم هستند، هر قدر عمیق‌تر باشند زمین بارورتر می‌گردد. اگر این مسأله... حل شود مسائل دیگر رخ خواهند گشود. آبا یاران باید مأیوس گردند یا بر اثر اقدام حضرت مولی‌الوری حرکت نمایند و آنها را عمده فرصت‌هایی برای نشان دادن قوت اعتقاد و روح ایثار محسوب کنند؟^(۲)

هیكل مبارك توصیه می‌فرمایند عزم را بر اجرای امیر عظیمه برای امرالله جزم نمایید؛ وضعیت عالم مستراً رو به وخامت است، و نسل شما باید نفوس مقدسه، قهرمانان، شهیدان و مدیران سالمی آینده را تأمین نماید. با قوت ایثار و اراده می‌توانید به اعلیٰ قله صعود نمایید!^(۳)

ثبوت قابلیت برای حیاتی که حکم شهادت دارد

یاران ارجمند آمریکا که به اعطای عنوان "اخلاف روحانی مطالع الانوار" مباحی و منتخر گشته‌اند، به خوبی واقفند که حال باید از فرصت‌هایی که در این برهه حساس و بحرانی در اختیار دارند، استفاده نمایند تا قابلیت خود را برای زندگی به نحوی که به فرموده حضرت ولی امرالله در مقایسه با موت، حکم شهادت داشته باشد به ثبوت رسانند. زیرا تحقق سرنوشت شکوهمندی که در آثار مقدسه امریائی پیش‌بینی شده مستلزم تحمل چنان نحوه‌ای از زندگی است. امید چنانست که به آن یاران روحانی قوتی آسمانی عنایت شود تا از امتحانات ذهنی و روانی که به فرموده حضرت عبدالیه کراماً جهت تطهیر روحانی آنان بر ایشان نازل خواهد شد به سلامت بگذرند و موفق شوند استعدادی را که حق به عنوان نیروی جهت‌تغلب جهان بدانان عطاء فرموده احراز نمایند.^(۴)

مصمم شوید که تحت تأثیر عالم قرار نگیرید

در بطن مدینتی که از نزاع و جدال منلاشی و از ماده پرستی ضعیف و ناتوان گشته، اهل بیتاه

۱- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، شماره: ۱۳۴۷

۲- ترجمه - مکتوب ۲۸ دسامبر ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله، *Unfolding Destiny*، صص ۲-۴۲۱

۳- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، شماره: ۲۱۲۸

۴- دستخط بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا، ۱۹ می ۱۹۹۴ (نقل ترجمه از صفحه ۸ پیام

بهانی، شماره: ۱۸۲ (دی - بهمن ۱۳۷۳)

مشغول بنای دنیای جدیدی هستند. در این زمان، مآبۀ فرصتیا و مسئولیتبایی مواجه هستیم که از وسعتی عظیم و ضرورتی شدید برخوردارند. هر یک از یاران باید در اعمان دل و جان خویش مصمم گردد که تحت تأثیر جذایت های فانی و ناپایدار اجتماع اطراف خویش فرار نگیرد و مجذوب عداوتبیا و اشتیاقبای موقت و بی درام آن نشود، بلکه حتی المقدور از عالم قدیم منتطع شود و به عالم جدید که منظر اشتیاق و آمال او و ثمرۀ فعالیت ها و زحماتش خواهد بود، ملحق گردد.^(۱)

۱- ترجمه - پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان شرق و غرب، ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳، انوار هدایت، شماره:

راه حلّی برای امتحانات

دعا و تزئید معارف

مَنْ أَلَذَى نَادَاكَ وَمَا أَجَبْتَهُ؟ وَمَنْ أَلَذَى أَقْبَلَ إِلَيْكَ وَمَا تَقَرَّبْتَ إِلَيْهِ؟^(۱)

نیکوست حال کسی که در لایالی و ایام بآیاتش انس گیرد و قرائت نماید. اوست محیی وجود و مربی غیب و شهود.^{(۲)(۳)}

فی الحقیقه از برای هر عضوی از اعضاء رزقی مقدر است. یا حَبْذَا النِّعْمَةُ الَّتِي قُدِّرَتْ لِأَرْوَاحِ الْمُخْلِصِينَ وَحَيِّ آيَاتِ اللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَبَيَانِ اللَّهِ وَبِرَحْمَانِهِ.^{(۴)(۵)}

مَنْ يقرء آيَاتِ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَّةً لَيْتَشُرُّ نَفْحَاتِهَا مِلَانِكَةَ النَّاسِرَاتِ إِلَى كُلِّ الْجِهَاتِ وَ يَنْقَلِبُ كُلَّ نَفْسٍ سَلِيمٍ وَلَوْ لَنْ يَسْتَشْعِرُ فِي نَفْسِهِ وَلَكِنْ يَظْهَرُ عَلَيْهِ هَذَا الْفَضْلُ فِي يَوْمٍ مِنَ الْإِيَّامِ كَذَلِكَ قُدِّرَ خَفِيَّاتُ الْأَمْرِ مِنْ لَدُنْ مُقَدَّرٍ حَكِيمٍ.^(۶)

یا قوم فاقروا واکلمات اللہ علی احسن التغمات لیستجذب منها أهل الارضین و السموات. تالله الحق لو احدث یتلو ما نزل من جبروت البقات من جمال اللہ العلی الابهی فقد یبعث اللہ فی جنۃ الخلد علی جمال اللذی یستضیء من أنوار وجهه اهل ملاء الاعلی.^{(۷)(۸)}

۱- مناجاة، ص ۱۷۰ (فقره: ۱۶۱)

۲- گلزار تعالیم بهانی، ص ۱۳۱ به نقل از آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۱۰۰

۳- توضیح مترجم: بیانی عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilations*، فقره: ۳۶۳) در اصل کتاب درج می باشد یافت نشد. مضمون آن این است: آیات منزله الهیه را در هر یوم قرائت نمایید. طوبی از برای نفسی که آنها را تلاوت نماید و در آنها تفکر و تأمل کند. هر آینه او از نفوس است که امور بر او مطلوب خواهد بود.

۴- همان به نقل از آثار قلم اعلی ج ۶، ص ۲۰۸

۵- توضیح مترجم: بیان عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilations*، فقره: ۳۶۵) در اصل کتاب درج است، یافت نشد. مضمون آن این است: آیات مرا به کمال روح و ریحان تلاوت کنید. براسی آنها شما را به سوی خداوند مجذوب خواهند ساخت و شما را به انتظاع از ماسویه قادر خواهند نمود. در آثار مقدسه الهیه و در این لوح جلیل اینگونه به شما هشدار داده شده است.

۶- گلزار تعالیم بهانی، ص ۱۳۰ به نقل از جلد چهارم مانده: آسانی ص ۴۵

۷- همان، ص ۱۳۰ به نقل از جلد چهارم آثار قلم اعلی، ص ۵۶

۸- توضیح مترجم: بیان عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilation*، فقره: ۳۶۴) در اصل کتاب آمده یافت نشد. مضمون آن به فارسی چنین است: در کمال روح و ریحان به جمع آوری آیات نازله رب رحمان و تلاوت آن بپردازید. با این عمل ابواب علم حقیق بر وجود باطن شما مفتوح خواهد گشت، و شما در این صورت احساس خواهید کرد که نفوس شما موهوب به استقامت گشته و قلوب شما مشحون از مسرت لانهایه شده است.

باین عباد بگو این ذکر را بخوانند "قل من مفرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کلّ عباد له و کلّ بامرہ قائمون" بگو این اذکار منیعہ را پانصد بار بل هزار بار شب و روز در حال نوم و یقظہ تلاوت نمایند شاید جمال الهی کشف نقاب کند و انوار سبحانی از مشرق ارادہ رحمانی بر عالم و عالیان اشراق نماید.^(۱)

وقتی که از مادیات نیابت تنگدلی حاصل گردد انسان توجّه به روحانیات می کند زائل می شود؛ انسان وقتی در نهایت مشقّت نیابت بآس می افتد چون بخاطر آید خدای مهربان دارد مسرور میشود اگر بشدت فقر مادی افتد باحساسات روحانی آید خود را از کتیر ملکوت غنی بیند؛ وقتی که مریض می گردد فکر شفای می کند تشفی صدر حاصل میشود وقتی که بمصائب عالم ناسوت گرفتار شود بفکر لاهوت تسلی یابد.^(۲)

دعا کنید قوت و قدرت یابید. هر قدر اوضاع و شرایط دشوار باشد، قوت و قدرت به شما اعطاء خواهد شد.^(۳)

از خدا خواهم که مصائب شما را مرتفع سازد و در جمیع احوال به نظر رحمت به شما بنگرد. با قلوب حقیقی و در کمال خلوص، صداقت و روحانیت به ملکوت ربّ عزیز توجّه کنید و تقاضا نمایید که از آلام و آمال شفا یابید و به فضل عظیم الهی موقن و مطمئن باشید.^(۴)

کافی نیست که فرد بیانی فقط نعالم را بپذیرد و به موجب آن عمل کند. او، علاوه بر آن، باید احساس روحانیت را در خود پرورش دهد که فقط به قوّة دعا میرسد. امر بیانی، مانند جمیع ادیان الهی دیگر، اساساً ماهیت عرفانی دارد. هدف اصلی آن رفقی فرد و اجتماع از طریق کسب فضائل و قوای روحانی است. ابتدا باید روح انسان را تغذیه نمود که دعا این تغذیه روحانی را به نحو احسن تأمین می نماید. احکام و تشکیلات، همانطور که حضرت بیاء الله بیان فرموده اند، تنها در صورتی می توانند واقعاً مؤثر باشند که حیات روحانی باطنی مانکامل و تحوّل یافته باشد. و الاّ دین به تشکیلات صرف تنزل می یابد و به موجودی مرده تبدیل خواهد شد.

لذا، اجتناب، بلاخصّ جوانان، باید لزوم دعا را کاملاً درک کنند. زیرا دعا برای ارتقاء روحانی باطنی آنها مطلقاً لازم و حیاتی است و این، همانطور که ذکر شد، اساس و هدف شریعت الهی است.^(۵)

۱- نقل در قرن بدیع، حصص ۲۵۰-۲۴۹

۲- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۹

۳- ترجمه - Compilation، ص ۱۵۶، شماره ۲۰۸ (بیان حضرت عبداله)

۴- ترجمه - Tablet's of 'Abdu'l-Baha، ص ۶۳۶

۵- ترجمه - مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امر الله، Compilation ج ۲، ص ۲۳۸ (فقره

جميع نفوس به سهولت و سرعت بر نفس خویش استیلا نمی‌یابند. آنچه که جمیع آحاد اجباء، اعم از شیخ و شاب، باید درک کنند این است که امر الهی دارای قوه روحانی برای خلق جدید ما است مشروط بر آن که سعی کنیم قوه مزبور بر ما اثر بگذارد و اعظم مساعدت در این زمینه، دعاست. باید از ساحت قدس حضرت بیاءالله تقاضا کنیم در غلبه بر نقائص منس و شخصیت ما امداد فرمایند و نیز از قدرت اراده خویش برای تسلط بر خویشن استناد کنیم.^(۱)

بر چنین موامی (یعنی بیماریها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول، سخت و غلبه‌ناپذیر به نظر آیند، می‌توان و باید به قوت دعا و نیز مسامی قاطع و مستمر غلبه نمود.^(۲)

خداوند همه ادعیه را اجابت می‌کند

خداوند دعای هر بنده‌ای را، در صورتی که فوری و از روی اضطرار باشد، اجابت خواهد کرد...

اما ما طالب چیزهایی هستیم که حکمت الهی برای ما نمی‌خواهد، و جوابی برای دعای ما وجود ندارد. حکمت او با آنچه که ما آرزو داریم موافقت ندارد. ما دعا می‌کنیم، "خدا یا، مرا غنی کن!" اگر این دعا عموماً اجابت گردد، امور بشری دچار توقف خواهد شد. دیگر احدی در شوارع نمی‌ماند که کار کند، خاک را زیر و رو کند، ساختمان بسازد، قطارها را براند. لذا، واضح است که اجابت جمیع ادعیه ما برای ما نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. در امور دنیا مداخله خواهد شد، قوا فلج می‌شود، و ترقی ممنوع خواهد شد. اما آنچه که طلب می‌کنیم و با حکمت الهی انطباق داشته باشد، خداوند اجابت می‌کند. اطمینان داشته باشید.

فی العثل، مرضی خیلی ضعیف ممکن است از طبیب غذایی را بخواهد که برای حیات و شرایط او خطر عظیم داشته باشد. ممکن است تقاضای کباب کند. طبیب مهربان و دانا است. او می‌داند که کباب برای مریضش خطرناک است و اجازه تناول نمی‌دهد. طبیب رحیم است؛ مریض غافل است. با مهربانی طبیب، مریض شفا می‌یابد؛ زندگی‌اش نجات پیدا می‌کند. با این حال، مریض ممکن است فریاد برآورد که طبیب نامهربان است، خوب نیست، چه که از اجابت تقاضای او امتناع می‌کند.

خداوند رحیم است. با رحمت خود ادعیه جمیع عباد را وقتی که طبق حکمت عالی‌اش ضروری باشد، اجابت می‌کند.^(۳)

اگرچه به نظر می‌رسد فکر می‌کنید دعاها را شما تاکنون اجابت نشده است، و دیگر امیدی ندارید که شرایط مادی شما بهبود یابد، اما حضرت ولی امرالله مشتاقند که اجازه دهید چنین مواردی باس و

۱- ترجمه - مکتوب ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله، Compilation ج ۱، قرة: ۸۱۱ / انوار

هدایت، شماره: ۳۹۴

۲- ترجمه - انوار هدایت، قرة: ۹۵۵

۳- ترجمه - خطابه ۵ اگست ۱۹۱۲، Promulgation، ص ۷-۲۴۶

نوبدی ایمان شما به قوه دعا را تضعیف کند، بلکه همچنان از ساحت حق فدیبر متمسک شوید که شما را به کشف حکمت عظیمی که ممکن است در ورای جمیع آلام و رنجهای شما مکنون باشد، قادر سازد. زیرا، مگر نه آن که آلام ما غالباً عنایات الہی در قالبی دیگر است، که خداوند با آنها مایل است صداقت و عمق ایمان ما را یازماید. و به این وسیله ما را در ایمان به امر خویش محکمتر سازد؟^(۱)

از خدا بخواهید اراده ما را با اراده خود منطبق سازد

عابد حقیقی، در حین دعا، باید سعی کند زیاده از حد تحقق آمال و امیال خویش را از خداوند نخواهد، بلکه سعی کند آن را تعدیل نماید و با اراده الہیہ منطبق سازد. تنها با چنین نگرشی به احساس باطنی آرامش و رضایت که فقط قوه دعا می تواند اعطاء کند، می توان دست یافت.^(۲)

صلوة و صیام ما را از امتحانات محفوظ نگاه می دارد

صلوة و صیام سبب تذکر و تنبہ انسانست و حفظ و صیانت از امتحان^(۳)

حل مشکلات: مراحل خمسہ دعا

و اما در خصوص مراحل خمسہ دعا که حضرت ولی امرالله مطرح فرموده اند و در دفترچه خانم مویت^(۴)، دعوت به دعا ذکر شده، حضرت ولی امرالله مقدر فرمودند توضیح دهم که این مراحل صرفاً پیشنهاد ایشان است و لذا لزومی ندارد که به طور مؤکد و دقیق توسط عموم اجراء تبعیت شود.^(۵)

ایشان (حضرت ولی امرالله) بعد از تسویق من به تأکید بر لزوم دعا و بتل بیشتر توسط اجراء، فرمودند اگر مشکلی از هر نوع داریم که مایلیم به نحوی حل شود یا مشتاق مساعدت هستیم، پنج مرحله زیر را طی کنیم:

مرحله اول: درباره آن دعا و تضرع کنید. از ادعیه مظاهر ظهور استفاده کنید چه که دارای اعظم قوه هستند. بعد، چند دقیقه در سکوت به تفکر و تعمق بپردازید.

مرحله دوم: به نتیجه برسید و تصمیم بگیرید و به آن متمسک بمانید. این تصمیم معمولاً در حین تفکر و تأمل حاصل می شود. توفیق در اجرای آن ممکن است تقریباً محال به نظر برسند، اما اگر به نظر می رسد که پاسخی به دعا است یا راهی برای حل مشکل می باشد. در این صورت بلافاصله قدم سوم را بردارید.

مرحله سوم: عزم راسخ برای اجرای تصمیم داشته باشید. بسیاری از نفوس در اینجا از حرکت

۱- ترجمه - مکتوب ۲۶ اکتبر ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation II*، فقره: ۱۷۶۸

۲- ترجمه - همان

۳- منتخباتی از مکاتیب، ج ۲، ص ۹۹ / گلزار تنالیر بهانی، ص ۳۰۴

۴- Mrs. Moffett

۵- ترجمه - انوار هدایت، فقره: ۱۵۱۰ / *Directives from the Guardian*، فقره: ۱۵۴

باز می ماند. تصمیم، وقتی به مرحله عزم جزم وارد شود، لطمه می بیند و به یک آرزو یا اشتیاق مبهم تبدیل می گردد. وقتی عزم جزم حاصل شد، بلافاصله باید قدم بعدی برداشته شود.

مرحله چهارم: ایمان و اطمینان داشته باشید که قوه اراده در شما جریان خواهد یافت، طریق صحیح پدیدار خواهد شد، درها باز خواهند گشت، برنامه صحیح و مناسب در پیش پای شما گذاشته خواهد شد. اطمینان داشته باشید، وسیله مناسب به کمک شما خواهد آمد. بعد، موقعی که از حالت دعا خارج می شوید، بلافاصله قدم پنجم را بردارید.

مرحله پنجم: به نحوی عمل کنید که گویی به همه چیز جواب داده شده است. با نیروی خستگی ناپذیر و بلاوقفه عمل کنید و موقعی که عمل می کنید، خود شما مغناطیسی خواهید شد که قوای بیشتری را به وجودتان جذب می کند تا زمانی که بحرایی بلاانسداد برای قوه الهی شوید که در شما جریان یابد. بسیاری از نفوس دعا می کنند اما حتی تا اواخر مرحله اول دوام نمی آورند. برخی که به تأمل می پردازند، به اخذ تصمیم می رسند، اما به آن متمسک نمی مانند. نفوس نه چندان زیادی به عزم راسخ برای اجرای آن می رسند، و کسانی که دارای اطمینان هستند که وسائل مناسب به یاری آنها خواهد آمد، از آن نیز کمترند. اما چند نفر هستند کسانی که به خاطر می سبارند به نحوی عمل کنند که گویی تمام دعای آنها اجابت شده است؟ چقدر این کلام صحیح است که اعظم از خود دعا، روحی است که حاکم بر دعاکننده است، بلکه اعظم از طریقه زیارت دعا، روحی است که در حین دعا سیطره دارد. (بیانات منسوب به حضرت ولی امرالله مندرج در دعا اثر روث موفت Ruth Moffett، ص ۸-۲۷)

ما در حین تأمل و تفکر آگاه و تقویت می شویم

انسان به قوه تفکر و تأمل به حیات ابدی نائل می گردد؛ با آن، نفثات روح القدس به او می رسد، فیوضات روح در تفکر و تأمل اعطاء می گردد.

خود روح انسانی در حین تأمل و تفکر آگاه و تقویت می شود و اموری که از آن آگاهی ندارد برای او مکشوف می گردد؛ ملهم به الهامات الهی می گردد و مانده آسمانی به او واصل می شود. ... این قوه تفکر و تعمق انسان را از طبیعت حیوانی آزاد می کند، حقیقت امور را درک می کند، انسان را در تماس با خداوند قرار می دهد. (۱)

اخذ جواب در عالم رؤیا

تأمل و تفکر کن، قبل از خواب، بعد از گرفتن وضو به ساحت حق دعاکن و هر آنچه رب رحیم در رؤیا به تو الهام فرمود، همان منطبق با خواسته های تو خواهد بود. (۲)

اسم اعظم

ببین است که اسم اعظم تأثیر در امور مادی و معنوی دارد. (۳)

۲- ترجمه - Tablets of Abdul-Baha، ص ۶۲۹

۱- ترجمه - Paris Talks، ص ۱۷۵

۲- ترجمه - انوار هدایت، شماره ۹۲۵

هنگام طلوع هر صبح، اسم اعظم باید در اولین لحظه بیداری بر لبان شما نقش بندد. می‌بایست با تکرار آن در دعای روزانه به هنگام بروز هر مخالفت و مشکلی از ذکر آن قوت بگیرید و تغذیه نمایید. اسم اعظم باید آخرین کلامی باشد که هنگام شب زمانی که سر بر بالین گذارده می‌شود زمزمه گردد. این اسم، اسم راحت، امنیت، سعادت، نورانیت، محبت و وحدت است. ... استفاده از اسم اعظم و تمسک به آن موجب میشود که روح، خود را از پوسته مرگ - روحانی بپوشد، قدم به عرصه آزادی نهد، تولد مجدد یابد، و خلق جدید شود...^(۱)

خواندن تاریخ نیل افسردگی را کاهش می‌دهد

از جمیع اجزای آمریکا می‌خواهم که از این به بعد تاریخ شورانگیز نیل را جزء اصلی برنامه تجدید نظر شده تبلیغی، کتاب درسی بلا منازع در مدارس تابستانه، منبع الهام در جمیع فعالیتهای هنری ادبی، مصاحب ارزشمند و گرانقدر در اوقات فراغت، مقدمه حیاتی و اجتناب‌ناپذیر زیارت آبی وطن اصلی حضرت بهاءالله و سبلة مطمئن برای تسکین آلام و مناومت در مقابل حمله بشریت مستعد مایوس تلقی نمایند.^(۲)

حضرت ولی امرالله در حین ترجمه تاریخ نیل احساس اهتزاز عظیم و شور و شوق روحانی نمودند. حیات نفوسی که در این اثر ذکر شده آنقدر میبج است که هر نفسی که این گزارشها را بخواند لاجرم متأثر می‌گردد و خود را ملزم به حرکت بر اثر اقدام آنها و ایثار و فداکاری در سبیل امرالله می‌یابد. لذا، حضرت ولی امرالله معتقدند که اجباء بخصوص جوانانی که نیاز به الهام دارند تا آنها را در این ایام دشوار متحمل سازد، باید این اثر را مطالعه کنند.^(۳)

استغراق در بحر آثار موجد امنیت و سلامت است

اگر مؤمن صادق و موفق جدی به حضرت بهاءالله خود را در بحر این تعالیم آسمانی مستغرق سازد و در اعماق آنها به تخصص پردازد، و در نهایت توجه و دقت از هر یک از آنها ظوائف اسرار و حکم عالیه را که مندمج در آن است استنباط و استخراج کند، حیات چنین شخصی، اعم از مادی، فکری و روحانی، از آلام و اوجاع مصون، از خطرات و موانع محفوظ، و از هر حزن و اندوهی میزاد خواهد بود.^(۴)

گذشتن اساسی که هیچ افتائی نابودش نسازد

هیكل مبارک از اغتمام این فرصت برای استقبال از شما به میدان خدمت امر جلیل الهی بسیار

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء، انوار هدایت، شماره ۸۹۲

۲- ترجمه - تلگرام ۲۱ ژوئن ۱۹۳۲ حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۱ Messages to America

۳- ترجمه - مکتوب ۱۱ مارس ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله: Compilation، ج ۱، شماره ۷۱

۴- ترجمه مکتوب ۱۳ ژانویه ۱۹۲۳ حضرت ولی امرالله به اجبای آذربایجان، ج ۱ Compilation شماره ۴۲۷

سرورند؛ و توصیه می‌فرمایند که به آرامی و به طور مداوم تعالیم الهی را بخوانید، چه که به این طریق خود را برای تبلیغ دیگران آماده خواهید ساخت و نیز درک خویش را عمیق می‌سازید و اساسی را در روح و شخصیت خویش می‌گذارید که هیچ امتحان و افتتانی قادر به تغییر یا نابودی آن نخواهد بود.^(۱)

تحقیق بنیانی واقعاً بیش از تحقیق عمومی لازم است، چون اولی روحانی است و باقی و درمی‌کم و بیش مادی و فانی. تعداد معدودی از احباء از تعالیم الهی بخصوص از معانی عمیق‌تر آن بخوبی آگاهند؛ تا بتوانند بر ارواح، تأثیر لازم گذاشته بنیانی مرصوص بنهند که از امتحانات و افتانات نلرزد.^(۲)

برای مقاومت در هر امتحانی، به مطالعه عهد و میثاق بپردازید

ایشان معتقدند که شما در تماس با آحاد مؤمنین و در تبلیغ نفوس جدید، باید به آنها مساعدت کنید درک و معرفت کامل نسبت عهد و میثاق و الواح وصایا کسب کنند. این امر آنها را برای مواجهه با هر امتحانی، و درک ماهیت مرض روحانی که نفوس معرض از تشکیلات امریه را مبتلا می‌سازد، تقویت خواهد کرد. اینها مسلماً اوقات امتحان و افتان برای کل عالم و نیز برای آحاد احباء هستند.^(۳)

۱- ترجمه - مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۵۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء. *Compilation*. ج ۱.

شماره: ۵۱۸

۲- نقل ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از صفحه ۵۷ جزوه تحقیق و تبیح. بخش تحقیق بیت‌العدل اعظم

۳- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله. *Compilation*. ج ۱. شماره: ۴۹۸

راه حلّی برای امتحانات

تسلیم در مقابل ارادهٔ الهی

تسلیم در مقابل اراده الهی

طوبی لمن اقر بالله و آیاته و اعترف بأنه لا یستل عما یفعل هذه کلمة قد جعلها الله طراز العتاند و اصلها و بها یقبل عمل العاملين اجعلوا هذه الکلمة نصب عیونکم لئلا تزلکم اشارات المرعین ... و الذی ما فاز بهذا الاصل الاسنی و المقام الاعلی تحرکه اریاح الشبهات و تقبیه مقالات المشرکین من فاز بهذا الاصل قد فاز بالاستقامة الکبری^(۱)

تجلی دوم استقامت بر امر الله و حبه جل جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر باقرار بکلمه مبارکه یفعل ما یشاء. هر نفسی باین کلمه علیا تمسک نمود و از کوثر بیان مودع در آن آشامید او خود را مستقیم مشاهده نماید بشأنی که کتب عالم او را از ام الكتاب منع نکند.^(۲)

اراده الهی در الواح نازل شده است

باید ان جناب بما اراد الله قیام نمایند و ما اراد الله ما نزل فی الالواح است به قسمی که بهیچ وجه از خود اراده و مشیته نداشته باشید. اینست مقام توحید حقیقی.^(۳)

فنای اراده خود در جنب اراده الهی

ای سر ارض اگر مرا خواهی جز مرا نخواه و اگر اراده جمال داری چشم از عالمیان بردار. زیرا که اراده من و غیر من چون آب و آتش در یک دل و قلب ننگند.^(۴)

معنی فنا از نفس و بقای بالله آن است که هر نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض مشاهده نماید. مثلاً اگر حق بفرماید اِفعل کذا؛ بتام همت و شوق و جذب قیام نماید نه آن که از خود توهمی کند و آن را حق بداند ... اینست معنی فنا.^(۵)

لو ترید فاجعلنی نبات ریاض فضلك لِتَحَرَّکَنی اریاحُ مشیتک کیف تشاء بحیث لا یبقی فی قبضتی اختیار الحركة و السکون^(۶)

اصل کل الخیر هو الاعتماد علی الله و الانقیاد لامره و الرضاء لمرضاته ... اصل العزّة هی

۱- کتاب اقدس، بند ۱۶۱

۲- تجلی دوم از لوح تجلیات، مجموعه اشارات، ص ۲۰۲

۳- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۸

۴- کلمات مکتونه فارسی، فقرة ۳۱

۵- مناخاة، مصر ۲-۱۶۱ (قرة ۱۵۰)

۶- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۸

قد سمعنا ضجيجك وحينك في بعد عن مطلع الانوار أن اصبر ولا تجزع فارض بما قضى الله لك وأنه لموفقى اجور الصابرين. أما رأيت سجنى و بلايى و ضرى و ابتلايى أن أتبع سنن ربك و إن من سنه ابتلاء عباده الأخيار لا تحزن من شىء و توكل على الله ربك و أنه يؤيدك و يقربك و ينصرک و ان يمك الضر في سبيل و الذلة لاسمى إفرح و كن من الشاكرين. كذلك القيناك قول الحق لتلا تزل حين نزول البلاء عليك و تكون كالجبل الثابت الراسخ في امر مولاي...^(۲)

با ثمرتی دو امر از امر حقیق ظاهر و این در مقامات قضا و قدر است؛ اطاعتش لازم و تسلیم واجب. اجلیست محتوم و همچنین اجلیست بقول خلق معلق؛ اما اول باید بآن تسلیم نمود چه که حتم است و لکن حق قادر بر تغییر و تبدیل آن بوده و هست و لکن ضررش اعظم است از قبل. لذا تفویض و توکل محبوب و اما اجل معلق بمثلت و دعا رافع شده و میشود. انشاء الله آن نمره و من معها از آن محفوظند.^(۳)

هل من مفرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کل عباد له و کل بامرہ قاثون^(۴)

سزاوار چنان است که شخصی چون تو هر امتحانی را تحمل کند، آنچه تقدیر مجرا دارد خشنود شود و جمیع امور را به خداوند تفویض نماید، تا عندالله نفس مطمئنه راضیه مرضیه گردد.^(۵)

هر آینه خداوند بر جمیع بندگانش کریم و رحیم است. عنقریب جمیع امور را آسان سازد. اما تو باید در جمیع شرایط به او توکل نمایی و تفویض کنی و او آنچه را که موجب آسایش تو است مجرا خواهد داشت. آنه لبو الرحمن الرحیم. چه بسیار از امور مبتلا به مشکلات و معضلات گشته و بعد گره از مشکل باز شده است و چه بسیار مسائل که به اذن و اراده الهی حل شده است.^(۶)

۱- ادعیه حضرت محبوب، صص ۲۱-۲۰

۲- بیجت الصدور، تألیف حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی، چاپ سوم، ۱۵۹ بدیع، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنة نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، هوفهایم، آلمان، ص ۸۹

۳- مجموعه اشراقات، ص ۲۸۴

۴- منتخبات آیات از آثار حضرت نطقه اولی، ص ۱۵۶

۵- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۸۶

۶- ترجمه - همان مأخذ، صفحه ۴۵۵

حصول رضای الهی از اهمّ مواضع است. یحمدلله تو راضی به رضای الهی هستی و قلباً متمسک به اراده او. چون چنین هستی جمیع آمال تو تحقق خواهد یافت.^(۱)

سؤال شما موضوعی بسیار غامض و فلسفی را مطرح می‌سازد که درک کامل و فہم جامع آن برای اذهان و افکار محدود ما مستحیل و محال است. عدالت و رحمت، هر دو از صفات الهی‌اند و در حدّ مانیت که سعی کنیم تحلیل نماییم که چرا و چگونه حتی قدیر با حکمت لایتناهی خویش این صفات را در مورد ابرار و اشرار در عالم بعد اِعمال می‌کند و ظاهر می‌سازد. ما باید سہم خویش را در این جهان ادا کنیم و به او اعتماد داشته باشیم.^(۲)

در کمال سرور راضی به رضای الهی باشید

در عین حال که جبکمل مبارک به شما توصیه می‌فرمایند که با شہامت با موانع بسیاری که سدّ راه شما است، مواجه شده بر آنها غلبه نمایید، اما هدایت مبارک این است که در صورت شکست یا ہر واقعه‌ای که برای شما رخ دهد، باید در کمال سرور راضی به ارادۃ الهی و کاملاً تسلیم آن باشید. بلا یا و مصائب ما، امتحانات و افتتانات گاهی اوقات برکات و عنایاتی به صورت دیگر هستند، زیرا به ما می‌آموزند که به خداوند ایمان و اطمینان داشته باشیم، و ما را به خداوند نزدیکتر می‌سازند.^(۳)

فناى از نفس به این معنی است که این طبیعت دنی و امیال آن را تحت الشعاع جنبۃ مستقی ترو شریف تر نفس خود قرار دهیم. نیابتاً، فناى از نفس در عالیترین و متعالی‌ترین مفهوم خود، به معنای فانی ساختن ارادۃ خود و جمیع وجود خویش در ارادۃ الهی است تا به هر نحو که مصلحت می‌داند و موجب رضا و خوشنودی اوست عمل کند. در این صورت حضرتش نفس حقیقی ما را تطہیر و تجلیل می‌فرماید تا به حقیقی تابان و متعالی تبدیل گردد.^(۴)

۱- ترجمہ - همان مأخذ. ص ۵۶

۲- ترجمہ - مکتوب ۷ زونن ۱۹۲۸ حضرت ولی امر اللہ خطاب به یکی از احبّاء.

۳- ترجمہ - مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از احبّاء. Compilation ج ۲، شماره ۱۲۸۱ (صفحة ۷)

۴- ترجمہ - مکتوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امر اللہ خطاب به یکی از احبّاء. Compilation ج ۲، صفحه ۱۹، شماره ۱۳۱۸

راه حلّی برای امتحانات

استقامت

استقامت

بعد از عرفان مطلع توحید و مشرق تفرید دو امر لازم اول استقامت بر حبس بشانی که
نفاق ناعقین و ادعای مدعین او را از حق منع نناید و کان لم یکن شیئاً انگارد و ثانی اتباع او امر
او است که لم یزل مابین ناس بوده و خواهد بود و باو حق از باطل ممتاز و معلوم است...^(۱)

ای عباد از سراج قدس منیر صمدانی که در مشکاة عز ربانی مشتعل و مضیء است خود
را ممنوع نناید و سراج حب الهی را بدهن هدایت در مشکاة استقامت در صدر منیر خود
برافروزید و بزجاج توکل و انقطاع از ماسوی الله از هبوب انفاس مشرکین حفظش نمائید.^(۲)

يا احبّاء الله اتاكم و التزلزل و الاضطراب و الفزع و الاضطرار و الخمول و الخمود من هذا
اليوم المشهود اليوم بوم الاستقامة الكبرى اليوم بوم الثبوت و الرسوخ بين ملاء الانشاء هنيئاً
للنفوس الثابتة الراسخة كالبنیان المرصوص من هذا العاصف القاصف القاسم للاصلاب و الظهور
فأنهم المؤيدون و آثم الموقفون و آثم المنصرون.^(۳)

حال ثبوت و رسوخ و استقامت نشان دهد نه تزلزل و اضطراب. اگر مورد امتحان واقع
شوید، موجب قوت ایمان شما خواهد شد.^(۴)

احبای الهی باید چون جبل متین باشند و چون بنیان رزین رصین. از شدائد بلا یا مضطرب
نگردند و از عظام رزایا محزون نشوند؛ توکل بذیل کبریاء جویند و توکل بجمال اعلی نمایند؛
تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند و اعتماد بر صون و حمایت رب کریم؛ در هر دمی از شبنم
عنایت بر طراوت گردند و در هر نفسی از نغضات روح القدس زنده و تازه و خرم شوند و بر خدمت
حضرت ربوبیت قیام کنند و در تشریفات الله منتهای همت را مبذول دارند؛ امر مبارک را حصن
حصین شوند و جنود جمال قدم را قلعه رزین و رصین؛ بنیان امر الله را از هر جهت حافظ امین
گردند و افق مبین را نجم منیر شوند زیرا ظلمات دهماء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف
عالم در فکر محویت نور معلوم. با وجود هجوم جمیع قبائل چگونه می توان دمی غافل بود؟ البته
هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار.^(۵)

۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۵ (نقره: ۱۲۳)

۲- لوح احمد فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۴

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۱۶

۴- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۵۵۲

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۹

نفوس که امتحانات الهی را تحمل نمایند مظاهر فیض عظیم شوند؛ چه که افتخارات الهیه موجب شود که بعضی از نفوس از حیات عاری شوند، اما سبب شود که نفوس مقدسه به مدارج عالی تر محبت و صلابت عروج نمایند. آنها موجب ترقی و در عین حال مورث سیر قهقرا بس گردند.^(۱)

مختارون باید ارزش خود را ثابت کنند

در این بوم کل باید امتحان شوند چه که زمان "مختارون" برای اثبات ارزش آنها بسیار محدود است. بوم حصول توفیق برای آنها به انعام می رسد. "انعام اولیه" باید در ارواح به کمال برسد، در محبت به بلوغ حاصل شود، و با ایثار و انقطاع آنها به مصرف برسد. هیچ امر دیگری به عنوان ثمره اولیه مقبول نه و جمیع نفوس که در اثر امتحانات از وصول به مقصود ممنوع مانند در زمره "مدعوون" باقی مانند.^(۲)

بر اثر اقدام شهدا حرکت کنید

شما باید تفکر در این نمائید که چه قدر یاران عزیز بقرابانگاه الهی شناختند و چه نفوس مبارکه جان فدا نمودند و چه خونهای مقدسی ریخته شد و چه دل‌های پاکس بخون آمیخته گشت چه قدر سینه‌ها هدف تیر جفا گردید و چه بسیار اجسام مطهره که شرحه شرحه شد. آیا ما را سزاوار چگونه است که در فکر جان خویش باشیم و به بیگانه و خویش مدافعت و مدارا کنیم و با آن که ما نیز بی ابرار گیریم و بر قدم آن بزرگواران رفتار کنیم.^(۳)

اقبال به ملکوت الله آسان ولی ثبات و استقامت مشکل و امتحانات صعب و گران. حزب انگریز در جمیع موارد ثابت و مستقیمند و بحدوث مشاغل جزئیة تلغزند؛ نوهوس نیستند که ایامی چند بکاری مباشرت نمایند و باندک سببی کلال و ملال آرند و از شوق و شور بیفتند بلکه ثبات و استقامت در امور نمایند.^(۴)

یاران الهی باید همچنان ثبوتی مبعوث گردند که در هر آنی صد امثال عبدالیهاء هدف تیر بلا شود ابداً تغییر و تبدلی در عزم و نیت و اشتغال و انجذاب و اشتغال بخدمت امرالله حاصل نگردد.^(۵)

۱- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۲۲۵

۲- بیان منسوب به حضرت عبدالیهاء در جواب دکتر ادوارد گسینگر، نجم باختر، سال ۶، شماره ۶، ص ۴۵

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء، ج ۱، ص ۲۱۴

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء، ج ۱، ص ۲۶۴

۵- مکاتیب عبدالیهاء، ج ۱، ص ۳۲۴

ترددی نیست که امتحانات شدید است. هر قدر نفسی بیشتر استقامت نماید و ثبوت و رسوخ نشان دهد، ترقیات او بیشتر شود و به اعلی درجات ملکوت عروج کند.^(۱)

البوم هیچ نفسی دارای هیچ مقامی نیست و دارای هیچ عنوانی نه مگر کسی که ثابت بر پیمان و راسخ بر میثاق باشد، نفسی که بکلی از خویش غافل گردد و از عالم خلاصی جوید.^(۲)

ثبوت بر میثاق به معنای عبودیت است تا احدی نگوید که این نظر من است، بلکه باید هر آنچه از قلم و لسان میثاق صادر گردد اطاعت نماید.^(۳)

چون بی به نقائص خود برده‌ای، اطمینان داشته باش که در عین و میثاق الهی ثابت و راسخی و در محبت حق مستقیم و در رشد و تکامل.^(۴)

مراحل ترقی

قوی و مستقیم باش. مصمم و راسخ باش. وقتی ریشه شجر محکم باشد، میوه به بار آورد. لهذا، نباید با هر امتحانی مضطرب شد. مأیوس مباش، افسرده مگرد. امتحانات الهی بسیار است، اما اگر انسان ثابت و مستقیم بماند، نفس امتحان مرحله‌ای است برای ترقی انسانی.^(۵)

به این ترتیب او هر مانعی را که در پیش پایش گذاشته شود تا او را از پیشرفت بیشتر مأیوس سازد به مرحله‌ای برای پیشرفت تبدیل می‌کند، با قدمیای مطمئن پیش میرود و مردم بیشتر اوج می‌گیرد، ابداً به پشت سر نگاه نمی‌کند بلکه همیشه نظر به پیش روی دارد، بدون ادنی اضطرابی مشکلات ظاهری را کنار می‌زند و بالاخره پای بر قلعه کوه موفقیت، سعادت و جلال جاودان می‌گذارد. میرزا ابوالفضل چنین نفسی بود. هر نفسی باید بر چنین صخره محکمی قصر حیات را تأسیس کند تا عواصف و فواصف و هجوم عناصر شده ادنی نزلزلی در آن ایجاد ننماید.^(۶)

در احیان امتحان ثابت و راسخ بمانید

۱- ترجمه - لوح حضرت عبدالهیا، خطاب به ژولیت تامپسون. نجم باختر، سال دوم، شماره‌های ۸-۷، ص ۱۳

۲- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالهیا، دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۶، ص ۲۱۸

۳- ترجمه - از لوح حضرت عبدالهیا، نقل در نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۷، صفحه ۲۲۷

۴- همان، ص ۲۲۸

۵- ترجمه - نقل از لوح حضرت عبدالهیا، خطاب به چارلز هنی Charles Haney به تاریخ می ۱۹۱۱، نجم باختر سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۲۴۸

۶- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالهیا، دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، سال ۸، ج ۱، ص ۶۶

بدون استقامت هیچ امری ثمر ندارد. اشجار باید در زمین محکم باشند تا ثمر دهند. اساس و بنیاد بنا باید بسیار محکم باشد تا بنا را تحمل تواند. اگر ادنی شک و تردیدی در فردی از مؤمنین باشد، از او ثمری ظاهر نگردد. چه بسیار که حضرت مسیح بطرس را به استقامت امر و انداز می فرمود. لہذا، ملاحظه نمایند که ثابت و راسخ ماندن چقدر مشکل است، بخصوص در احوال امتحان. اگر انسان امتحانات را تحمل نماید و بر آن غلبه کند، ثبوت و رسوخش تزیاید یابد. وقتی ریشه شجر محکم باشد، هر چه صوب اریاح شدیدتر باشد درخت بیشتر بهره ببرد؛ هر چه وزش طوفان سخت تر باشد، برای شجر مفیدتر گردد. اما اگر ضعیف باشد، بلافاصله ساقط گردد.^(۱)

باید در مقصود خویش ثابت و راسخ باشی و ابدأ، ابدأ اجازه ندی اوضاع و احوال ظاهره ترا مضطرب سازد.^(۲)

در این سنین معدود زودگذر جهان بشریت آہستہ حوادث عظیمہ و بلا یای عظیمہ ستیمہ است کہ چشم عالم شبہ آن را ندیدہ و در انتظار انقلابات و وقایع هائلہ است کہ صفحات تاریخ نظیر آن را درج ننمودہ است. خطرات و آفات ہر چند صائل و مہیب و صوب عواصف امتحان ہر قدر پروحشت و شدید و سیل جارف بلیات ہر مقدار مدهش و ویل، ہرگز نباید اشعہ فروزان ایمان را در قلوب دوستان افسردہ نماید و اعین و ابصار را متنوع و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد. تبدیلات و تزییفات بہر میزان پردغدغہ و آشوب و مخاطر و مہالک بہر درجہ مقاوم و مناجم ہرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احتیای الہی نیست بآئین رحمانی بکاہد و آنان را از طرفینی کہ بجان و دل اختیار نمودہ و باہتمام تمام در پی آنند منحرف سازد.^(۳)

۱- ترجمہ - منسوب بہ حضرت عبدالہاء، دفتر خاطرات زولیت تامبون، ص ۲۱

۲- ترجمہ - منسوب بہ حضرت عبدالہاء، خطاب بہ لو آگتینگر مندرج در دفتر خاطرات احمد سہراب، نجم

باختر سال چہارم، شمارہ ۱۲، ص ۲۰۸

۳- ظہور عدل الہی، ص ۱۵۰

راه حلّی برای امتحانات

انقطاع

انقطاع

دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است بصورت هستی آراسته. دل باو مبندید و از پروردگار خود مگساید و مباحثید از غفلت کنندگان. برستی می گویم که مثل دنیا مثل سرایست که بصورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون باورسد بی بهره و بی نصیب مانند.^(۱)

اعلموا بأنّ الدّنيا هي غفلتكم عن موجدكم واشتغالكم بما سويها والآخرة ما يقربكم الى الله العزيز الجميل وكلّما ينعمكم اليوم عن حبّ الله لهي الدّنيا أن اجتنبوا منها لتكوننّ من المفلحين إنّ الذي لن ينعمه شيء عن الله لا بأس عليه لو يزيّن نفسه بحمل الارض وزينتها وما خلق فيها لأنّ الله خلق كلّ ما في السموات والارض لعباده الموحّدين. كلوا يا قوم ما احلّ الله عليكم ولا تحرموا أنفسكم من بدائع نعمائه ثمّ أشكروه وكونوا من الشاكرين^(۲)

قل يا قوم هل ينبغي لاحد أن ينسب نفسه الى ربه و يرتكب في نفسه ما يرتكبه الشيطان لا و طلعة السبحان لو أنتم من العارفين. قدسوا قلوبكم عن حبّ الدّنيا ثمّ ألسنكم عن ذكر ماسويها ثمّ أركانكم عن كلّ ما ينعمكم عن اللّقاء و يقربكم الى ما يأمركم به الهوى اتقوا الله يا قوم وكونوا من المتّقين ... خلّصوا أنفسكم عن الدّنيا و زخرفها ايّاكم أن لا تقربوا بها لآنها يأمركم بالبنى و الفحشاء و ينعمكم عن صراط عزّ مستقيم.^(۳)

هیچ نفسی در این عالم راحت نیست

این خاکدان فانی چنین است مخزن آلام و محن است، غفلت است که انسان را نگه می دارد و الا هیچ نفسی در این عالم راحت نیست؛ از ملوک گرفته تا بملوک برسد؛ اگر یک جام شیرین دهد در عقب صد جام تلخ دارد؛ اینست شأن این دنیا. لهذا انسان عاقل بحیات دنیویّه تعلقی ندارد و اعتمادی ننماید بلکه در بعضی اوقات بی نهایت آرزوی وفات کند تا از این اُکدار و احزان نجات یابد.^(۴)

این حیات سراب است

يا أمة الله المشتعلة بنار محبته لا تحزني من العسرة والعناء ولا تفرحي من الرّاحة والرّخاء في هذه الدّنيا لأنّ كلّتيهما يزولان و أنّما حيات الدّنيا كسراب او عباب او ظلال و هل يتصوّر أنّ

۱- لوح احمد فارسی، دریای دانش، ص ۱۲۵

۲- سورة البیان، آثار قلم اعلی، ج ۴، صص ۱۱۲-۱۱۳

۳- سورة البیان، آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۱۲

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۹۵ (فقره ۱۷۰)

الشراب يؤثر تأثير الشراب لا ورب الارباب لا تسيوى الحقبه و المعجاز و شتان ما بين التحقق و التعمل و الخيال اعلمى ان الملكوت حقيقه الوجود و ان الناسوت ظله الممدود فالظلم معدوم منوهم الوجود و الصور المرتبه فى الماء اعدام تترأ للأنظار بمظاهر النفوس و الرسوم^(١)

محزون مباشر، طوفان احزان بگذرد؛ آه و حسرت باقى نماند؛ یأس و نومیدی زائل شود؛ نار محبته الله مشتعل گردد و خار و خس حزن و اندوه را معدوم سازد. سرور باش؛ به الطاف پناه مطمئن باش تا شک و تردید زائل گردد و فیوضات لایری بر عالم وجود نازل شود. اگر طالب سکون روحانی هستی، همیشه توجه به ملکوت ابهی کن. اگر سرور الهی خواهی، از قیود وابستگی خود را رهای بخش. اگر مشتاق تأییدات روح القدس، به تبلیغ امرالله مشغول شو.

اگر دوستان و منسوبین از تو دوری کنند، محزون نباش، چه که خدا به تو نزدیک است. تا توانی با منسوبین و اغیار مؤانس شو؛ محبت و عنایت کن؛ نهایت صبر و بردباری نشان ده. هر چه بیشتر مخالفت کنند، عدالت و انصاف بیشتر بر آنها نثار کن؛ هر چه نفرت و معاندت نسبت به تو نشان دهند، با صداقت، رفاقت و الفت عظیم مقابله کن. الحمدلله، مغرب ملکوت ابهائی. مطمئن باش. با تمام جان و روان در جمیع احیان با تو مأنوسم. یقین بدان.^(٢)

ایام معدود معدوم گردد و هستی موجود مفقود شود؛ گلشن زندگانی را طراوت و لطافت نماند و گلزار کامرانی را صفا و شادمانی بگذرد. بهار حیات مبدل بخزان معات گردد و سرور و حبور قصور تبدیل بظلام دیجور در قبور گردد در این صورت دلبستگی را نشاید و شخص دانا تعلق قلب ننماید.^(٣)

فکر خویش را کنار بگذاریم

... نه تتبع در شبهات و ترویج و تأویل و تشریح مشابیهات؛ فکر خویش را کنار بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم؛ نه اظهار تالم نمائیم نه بیجان نظلم. بکلی خود را فراموش نمائیم و از خمر عنایت و فناء در جمال ابهی پر جوش و خروش شویم^(٤)

معلوم است انسان باید در فکر معیشت باشد اما نه این که فکرش محصور در معیشت تنها باشد؛ باید فکرش بلند باشد و بشکر آن باشد که مظهر موهبت الهی باشد.^(٥)

١- همان. صص ١٧٤-١٧٣

٢- ترجمه - *Tablets of Abdu'l-Bahaj*. صفحه ٥٥٧

٣- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء. ج ١، ص ٢١٤

٤- همان. ص ٢٢٩

٥- خطابات مبارکه، ج ٣، ص ١٢٠

پس تو بکلی ملکوتی شو تا ناسوت را قراموش نمائی و در احساسات رحمانیه چنان مستغرق گردی که از عالم بشریت بی خبر شوی.^(۱)

از شئون این عالم ظلمانی بکلی بیزار گردید و بشنون و آثار حقایق ملکوتیه واضح و آشکار شوید تا ملاحظه فرمائید که پرتو خورشید بزدان در چه درجه روشن و درخشنده است و آثار عنایت از غیب احدیت چگونه باهر و ظاهر و لائحت^(۲)

روح و روان انسان زمانی ترقی کنند که با رنج و الم مورد امتحان قرار گیرد. زمین هر چه بیشتر شخم خورزد، بذر بیشتر رشد کند، محصول بیشتر شود. درست همان طور که تیغه شخم در زمین شیار عمیق ایجاد کند، و آن را از خار و خاشاک و گیاهان هرز متزه سازد، همچنین آلام و اوجاع انسان را از امور لایسمنه لا بغنیه این حیات دنیوی آزاد کند تا به مقام انقطاع صرف واصل شود. نگاه و رفتار او در این عالم، عبارت از سرور الهی شود. یعنی انسان نابالغ است، حرارت آتش رنجیا او را به بلوغ رساند. به ایام ماضیه نگاه کنید، متوجه میشوید که بزرگترین انسانها بیشترین رنجها را تحمل کردند.

... انسان با تحمل آلام به مسرت ابدی رسد، یعنی مقامی که هیچ امر دیگری او را به آن نرساند. حواریون مسیح متحمل درد و رنج شدند و به مسرت ابدی نائل گشتند.

... برای حصول مسرت ابدی باید رنج کشید. نفسی که به مقام ایثار و فناء رسد به مسرت حقیقی نائل شده است. لذت دنیوی زائل گردد.^(۳)

ناپایداری این عالم

هر زمان مشکلات شخصی عظیم در زندگی خصوصی خویش مشاهده کنید ... باید به خاطر داشته باشید که این ابتلائات قسمتی از حیات بشر است؛ و طبق تعالیم مبارکه یکی از حکمتنای آن تعلیم ناپایداری این عالم و ابدیت پیوندهای روحانی است که ما با خداوند، انبیاء او، و نفوسی که به ایمان الهی زنده اند، ایجاد می کنیم. شما همیشه باید مد نظر داشته باشید که مظاهر ظهور الهی، بنده، از بسیاری از آلام بشری مصون نبودند و از منسوبین خویش، تلخ ترین معجزات را نوشیدند، حضرت یسایا از نابرداری خود، میرزا یحیی، زهر نوشیدند. در کنار ابتلائات آنها، بلا بای ما هر قدر که برای ما وحشتناک باشند، باید در مقام مقایسه ناچیز جلوه کنند.^(۴)

منتقطع شدن از آشوبهایی که این عالم بدان مبتلا است

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهبا، ج ۱، ص ۱۸۷ (فقره ۱۶۱)

۲- مکاتیب عبدالهبا، ج ۴، ص ۱۹۳

۳- ترجمه - Paris Talks، ص ۱۷۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۰ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امر الله، Unfolding Destiny، صص ۶۰-۵۹

کرچه متناقض به نظر میرسد ولی دورنمایی از پیشرفت می‌سابقه‌ای که انتظار دارید در امر تبلیغ حاصل شود در وضع پر آشوب اجتماع کنونی آشکار است. باید دریابید که هر چه اوضاع وخیم‌تر شود. فرصت‌های تبلیغ امرالله افزایش می‌یابد و میزان استقبال مردم نسبت به پیام الهی فزونی می‌گیرد. حضرت بنیاءالله به اندازه کافی و به نحوی مؤکد انذار فرموده بودند که ظهور آن حضرت پریشانی بنیادی و عالم‌گیری را به وجود می‌آورد که مرحله‌ای از سیر به سوی وحدت و صلح یعنی حذف غائی امر محسوب می‌گردد. آگاهی از این تحول حتمی الوقوع باید اعضای آن محفل را توانایی بخشد تا خود را از عواطف و احساسات توان‌فرسانی که اضطرابات ملازم با جرمانات مذکور بر می‌انگیزد منقطع سازند.^(۱)

۱- پیام ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم به محفل روحانی منی ایالات متحده. پیام جهانی، شماره ۱۸۲، ص ۶

راه حلّی برای امتحانات

اطاعت از تعالیم مبارکه

اطاعت از تعالیم مبارکه

أَوَّلُ الْأَمْرِ عِرْفَانُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ هُوَ التَّمَكُّنُ بِمَا نَزَلَ مِنْ سَمَاءٍ مَشِيئَةَ الْمُهَيَّمَةِ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ^(۱)

عکس العمل حضرت بهاء الله نسبت به عاصیان از تعالیم

اگر اسم رحمانم مغایر رضا حرفی از احبایم استماع نمود مهموماً منعموماً بحلّ خود راجع شد و اسم ستارم هر زمان مشاهده نمود نفسی بهتکی مشغول است بکمال احزان بمقرّ اقدس بازگشت و بصیحه و ندبه مشغول و اسم غفارم اگر ذنبی از دوستانم مشاهده نمود صیحه زد و مدهوش بر ارض افتاد ملثکة امریه بمنظر اکبر حملش نمودند ... هر زمان که اظهار عصیان از نفسی در ساحت اقدس شده هیکل قدّم از حیا ارادة ستر جمال خود نموده چه که لازال ناظر بویفا بوده و عامل بشرایط آن.^(۲)

توفیق غائی ما منوط به اطاعت است

او امر الهیه از سماء عزّ احدیه نازل باید کلّ بآن عامل شوید امتیاز و ترقّی و فوز خلق بآن بوده و خواهد بود. هر نفسی که بآن عمل نمود رستگار شد.^(۳)

مانتها در صورتی می توانیم ثابت کنیم شایسته امر مبارک هستیم که در رفتار فردی و حیات جمعی خود نجدانه از مثل و نمونه مولای محبوبمان تبعیت کنیم، که وحشت ناشی از مظالم، طوفانهای خشونت های بلاوقته، ظلم و بیداد تحقیر و اهانت، ابداً موجب نشد به قدر راس شعری از شریعت الهی و احکام منزله سماوی حضرت بیاء الله انحراف جویند.

چنین است سبیل عبودیت، این است طریق تقدّسی که آن حضرت تا خانمة الحیات طیّ فرمودند. هیچ امری جز تمسک تامّ به مثال عظیم و جلیل آن حضرت نمی تواند در مسیری که از میان خطرات و مشکلات این عصر پرمخاطره می گذرد، ما را به سلامت عبور دهد و به تحقق سرنوشت عالی و غائی خویش هدایت کند.^(۴)

راه ناهموار است و امتحانات بسیار؛ اما همانطور که شما اظهار می دارید، اگر باران پیامورند که جانی منطبق با تعالیم حضرت بیاء الله داشته باشند، در خواهند یافت که این تعالیم به طریقی اسرار آمیز و نیرومند فعالیت دارند؛ و همواره تأیید موجود، غلبه بر موانع میسر، و توفیق غائی حتمی است.^(۵)

۱- آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۶۰
۲- مانده آسانی، ج ۴، ص ۱۱۱

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۵ (نقرة ۱۲۳)

۴- ترجمه - بیان حضرت ولی امر الله مندرج در Baha'i Administration ص ۱۲۲

۵- ترجمه - مکتوب ۲۳ آوریل ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احبّاء، Compilation، ج ۲، ص ۲

نیابتاً تمامی مبارزه حیات در درون فرد است. هیچ‌گونه سازماندهی، به هر اندازه که باشد، قادر به حل مسائل داخلی نیست و نمی‌تواند موجب مظفریت یا مانع شکست در لحظه‌ای خطرناک باشد. در مواقعی چنین خطیر؛ افراد به وسیله قوای عظیمه‌ای که به طور کلی در جهان وجود دارد، در هم شکسته می‌شوند و ما بعضی نفوس ضعیفه را مشاهده می‌کنیم که ناگهان به نحوی معجزه‌آسا قوی می‌گردند، و اقویا ضعیف می‌شوند؛ ما فقط می‌توانیم در کمال محبت سعی کنیم ... از فرد مؤمن عملی به ظهور برسد که در جهت مصالح عالی امر مبارک باشد. زیرا، بدینی است آنچه که مضر به مصالح امریه است نمی‌تواند در جهت خیر محض فرد بیانی باشد.^(۱)

تنها قوه برای غلبه بر امتحانات

باید اطمینان داشته باشید که تمسک تام به احکام و اوامر تعیین شده توسط حضرت پناه‌الله تنها قوه‌ای است که می‌تواند به طور مؤثر شما را هدایت کند و بر غلبه بر امتحانات و افتانات زندگی قادر سازد و به شما کمک کند که از لحاظ روحانی به طور مستمر رشد و تکامل یابید.^(۲)

اطاعت از تشکیلات

محل روحانی ممکن است خطا کند اما همانطور که حضرت مولی‌الوری تصریح فرموده‌اند اگر جامعه یا یکی از افراد آن، از تصمیمات متخذة محل روحانی اطاعت نکنند، نتایجی به مراتب وخیم‌تر به بار خواهد آمد؛ زیرا چنین اقدامی نفس مؤسسه فخریه‌ای را که لازم است جهت استقرار و تحکیم اصول و قوانین امر اعظم الهی تأیید و تقویت گردد، تضعیف خواهد کرد. حضرتشان می‌فرمایند که خداوند متان خطاهای مرتکبه را تصحیح و نرمش خواهد کرد. ما باید به این حیثیت اعتقاد و اعتماد داشته باشیم و از محافل روحانی خود اطاعت کنیم.^(۳)

نظم اداری و امر تبلیغ عمومی امر مبارک ... هیچ‌یک توفیق حاصل نخواهند کرد، و قادر به حصول هیچ نتیجه‌ای نخواهند بود مگر آن که احباء بیانیی ثابت و راسخ، عمیق، از لحاظ روحانی معتمد و متیقن باشند. درک عقلانی از تعالیم الهی، درکی صرفاً صوری و سطحی خواهد بود و با اولین امتحان واقعی، چنین نفوسی متزلزل می‌گردند. اما وقتی فردی بیانی اعتقادی عمیق نسبت به اقتدار الهی داشته باشد که در نفس پیامبرش به ودیعه نهاده شده و از او به حضرت مولی‌الوری تسری یافته و توسط حضرت مولی‌الوری در ولایة امرالله سرمان می‌یابد، و در محافل جریان پیدا می‌کند و نظمی را ایجاد می‌کند که مبتنی بر اطاعت است، وقتی فرد بیانیی به این موضوع اعتقاد تام داشته باشد، هیچ امری قادر

ص ۲۵ (فقره: ۱۳۳۵)

۱- ترجمه - Directives from the Guardian شماره: ۲۰۷ / Compilation شماره: ۱۲۹۷

۲- ترجمه - مکتوب ۲۳ فوریه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله. Compilation، ج ۲، فقره ۱۷۶۹

۳- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۹، انوار هدایت، شماره: ۲۸۳

شما نباید این اشتباه عظیم را مرتکب شوید که امر مبارک را با توجه به یک جامعه که به وضوح نیاز به مطالعه و اطاعت از تعالیم دارد، مورد قضاوت قرار دهید. ضعف‌ها، تزلزلیا و خصیصه‌های بشری می‌توانند امتحانی بزرگ باشند. اما تنها طریقه، یا شاید باید بگویم اولین و بهترین طریقه، برای بهبود بخشیدن این وضعیت، این است که خود شخص آنچه را که صحیح است انجام دهد. یک نفس می‌تواند موجب تئور روحانی یک قاره شود. حال که شما نقیصی را در زندگی خود مشاهده و رفع کرده‌اید، حال که شما آنچه را که جامعه خود شما فاقد آن است تشخیص داده‌اید، هیچ امری نمی‌تواند مانع شود که شما قیام کنید و چنین مثال و نمونه‌ای، چنین عشقی و روح خدمتی را نشان دهید که قلوب سایر بهائیان را مشتعل می‌سازد.^(۲)

اما هیکل مبارک قویاً بر این عقیده‌اند که اگر ... در وضعیتی است که مکتوب شما به نظر می‌رسد به آن اشاره دارد، محققاً امور را به طریق صحیح هدایت نمی‌نماید. مقصود از این فقط محفل نیست، بلکه شامل همه می‌شود. زیرا محبت بیانی کجا رفته و تقدم اتحاد و اتفاق چه شده؛ برای اشتیاق به فدا کردن احساسات و عقاید شخصی برای حصول محبت و اتفاق چه حادثه‌ای روی داده و چه امری باعث می‌شود بهائیان فکر کنند وقتی احکام روحانی و مقررات اداری را زیر پا گذارند موفقیت از آن‌ها خواهد بود؟^(۳)

مردم مجذوب فضیلت‌های ما خواهند شد

به همان نسبت که بشریت عمیق‌تر و عمیق‌تر در ورطه‌ای فرو می‌رود که حضرت پناه‌الله درباره آن فرموده‌اند "ذکر آن حال مقتضی نه"؛ اجتناب نیز باید به نحوی دائم‌الترازد به عنوان نفوسی مطمئن، آشنا به جیت صحیح، و اساساً سرور متمایز گردند و با معیاری منطبق باشند که با نگرش‌های تنگین و شیخ جامعه نوین کاملاً متباین و مایه فخر، مباحثات، قوت و بلوغ آنها است. همین تضاد بین اقتدار، اتحاد، و انضباط جامعه بیانی از یک طرف، و سرگردانی، یأس و شتاب تب‌آلوده دائم‌الترازد جامعه‌ای محکوم به فنا از طرف دیگر در خلال سالهای پر آشوب آینده انظار عالمیان را به حصن امان امر منجی عالم، جمال قدم، متوجه خواهد ساخت.^(۴)

- ۱- ترجمه - مکتوب ۱۱ آوریل ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation*، ج ۱، شماره ۵۰۸
- ۲- مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله مندرج در *Compilation* ج ۱، شماره ۵۱۲
- ۳- ترجمه - نقل از مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از اجنباء نوشته شده و در جلد دوم *Compilation of Compilations* صفحات ۲-۲۱، تحت شماره ۱۳۲۵ درج شده است.
- ۴- ترجمه - پیام رضوان ۱۹۶۶ بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت شماره ۴۴۱

اهل ارض باید مشاهده کنند که علی‌رغم تقلبات و نظرات سریع‌التغییر عامه خلق، اهل بیاء مطبق بر اصول و مبادی سامیه دیانت خود مشی و حرکت می‌نمایند. نباید اجازه دهیم شایبه نرس از نفي و طرد از جانب دوستان و آشنایان، ما را از مقصد متعالی حرکت و سلوک بر طبق موازین امریه منع نماید.^(۱)

زندگی عبارت از رشته‌ای از امتحانات و موفقیت‌ها است

اطاعت از احکام حضرت بیاء‌الله ضرورهٔ سختی‌ها و شدائدی را در موارد فردی ذری پی خواهد داشت. احدی نباید انتظار داشته باشد که چون بیانی است، ایمانش مورد امتحان واقع نشود؛ با توجه به ادراک محدود ما از این مواضع، این امتحانات ممکن است گاهی طاقت فرسا به نظر برسند. اما ما واقفیم که حضرت بیاء‌الله بنفسه المقدس به اجتهاد اطمینان داده‌اند که ابداً از اجتهاد انتظار نمی‌رود با امتحانی مواجه شوند که فوق طاقت و تحمل آنها است.^(۲)

انسان مطالباً نسبت به عمق حکمت برخی از حدود و احکامی که مورد علاقه او نیست فاقد قوهٔ ادراک لازم است. لکن، وقتی که با تقدیر الهی مواجه می‌شود و در همان موقع نمی‌تواند به حکمت آن پی ببرد، عمق ایمان خویش را به نمایش می‌گذارد.^(۳)

موفقی که تأثیر اطاعت از احکام بر زندگی فردی را در نظر می‌گیریم، باید به خاطر داشته باشیم که هدف از زندگی آماده ساختن روح برای جهان بعد است. در این جهان، شخص باید بیاموزد که غریز حیوانی خود را تحت تسلط گرفته در جهت صحیح هدایت نماید، نه این که برده و اسیر آنها شود. زندگی در این جهان عبارت از رشته‌ای از امتحانات و موفقیت‌ها، شکست‌ها و ترقیات روحانی جدید است. گاهی سیر زندگی ممکن است بسیار سخت و دشوار به نظر برسد، اما می‌توان بارها و بارها مشاهده کرد که نفسی که در کمال استقامت احکام حضرت بیاء‌الله را، هر قدر که سخت به نظر برسد، به مورد اجرا می‌گذارد، از لحاظ روحانی رشد می‌کند، در حالی که شخصی که صرفاً برای تأمین لذایذ و شادی ظاهری خویش آنها را زیر پای می‌گذارد، مشاهده شده که از اوهام و خیالات خویش تبعیت کرده است؛ چه که او به سعادتی که در جستجویش بوده واصل نمی‌شود، ترقی روحانی خود را به تأخیر می‌اندازد و غالباً مسائل و مشکلات جدیدی را برای خود ایجاد می‌کند.^(۴)

۱- مکتوب ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲ بیت‌العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملّی، مندرج در انوار هدایت، شماره ۱۷۹۵

۲- ترجمه - مکتوب ۷ سپتامبر ۱۹۶۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملّی ایالات متحده، انوار هدایت شماره ۱۱۴۴

۳- ترجمه - مکتوب ۲ مارس ۱۹۸۷ بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از اجتهاد

۴- ترجمه - از مکتوب بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از اجتهاد، گزیده‌هایی از مکتوب ۶ فوریه ۱۹۷۳ خطاب به کلیهٔ محافل ملّی / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹

راه حلّی برای امتحانات

صبر در پیش گیرید و
به عاقبت کار ناظر باشید

صبر در پیش گیرید و به عاقبت کار ناظر باشید

يا ابن البشر إن أصابتك نعمة لا تفرح بها وإن تمسك ذلّة لا تحزن منها لأن كلتيهما تزولان في حين و تيدان في وقت. (۱)

قناعت در جميع احوال و شرایط

این الزم القناعة في كل الاحوال بها تسلم النفس من الكسالة و سوء الحال (۲)

در امورات خود آن جناب هم هر چه پیش آید موافق دانند محبوب است. انسان بشغلی مشغول باشد احب است چه که حین اشتغال ناملايمات روزگار کمتر احصاء می شود. (۳)

بگو ای حبیب الهی، نترس و محزون مباش، بر امر مستقیم باش. قسم به خداوند نفوسی که از باده محبت ربّی آبی نوشیده اند از احدی خوف به دل راه ندهند، بر بلا یا صبر کنند، مانند عاشق که برای رضایت محبوبش صبر نماید. اگر صبر پیشه کند مقام این بلا یا از آنچه که حبیان لوجه المحبوب تحمل نمایند اعظم و اشرف بوده و خواهد بود. (۴)

فظوبی للصابرين الذين يصبرون في البأساء و الضراء و لن يجزعوا من شيء و كانوا على مناهج الصبر لئن السالكين... (۵)

آنه یزید اجر الصابرين (۶)

الصبر في البلايا بل الشکر فيها

اعمال و افعال حقّ مشهود و ظاهر چنانچه در جميع کتب ساهوتّه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و یاکي قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر في البلايا بل الشکر فيها و التوکل عليه في كل الاحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق

۱- کلمات مکتونه عربی، شماره: ۵۲

۲- لوح طبّ، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۲۳

۳- لوح مقصود، ص ۲۴

۴- ترجمه - لوح منتشر نشده حضرت بهاء الله که ترجمه انگلیسی آن در صفحه ۲۲۲ کتاب Eminent

Baha'is in the Time of Baha'u'llah اثر حسن موقر بالیوزی مندرج است. این لوح روز دوازدهم رضوان

حین خروج از باغ نجیبه، خطاب به آقا میرزا آقا افغان شیرازی از قلم عظمت نازل شده است - م

۵- سوره الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک، ص ۲۸

۶- همان

ان عند حق مذکور...^(۱)

أنفقوا إذا وجدتم و اصبروا اذا فقدتم ان بعد كل شدّة رخاء و مع كل كدر صفاء^(۲)

اراده خود را در رضای او فانی ساز. چه که ابدأ هیچ چیز به جز اراده او نخواستیم و آنچه را که تقدیر قطعی او بوده استقبال کرده ایم. قلباً صبور باش و مأیوس مگرد و مباش از جمله نفوسی که مضطربند.^(۳)

اراده الهی را در کمال بردباری بپذیرید

جریان زندگی گهگاهی ما را به امتحانات و افتانات بسیار شدید مبتلا می سازد، اما باید همیشه به خاطر داشته باشیم که وقتی با صبر و بردباری اراده الهی را می پذیریم، به طرق دیگر جریان می فرماید. با ایمان و عشق باید صبر پیشه کنیم و او مطمئناً اجر ما را خواهد داد.^(۴)

به عاقبت کار بیندیشید

لا تجزعوا فی المصائب و لا تفرحوا. ابتغوا أمراً بین الامرین هو التذکر فی تلك المحالة و التّبه علی ما یرد علیکم فی العاقبة.^(۵)

نظر به عاقبت کار و نتیجه امتحانات

اصل العافیة هی الصّمت و النّظر الی العاقبة و الإنزواء من البریة^(۶)

ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جهروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته جمیع آنها رسیده فائز گردید.^(۷)

... تلك حیوة تفتنی و کلّ نفس تصرم الی الله ربّی و انه لیوفّی اجور الذّین صبروا احسن الذّی كانوا یصنعون^(۸)

- ۱- مجموعه اقتدارات، ص ۱۶۲
- ۲- لوح حکمت، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸
- ۳- ترجمه - بیان حضرت بهاء الله، فقره: ۶۲ از Gleanings from the Writings of Baha'u'llah
- ۴- مکتوب ۱۳۰ اکتبر ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباب / انوار هدایت شماره: ۲۰۴۶
- ۵- کتاب اقدس، بند ۴۳
- ۶- ادعیه محبوب، طبع طهران، ص ۴۳
- ۷- لوح احمد فارسی، دریای دانش، ص ۱۲۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۹
- ۸- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اول، ص ۱۱۳

به بدایت امور ناظر نباشید، قلب را به نهایت امر و نتایج آن متوجه سازید. این زمان بمنابۀ زمان زرع است. تردیدی نیست که آبستن خطرات و مشکلات است، اما آتیۀ ایام محصول فراوان برداشت شود و منافع و اثمار وفیروز ظاهر و باهر گردد. وقتی نفس امر و انتهای آن ملاحظه گردد، سرور و بهجت بی منتهی ظهور نماید.^(۱)

از آنچه وارد شده محزون مباش، مغموم مگرد. آنچه ظاهر گردد خیر محض است و حکمت الهیه در آن مکنون و عنتریب ظاهر شود.^(۲)

حضرت عبدالیهاب غالباً می فرمودند که تفاوت بین یک پیغمبر و شخص عادی در این است که شخص عادی تنها ناظر به زمان حال است. اوسمی نمی کند فتوحات آینده را در نظر مجسم کند و به این وسیله موانع جزئی فعلی را فراموش کند. اما پیغمبر نسبت به اوضاع و شرایط آتیۀ پیشی عمیق دارد و فتح و ظفر آبنده اش را مشاهده می کند و حتی اگر قتل عام پیروانش را مشاهده نماید مأیوس نمی گردد. ما بیابانان باید از شیوۀ پیامبران تبعیت کنیم. ما می دانیم که امر مبارک نهایتاً مظفر خواهد شد و جنودش کاملاً متحد خواهند گشت. ما می دانیم که وعود حضرت مولی الوری بالاخره تحقق خواهد یافت. پس، چرا مخالفنهای جزئی که بر سر راه خویش مشاهده می کنیم ما را نومید می سازد. ما باید بر شور و اشتیاق خویش بیفزاییم و در زیارت ادعیه و بذل مساعی مداومت نماییم...^(۳)

بعد از طوفان

هوایهی ای ناطق بشنای حضرت یزدان در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدیدتر و باران و بوران عظیم تر، در فصل نوبهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود؛ گریه ابر سبب خنده گل گردد و دمدمه رعد نتیجه اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد بیار آورد و طوفان سرد باغ را بشکوفه های سرخ و زرد بیاراید؛ اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمرا گیرد؛ سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفتگی نسرین و نسترن گردد و پرمردگی شنا تری و تازگی بیماری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد؛ سرو بیالد، فاخته بنالد، بلبل بخواند، گل چیره برافروزد، لاله ساغر گیرد، ترگس مخمور گردد، بنفشه مدهوش شود، اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید، ازهار بدمد، اثمار نمودار شود، گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد. جمیع این فیوضات و تجلیات بهار اثر مصیبات زمستان است و کل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر برودت فصل شنا. لہذا، ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار؛ اگرچه در بلا پای شدیده

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالیهاب مندرج در Tablets، ص ۲۶۵

۲- ترجمه - بیان حضرت عبدالیهاب مندرج در Tablets صفحه ۱۵۷

۳- ترجمه - از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امر اللہ نوشته شده، مندرج در صفحه ۱۲ Dawn of a new

افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی، کأس بلا نوشیدی و زهر ابتلا چشیدی، بسا شیئا که از نقل اغلال نبارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی، آنیست صدمات قویه بود و جلیت بلیات شدیده، امیدواریم که این مشقات جسمانیه راحت و مسرت روحانیه آزد، این مسرت علت مسرت گردد و این زحمت باعث رحمت شود و این نعمت سبب نعمت جاودانی گردد و این تنگی سجن گشایش جهان الیهی شود. قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سبیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهید و شکر لذیذتر. ع^(۱)

به آینده باشکوه ناظر باشید

آینه بلا واسطه، همانطور که حضرت مولی الوری پیش بینی فرموده اند، باید ضرورتاً برای امر مبارک و نیز برای کل عالم بسیار تیره و تاریک باشد، اما وعودی که هیکل مبارک مکرراً از آینده ای باشکوه برای امرالله و نوع بشر به طور کلی، به ما داده اند از چنان ماهیتی برخوردار است که مطمئناً ما را در بجویحه امتحانات و بلیات ایام آینده حفظ و ثنوت خواهد نمود.^(۲)

محققاً ما بیایان بسیار سعادتمند هستیم که می دانیم اگرچه ابامی که بلافاصله در پیش روی نوع بشر قرار دارد بسیار تیره و تاریک است، اما آینه بسیار مطلوب و جلیل می باشد. برای این آینده است که اجباء باید لیلأ و نهاراً، بی اعتناء به وضعیت عالم و خطرات تهدیدکننده، جد و جهد نمایند.^(۳)

هر قدر آینده فوری و بلافاصل تیره به نظر برسد، چشم اندازی که در آینده دور برای جامعه اجبای آلمانی مقدر شده است از چنان درخشش و جمال بی حد و حصری برخوردار است که می تواند در لحظات نهایت حزن و الم شماء، نهایت حد دلگرمی و تشویق را برای شما تأمین نماید.^(۴)

پروردگار غم را به سرور تبدیل نماید

اگر شرایط فعلی شاق و حاد گشته و مشکلات از جمیع جهات احاطه نموده، محزون مباش. پروردگار حزن را به سرور بدل کند، سختی به راحتی مبدل سازد، و رنج و محنت را به آسودگی و آسایش تبدیل نماید.^(۵)

۱- لوح ملاً علی اکبر ایادی، مانده آسانی، ج ۵، ردیف ت، باب ۷ (ص ۶۲۰ طبع اول) - توضیح مترجم: لوحی که نویسنده نقل نموده با همین مضامین اما لوحی جز این است. لوح مزبور در ص ۱۲ Tablets، فقره: Compilation ۱۵۲۲ و صفحه ۲۹۵ Baha'i World Faith مندرج است. اصل لوح مزبور یافت نشد.

۲- ترجمه - از مکتوب ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از اجباء نوشته شده مندرج در صفحه ۱۲۷ Unfolding Destiny

۳- از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده. Dawn of a New Day ص ۷-۱۶

۴- از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده. Light of Divine Guidance ج ۱، ص ۹۶

۵- ترجمه - Divine Art of Living، ص ۹۰

صبر، مشاق و آرام باش

اگرچه این بلبه بسیار شدید و عظیم بود، اما تو باید در زمان مشقت و رنج صبر، مشاق و آرام، ثابت، راسخ و متحمل باشی. اینها صفاتی است که چون تویی را سزاوار است.^(۱)

از امتحانات الهیه محزون مشو. از شدائد و بلیات مغموم مگرد؛ در نیابت تبکل و خضوع به خداوند توجه کن، شدائد را تحمل نما، در تمام شرایط راضی و در جمیع مشاغل شاکر باش. پروردگارت حبیب امام الرحمن صابره مؤمنه راسخه است؛ آنها را با این بلیات و امتحانات مقرب درگاهش سازد.^(۲)

کثیری از نفوس به مخالفت شما قیام کنند، ظلم و ستم روا دارند، مورد شمانت و ملامت قرار دهند، از مشقات شما ابراز بیعت و مسرت نمایند، شما را سزاوار طرد و رد شمارند، و مجروح سازند؛ اما آب سماوی چنان انوار روحانیه مبذول فرماید که چون اشعه شمس شوید که وقتی غمام تیره را محور و زائلی سازد، سیلاب نور را بر وجه ارض بتاباند. هر زمان که مبتلا به این بلا یا شوید، باید ثابت و راسخ باشید، و صبور و متحمل. به جای آن که به تلافی پردازید و عملی را با عکس العملی جواب گوید، باید مخالفت را با نیابت احسان و عنایت مقابله نمایید، و ابداً به مظالم و لطامات اهتیت ندهید، بلکه آنها را ملعبه صیان دانید. چه که بالعال نورانیت ملکوت بر ظلمت عالم وجود احاطه نماید و تقدس و تعالی منویات شما به وضوح نام ظاهر و آشکار شود.^(۳)

یاران باید در وظیفه خود مداومت نمایند نمایند و اجازه ندهند هیچ مانعی، هر قدر عظیم، آنها را از ترقی و تقدم منع نماید. در این ایام شداید و بلاها، صبر و امید برای حصول توفیق در هر اندیشه با نقشه ای ضروری و واجب است.^(۴)

هر لیلی را نهاری از پی

مانند حضرت مسیح که جان خویش را فدا و قربان نمود، شما نیز خود را برای بهبود عالم فدا نمایید؛ و همانطور که حضرت بهاء الله قریب پنجاه سال رنجهای عدیده و بلیات شدیده تحمل فرمود، شما نیز مشاق تحمل مشکلات و استقامت در بلاها برای کمال نوع بشر شوید. این امتحانات

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء در لوحی خطاب به خانم کورین ترو Corinne True منقول در کتابی به

همین نام اثر Futstein - ترجمه - Tablets of Abdul-Baha، ص ۵۱

۲- ترجمه - از لوحی که از فارسی به انگلیسی ترجمه و در صفحه ۱۵۴ جلد اول Compilation تحت شماره ۲۰۶ درج شده است.

۳- ترجمه - مکتوب ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۲ که از طرف حضرت ول امرالله خطاب به محفل روحانی منچستر نوشته شده و در صفحه ۴۰۵ Unfolding Destiny درج شده است.

وافتنانات را مشتاقانه و در کمال سرور تحمل کنی؛ چه که هر لیلی را نزاری از پی و هر خزانی را بهاری از عقب.^(۱)

این ایام بگذرد

محزون مباش، مأیوس مباش، محصور مباش، این ایام بگذرد، انشاء الله در ظل جمال مبارک در ملکوت ابدی جمیع این غصه‌ها را فراموش می‌کنیم و جمیع این طعن‌ها بتحسین جمال مبارکش نلافی می‌گردد. تا دنیا بوده حزن و اندوه و حسرت و حرقت نصیب بندگان الهی بوده...^(۲)

اگر نفسی زمانی با شدت و سختی مواجه گردد و با اوقات دشوار روبرو شود، باید با خود بگوید، "این بزودی سپری شود." بعد، آرام و آسوده خواهد شد. من در جمیع بلیات و مشکلات با خود می‌گفتم، "این بزودی بگذرد." بعد، صبور می‌شدم. اگر کسی نتواند صبور باشد و نتواند منحل باشد، و اگر بخواهد شهید باشد، باید قیام به خدمت امر الهی کند.^(۳)

حضرت ولی امر الله از امتحانات و بلیاتی که شما از آن گذشته‌اید کاملاً آگاهند، اما اطمینان دارند که این آلام و اوجاع، اگرچه اثراتی مؤخر اثر و حتی غیر قابل تحمل دارند، نهایتاً شما را زندگی نازدای بخشند و حیات روحانی شما را پربار کنند.^(۴)

۱- ترجمه - خطابه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ در منزل خانم پارسونز

۲- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به حضرت ورقه علیا، مندرج در صفحه ۶ "جهانیه خانم، حضرت ورقه علیا" تدوین دایرة مطالعه نصوص و الواح مرکز جهانی جهانی، طبع ۱۴۲ بدیع در لانگتاین آلمان

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، *Star of the West* سال ۱۲ شماره ۱۸، ص ۲۸۰

۴- از مکتوب ۳۱ مه ۱۹۲۳ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احمیاء

راه حلّی برای امتحانات

تحوّل روحانی

تحوّل روحانی

يا ابن الانسان لا تخزن الآ في بُعْدِكَ عَنَّا و لا تفرح الآ في قَرْبِكَ بنا و الرجوع الينا^(۱)

باید بخوایم که متحوّل شویم

بلندی و پستی و بیشی کمی بسته بکوشش اوست. هر که بیشتر کوشد بیشتر رَوَد.^(۲)

و قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرُ الْأَمْرِ... و لكن يظهر كل ذلك بارادات أنفسكم كما أنتم في أعمالكم تشهدون^(۳)

اگر خدا خواهد آن سنگ را هم مرآت کند مقتدر است ولی خود بنفسه راضی شده که اگر می خواست بلور شود هر آینه خداوند او را خلق می فرمود بر صورت بلوریت^(۴)

خداوند اقدام ما را به الهام خود هدایت فرماید

فيا الهی بعزّتک لا تبیلینی فی مواضع الامتحان و سدّدنی بالهامک فی مواقع الاغفال انک انت الله الذی قد کنت قدیراً علی ما تشاء لا راداً لمشيک و لا مردّ لارادتک...^(۵)

ما دارای قابلیت هستیم

مکتوبت واصل شد. نوشته ای، "من قابلیت ندارم." چه کسی قابل تراز تو؟ اگر قابل نبودى به خداوند توجه نمی کردی و آرزوی دخول در ملکوت نمی نمودی. قابلیت تو تو را هدایت نموده تا این موهبت و عنایت تو را احاطه نماید.^(۶)

می توانیم افکار و احساساتمان را انتخاب کنیم

دیگر محزون نخواهم بود و مغموم نخواهم گشت؛ مسرور و مجبور خواهم شد. خدایا، دیگر مضطرب نخواهم شد و اجازه نخواهم داد آلام بر من محیط شود و بر امور غیر مرضیه زندگی اندیشه نخواهم کرد.^(۷)

از جمیع شما می خواهم که جمیع افکار و قلوب خود را بر محبت و وحدت متمرکز سازید.

۱- کلمات مکتوبه عربی، شماره: ۳۵

۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۵۹

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۰۱

۴- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۷۲

۵- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۱۴۹

۶- ترجمه - لوح حضرت عبدالهء به روت کلوں Ruth Kjos: نغم باختر، سال ۱۰، شماره ۱۷، ص ۳۱۹

۷- ترجمه - مناجات حضرت عبدالهء، مندرج در صفحه ۱۵۲ Baha'i Prayers

وقتی که فکر جنگ خطور می‌کند، آن را با اندیشه قوی‌تری درباره صلح متقابل کنید. فکر نصرت را باید با فکر قوی‌تری درباره محبت نابود کرد.^(۱)

سعادت مبتنی بر اخلاق رحمانی است

در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد. باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جیان یابند و الا در زحمت و مشقات افتند. زیرا سعادت عالم انسانی با اخلاق رحمانیست.^(۲)

سرور قلب انسان به محبت الله است؛ بشارت روح انسان به معرفه الله است. اگر قلب انسان بخدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد؟ اگر امید به خدا نداشته باشد، به چه چیز این حیات دو روزه دنیا دل بندد؟ و حال آن که می‌داند چند روز است، محدود است و منتهی می‌شود. پس باید امید انسان به خدا باشد، زیرا فضل او بی‌منتیاست، الطاف او قدیم است، مواهب او عظیم است، خورشید او همیشه می‌درخشد، ابر رحمت او همیشه می‌بارد، نسیم عنایت او همیشه می‌وزد.^(۳)

وقت سرور روح انسان در پرواز است

وقت سرور روح انسان در پرواز است. جمیع قوای انسان قوت می‌گیرد و قوه فکریه زیاد می‌شود؛ قوه ادراک شدید می‌گردد؛ قوه عقل در جمیع مراتب ترقی می‌نماید و احاطه به حقائق اشیاء می‌کند اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود مخمور می‌شود، جمیع قوای ضعیف می‌گردد، ادراک کم می‌شود، تفکر نمی‌ماند، تدقیق در حقایق اشیاء نمی‌تواند، خواص اشیاء را کشف نمی‌کند، مثل مرده می‌شود. این دو احساس شامل جمیع عموم بشر است؛ از روح برای انسان حزن حاصل نمی‌شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی‌دهد، یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی‌گردد؛ اگر حزن از برای انسان حاصل شود از مآذباتست... اما از احساسات روحانیه هیچ ضرر و زیانی و غصه و غمی از برای انسانی حاصل نمی‌شود.^(۴)

یوما فیوماً باید برای ترقی تلاش کرد

نمی‌فهمم چرا مردم بر این نکته اصرار می‌ورزند که احدی نمی‌تواند آنچه را که به آن عادت کرده است کنار بگذارد. اگر کسی کاملاً مصمم شود و عزم جزم نماید که آن را برای همیشه کنار بگذارد، براحتی موفق به این کار خواهد شد. این امر صرفاً به شخصیت و عزم راسخ مبتنی است.^(۵)

۱- ترجمه - خطابه ۲۱ اکتبر حضرت عبدالباہ، مندرج در صفحه ۲۹ Paris Talks

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباہ، ج ۱، ص ۱۲۴

۳- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۵

۴- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۷

۵- منسوب به حضرت عبدالباہ، دفتر خاطرات احمد سہراب، مندرج در نجم باختر، سال هشتم، شماره ۲.

لہذا می‌گوییم کہ انسان باید در سبیل الہی تسلوک نماید. ہر یوم باید تلاش کند کہ ترقی نماید، ایمان او باید تزیاد یابد و راسخ تر شود، صفات حسنه او و توجہش بہ خداوند باید بیش از پیش گردد، شعلہ محبت او باید درخشش بیشتر داشته باشد؛ در این صورت یوماً فیوماً ترقی کند، چہ کہ توقف در ترقی بمنزلہ شروع تدنی است. برنہدہ وقتی پرواز می‌کند بالانرو بالانتر می‌رود، چہ کہ بہ محض آن کہ از پرواز باز ماند سقوطش آغاز می‌شود. ہر روزہ، بامدادان موقعی کہ برمی‌خیزید باید امروز را با دیروز مقایسہ کنید و ببینید کہ در چہ شرایطی قرار دارید. اگر مشاہدہ می‌کنید کہ ایمان شما قوی تر و قلبتان بیش از پیش بہ یاد خدا است و محبت شما تزیاد یافته و آزادی شما از این عالم بہ مراتب بیشتر شدہ، در این صورت بہ حمد ثنای الہی بپردازید و تزیاد این سجایا را بطلبید. شما باید برای تمام خطایایی کہ مرتکب شدہ اید بہ دعا و انابہ بپردازید و با تبتل و تضرع طلب اعانت و مساعدت نمایید تا بہتر از دیروز شوید و بتوانید سیر ترقی را ادامہ دهید.^(۱)

اگر قوۃ معنوی بیشتر باشد، انسان ترقی کند

امیدوارم ہر یک از شما آنقدر عظمت بایید کہ ہر یک بہ ہدایت ملتی بپردازید. احببایم کہ کوشش کنند کہ بہ چنین مقامی نائل گردند تا بہ تبلیغ اہالی آمریکا بپردازند. سجایای معنویہ نامحدود است. لہذا، شما نباید بہ صفت واحد قانع باشید، باید جدّ و جہد نمایید تا بہ جمیع سجایا متصف گردید. ہر یک از ما باید خود را ارتقاء بخشد تا بہ آنچه کہ اکمل است فائز شود. چون انسان متوقف شود تدنی کند. طبر وقتی کہ در پرواز است اوج گیرد؛ اما بہ محض توقف سقوط نماید. مادام کہ انسان بہ طرف بالا در حرکت است، ترقی نماید، بہ محض توقف تدنی نماید. لہذا، امیدوارم احببای الہی ہمیشہ در حال صعود و ارتقاء باشند.

در انسان دو قوہ وجود دارد. یک قوہ او را رفعت بخشد، این انجذاب الہی است کہ سبب رفعت انسان شود. در جمیع مراتب وجود بہ این قوہ ترقی نماید. این قوہ روح است. قوہ دیگر سبب ہیوط انسانی شود؛ این طبیعت حیوانی است. قوہ اول انسان را منجذب ملکوت سازد. قوہ نانی او را بہ عالم امکان ہیوط دہد. حال، باید ملاحظہ نماییم کدام یک از این قوا نیرومندتر است. اگر قوہ معنویہ تسلط یابد، انسان آسمانی شود، نورانی گردد، رحمانی شود؛ اما اگر قوہ دنیویہ تسلط یابد، انسان ظلمانی شود، شیطنانی گردد، مانند حیوان شود. لہذا باید بہ طور مستمر ترقی کند. مادام کہ قوہ معنویہ اعظم قوی است، انسان صعود و ترقی کند.^(۲)

تأثیرات تحوّل فردی

با توجہ بہ این اوضاع و احوال معلوم می‌شود مسئولیتی کہ نسل حاضر از احببای امریک در این مرحلہ بدوی از تکامل روحانی و اداری خویش بردوش دارند بسیار مهمّ و خطیر است. در این برہہ از

زمان است که یاران رحمانی باید بجمع وسائل ممکنه افکار و اذکار و شب و اطوار غیر مرضیه‌ای را که میراث نیاکان محسوب از ریشه براندازند و بجای آن بانهایت صبر و منانت و توکل بذیل دعا و استقامت منکات فاضله و شون و احوال ممتازة روحانیه را که برای شرکت مؤثر آنان در خدمت آستان الہی و استخلاص عالم انسانی لازم و ضروری است در حدیقه وجود غرس نمایند و خود را برای تحقق این منظور عظیم و خدمت قویم آماده و مینا سازند. حال چون جامعه یاران نظر بنفست اعضا و محدودیت نفوذ و امکانات ضرورته از ایجاد اثر محسوس نسبت بنفوذ عظیم جموطنان خویش ممنوع و معذورند، انسب و اولی آن که در حال حاضر توجه را بخود معطوف دارند. در اصلاح احوال و ترمیم نواقص و رفع حوائج خویش کوشند و در تدریج در مراتب کمال و ارتقاء بشون و فضائل رحمانیه سعی بلیغ و جهید جهید مبذول دارند و همواره متذکر باشند که هر چه در این امر دقیق بیشتر همت نمایند و قدم فراتر نهند برای یومی که بنویه خود جیقه دفع شرور و مناسد جاریه همچنین تہذیب قلوب و تشبیه افکار و تقویت حیات عمومی اجتماع فرا خوانده شوند در انجام وظیفه مستعدتر و مستدرتر خواهند بود. (۱)

باید سعی کنیم خلق جدید شویم

جد و جهید جزء لاینفک حیات انسان است ... زندگی به هر حال سعی و تلاش است. ترقی با بذل موجودات حاصل می‌شود و بدون چنین جد و جهیدی زندگی معنی و مفید خود را از دست می‌دهد و حتی نابود می‌شود. (۲)

گذشته ما در این دنیا برای آنچه که قصد داریم برای آینده خود انجام دهیم اهمیت زیادی ندارد. ارزش و صف ناشدنی و غیر قابل ارزیابی دیانت این است که وقتی نفسی ارتباطی حیاتی با آن داشته باشد، در اثر اعتقادی واقعی و زنده به آن و به پیامبری که آن را عنایت فرموده است، قوایی به مراتب اعظم از قوه خود کسب می‌کند که او را در اتصاف به صفات حسنه و غلبه بر صفات سیئه اعانت می‌نماید. کل هدف دین عبارت از ایجاد تحویل نه تنها در افکار بلکه در اعمال ما نیز می‌باشد. وقتی که ما به خداوند، پیامبرش و تعالیمش اعتقاد داشته باشیم، رشد و تکامل می‌یابیم حتی اگر احتمالاً احساس کنیم قابلیت رشد و تحویل را نداریم. (۳)

ما باید سعی کنیم که متحول شویم، به قوه الہی اجازه دهیم ما را مدد رساند تا خلق جدید شویم و به عمل و عقیده، بهائی حقیقی گردیم. اما گاهی اوقات این جریان بطنی است، گاهی اوقات ابداً اتفاق نمی‌افتد زیرا فرد به اندازه کافی تلاش نمی‌کند. (۴)

۱- ظهور عدل الہی، صص ۴۶-۴۴

۲- ترجمه - مکتوب ۲۶ دسامبر ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از احباء. انوار هدایت، فقره: ۱۸۷۰

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از احباء / انوار هدایت، فقره ۷۰۱

۴- ترجمه - مکتوب ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امر اللہ / *Unfolding Destiny* صص ۴۴۰

باران برگزیده ... باید نظر به پستی محیط خود و دقت اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود نمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصائح قلم اعلیٰ قرار دهند. آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحلی عذبده باقی مانده و طی مسافتات نکرده بسر منزل مقصود که تخلق باخلاق و شیم الهیه است هنوز وارد نگشته ایم.^(۱)

باید مستمراً در حال ترقی باشیم

زندگی مبارزهای است مستمره تنها علیه نیروهایی که ما را احاطه کرده اند بلکه بالاتر از همه علیه "نفس اماره" خود. ما هرگز نمی توانیم به آنچه که داریم متکی باشیم، زیرا طولی نمی کشد که به میان سیلاب تند کشیده خواهیم شد. بسیاری از نفوسی که از امر الهی کناره می گیرند به این دلیل است که از ترقی و تقدم باز مانده اند. این نفوس خودپسند با بی تفاوتی شده و در نتیجه از جذب قوه و نشاط روحانی مورد نیاز خود از امر مبارک معنوع شده اند ... به طور کلی نه دهم مشکلات اجتناب به این علت است که آنها در ارتباط با یکدیگر، ارتباط با حیات های اداری یا در زندگی خصوصی خود بر وفق تعالیم الهی رفتار نمی کنند.^(۲)

قوة الهی می تواند سرشت و خصیصه ما را بالمره تغییر دهد و از ما موجوداتی کاملاً متفاوت با آنچه که قبلاً بوده ایم بسازد. با دعا و التجاء به ساحت حق، اطاعت از احکامی که حضرت بیاء الله نازل فرموده اند، و خدمت دائم التزاید به امر مبارکش، می توانیم خود را متحول سازیم.^(۳)

ایشان امیدوارند که شما از لحاظ سرشت و خصیصه و نیز اعتقاد و ایمان، یقینی حقیقی شوید. هدف کلی حضرت بیاء الله این است که ما باید نفوسی جدید شویم، نفوسی سلیم گردیم، مهربان، باهوش، صدیق و امین شویم، و منطبق با احکام عظیمه ای که برای این عصر جدید ترقی بشر وضع گردیده زندگی کنیم. کافی نیست که خود را یقینی بنامیم، باطن و ضمیر ما باید اعتلاء یابد و به حیات یقینی منور شود.^(۴)

مظاهر قدسی تنها نفوسی هستند که حقیقه از "مشتیبات نفسانی" میرا هستند؛ زیرا رهایی از اسارت نفس نشانه کمال است و ما انسانها هرگز به کمال نخواهیم رسید زیرا کمال متعلق به عالمی است که مقدر نیست ما به آن وارد شویم. اما باید به طور مستمر و مداوم تعالی یابیم و طالب عروج به مراحل کاملتر

۱- مکتوب ۱۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ خطاب به محفل روحانی طهران. ترویحات مبارکه ج ۱، ص ۲۰۷

۲- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت شماره ۲۸۸

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امر الله / Compilation II, no. 1770

۴- ترجمه - مکتوب ۲۵ اوت ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امر الله به جلسه جوانان در مدرسه لوهلن /

نفس اناره حیوانی درون ما و میراث جسم می باشد که مشحون از امیال نفسانی است. با اطاعت از احکام الهی، برخورداری از حیات یقینی منطبق با تعالیم مبارکه، و دعا و بذل مساعی، می توانیم بر نفس خود تسلط یابیم. ما نفوسی را "قدیس" می نامیم که به اعلی مدارج تسلط بر نفس عروج نموده اند.^(۱)

رشد روحانی سفری لایتناهی است

از آنجا که ما تقریباً هرگز بدون مشاهده هدف بعدی که باید به آن نائل گردیم و هنوز ورای دسترسی ما است، به هیچ مقصد روحانی نمی رسیم، هیکل مبارک توصیه می فرماید که شما، که در سبیل روحانیت تا بدین حد پیش آمده اید، در مورد مسافتی که هنوز باید پیمایید مضطرب و نگران نباشید. این سفری لایتناهی است و بلا تردید در عالم بعد، روح انسانی از افتخار نترس به خداوند به مراتب بیشتر از آنچه که در عالم مادی میسر است، برخوردار خواهد شد.^(۲)

مقصد اصلی جمیع ادیان الهی، از جمله امر یقینی، نزدیکتر ساختن انسان به خداوند، و متحول ساختن سرشت و خصیصه او است؛ این هدف بنیادین حائز اهمیت است. غالباً بر وجوه اجتماعی و اقتصادی تعالیم مبارکه بیش از حد تأکید می شود؛ اما اهمیت وجه اخلاقی را نمی توان قلیل شمرد.^(۳)

اگر زحمات شما همیشه منتج به ثمرات کثیره نمی شود مأیوس نشوید. زیرا موفقیت آسان و سریع الحصول همیشه بهترین و پایدارترین دستاورد نیست. هر قدر بیشتر برای حصول مقصود تلاش کنید، تأییدات حضرت بپناه الله بیشتر خواهد بود و اطمینان شما برای حصول مقصود افزونتر. پسند، سرور و مسبشر باشید و با ایمان و اطمینان جد و جهد نمایید.^(۴)

غالباً حتی عدم کفایت مساعی ما افراد بشر را غنیم می گذارد، اما فضل جمال مبارک این مجتهدات را تنویر می کند و ما را به حصول اهداف به ظاهر غیر ممکن قادر می سازد.^(۵)

جمع اهل بپناه حائز این مزیت عظیمند که نسبت به جفانیت جمال اقدس ابی ایمان خالص و راسخ دارند و می کوشند بر اساس طرح و برنامه ای مشخص که در اختیار دارند، عمل نمایند. اما ادعای گراف و نامعقولی خواهد بود که وانمود شود آنها کاملند و یقینان آیه ایام صد برابر کاملتر، متعادل تر و

۱- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny* صفحه ۵۳

۲- ترجمه - مکتوب ۳ مارس ۱۹۵۵ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny* صفحه ۶۱

۳- ترجمه - مکتوب ۶ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امر الله / *Compilation I, no. 159*

۴- ترجمه - مکتوب ۳ فوریه ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny, p. 436*

۵- ترجمه - مکتوب ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny, p. 392*

به حساب کشیدن خود

حضرت باب در کتاب خود می‌فرمایند که هر فردی در پایان هر روز باید ملاحظه نماید که به چه اموری مبادرت کرده است. اگر اقدام به کاری کرده که موجب رضایت الهی بوده، باید از خداوند شاکر باشد و به ساحت حق دعا کند که در سراسر زندگی خود بتواند این کار مطلوب را انجام دهد؛ اما اگر اقدامات و حرکات او قابل تأیید یا صادقانه نبوده، باید در نیابت خضوع و تبتل از خداوند بخواهد تا اعمال و رفتار خود را بهبود بخشد.^(۲)

باید صادقانه نقاط ضعف و قوت خود را بسنجیم

هیچ امری برای فرد و نیز جامعه مضرتر از خضوع غیر حقیقی که جنبه ریا و ترور دارد، نیست و لذا چنین کاری شایسته بهائی حقیقی نمی‌باشد. مؤمن حقیقی نفسی است که از نقاط ضعف و نیز نقاط قوت خویش آگاه است، از فرصتها و برکات فراوانی که خداوند به او عنایت می‌کند به طور کامل استفاده میکند، و سعی دارد به وسیله تمتک تام و دقیق به جمیع احکام و اوامر نازل از طرف خداوند که توسط مظهر ظهورش اعلام شده، بر نقائص و نقاط ضعف خود غلبه کند.^(۳)

ما نباید خود را به نقائص و نقاط ضعف خود مشغول سازیم، بلکه باید خود را به اراده الهی مربوط نماییم تا در ما جریان یابد و به این وسیله به درمان ضعفها و ناتوانی‌های نوع بشر بپردازیم.^(۴)

با توجه به شرایط شما، هیکل مبارک قویاً توصیه می‌فرمایند به خود مشغول نباشید. هر یک از ما، اگر به نقائص خویش بنگریم، مطمئناً احساس یأس و عدم لیاقت می‌کنیم، و چنین احساسی فقط مساعی خلاق و سازنده ما را عقیم می‌سازد و موجب اتلاف اوقات ما می‌گردد. آنچه که باید به آن توجه تام داشته باشیم، جلال و عظمت امر مبارک و قوه حضرت بیاء الله است که می‌تواند قطره را به بحری مواج تبدیل نماید. مسلماً شما حق ندارید احساسات منفی را به خود راه دهید؛ شما به چنین امر عظیمی اقبال نموده و با خلوص تمام به خدمت آن قیام کرده‌اید و حضرت ولی امر الله و نیز سایر بیانیان مساعی و زحمات شما را مورد تقدیر قرار می‌دهند. شما که مستظرف به حیثیت مشیئة امر الله و تعالیم آن هستید، باید به معنای حقیقی، شریفة اعتماد و اطمینان باشید. هیکل مبارک برای شما دعا می‌فرماید

۱- ترجمه - مکتوب ۵ ژوئیه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت فقرة ۲۴۶

۲- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهاء. نجم باختر، ج ۹، شماره ۸، ص ۱۶

۳- ترجمه - از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امر الله نوشته شده مندرج در صفحات ۷۰-۶۹ جلد اول

Light of Divine Guidance

۴- ترجمه - بیان حضرت عبدالهاء مندرج در صفحه ۱۶۵ جلد ۱۴ نجم باختر

شایسته نیست که زیاده روی در انتقاد از خود یا هر نوع احساس عدم لیاقت و توانائی و تجربه مانع قیام و اقدام شود، یا آن عزیزان را دچار ترس و واخمه نمایند. نگرانی خود را با توجه به اطمینانی که حضرت بیاءالله عنایت فرموده‌اند بر طرف سازید. مگر نه آن که حضرت بیاءالله تأکید فرموده‌اند، *يَنْزِلُنَّ عَلَيْهِ أَهْلٌ مَلَأُوا الْأَعْلَى بِصِحَابَةِ مِنَ التَّوْرَةِ* (۲)

هیكل مبارک به شما توصیه می‌فرمایند که استقامت نمایید و بر توفیقات خویش یثزاید نه این که بر جنبه تیره و مظلم امور تشکر کنید. حیات هر نفسی از هر دو وجه تیره و روشن برخوردار است. حضرت عبدالجبار می‌فرمایند از ظلمات زندگی خود اعراض نمایید و به من توجه کنید. (۳)

أَيْنَ أَيْحَتَبِ الْهَمَّ وَالغَمَّ بِهَا يَحْدُثُ بَلَاءٌ أَدْهَمُ. (۴)

هیكل مبارک از وضعیت خواهر عزیز شما بسیار متأسف شدند. آن حضرت به مشارالینا توصیه می‌فرمایند که افکار خویش را با عزمی جزم و در نهایت درایت، یعنی بدون آن که تحت تأثیر احساسات فرار گیرند، به خداوند توجه نمایند و بدانند که خداوند عفو و غفار است و اگر ما در نهایت صداقت و خلوص مشتاق باشیم، در حالت تنبّل و تضرّع طالب نزدیکتر شدن به او گردیم و اراده او را بپذیریم و امیال و عناید خود را در مشیت و خواست و نقشه او در مورد خود فانی سازیم، او می‌تواند در یک آن، به صرف رحمت و اسعه خود احساس ضعف و قصور را از ما دور سازد و برای ایجاد آینده‌ای بهتر به ما کمک نماید.

البوم، ظلمتی عظیم عالم را احاطه کرده، ظلمتی که منبعث از مخالفت نوع بشر به احکام الهی و تسلیم شدن در مقابل وجه حیوانی ماهیت بشری است. نفوس انسانی باید به این حقیقت پی ببرند و آگاهانه علیه یأس و بدینی به مبارزه برخیزند. (۵)

... نگرشی بدبینانه و انتقاد آمیز (اگرچه با توجه به اوضاع و شرایط ممکن است کاملاً موجه باشد) هیچ ثمر و نتیجه‌ای ندارد. ما با برخورداری از قوه قابل استفاده از امر مبارک، باید همیشه در

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، شماره: ۲۹۶

۲- پیام ۱۵۲ بدیع (۱۹۹۵ میلادی) بیت العدل اعظم

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny* ص ۲۵۷

۴- لوح طب، مجموعه انوار طبع مصر، ص ۲۲۳

۵- ترجمه - از مکتوب ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت شماره:

مساعی خود سازنده باشیم، زیرا چنین حالتی نتایج عظیمه به بار آورد و برکات الهی را جذب کند.^(۱)
غلبه بر ترس

هیكل مبارک بنیاداً برای توفیق شما در غلبه کامل بر عنده اضطراب و ترسان دعا خواهند کرد. وقتی که شما افکار خود را بر درک این نکته متمرکز سازید که اکنون به حضرت بیاء الله تعلق دارید، عبد و خادم او هستید و حضرتش به شما محبت دارد و اگر از ایشان بخواهید شما را اعانت و مساعدت می فرماید، و نوای عظیم روحانی امرالله ظهیر شما است تا از آن استناده نمایید، طولی نخواهد کشید که هراس شما زائل خواهد شد.^(۲)

هراس نداشته باشید؛ خداوند رنج بی گناهان را جبران می کند

هیكل مبارک معتقد نیستند که ترس، برای خودمان یا دیگران، مسأله ای را حل نماید، یا ما را قادر سازد اگر مسأله ای ایجاد شود بهتر بتوانیم با آن مواجه شویم. مانعی دانیم که آینده دقیقاً چه در بر خواهد داشت، یا چه وقت ممکن است به بله ای و خیم تر از بلای پیشین مبتلا گردیم.

اما آنچه که می دانیم این است تنها کاری که ما بهائیان می توانیم انجام دهیم عبارت از تبلیغ و انصاف به تعالیم امر مبارک است. مانعی توانیم بار مصائب دیگران را بر دوش بکشیم، و لزومی ندارد در این طریق تلاش کنیم. جمیع نفوس انسانی درید مثبت الیه هستند و حتی اگر گشته شوند می دانیم که زندگی دیگری ورای این زندگی وجود دارد که می تواند مسرت و امید عظیم برای نفس انسان در بر داشته باشد.

هر آنقایی که بیفتند، هیچ امری مهم تر از آن نیست که نسبت به خداوند احساس اعتماد نماییم، در درون خود آرامش و ایمان داشته باشیم که در پایان، علی رغم شدت مصائب و بلاها، می توانیم، همانطور که حضرت بیاء الله وعده فرموده اند، به سلامت از عهده آنها برآئیم.

ایشان به شما توصیه می فرمایند که این افکار تاریک را از ذهن خود دور کنید و به خاطر داشته باشید که اگر خداوند، خالق جمیع نفوس، بتواند مشاهده رنجهای آنها را تحمل کند، وظیفه ما نیست که حکمت او را زیر سؤال ببریم. او می تواند بلاها و رنجهای بی گناهان و ستمدیدگان را به طرفی که خود می داند، جبران نماید.^(۳)

آرامش خاطر

آرامش خاطر با وقوف و آگاهی روحانی نسبت به مظهر ظهور الهی حاصل می شود؛ لذا، باید به مطالعه تعالیم روحانی پردازید، و ماء حیات را از یوانات مبارکه کسب نمایید. بعد این منویات متعالیه را در اعمال و افعال خود ظاهر سازید، کل شخصیت شما متحول خواهد شد و نه تنها آرامش خاطر

۱- ترجمه - مکتوب ۸ مه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny* ص ۱۹۹

۲- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۷۱۲

۳- ترجمه - مکتوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء. انوار هدایت. شماره

خواهید یافت، بلکه تمام وجود شما سرشار از شور و نشاط، و شور و اشتیاق خواهد گشت.^(۱)

از قوای منفی عالم تأثیر نپذیرید

اجتای الہی باید قدرت روح القدس را که در این زمان به واسطه ظهور حضرت یسایا، بارز گشته و در حال تجدید حیات روحانی آنان است، درک کنند. اگر آنها خود را تماماً تحت نفوذ و هدایت روح القدس قرار دهند، هیچ قدرتی، اعم از آسمانی یا زمینی، نمی‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد. نفوسی که از عوامل منفی در این عالم فانی متأثرند، کسانی هستند که وجود خود را به نحوی صحیح به امر مبارک اختصاص نداده‌اند.^(۲)

صبر و بردباری در قبال دیگران و خودمان

مانه تنها باید نسبت به سایرین، صبور و بی‌نیابت بردبار باشیم، بلکه نسبت به نفس بیچاره خود نیز باید شبکیلی در پیش گیریم و به خاطر داشته باشیم که حتی پیامبران الهی گاهی اوقات خست می‌شدند و فریاد باس بر می‌آوردند.^(۳)

لزوم آرامش و استراحت

... شما نباید از صحت و سلامت خود غفلت نمایید، بلکه آن را وسیله‌ای بدانید که شما را قادر به خدمت می‌نماید. جسم انسان مانند مرکبی است که حامل شخصیت و روح او است و لذا باید کاملاً از آن مراقبت نمود تا بتواند کارش را انجام دهد. شما مسلماً باید از اعصاب خود محافظت نمایید، و خود را وادارید که نه تنها برای دعا و تفکر، بلکه برای استراحت و آرامش واقعی وقت اختصاص دهید.^(۴)

بزرگترین نبرد، نبرد روحانی است

اگر ما واقعیت حقیقی امور را می‌توانستیم درک کنیم، متوجه می‌شدیم که بزرگترین نبردی که امروزه در عالم جریان دارد، نبرد روحانی است. اگر اجناب مانند خود شما، جوان و مشتاق و مشحون از روح حیات، مشتاقند که به عنوان فیرومانان واقعی و ابدی صاحب نام و نشان گردند، باید که، بدون توجه به مشاغل عصری خود، در نبرد روحانی که در نفس هر انسانی جریان دارد، وارد شوند. امروزه مشکل‌ترین و شریف‌ترین وظیفه در عالم این است که بیانی حقیقی شویم و این امر مستلزم آن است که نه

۱- ترجمه - مکتوب ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله، انوار هدایت شماره: ۳۸۱

۲- ترجمه - مکتوب ۱۱ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره: ۱۷۶۶

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از یاران، *Unfolding Destiny*، ص ۴۵۶

۴- ترجمه - مکتوب ۲۳ نوامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجناب، *Compilation*، ج ۱، ص ۴۸۲، شماره: ۱۹۷۶

تنها شرور و مکاره جاری را که در تمام عالم رواج دازد مغلوب سازیم؛ بلکه باید برضعفها، تمسک به گذشته، تعصبات و خودخواهی‌هایی که ممکن است به نحوی موروثی و اکتسابی در درون ما موجود باشد، غلبه نماییم و مثال و نمونه تابان و فسادناپذیری را به هموعان خود ارائه نماییم.^(۱)

مسئولیت احبای جوان بسیار عظیم است

مسئولیت جوانان بهائی بسیار عظیم است، زیرا آنها نه تنها باید شایسته و برازنده آن باشند که فعالیت‌های احبای سالمندتر را به عهده بگیرند و امور امریه را به طور کلی اجرا نمایند، بلکه جهانی که در پیش روی دارند، همانطور که حضرت بهاءالله وعده داده‌اند، با آلام و مشقت‌ها مجازات شده نهایتاً آمادگی استماع پیام الهی آن حضرت را خواهد یافت و در نتیجه خصیصه‌ای بسیار متعالی برای مبلغین و مظاهر چنین دیانتی انتظار می‌رود. تزیید معارف و معلومات، به کمال رساندن خویش طبق معیارهای فضیلت و سلوک صحیح بهائی، باید وظیفه اصلی هر جوان بهائی و در صدر اولویت‌های آنان باشد.^(۲)

اهمیت ایجاد تحوّل در عالم بهائی

وظایفی که احبای الهی در همه جا با آن روبرو هستند بسیار عظیم است، زیرا آنها به وضوح نام مشاهده می‌کنند که تنها درمان جاودانی برای بسیاری از ابتلائی که بچنان از آن در رنج و عذاب می‌باشد: تحوّل قلوب و الگویی جدید نه تنها برای افکار بلکه برای سلوک شخصی است.^(۳)

اختلاف و تباین بین دو طریقه جهان و امر الهی به نحوی فزاینده بیشتر و بیشتر می‌شود. معنذا، این دو طریقه باید به یکدیگر ملحق شوند. جامعه بهائی باید به میزانی دائم‌التزاید توانائی خود برای رفع آشنگی‌ها و اختلالات، عدم انسجام، بی‌بند و باری و لجام‌گسختگی، بی‌دینی و شرارت را به منتصّه ظهور رساند؛ احکام، عمل به موجب وظایف دینی، برخورداری از حیات بهائی، اصول اخلاقی بهائی و معیارهای منات و رزانت، حجب و احترام، باید عمیقاً در خود آگاهی و شعور بهائی نقش بندد و به نحوی فزاینده معرفت جامعه و بیان خصوصیات آن گردد.^(۴)

توانایی تأثیرگذاری بر تحوّل شخصی

نمونه‌های متعددی از نفوسی وجود دارد که توانسته‌اند، با کسب قوای روحانی قابل حصول به فضل حق، در رفتار و سلوک خویش تأثیرات عظیمه بگذارند و تحولات پایدار ایجاد نمایند.^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۵ آوریل ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation* ج ۱، شماره ۸۰۸

۲- ترجمه - مکتوب ۶ ژوئن ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به جوانان بهائی بمبئی، *Compilation*، ج ۱، شماره ۴۹۲

۳- ترجمه - مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله، *Unfolding Destiny*، ص ۱۷۲

۴- ترجمه - پیام رضوان ۱۲۹ بدیع (۱۹۷۲ میلادی) بیت‌العدل اعظم

۵- ترجمه - پیام ۱۶ اوت ۱۹۸۹ بیت‌العدل اعظم، *Compilation II*, no. 2347

گرچه اعلان امرالله ضرورست اما به تنهایی کافی نیست. ازدیاد تعداد مسجلین گرچه بسیار لازم است، ولیکن نباید به آن اکتفا کنیم. نفوس باید به زیور عرفان واقمی آراسته گردند و بدین ترتیب جوامع بیانی باید تحکیم یابد و نمونه‌های جدیدی از نحوه حیات بیانی به منصفه ظهور و بروز رسد. اصول روحانیت و تخلق به اخلاق و شیم بیانی از مفاصد اصلیہ امر حضرت پناه‌الله است و این امر به میزان سعی و کوشش افراد در تحصیل کمالات مزبور و به اطاعت آنان از عهد و میثاق بستگی دارد. لازمه حصول این روحانیت که مقصد اصلی حیات بیانیست، عرفان به مشیت و مقصد البی از طریق تلاوت مرتب و منظم و نعمت در آیات و آثار مبارکه است.^(۱)

۱- پیام رضوان ۱۴۶ بدیع (۱۹۸۹ میلادی) بیت‌العدل اعظم (جزوه دخول افواج مقلین، ص ۳۲)

راه حلّی برای امتحانات

اعتذار برای خویش و
بخشش برای دیگران

اعتذار برای خویش و بخشش برای دیگران

یا ابن الانسان لا تنفس بخطاء احدٍ ما دمَّتْ خاطئاً و إن تفعل بغير ذلك ملعون أنت و أنا شاهدٌ بذلك^(۱)

ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالانید و اگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من. زیرا که هرکدام از شما بنفس خود اَبْصُر و اعرُفید از نفوس عباد من.^(۲)

چه، زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سَمی است حلاک کننده؛ نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگذارد؛ اثر آن نار بساعتی فانی شود و اثر این نار بقرنی باقی میآید.^(۳)

شخص بجاهد ... باید ... غیبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد؛ زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بپیراند.^(۴)

بدترین خُلق انسانی و گناه عظیم غیبت نفوس است علی الخصوص صدورش از احبّای الهی. اگر نوعی می شد که ابواب غیبت سدود می شد و هر یکی از احبّای الهی نتابش دیگران را می نمود آنوقت تعالیم حضرت بنیاء الله نشر می یافت، قلوب نورانی می گشت، روحها ربّانی می شد، عالم انسانی سعادت ابدی می یافت.^(۵)

ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خودت و جمودت نیارد؛ اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشبیت. اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فائده می. آیا سبب رضایت جمال مبارک است یا علّت عزّت ابدیّه احبّای الهی؛ آیا سبب ترویج دین الله است و یا علّت تشبیت میناق الله؛ نفسی مستفید گردد و یا شخصی مستفیض؟ لا والله. بلکه چنان غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را بیند.^(۶)

هرگز به تحقیر از دیگران صحبت نکنید و بدون تفاوت، کل را به نیکی یاد نمایید. زبان را

۱- کلمات مکتونه عربی، فقرة ۲۷

۲- کلمات مکتونه فارسی، فقرة ۶۵

۳- همان

۴- کتاب ایقان، ص ۱۴۹

۵- بیان حضرت عبداله، مندرج در گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰۴

۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۲۲۲ (فقرة ۱۹۳)

در این دور مقدس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدی محروم. باید با جمیع طوائف و قبائل چه آشنا و چه بیگانه نهایت محبت و راستی و درستی کرد.^(۲)

تعالیم بهائی در هیچ موضوعی به اندازه ضرورت اجتناب از عیبجویی و احتراز از غیبت و نیز اشتیاق نام به کشف و رفع نقائص خود و غلبه بر ناتوانی های خویش، تأکید ندارد. اگر ما بر عهد و میثاق خود نسبت به جمال اقدس ابی و مولای محبوبان حضرت عبدالیهاء و حضرت ولی محبوب امرالله ثابت و راسخ هستیم، باید محبت خود نسبت به ایشان را با اطاعت از تعالیم واضحه صریحه نشان دهیم. آنها طالب عمل هستند نه حرف و هیچ میزانی از شور و شوق در بیان وفاداری و مداحی نمی تواند تصور و کوتاهی در زندگی منطبق با روح این تعالیم را جبران نماید.^(۳)

باید از استماع غیبت نیز خودداری کرد

باران باید این نکته را نیز دریابد که نه تنها باید از غیبت و افترا اجتناب نمایند، بلکه از استماع اقوال دیگران که این گناه را مرتکب می شوند نیز باید اکیداً امتناع کنند. نشنیده گرفتن افتراها و تهمت ها فی نفسه عملی مثبت، سازنده و شفا بخش می باشد که برای جامعه، شخص مفتری و نفوسی که متهم می شوند مفید است.^(۴)

بحث کردن در مورد مسأله ای بدون غیبت کردن

در مکتوب خود در خصوص نهی از غیبت و آنچه که متضمن آن است تقاضای هدایت کرده اید و بخصوص استفسار نموده اید که آیا در لحظات غلبه خشم یا افسردگی، فرد بهائی می تواند برای حصول آسایش روانی به دوستانش روی آورد و مشکل خود در روابط انسانی را مورد بحث قرار دهد. به طور معمول، توصیف شرایط حاکم بر مسأله ای را می توان توصیف کرد و برای حل آن تقاضای کمک و راهنمایی نمود، بدون آن که لزوماً نیازی به ذکر اسامی باشد. فرد بهائی باید طالب انجام دادن چنین کاری باشد، اعم از این که او با دوستی، اعم از بهائی یا غیر بهائی، به مشورت بپردازد، یا کسی با او مشاوره نماید.

حضرت عبدالیهاء انتقاد نامطلوب از افراد را در مباحثات میان یاران با ذکر اسامی فرد مورد بحث، مجاز نمی داند، حتی اگر فرد متشدد معتقد باشد که این کار را برای حمایت و صیانت امرالله انجام

۱- نقل ترجمه خطابه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ از فصل یازدهم کتاب "درگاه دوست" ترجمه ابرالقاسم فیضی

۲- الروح و صحایا، ایام تسعه، ص ۴۶۹

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲ مه ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۳۰۶

۴- مکتوب ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۵ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملّ آمریکا / Compilation 1, no.

اگر وضعیت آنچنان وخیم باشد که مصالح امرالله را به خطر اندازد، همانطور که محفل روحانی ملی شما اشاره کرده اند، شکایت باید جهت ملاحظه و اقدام به محفل روحانی محلی، یا همانطور که شما اظهار داشته اید به نماینده ای از هیأت مشاورین تسلیم گردد. البته در چنین مواردی نام شخص با اشخاص مورد بحث باید ذکر شود. (۲)

ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع ... نیست

حقّ شاهد و گواه است که ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست. اجتنبوا بقدره الله و سلطانه تمّ القوا بین القلوب باسمه المؤلف العظیم الحکیم. (۳)

باری ای احبای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسئله از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطل اند. حکمت این امر قطعی الهی اینست که در میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود بنهایت الفت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند. اگر اندک معارضه می بمیان آید سکوت کنند، دیگر ابدأ طرفین تکلم ننمایند و حقیقت حال را از مبین سؤال کنند. این است حکم فاصل. (۴)

لهذا همّت نمایند تا سپاه شیعیات را بقوّه آیات پریشان و متلاشی نمایند؛ این است وصیّت من و اینست نصیحت من. یا نفسی جدال منمائید و از نزاع بیزار باشید؛ کلمه حق بر زبان رانید، اگر قبول نمود نعم المطلوب و اگر عناد کرد او را بحال خونه بگذارید و توکل بر خدا کنید. اینست صفت ثابتین بر میثاق. (۵)

مادام که در میان باران اغیار و منازعه وجود داشته باشد، مساعی آنان موهوب به برکات الهی نخواهد بود زیرا آنها عصبان از امر سبحان نمایند. (۶)

۱- توضیح مترجم: اشاره به این بیان مبارک است. بعضی از احباء در سرّ سرّ مذمت یاران دیگر نمایند و اساس غیبت را در نهایت متانت وضع نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند؛ البته کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح ننمایند. (گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰۶)

۲- مکتوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۵ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء / انوار هدایت شماره ۳۱۱

۳- لوح خطاب به جمال، مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۲

۴- مکاتیب عبداله، جلد نالت، ص ۲۳

۵- مکاتیب عبداله، جلد نالت، ص ۸۱

۶- ترجمه - مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله / Compilation II, no. 1325

تعالیم الهی امر می فرماید ابداً نباید تعصب داشت. زیرا تعالیم الهی صریحست که باید نوع بشر با یکدیگر بمرحمت معامله کنند و انسان هر قصورست در خود ببیند نه در دیگری و هرگز خود را بد دیگری ترجیح ندهد، زیرا حسن خانمه مجهول است و نمی داند. چه بسیار انسان در بدایت حال نفس زکی بوده بعد منصرف از آن شده، نظیر یهودای اسخریوطی؛ در بدایت خوب و در نهایت بسیار بد شد و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح و در نهایت اعظم بنده مسیح. پس عاقبت حال انسان مجهول است، در این صورت چگونه می تواند خود را ترجیح بر دیگری دهد. لہذا باید که در بین بشر ابداً تعصبی نباشد، نگویید من مؤمنم و فلان کافر؛ نگویید من مقرب درگاه کبریا، هستم و آن مردود؛ زیرا حسن خانمه مجهول است.

و ثانیاً این که باید بکوشد تا نادان را دانا کند، اطفال نادان را ببلوغ رساند، نفوس بدخلق را خوش خو کند نه این که باو عداوتی داشته باشد بلکه باید بکمال محبت او را هدایت کند. (۱)

هیكل مبارک از شنیدن امتحانات و بلاهای بسیاری که در زندگی امری خود با آن مواجه شده اید محزون شدند. تردیدی نیست بسیاری از آنها منبعث از طبیعت خود ما است. به عبارت دیگر، اگر خیلی حساس باشیم، یا اگر در محیطی پرورش یافته باشیم که با جمیع بیانیانی که در میان آنها زندگی می کنیم به نحوی متفاوت باشد، ممکن است امور را به نحوی متفاوت مشاهده کنیم و در آنها به نحوی دقیق تر نظر کنیم. جنبه دیگر آن این است که تخاصس سایر بیانیان می تواند امتحانی بزرگ برای هر یک از ما باشد.

همیشه باید به خاطر داشته باشیم که در منجلا ب ماده پرستی، که مدنیت نوین تا اندازه ای بدان مبتلا شده، بیانیان، یعنی برخی از آنها، تا حدی متأثر از جامعه ای هستند که از آن نشأت گرفته اند. به عبارت دیگر، آنها به عرفان مظهر ظهور الهی نائل شده اند، اما مدت زمان کافی از دوران ایمان آنها نگذشته، یا شاید به اندازه کافی تلاش نکرده اند تا "خلق بدیع" شوند.

تنها کاری که در این موارد می توانیم انجام دهیم ابفای وظایف خویش است؛ و حضرت ولی امرالله قویاً احساس می کنند که شما در مقابل حضرت بیاءالله و امر مبارکی که اینقدر به آن محبت دارید مکلف و موظف هستید؛ مسلماً نباید مسیر صعیف تر را در پیش گیرید و خود را از جامعه بیانی مترع و متزوی سازید.

ایشان فکر می کنند که اگر چشم از خطاها و تخاصس دیگران پویشید، و محبت و ادعیه خود را منوجه حضرت بیاءالله سازید، از قوای لازم برخوردار خواهید گشت که از این طوفان سلامت بگذرید، و نیابتاً از لحاظ روحانی از وضعیتی بهتر برخوردار شوید. اگرچه رنج می برید، اما به بلوغی خواهید رسید که شما را قادر خواهد ساخت به سایر بیانیان و نیز فرزندان خود بیش از پیش مساعدت

از هر فکر انتقاد آمیز و کلام درشتی جلوگیری کنید

همین که عیب جویی و کلمات درشت و ناروا بین یک جامعه یقانی بروز کند، علاجی جز آن نیست که گذشته را فراموش کرده طرفین اختلاف را ترغیب و تشویق نمایند که فصل جدیدی در روابط خویش آغاز کنند و از ذکر مسائلی که منجر به سوء تفاهم و اختلاف گشته برای رضای خدا و امر مبارک اجتناب نمایند. هر چه بیشتر باران از گذشته بحث نمایند و در آن باره مناقشه کنند و هر طرف بخواند اثبات نماید که حتی به جانب او بوده، وضع به طرز کئی و خیم تر خواهد گردید.

با توجه به اوضاع کنونی عالم، باید اینگونه اختلافات جزئی داخلی را بالمعزّه فراموش کرده متحداً متفقاً برای نجات عالم انسانی قیام نماییم. (۲) شما باید به احتیای الهی توصیه نمایید که به این نقطه نظر مثبت گردند و برای حمایت از شما به بذل مساعی جمعیله برای جلوگیری از هر فکر انتقاد آمیز و کلام درشت، پردازند تا روح حضرت یسایا، بنیواند در تمام جامعه سر بیان یابد، و آن را در محبت و خدمت به خود متحد سازد. (۳)

إِن أظَلَعْتُمْ عَلَى خَطِيئَةٍ أَسْرَوْهَا لِيَسْتَرِ اللَّهُ عَنْكُمْ (۴)

حضرت ولی امرالله احساس می کنند که عدم هم آهنگی که در میان شما و شخص مذکور موجود است به پیشرفت امر الهی لطمه بزرگی می زند و جز نشستن و برودت آتش شوق مؤمنین جدید هیچ حاصلی نخواهد داشت. شما و ایشان باید دعاوی شخصی را به سوشی نهید و به منظور حراست امر الهی که حضرت ولی امرالله بخوبی می دانند شما همه صمیمانه دوستدار آن هستید و حاضر به هر فداکاری در راه آن می باشید، متفق شوید.

شاید بزرگترین امتحانی که افراد یقانی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با یقانیان دیگر است. ولی به خاطر حضرت مولی الروری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درشتی که ادا کرده اند معذرت بخواهند. ببخشند و فراموش کنند. حضرت ولی امرالله در این مورد تأکید فراوان دارند. (۵)

۱- مکتوب ۵ آوریل ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجباء منقول در *Messages from the*

Universal House of Justice صفحات ۵۰۰-۴۹۹

۲- از ابتدا تا این قسمت ترجمه از صفحه ۸۶ کتاب اخلاق یقانی تألیف محمدعلی فیضی نقل گردید - م

۳- ترجمه - مکتوب ۱۶ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, no. 1308*

۴- لوح ابن ذئب، ص ۴۱ به نقل از لوح ملک پاریس، کتاب مبین، ص ۵۵

۵- نقل ترجمه از صفحه ۱۳۰ جزوه نمونه حیات یقانی، نشر دوم، ۱۳۱ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری

زبان به شکایت احدی مگشاید

زبان را به گفتار زشت مبالانید. دشمنان را دوست و بدخواهان را خیرخواه بدانید. هرگز بد نینید و بد ندانید. زیرا اگر کسی را سریر پندارید ولی به ظاهر به او محبت ورزید، این نظار است و نظار ابداً ممدوح و پسندیده نیست، بلکه حرام است. بایستی دشمنان را دوست و بدخواهان را خیرخواه بدانید و به همین نحو با آنان معامله کنید. بطوری رفتار نمانید که قلبان بالکل از شایسته بغض و کفره، مقدس و منزّه باشد. هرگز از احدی آزرده خاطر مابشید و اگر نفسی به شما خطائی ورزید و یا جفائی روا داشت، فی الحین از او درگذرید و زبان به شکایت احدی مگشاید. از توبیخ و سرزنش بالکل بیزاری جوید و اگر خواستید شخصی را اندرز دهید و یا نصیحتی القا نمانید به نحوی باشد که ابداً مستمع رنجور و دل آزرده نگردد. افکار را حصر در تسریر خاطر نفوس کنید. مبدا مبدا خاطر احدی را بیازارید. ^(۱) حتی المقدور به عالم انسانی مساعدت کنید. موجب تسلی و آرامش هر محزونی گردید، هر ضعیفی را دستگیر شوید، هر فقیری را پاور گردید، و هر مرضی را پرستار شوید، هر افتاده‌ای را بلند کنید و هر مرعوب هراسان را ملجأ و پناه گردید. ^(۲)

جز و بحث‌های بیپوده و حسادتها موجب سلب روحانیت گردد، شخص را از جمع سماوی نفوس ارزشمند مطرود سازد، فرد را در بحر اوهام و خیالات مستغرق کند، سبب شود شخص بدبین و بی‌احساس شود و او را سرعت در اعماق باس و نومیدی فرویزد. شما نباید به کسی که درباره دیگری صحبت می‌کند گوش دهید؛ چه که به محض این که کلام او را استماع کنید باید به کلام دیگری نیز گوش دهید و به این ترتیب این دایره بی‌نهایت بزرگ شود و اتساع یابد. ^(۳)

ندیده گرفتن نقائص دیگران

استنار نمودید که با خشم و غضب چگونه باید عمل کرد. بیت العدل اعظم توصیه می‌فرماید نصایح و هدایاتی که در آثار مبارکه در خصوص لزوم ندیده گرفتن نقائص دیگران، عفو و ستر سوء رفتار دیگران، احتراز از افشای صفات ناپسند، لزوم تحزی و تحسین مدایح سایرین و سعی و تلاش برای منجمل، بردبار و رحیم بودن موجود و مشهود مد نظر قرار دهید. ^(۴)

بهائیان کامل نیستند، بلکه با اقبال به امر الهی قدم بزرگی به پیش برداشته‌اند. ما باید نسبت به یکدیگر بردبار باشیم و درک کنیم که هر یک از ما نقائصی دارد که نباید بر آنها فاتق آید. ^(۵)

۱- نقل ترجمه تا این قسمت از فصل یازدهم در که دوست

۲- ترجمه خطابه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ حضرت عبداله

۳- ترجمه - کلام منسوب به حضرت عبداله. مأخذ نامعلوم است.

۴- ترجمه - مکتوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ بیت العدل اعظم *Compilation II, no. 2339*

۵- ترجمه - مکتوب مورخ ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت شماره ۱۸۰۶

باید بر میل به طرفداری از کسی فائق آمد

بیایان باید بیاموزند که خصوصیات شخصی را فراموش کنند و بر تعادل به طرفداری از شخصی، که در نفوس انسانی طبیعی است، و نزاع کردن به خاطر آن بپرهیزند. آنها باید استفاده از اصل منیم مشورت را نیز واقعاً بیاموزند.^(۱)

قوای شرافت و ظلمت عالم را احاطه کرده: احتیای الهی نباید اجازه دهند این قوا آنها را تحت تأثیر قرار دهند به نحوی که در افکار و احساسات مشی آنها نسبت به یکدیگر ظهور و بروز یابد.^(۲)

ما باید نسبت به نقائص یکدیگر صبور و بردبار باشیم. و همیشه سعی کنیم در میان احتیای الهی، که به هر حال، نه تنها کامل نیستند بلکه هنوز در بسیاری از امور از حد بلوغ دور هستند. ایجاد محبت و وحدت نماییم. امر مبارک بنفشه بسیار عظیم است، و بیایان باید به بذل مساعی پردازند تا رسالتی کاملتر گردند تا حضرت بهاء الله مورد استفاده قرار داده هدف غائی خویش را تحقق بخشند.^(۳)

باران باید نسبت به یکدیگر صبور و بردبار باشند و درک کنند که امر مبارک هنوز در دوران نوزادی خود به سر می‌برد و فعالیت تشکیلاتش هنوز در حد کمال نیست. هر قدر باران نسبت به حمدیگر و نقائص یکدیگر شکیبایی، تفاهم محبت آمیز و تحمل نشان دهند، پیشرفت کل جامعه جهانی بیشتر و بهتر خواهد بود.^(۴)

صبر و تحمل ما به ایجاد فضائل منجر می‌شود

و اما در مورد ناملابعاتی که در ده سال اخیر تحمل کرده‌اید، بهترین نسلی خاطری که می‌توانم برای شما تصور کنم، همان فقره از کلمات مبارکه مکتوبه است که خود نقل کرده‌اید، یعنی "بلائی عنایتی". ما باید نسبت به یکدیگر منحنم باشیم. تنها ذرات تحمل بلا یا و رنجنا است که شرافت ذات و جوهر انسان قابل ظهور و بروز است. نیرویی که ما صرف شکیبایی و تحمل افرادی از جامعه خود می‌کنیم، حدر نمی‌رود. بلکه به استقامت، ثبوت، رسوخ و بلندهمتی تبدیل می‌گردد. حیات مبارک حضرت بهاء الله و حضرت عبدالیهاء بهترین نمونه آن است. فداکاری در سبیل دین و ایمان همیشه موجد نتایج و ثمرات فناپذیر و جاودانی است. "عنا از میان خاکستر بال و پر می‌گشاید."^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله به محفل مسلی آلمان و اتسریش / انوار هدایت، شماره: ۸۲۶

۲- ترجمه - مکتوب ۲۸ ژانویه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت شماره: ۳۹۴

۳- مکتوب ۲۶ مه ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امر الله خطاب به یکی از احباب. / *Compilation II, no.*

۴- ترجمه - مکتوب ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امر الله / *Compilation II, p. 1289*

۵- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۲۳ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت شماره: ۲۰۴۸

از نمک شدید باران به امر مبارک و نیز عدم بلوغ آنیا سوه تفاحات بسیاری منبت می گردد. لہذا، ما باید نسبت به یکدیگر بسیار صبور و مہربان باشیم و سعی کنیم در عائلهٔ یبانی وحدت را تثبیت نمائیم. اختلافات ... کہ شما در نامهٔ خود توصیف می کنید به نظر هیکل مبارک منبت از مواضع فوق است نہ خصوصت نسبت به امر مبارک با عدم صداقت. (۱)

در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم از قصور یکدیگر بیوشید. باعمال طیبہ و حسن سلوک و خضوع و خشوع نوعی حرکت نمائید کہ سبب تنبہ سائرین گردد. (۲)

با تمام قوا سعی کنید از تقاضا بری شوید. نفوس غافلہ همیشه به عیبجویی از دیگران می پردازند. نفس مزوری کہ نسبت به عیوب خود ناپیوست، از تقاضا دیگران چه درکی دارد؟ این است معنای بیان مبارک در هفت وادی؛ راهنمای رفتار انسانی است. مادام کہ انسان پی بہ عیوب خود نبرد، ہرگز نمی تواند کمال یابد. هیچ امری برای انسان بیش از وقوف بہ تقاضا خود ثمر ندارد. جمال مبارک می فرماید: از آن نفسی متحیرم کہ تقاضا خود را نمی یابد. (۳)

نفوسی کہ خود را ناقص و عاری از کمال ملاحظہ می کنند، اہل ملکوتند. نفوسی کہ خود را بر دیگران ترجیح می دهند، خود پرست و بندۂ نفسند؛ آنها از فیوضات ہروردگار عالمیان محرومند. (۴)

حضرت بیاء اللہ بر این نکتہ نیز وقوف دارند کہ نوع بشر جائز الخطا است. ایشان آگاہند کہ ما وقتی کہ سعی می کنیم در سبیلی کہ ایشان بہ ما نشان داده اند حرکت کنیم، نظر بہ ضعفی کہ داریم، مکرراً مرتکب خطا می شویم.

اگر جمیع افراد بشر در زمانی کہ بہ ندای حضرت بیاء اللہ ٹیک می گفتند بہ کمال می رسیدند، این عالم عالم دیگری می شد. با توجہ بہ ضعف و فتور ما است کہ حضرت عبدالہاء از آحاد اجنباء در ہمہ جا خواستند کہ بہ یکدیگر عشق بورزند و بر تعلیم مؤکد حضرت بیاء اللہ تاکید فرمودند کہ ہر یک از ما باید حیات خویش را تکامل بخشیم و از تصور دیگران چشم بیوشیم.

حضرت مولی الوری کراآ بر نیاز بہ وحدت تاکید فرمودند زیرا بدون وحدت، امر والد بزرگوارشان نمی توانست پیشرفت نماید. (۵)

۱- ترجمہ - مکتوب ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امر اللہ / Compilation II, no. 1301

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالہاء، ج ۱، ص ۱۹۸ (تقرہ ۱۷۴)

۳- ترجمہ - خطبہ ۲۵ زونیہ ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا

۴- ترجمہ - بیان منسوب بہ حضرت عبدالہاء / نجم باختر، سال ہشتم، شمارہ ۱۹، ص ۴

۵- مکتوب ۲۴ زونیہ ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم بہ یکی از اجنباء

برای حصول این وحدت صمیمانه بکنی از لوازم آزیله که از طرف حضرت بیا، الله و حضرت عبدالبنیاء تأکید شده آن است که از تمایل فطری بشری که همانا توجه به معایب و نقائص دیگران است بپرهیزیم و به عیوب نفس خود مشغول شویم. هر یک از ما تنها مشغول حیات نفس خویش است. مسلماً هر یک از ما از رتبه کمال یعنی آن کمالی که مخصوص پدر آسمانی است، بسیار بدور است و لذا وظیفه داریم که با تمام توجه و قوت اراده و مستیای قدرت حیات و سجایای خود را بطرف کمال رهنمون شویم. اگر ما اجازه دهیم که تمام وقت و نیروی ما صرفاً برای نگهداری دیگران در راه راست و رفع عیوب آنان صرف شود، باید بدانیم وقت گرانبهای خود را بیپوده تلف کرده‌ایم. ما مانند کسانی هستیم که زمین را شخم می‌زنند و هر یک از آنها با گروه خود باید سهم خود را در شخم زدن ادا کند و برای این که شیار او مستقیم پیش برود باید چشم خود را به مقصد دوخته تمام حواس خویش را متوجه کار خود سازد. هرگاه متوجه اطراف شود و بخواهد ببیند عمرو و زید چکار می‌کنند و از شخم زدن آنها ایراد بگیرد بدون شک شیار خود او کج و معوج خواهد شد.^(۱)

ما هرگز قادر نیستیم تأثیری را که می‌توانیم بر خود داشته باشیم، بر دیگران بگذاریم. اگر ما بیشتر باشیم، اگر نسبت به دیگران و ضعف آنها محبت، شکیبایی و تفاهم نشان دهیم، اگر ابداً به استناد از دیگران نبردازیم بلکه به تشویق آنها مشغول شویم، آنها نیز به همین منوال حرکت خواهند کرد، و ما می‌توانیم براسی با نمونه فرار دادن خود و با قوتی روحانی به امر مبارک کمک کنیم.^(۲)

ندیده گرفتن خرده گیری‌های دیگران

ما نباید اهمیت چندانی به روش و احساسات دیگران نسبت به خود بدسیم. مهم‌ترین امر ترویج عشق و علاقه و ناچیز انگاشتن خرده گیری‌هاست. به این ترتیب به ضعف طبیعت انسانی و نظارت خاص و روش هیچ فرد بخصوص اهمیت فوق‌العاده داده نخواهد شد. بلکه برعکس این نقائص در پرتو خدمتانی که متحدهانه در طریق امر محبوب خود صرف می‌کنیم محو و زائل خواهد شد.^(۳)

شما نباید اجازه دهید نظرانی که توسط سایر بیائیان ابراز می‌شود شما را آزرده خاطر یا افسرده سازد، بلکه باید خصوصیات شخصی را فراموش کنید و برای انجام دادن آنچه که خود در توان دارید جهت تبلیغ امرالله قیام کنید.^(۴)

۱- نقل ترجمه مکتوب ۱۲ مه ۱۹۲۵ که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده از صفحه ۸ نمونه حیات بهائی

۲- ترجمه - مکتوب ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتیاء / انوار هدایت، شماره:

۲۹۱

۳- نقل ترجمه مکتوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۸ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات بهائی،

ص ۳۷

۴- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*, p. 462

باران باید در نیابت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند ... اگر آنان تیر ززند اینان شهید و شیر بخشد اگر زهر دهند قند بکشند اگر درد دهند درمان بیاموزند اگر زخم ززند مرهم بنهند اگر نبش ززند نوش روا دارند.^(۱)

ای احبای الهی سعی جمیل مبذول فرماید تا جمیع ملل و امم عالم، حتی اعداء، به شما اعتماد نمایند، اطمینان کنند و امیدوار شوند؛ اگر نفسی صد هزار بار خطا کند بتواند به شما توجیه کند و به بخشش گناهانش امیدوار باشد؛ چه که نباید مأیوس شود، یا محزون گردد یا افسرده شود. این است شیم و سلوک اهل بقاء.^(۲)

حقیقت این است که هیچ چیز شیرین تر از آن نیست که نفسی در حق کسی که به او بدی نموده، خوبی کند. هر زمان که به خاطرش می‌گذرد که نسبت به اعداء خود احسان نموده و محبت روا داشته، قلب او سرور می‌شود.^(۳)

اگر خدا را دوست بداریم می‌توانیم جمیع مردم را دوست بداریم

ما باید خدا را دوست بداریم و در این مقام است که محبت نسبت به عموم بشر امکانپذیر می‌گردد. ما نمی‌توانیم هر یک از ابناء بشر را فقط به خاطر خود او دوست بداریم، بلکه احساس ما نسبت به عالم انسانی باید بر اساس عشقی باشد که به آب آسمانی که خالق و آفریننده بشر است، داریم.^(۴)

غلبه بر تعصبات نژادی

اگر بخواهید در این عصر تاریک اعمال و رفتار و گفتار و احساسات شما از روح امر و تعالیم جمال اقدس ایبی حکایت نماید، باید هر دو دسته، یعنی سیاه و سفید متحداً و متفقاً سعی و همت فراوان مبذول دارید و این فکر خطا و اندیشه ناصواب یعنی تنوق و برتری جنسی را با شرور و مفاسد ختمیه آن یکباره برکنار کنید و آمیزش و امتزاج و تحیب و تالیف اجناس را تشویق کنید و ترغیب نمائید، هر پرده و حجابی که این دو فرقه را از یکدیگر دور و متباعد نماید مرتفع سازید و هر حد و سدّی را که مانع اینتلاف و اتحاد واقعی آنان گردد از پیش پا براندازید؛ شب و روز آرام نگیرید و روز و شب نیاسانید تا مسئولیت عظیم و تکلیف شدید خویش را در قبال این وطن‌مشتراک و خطیر که به اشدّ صولت و هیبت متوجه باران الهی است انجام دهید و این سیل جهد مشکور و همت موفور مجری

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۲۲ (قره: ۸)

۲- ترجمه - بیان حضرت عبداله، / Tablets II, p. 436

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله، نقل در *Summon Up Remembrance* مرضیه گیل،

ص ۲۵۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۱۳۴۱

دارید. افراد دوستان که در حلّ این مسأله معضل و حیاتی شریک و سهیم‌اند باید انذارات حضرت عبدالبنیاء روح الوجود لمظلومیته الفداء را نصب‌العین خویش قرار دهند تا فرصت باقی است اقدام سریع معمول دارند و اثرات مولفه و خیمه‌ای را که در صورت عدم تعدیل اوضاع و اصلاح احوال دام‌نگیر کافه ملت امریک خواهد گردید در نظر مجسم سازند.

افراد شنید باید با عزم جزم و تصمیم خلل‌ناپذیر در رفع این مشکل عظیم بکمال جهد و اهتمام اقدام و حسن افضلیت و رُحجان را که در وجود آنان مختر گردیده و با در مواردی خالی از توجه و التفات ابراز می‌شود بالمره ترک نمایند و این تصور و احساس را که نسبت با افراد سیاه‌سنت سرپرستی و قیادت داشته و به این لحاظ باید آنان را تحت جناح و قیومت خویش قرار دهند اصلاح کنند و در اثر مصاحبت صمیمانه و فارغ از هر گونه شائبه تکلف و نصّح آنان را به خلوص نیت و محبت و صمیمیت حقیقیه خویش معتمد و متقاعد سازند؛ و چنانچه از طرف مردمی که در مدتی بس طولانی و بعد قلبشان جریحه‌دار گشته و مرهم مؤثری بر زخم آنان نیافته نشده، جلب و جذب کمتری مشیود گردد، بی‌صبری نمایند و دامن حلم و اصطبار را از دست ندهند. سیاهان نیز بتوبه خویش قدم فراتر نیند و به جمع طرف و وسائلی که در اختیار آنان موجود، عشق و علاقه خویش را در قبال روابط جدید به متفه ظهور رسانند و عملاً اثبات کنند که حاضرند گذشته را فراموش و هر سوء ظنّ و اغیار خاطری را که هنوز احياناً در زوایای قلوب مستور و مکنون، محو و زائل نمایند. ضمناً هیچیک از طرفین نباید تصور کنند که حلّ چنین معضل خطیر منحصرأ مربوط به اقدام و از حدود نکالیف دستة مقابل بوده و با آن که وصول به این منظور امری سهل و سریع‌الحصول است. همچنین نباید این فکر بر خاطرشان خطور نماید که برای اصلاح این منقصت باید منتظر زمان و مترصد فرصت باشند تا بدو در عالم خارج و به وسيله عواملی ماوراء دایره امرالله و تعالیم دین‌الله قدم مساعدی برداشته شود و اوضاع و احوال موافقی رخ گشاید، آنگاه به انجام این مهم مبادرت نمایند و به همان قرار نباید نخیل کنند که هیچ امری جز محبت خالص و صبر و شکیبائی تامّ و خضوع و خشوع حقیقی و اتخاذ تمهیدات بالغه و توسل بذیل حکمت و منانت و بذل حمت و استقامت توأم با ادعیه و مناجات به ساحت قدس حضرت قاضی الحاجات می‌تواند این نقیصه مهمّ و عیب آشکار که نام نیک و وطن و کشور مالوفشان را لکه‌دار نموده متفی سازد. بلکه باید به جان و دل به این حقیقت مؤمن و مدعن گردند که صرفاً حسن تفاهم متقابل و ابراز محبت و معاضدت مستمرّ و مداوم آنان است که یش از هر قوه و اجتماعی خارج از نطاق امرالله می‌تواند جریان مخاطره‌آمیزی را که حضرت عبدالبنیاء پیوسته نیابت اضطراب و نگرانی خاطر نسبت به آن اظهار می‌فرمودند منحرف سازد و آمالی را که وجود افدش برای همکاری و اشتراک مساعی آنان در راه تحقق مقدرات درخشان آن سرزمین در دل و جان می‌پروراند به حیرت‌ظهور و ثبوت رساند.^(۱)

وحدت بر تمام موانع غلبه می‌کند

تزايد تعداد اعضاء جامعه بیانی کانادا در سنة ماضیه نیز موجب دلگرمی زیاد بود. این امر نشان می‌دهد که در حلقه اولی در میان احبّاء وحدت و اتحاد وجود دارد، زیرا در هر نقطه‌ای که این سبجه اساسی در جامعه بیانی وجود نداشته باشد هرگونه رشد و توسعه‌ای مستحیل و محال است. به این علت

است که مولای محبوبان حضرت مولی الوری مکرراً به آحاد اجتهاد توصیه می فرمودند که مانند روحی واحد در ابدان متعدد باشند، چه که این محبت و اتحاد مورت صحت روحانی آنها است و به آنها قوه‌ای می بخشد تا بر جمیع موانع موجود بر سر راهشان غلبه نمایند.^(۱)

یاران باید با هم متحد شوند و درک نمایند که همه به منزله یک خانواده روحانی هستند و با علائقی به هم مربوطند که به مراتب از علائق ظاهری خانوادگی مقدس تر و پایدارتر است. اگر یاران با تمام قوا اختلافات شخصی خود را فراموش کنند و قلب خود را به خاطر حضرت پناه‌الله به سوی محبت عمیقی که به یکدیگر دارند، مفتوح سازند، ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها به نحو وسیعی افزوده خواهد شد و آنها قادر خواهند بود که قلوب عامه مردم را تسخیر نمایند و ناظر پیشرفت سریع امر الهی در آن مدینه نیز خواهند بود.^(۲)

ما اهل پناه همیشه قادریم با استمداد از تأییدات جمال اقدس ابدی، که پیوسته آماده تقویت و مساعدت ما هستند، موانع بازدارنده راه را به جای پایی مطمئن و مستحکم تبدیل کنیم و قوای شدید و بی‌امان نشأت گرفته از ناحیه دوستان مخلص ولی شاید ره گم کرده را به جای مجاری مخرب به طریق سازنده هدایت نماییم و از آنها به صورت جریانی از قوای مثبت استفاده کنیم.^(۳)

قوة تقليب کننده محبت

مسئلاً محبت قوی‌ترین اکسیری است که می‌تواند شروترین و دنی‌ترین اشخاص را به نفوسی آسمانی تبدیل نماید. امید آن که سرمشق و نمونه شما بیش از پیش حقیقت این تعلیم زیبای امر الهی را مورد تأیید قرار دهد.^(۴)

سر مشارکت عمومی

سر حقیقی مشارکت عمومی در این تعابیل حضرت مولی الوری که غالباً بیان می‌شد نرفته است که یاران باید به یکدیگر محبت داشته باشند، مستمراً همدیگر را تشویق کنند، با هم همکاری داشته باشند، مانند روحی واحد در جسمی واحد باشند، و با چنین سلوک و رفتاری، هیکلی حقیقی، تباض و سالم باشند که به اعانت روح زندگی یافته و نورانی شده است. در چنین هیکلی، همه از نفس آن وجود زنده و تباض، صحت و حیات روحانی را دریافت خواهند داشت، و کامل‌ترین گلپا و مسبوها حاصل خواهد شد. (ترجمه)^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۱۲ Messages to Canada

۲- نقل ترجمه مکتوب ۱۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملّی بهائیان هند و برمه از صفحه ۲۳ جزوه "نمونه حیات بهائی"

۳- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملّی آلمان و اتریش / انوار هدایت شماره ۲۰۴۵

۴- ترجمه - مکتوب ۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۷۴۱ و ۱۳۸۱

۵- پیام سپتامبر ۱۹۶۴ بیت‌العدل اعظم Messages from the Universal House of Justice ص ۴۳

راه حلّی برای امتحانات

تبلیغ امرالله

تبلیغ امرالله

قوموا على خدمة الامر على شأن لا تأخذكم الاحزان من الذين كفروا بمطلع الآيات^(۱)

قد أحاطت الظلمة كل البلاد وبها اضطربت أكثر العباد أسألك باسمك الأعظم بأن تخلق في كل بلد خلقاً ليتوجهن اليك و يذكرنك بين عبادك و يرفعن رأيات نصرتك بالحكمة والبيان و ينقطعن عن الاكوان^(۲)

ای بندگان جمال مبارک ... این معلوم و واضحست که الیوم تأییدات غیبیه الهیه شامل حال مبلّغین است و اگر تبلیغ تاخیر افتد بکلی تأیید منقطع گردد، زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ احتیای الهی تأیید یابند.^(۳)

نفوس تا در ترویج نکوشند بذكرالله مشغول و مألوف نیز کجا بینغی نگردند و آثار مدد و نصرت ملکوت ابی مشاهده ننمایند و باسرار الهی بی نبرند و چون لسان بتبلیغ مشغول گردد بالطبع نفس مبلّغ بشور آید و مغناطیس عون و عنایت ملکوت گردد و چون مرغ سحر از ساز و نواز و نغمه و ترانه خویش بوجد و طرب آید.^(۴)

بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موقوف بر آن است. اگر نفسی به جان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البته از تأیید ملکوت ابی محروم ماند.^(۵)

نصرف و تأیید حضرت بپناه الله، شارع دیانت الهیه نیز از افرادی که بالاخره در این سبیل قیام ننموده و سهم خود را ادا ننمایند سلب خواهد گردید.

... جنود ملاً اعلی که صف در صف ایستاده و با نهایت اشتیاق مقبای نصرت و تأیید قائمین و مجاهدین این جبهاد کبیر و جلیل اند هنگامی قادر بر نصرت و تأیید خواهند بود که هر یک از مجاهدین باعزمی راسخ و تصبمی خلل ناپذیر قدم در میدان خدمت نهاده و حسنی خویش را در سبیل امرالله اثمار نمایند.^(۶)

این مواهب و الطاف هر چند یقین مبین شامل حال خواهد گشت و هم و مساعی باران باکلیل قبول مکمل و بطراز توفیق مطرز خواهد شد و این هَذَا لَوْعَدُ غیر مکذب و معذک پاداش و شمره

۱- کتاب اقدس، بند ۲۵
۲- مناجات، طبع برزیل، ص ۱۱۷

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۵

۴- همان، ص ۲۵۷
۵- همان، ص ۲۵۸

۶- بیان حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ترجمه فزاد اشرف، ص ۱۷۲

مجهودات هر يك از دوستان منوط به میزان حمت و مجاهدتی است که هر فرد بنشیند در حیات خصوصیت خویش ابراز و در نشر و گسترش رسالت الهی و تسریع در فتح و ظفر موعودة رحمانی مذبذول خواهد داشت.^(۱)

هر قدر اوضاع تاریک باشد

در این فرصت جلیل که با قرب صدمین سال فجعترین قتل عام در تاریخ امرالله عزت و شرافت آن مضاعف گشت، در حینی که عالم در اضطراب و گرفتار رنج و عنا است، از قاطبة یاران امریک ... رجا دارم قطع نظر از شدت مخاطرات که جوامع اقران در قازات اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا با آن مواجهند، هر قدر اوضاع در میند امرالله و مرکز جهانی تاریک و انقلابات و تحولاتی که ممکن است خود بدان مبتلا گردند مؤلم و محزن باشد، بار دیگر به کمال انقطاع قیام کرده، با عزم راسخ و ثبات قدم مشعل امرالله را که به خون شهدای لائعد و لائخصی آغشته گشته، بلند نگاه داشته و صحیح و سالم آن را انتقال دهند تا هر چه بیشتر روشنی بخش نسلپائی باشد که مقدر است در آینده پس از آمان در این سیل به خدمت پردازند.^(۲)

غلبه بر مشکلات جامعه

حضرت ولی امرالله از اطلاع بر عدم هم آهنگی بین یاران آن سامان بسیار متأثر شدند و عنیده دارند که تنها راه عافیت آن که عموم یاران باید بدان عمل نمایند آن است که خود را وقف تبلیغ امر الهی نموده با محفل ملی خویش همکاری کنند.

غالباً این امتحانات و افتتانات که در حال حاضر مبتلا به عموم جوامع یقائی بوده و یاران در معرض آن قرار می گیرند، به نظر شدید است ولی در مراجعه به گذشته ما متوجه می شویم که این امتحانات به علت قصور ناشی از ضعف طبیعت بشری بر اثر سوء تفاهم ها و آلام متزاید بوده که هر یک از جوامع یقائی باید با این تجربه ها مواجه شوند.^(۳)

الیوم نیاز امرالله به مبلغ است نه به شهید

هر روزی را احتیاجانی است. در ایام اولیه امرالله به شهدا و نفوسی که تحمل همه گیره شکنجه و عذاب برای اعلان ایمان خود و اشاعه و ترویج پیام الهی کنند احتیاج داشت. حال آن زمان گذشت است و اکنون امرالله به شهیدایی که در راه عقیده خود کشته شوند احتیاج ندارد بلکه به خادمینی نیازمند است که به تبلیغ پردازند و اساس امرالله را در سراسر عالم مستقر سازند. در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیه امر است. روحی که ما را به هیجان می آورد اهمیت دارد نه

۲- حصن حصین شریعت الله، ص ۱۰۹

۱- ظهور عدل الهی، صفحه ۳۴

۳- نقل ترجمه مکتوب ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ نوشته شده، از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات یقائی،

عملی که از آن روح نانی می‌شود و با آن روح ما باید با جان و دل به امر الهی خدمت کنیم.^(۱)

دعا، تفکر و اقدام

تبلیغ جاذب تأییدات الهیه است. دعا کردن با جدیت تمام برای کسب هدایت کافی نیست، بلکه این دعا باید با تفکر و تعمق در مورد بهترین روشهای عملی و بعد مبادرت به نفس اقدام ادامه یابد. حتی اگر اقدام نتایج فوری در پی نداشته باشد، یا شاید کاملاً صحیح و مناسب نباشد، تفاوت چندانی ندارد، زیرا اجابت دعای ما فقط از طریق اقدام و عمل است که به ظهور می‌رسد و اگر اقدام کسی غلط باشد، خداوند می‌تواند از روش مزبور برای نشان دادن طریقه صحیح استفاده کند.^(۲)

در جستجوی نفوس جواهر آسا باشید

ایشان امیدوارند و دعا می‌کنند که در طی این دوران پرمخاطره و مملو از فشار و مشقت، یهانیان در میان هموطنان خود در جستجوی نفوس جواهر آسایی باشند که به حضرت بهاءالله تعلق دارند و آنها را از برکات و آسودگی امر مبارکش بهره‌مند سازند.^(۳)

خدمت جاذب تأییدات ملا اعلی است

یک فرد یهانی بر طبق موازینی که حضرت بهاءالله تعیین فرموده‌اند باید قلباً و روحاً متوجه خدمت به امر باشد. هرگاه این عمل انجام شود جنود ملا اعلی آن فرد را تأیید خواهد کرد و کلبه مصائب و امتحانات مندرجاً رفع خواهد گشت.^(۴)

هیچ امری به اندازه خدمت به امرالله موقتیت در بر ندارد. خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است. در این صورت وقتی شخص فعال باشد روح القدس او را تأیید می‌کند و در صورت عدم فعالیت روح القدس از شعول تأیید باز مانده و شخص از اشعه شفا دهنده و روح بخش آن محروم می‌ماند.^(۵)

البته احدی نمی‌تواند مسیر وقایع آینده را پیش‌بینی نماید. اما به طور حتم می‌دانیم که هر آنچه از امتحانات و رنجها که بر ما نازل شود، در مناسبت با موجب لاینتایه‌ای که ما متسین به نام مبارکش از آن برخورداریم و در این ایام هولناک و نارنج‌ساز به خدمت امرش قیام کرده‌ایم، کاملاً ناچیز و غیر قابل ذکر است.^(۶)

۱- نقل ترجمه مکتوب ۳ اوت ۱۹۳۲ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات جهانی، ص ۱۰

۲- ترجمه - مکتوب ۲۲ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, no. 2011*

۳- ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny, p. 438*

۴- نقل ترجمه مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله از صفحه ۴۸ نمونه حیات جهانی

۵- نقل ترجمه مکتوب ۱۲ جولای ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله، از صفحه ۴۵ نمونه حیات جهانی

۶- ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

برای تقدیر و سپاس از این موهبتی که خداوند به ما عنایت فرموده، باید قیام کنیم و پیام امیدبخش حضرتش را به عالم انسانی رنج کشیده و درممانده اطراف خود برسانیم. ماهیت این موهبت چنان است که هرچه آن را بیشتر به دیگران عرضه نماییم، سهم باقیمانده برای ما بیشتر خواهد بود. زیرا چه لذتی می‌تواند بالذات مسرور کردن دیگران و امید بخشیدن به قلوب آنها قابل مقایسه باشد. هرچه دیگران را بیشتر مسرور سازیم، مسرت خاطر خود ما افزون‌تر خواهد شد و احساس خدمت به عالم انسانی در ما عمیق‌تر و شدیدتر خواهد گشت.^(۱)

عمل ما نشان دهنده راه به عالم انسانی است

حضرت مولی‌الوری مشتاق بودند مشاهده کنند که اجزاء ایمان به زندگی خود را تکامل بخشند. حال، آن ساعت متعالی فرا رسیده که امتحان الهی نه تنها در مورد کل عالم، بلکه در مورد بیانیان نیز عملی شده است؛ نحوه عمل آنها؛ میزان تمسک ایشان به روح و کلام امر مبارک، راه را به عالم انسانی که ناظر بر آنهاست نشان خواهد داد و ارزش انتساب به حضرت بیاءالله را به منصفه ظهور خواهد رساند.^(۲)

افق نیره و نار جهانی که موعود و منجی حقیقی را شناخته پیش نسل جوان را به شدت متأثر می‌کند؛ جوانان جهانی که منجی عالم بشریت را شناخته‌اند و به دلیل همین شناخت دیدگاه روشنی از عالم دارند در قبال ناامیدی و فتریات بیپنده، خطرناک و تأسف بار همقطاران خویش باید بلادرنگ به این جوانان مأیوس سرور معنوی که همچون داروی شفابخش است و نیز حتی امید به سوی سازندگی عطاکنند و پرتوهای اطمینان بخش ظهور شگفت‌انگیز جمال قدم را بر دلشان بنابانند.^(۳)

با دعا و مناجات می‌توان بر دغدغه خاطر فاتق آمد

... از طریق دعا و مناجات و توجه خاص به تعالیم امر مبارک و تمسک به شرایط حیات جهانی با دیدی جهانی، می‌توان و می‌باید بر دغدغه خاطری که وضع حاضر ایجاد نموده فاتق آمد.^(۴)

اهل بیاء اغلب به بی‌تفاوتی نسبت به "مشکلات واقعی" هموعانشان متمسک می‌شوند. اما هنگامی که در معرض چنین آتیامی قرار می‌گیریم، بیتر است به یاد داشته باشیم کسانی که آن را عنوان می‌کنند، معمولاً ماده گریبان آرمان‌پرستی هستند که در نظرشان خیر مادی بیگانه خیر "حقیقی" است؛ در حالی که ما می‌دانیم عملکرد عرصه مادی صرفاً انعکاسی است از شرایط روحانی و نافرینی که این شرایط

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله / *Light of Divine Guidance* !, p. 45

۲- ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*, p. 438

۳- ترجمه - پیام ۸ مه ۱۹۸۵ معهد اعلی به جوانان عالم / انوار هدایت شماره ۲۱۵۳

۴- نقل ترجمه پیام ۲۹ مه ۱۹۹۴ بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملّ آمریکا از پیام جهانی شماره ۱۸۲، ص ۸

روحانی تغییر نکند، تحول پایداری برای بیدار شدن امور بیادای در کار نخواهد بود.

همچنین باید به خاطر داشته باشیم که اغلب مردم درک روشنی نه از جهانی که می‌خواهند بسازند دارند و نه از نحوه ساختن آن. لیزدا، حتی آنان که نگران بیدار شدن اوضاع هستند، کارشان به مبارزه با مشدده نمایی که توجیهشان را جلب کند، تقلیل می‌یابد. به این ترتیب، تمایل به مبارزه علیه مفاسد و مصائب، چه در شکل شرایط اجتماعی و یا منجر به در نفوس شریزه، برای اغلب خلق معیاری شده است که بر اساس آن ارزش اخلاقی افراد را می‌سنجند. از طرف دیگر، اهل بناء هدفتی را که در نبل به آن مجاهده می‌نمایند می‌شناسند و آنچه را که باید برای تحققش گام به گام انجام دهند، می‌دانند. تمامی توان آنان متمرکز است بر بنای خیر؛ خیری که از چنان قدرت مثبتی برخوردار است که در مقابلش جمیع شرور و مفاسد، که اساساً نیروهای منفی تلقی می‌شوند، مفقود و معدوم خواهد شد. در نظر یک فرد بیانی، ورود به نبرد سلحشورانه نمایی و تک به تک با مفاسد و مصائب جهانی، نوعی اتلاف وقت و انرژی است. به جای این، همه وجود او متوجه و متمرکز است بر ابلاغ پیام حیات بخش حضرت پیام‌الله و تجدید حیات روحانی هموعانش و متحد کردن آنها در ظلّ نظمی الهی و جهانی و آنگاه، با رشد و توسعه قدرت و نفوذ این نظم، او شاهد قدرت این پیام بدیع در تغییر و تبدیل کلیت جامعه بشری و حلّ و فصل تدریجی مسائل و رفع و دفع مظالمی خواهد بود که در مدتی چنین طولانی عالم را به سوره آورده است.^(۱)

۱- ترجمه - مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ از طرف معهد اعلی به یکی از اجباء / انوار هدایت شماره ۱۵

راه حلّی برای امتحانات

تفکر و تأمل در مورد

آلام و رنجهای حضرت بهاءالله

تفکر و تأمل بر آلام و رنجهای حضرت بهاء الله

اذا متك البلايا في سبيل ان اذكر بلاني و هجرتي و سجنى كذلك تلقىك من لدن عزيز حكيم^(۱)

ان يا احمد لاتس فضلى في غيبتي ثم ذكر ايامى في ايامك ثم كربتى و غربتى في هذا السجن البعيد و كن مستيقماً في حبى بحيث لن يحول قلبك ولو تضرب بسيف الاعداء و يمتك كل من في السموات و الارضين^(۲)

یاد آر احزان مرا، مصائب و اضطرابات مرا، بلیّه و افتانات مرا، اسارت مرا، اشکهای مرا که فرو می ریخت، مرارت عذاب مرا، و حال مسجون شدنم در این ارض بعید را. ای مصطفی، خدای من شاهد است. اگر میسر بود تو را گفته شود که بر جمال قدم چه وارد شده، به بیابان فرار می کردی و اشک از چشم فرو می ریختی؛ از شدت تأثر و تحسّر بر سر می کوفتی و چون مارگزیدگان فریاد بر می آوردی. شکر کن خدا را که اسرار مقدرات مکتوف نشدنی را که از سماء مشیت پروردگار قدیر و مقتدرت بر ما نازل شده بر تو مکتوف نساختم و بیان نمودیم.^(۳)

بلاهای لاتحصی در آن سوی باب ایستاده اند

قسم به حق هر صبح که از فراش برخاستم، صفوف بلاهای لاتحصی را یافته ام که در آن سوی باب ایستاده اند؛ و هر شام که سر بر زمین نهادم، قلبم از ظلم ظالمین و جور اعداء قرین رنج و الم بود. هر قطعه نانی که جمال قدم قصد خوردن کند با هجوم ابتلائات جدیده همراه است، و هر قطره آبی که بنوشد یا تلخی شدیدترین بلاها توأم است. هر قدمی که بر می دارد جنود بلاهای لایری از او سبقت گیرند، و جیوش احزان و آلام در تعقیبش شتابان.

این است مصیبت من اگر در قلب و روح به تفکر و تأمل پردازم. اما نگذار جان و روانت از آنچه که خداوند بر ما نازل فرموده متأثر گردد. اراده ات را در رضای او فانی ساز، چه که ابداً هیچ امری به جز مشیت او را طالب نبودیم و از هر آنچه که قضای مبرم او مقدر فرماید استقبال می کنیم. در دل و جان آسوده باش و هرگز مضطرب مگرد و در سبیل نقوسی که به تلخی مضطرب می گردند سالک مشو.^(۴)

۱- لوح حاجی فرج، کتاب مبین، ص ۱۰۳

۲- لوح احمد، ادعیه حضرت محبوب، طبع قاهره، ص ۱۹۶

۳- ترجمه - بیان حضرت بهاء الله مندرج در 62، *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah*, no. 62

۴- ترجمه - مأخذ قبل

حضرت بهاء الله خود را از بلايا حفظ نكردند

لك الحمد يا محبوب قلوب العارفين و مقصود افئدة المخلصين بما جعلتني هدفَ البلايا في حبك و مرجع التضايا في سبيلك. فو عزتك اني لا اجزع عما ورد علي في حبك و في اول اليوم الذي عرفتني نفسك قبلت كل البلايا لنفسي و في كل حين يناديك راسي و يقول اى رب احب ان ارفع على التناة في سبيلك و دمي يقول يا الهى فاجعل الارض محمرة بي في حبك و رضائك و انت تعلم بانى ما حفظت نفسي من البلايا و في كل حين كنت مستظراً لما قضيت في لوح قضائك.^(١)

حضرت بهاء الله خدای را برای بلاها شکر کردند

سبحانك اللهم يا الهى لك الحمد بما جعلتني مرجع القضايا و مطلع البلايا لحيوة عبادك و خلقك فو عزتك يا محبوب العالمين و مقصود العارفين لا اريد الحيوة الا لاظهار امرك و ما اردت البقاء الا ليس البلايا في سبيلك.^(٢)

و ما اذ سم الردي في سبيلك و اعز سهم الأعداء لإعلاء كلمتك. يا الهى أشرينى في امرك ما اردت و أنزل على في حبك ما قدرته. و عزتك ما اريد الا ما تريد و لا اجد الا ما أنت محبوب. توكلت عليك في كل الأحوال.^(٣)

لو لا البلايا في سبيل الله ما لذ لي بقاى و ما نفعتى حياى.^(٤)

حضرت بهاء الله در حين بلايا قائم به خدمت الهى بودند

و كم من ايام يا الهى كنت فريدا بين المذنبين من عبادك و كم من ليال يا محبوبى كنت اسيراً بين الغافلين من خلقك و في موارد البأساء و الضراء كنت ناطقاً بثناء نفسك بين سمانك و أرضك و ذاكراً بيدائع ذكرك في ملكوت امرك و خلقك ولو أن كل ما ظهر منى لا ينبغي لسلطان عز و وحدانيتك و لا يليق لشأنك و اقتدارك.^(٥)

سبحانك يا إله العالمين و محبوب العارفين ترانى جالساً تحت سيف علق بخيطة و تعلم بانى في هذا الحال ما قصرت في امرك و بلغت ذكرك و تنائك و كل ما أمرتني به في الواجك و إذا تحت السيف أدعو أحبائك بكلمات آلتى تجذب منها القلوب إلى أقتى مجدك و كبريانك.^(٦)

١- مناجاة، ص ٧٧ (فقره: ٦٦)

٢- مناجاة، ص ١٠١ (فقره: ٨٦)

٣- مناجاة، ص ١٠٦ (فقره: ٩٢) / لوح شيخ نجفی، ص ٧٠

٤- لوح شيخ نجفی، ص ٦٩

٥- مناجاة، ص ٢٠١، فقره: ١٧٩

٦- مناجاة، ص ١١٦ (فقره: ١٠٢)

كذلك القيناك ذكرا من مصائبنا لتطلع بما ورد على نفسي و تكون فيما ورد عليك لمن الصابرين.^(۱)

چنین می‌نماید که بشریت مظاهر مقدسه بظواهر بامتحان افتادند و چون ثبوت و استقامت در نهایت قوت و قدرت ظاهر شود سائرین تعلیم گیرند و منتبه شوند که در مورد امتحان چگونه ثبوت و استقامت بنمایند. زیرا معلم آسمانی باید بقول و عمل هر دو تعلیم دهد و منتجع قویم و صراط مستقیم بنماید.^(۲)

کلام حضرت عبدالهء در بارهٔ بلاهای حضرت بهاء الله

نفس مبارک جمال ابهی روح ملکوت الوجود لآحبانه الفداء حمل جمیع بلایا فرمودند و اشدر زایا قبول کردند، اذیتی نماند که بر آن جسد مطهر وارد نیامد و مصیبتی نماند که بر آن نازل نگشت. بسا شبهاکه در تحت سلاسل از ثقل أغلال نیارمیدند و چه بسیار روزهاکه از صدمات گند و زنجیر دقیقه آرام نیافتند؛ از نیاوران تا طهران آن روح مصور را که در بالین برند و پرنیان پرورش یافته بود سر و پای برهنه با سلاسل و زنجیر دوآندند و در زندان تنگ و تاریک در زیر زمین با قائلین و سارقین و عاصین و باغین محشور نمودند و در هر دقیقه اذیت جدیدی روا داشتند و در هر آنی وقوع شهادت یقین کل بود. بعد از مدتی از وطن بیدار غربت فرستادند؛ سنین معدودات در عراق هر آنی سهمی بر صدر مبارک وارد و در هر نفسی سیخی بر جسد مطهر نازل. ابدأ دقیقه امتیبت و سلامت مأمول نبود و اعدا با کمال بغضا از جمیع جیات مهاجم؛ بنفس مبارک فرداً و حیداً مقاومت کل می‌فرمودند. بعد از جمیع بلایا و صدمات از عراق که قارهٔ آسیا است بقارهٔ اروپا انداختند و در آن غربت شدید و مصیبت عظیمه اذیبات شدیده و مهاجمات عظیمه و دسائس و مفتریات و عداوت و ضغینه و بغضای اهل بیان ضمیمهٔ صدمات وارده از اهل فرقان شد. دیگر قلم عاجز از تفصیل است البته شنیده و مطلع شده‌اید و حال مدت بیست و چهار سال بود که باعظم محن و بلایا اوقات مبارک گذشت.

مختصر این است که مدت اقامت جمال قدم روح الوجود لمظلومینه الفداء در این جهان فانی با اسیر زنجیر بودند و یا در زیر شمشیر و یا در شدت آلام و محن بودند و با در سجن اعظم؛ هیکل مطهر از شدت ضعف از بلا چون آه شده بود و جسد مکرم از کثرت مصائب بمشابه ناری گشته بود. مقصود مبارک از حمل این ثقل اعظم و جمیع این بلایا که چون دریا موجش باوج آسمان می‌رسد و حمل سلاسل و أغلال و نجسم مظلومیت کبری، اینیاق و اتحاده و یگانگی من فی العالم بود و ظهور آیهٔ توحید الهی بالفعل بین اسم تا وحدت مبدء در حقائق موجوده نتیجهٔ خانمه گردد و نورانیت "لن تری فی خلق الرحمن ین تفاوت" (۳) اشراق کند.^(۴)

۱- لوح اسم الله الاصدق، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۹ (فقره: ۱۳۶)

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۵۳ (فقره: ۲۶)

۳- قرآن کریم، سورهٔ ملک، آیه ۳

وقتی که حضرت پناه‌الله اینهمه بلاها و مصائب را تحمل فرمودند، خدا نکند که ما طالب امری جز بلا و مصیبت باشیم و جز درد و رنج و شدت را اراده کنیم.^{۱۵۱}

مبادا موانع و ناکامی‌ها، که اجتناب‌ناپذیرند، شما را دلسرد نمایند و هر زمان که با امتحانات و بلاها مواجه شدید، آلام لانحصای مولای محبوبمان، حضرت پناه‌الله را به خاطر آورید.^{۱۵۲}

آلام و رنجهای حضرت بهاء‌الله

حضرت پناه‌الله برای احیاء عالم چه مصائب و تألمات شدیدی را که تحمل فرمود. وجود مبارک به باطل در مظان اتهام فرار گرفتند، مسجون و مضروب گشتند، مغلول شدند، از دیاری به دیاری دیگر نفی و سرگون شدند، به آن وجود مکرم خیانت نمودند و ایشان را مسموم ساختند، مابملک‌شان را به تالان و تاراج بردند و به فرموده آن حضرت "در هر دمی بعدایی جدید مبتلا". این بود استیصال ظالمانه اهل جفا از آب سماری و مالک‌الاسماء والصفات. تانفس بازسین در این کرة خاکی به مدت چهل سه تا خانمة حیات مبارکش مسجون و سرگون باقی ماند. وجود مبارکی که بلاوقته تحت تضيقات و اذیت و آزار امرا و حکام و سلاطین ایران و امپراطوری عثمانی و مورد ضدیت و اعراض و اعتراض علمای مکار و ظلم‌دین بود و مورد بی‌اعتنایی سایر ملوک که آنها را با الواحی بسیار میسین انداز فرمود و با مواعظی حکیمانه و صادقانه آنها را به آنچه "سب آسایش و اتحاد و اتفاق و عمار عالم و آرامش امم می‌باشد" مخاطب ساخت و در لیبالی و ایتام بتألیف قلوب و تهذیب نفوس مشغول. یک مرتبه چنین آن حضرت بلند شد و فرمود:

و حُرّنی ما یعقوب بتّ اقلّه و کلّ بلاء ایوب بعض بلیتی

لسان حیا دارد از ادامه چنین ذکر رفت‌باری و صدر منصق می‌شود با اندک تأملی درباره آماج تیر بلا بودن آن ذات مقدّس و مصائبی که هیچ نفسی تاب تحمل آن را ندارد. اما ما به جای این که تسلیم احساسات افسردگی و ناامیدی و یأس شویم ملتجی به سکون و آرامش اطمینان‌بخش مذکور در این بیانات مبارکه بر معنایی می‌شویم که می‌فرماید: "وارد شد بر این مظلوم آنچه که شبه و مثل نداشته و کلّ را به کمال تسلیم و رضا لاجل تهذیب نفوس و ارتفاع کلمة‌الله حمل نمودیم". این چنین مظلوم عالم "فی حین البلیا متمسکاً بجبل الصبر و الاضطبار" بی‌اندازه با صبری بی‌حدّ و با متانتی عظیم و جلیل مصونیت و حقیقت وجودی خویش را همچون دوسنی بکنا و مهربان ظاهر فرمود و مساعی حضرتش را به هدف اصلی ظهور مبارکش معطوف ساخت و آلام خود را مبدل به اسبابی نجات‌بخش نمود و ناس را در ظلّ لواء وحدت دعوت فرمود.^{۱۵۳}

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۲ (فقره: ۲۰۷)

۵- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، *Summon Up Remembrance* مرضیه گیل، ص ۲۴۲

۶- ترجمه - توفیق ۲۵ اوت ۱۹۲۶ حضرت ولی امرالله / *Arohanui* صفحه ۲۱

۷- پیام بیت‌العدل اعظم به مناسبت صدمین سال صعود حضرت بهاء‌الله مورخ ۲۹ مه ۱۹۹۲

راه حلّی برای امتحانات

مشورت

مشورت

حضرت موجود می‌فرماید آسمان حکمت الهی بدو نیر روشن و منبر، مشورت و شفقت. در جمیع امور بمشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند.^(۱)

صعود به آسمان امن و امان به مرفقات مشورت معلق^(۲)

مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظنّ و گمان را یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی. راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا.^(۳)

هیچ کاری را بدون مشورت انجام ندهید

جمیع امور را، اعم از بزرگ یا کوچک، با مشورت انجام دهید. بدون آن که قبلاً مشورت کرده باشید، در امور شخصی خود به هیچ اقدامی مبادرت ننمایید.^(۴)

و اما راجع به سؤال شما درباره مشورت پدر با پسر و یا بالعکس در امور تجارت و معاملات؛ مشورت یکی از عوامل اساسی بنیاد شریعت الله است. چنین مشورتی بقیماً مقبول،

۱- لوح مقصود، طبع مصر، ص ۱۳

۲- امر و خلق ج ۳، ص ۴۰۹ / توضیح مترجم: بیانی که نویسنده اتیان نموده در واقع بیانی دیگر است که در اصل از عربی به انگلیسی ترجمه شده و نویسنده بخشی از آن را استفاده نموده اما اصل آن در دسترس مترجم نبود. مضمون آن این که، بگو احدی به مقام حقیق خویش واصل نگردد مگر به عدل و انصاف، هیچ قدرتی بدون اتحاد نمی‌تواند وجود داشته باشد. به هیچ رفاه و آسایشی نمی‌توان رسید مگر با مشورت. (Compilation) U, p. 93

۳- گلزار تعالیم جهانی، ص ۲۷۲ به نقل از صفحه ۶۰ جلد هشتم مانده آسمانی طبع ۱۲۱ بدیع

۴- ترجمه / بیان حضرت عبداله، انوار هدایت، شماره ۵۸۸ / توضیح مترجم: مشابه این بیان را می‌توان در امر و خلق جلد سوم زیارت نمود، از آن جمله است: "در امور جزئی و کُلّی، انسان باید مشورت نماید تا به آنچه موافق است اطلاع یابد. شور سبب تبصّر در امور است و تعمق در مسائل مجهول..." (ص ۱۱۲)؛ "در جمیع امور جزئی و کُلّی خویش شور نمائید حتی به جهت زراعت و صناعت و تجارت و کسب، هر یک کسرات مسرات مشاورت و معاونت نمائید؛ چه، شور از اوامر الهیه و سبب فتوح کُلّی در امور است و جاذب عون و عنایت حق." (ص ۱۱۳)؛ "شور مقبول درگاه کبریاء مأمور به و آن از امور عادیّه شخصیه گرفته تا امور کلیّه عمومیّه. مثلاً شخصی را کاری در پیش. البته اگر با بعضی اخوان مشورت کند البته تحرّی و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود..." (ص ۱۱۲)

چه میان پدر و پسر باشد، یا با دیگران. هیچ امری احبّ از آن نیست. انسان باید در جمیع امور مشورت کند زیرا او را به عمق هر مسأله‌ای هدایت می‌کند و به یافتن راه حلّ قادر می‌سازد.^(۱)

برای یافتن راه حلّ مشورت کنید

قضیه مشورت در امور بسیار مهمّ و از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس. مثلاً چون نفسی در امور خوبش حیران ماند یا این که کاری و کسی خواهد باید احبّای الیهی محفلی بیارایند و ندبیر در امر او بنمایند، او نیز باید مجری دارد و همچنین در امور عمومیه چون مشکلی حاصل گردد و عسرتی روی دهد، باید عقلاً مجتمع گشته مشورت نمایند و تدبیری کنند، بعد توّسل به حقّ کنند و تسلیم تقدیر شوند تا هر نوع جلوّه حقّ دستگیری کنند. مشورت از اوامر قطعیه ربّ البریه است.^(۲)

آراء نفوس متعدّده بهتر از رأی واحد است

از مشورت مفصود آن است که آراء نفوس متعدّده البتّه بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البتّه اعظم از قوت شخص واحد است.^(۳)

با یاران و محافل روحانی مشورت کنید

حضرت مولی‌الوری غالباً به ما می‌فرمودند که تحت چنین شرایطی ما باید با یاران، بخصوص محافل، مشورت کنیم و طالب هدایات و توصیه‌های آنها شویم. اجرای این توصیه و اطمینان کردن و محرم راز قرار دادن برخی از دوستان و یاران مطلوب خواهد بود. باشد که اراده الیهی از طریق مشورت به بهترین وجه اجرا گردد.^(۴)

با مشورت صحیح مطمئناً روشی یافت خواهد شد. نیازی نیست منتظر شویم تا محفلی تشکیل شود تا مشاوره شروع شود. نظر دو نفس صادق و صمیمی همیشه بهتر از نظر واحد است.^(۵)

با متخصصین مشورت کنید

حضرت ولی امرالله توصیه می‌فرمایند که باید به سایر اطباء مراجعه کنید و طبق نظریه اکثریت عمل نمایید.^(۶)

۱- ترجمه - بیان حضرت عبداله، انوار هدایت، شماره ۷۶۵

۲- امر و خلق، ج ۳، ص ۴۱۱

۳- امر و خلق، ج ۳، ص ۴۱۲

۴- ترجمه - مکتوب ۱۲ نوامبر ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation 1, no. 194*

۵- ترجمه - مکتوب ۱۶ ژوئن ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation 1, no. 195*

۶- ترجمه - مکتوب ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ حضرت ولی امرالله / *Compilation 1, no. 202*

همانطور که واقفید حضرت بیاء الله مقرر فرموده^۱ که در زمان بروز بیماری ما همیشه باید با حاذق ترین اطباء مشورت کنیم. و این همان کاری است که حضرت ولی امر الله قویاً شما را به انجام دادن آن توصیه می فرماید. زیرا دعا به تنهایی کافی نیست. برای آن که به دعا تأثیر بیشتری داده شود ما باید از تمام مزایای عنصری و مادی که خداوند به ما عنایت کرده است استفاده نماییم. معالجه با قوای صرفاً روحانی بلا تردید به اندازه همان چیزی که مشکوکین و اطباء مادی بیهوده سعی دارند با توسل نام به ابزار و روشهای مکانیکی حاصل کنند، ناکافی است. بهترین نتیجه را می توان با ترکیب این دو جریان، یعنی روحانی و عنصری، کسب کرد.^(۱)

با روانپزشکان مشورت کنید

معالجات روانپزشکی بدون شک و به طور کلی در علوم پزشکی سهم بسزایی دارد. اما باید بدانیم که این علم هنوز دانشی در مراحل رشد است و به مرحله کمال نرسیده است. از آنجا که حضرت بیاء الله ما را ملزم فرموده اند که از مساعدت اطباء حاذق بهره مند شویم، اهل بیاء قطعاً نه تنها مختارند که جهت استمداد به پزشکان مراجعه کنند، بلکه در صورت لزوم باید چنین کنند. این بدان معنی نیست که روانپزشکان همیشه دانا هستند و حق همیشه با آنها است، بلکه به این مفهوم است که ما مختاریم از بهترین ثمرات و امکاناتی که دانش پزشکی می تواند در اختیار ما قرار دهد، استفاده کنیم.^(۲)

روانشناسی هنوز علمی جوان و نارساست و به مرور ایام که روانشناسان بیانی بر اساس تعالیم حضرت بیاء الله به مثل و نمونه حقیقی حیات انسانی دست یابند موفق به جیش های بزرگ در سبیل یسرفت این علم شده و به تخفیف و نسکین مصائب و آلام بشر کمک شایان و مؤثری خواهند نمود.^(۳)

با مشاورین حرفه ای و متخصص مشورت کنید

بیت العدل اعظم از اطلاع بر این که شما و همسران هنوز متحمل مشکلات زناشویی هستید متأثر شدند. غالباً در چنین وضعیت هایی به یاران توصیه شده است که برای مشورت و کسب هدایت به محافل روحانی مراجعه نمایند و در بذل مساعی خود برای حفظ وحدت روابط خانوادگی و زناشویی از این توصیه ها پیروی کنند. در بسیاری از موارد طلب مساعدت از مشاورین حاذق حرفه ای در زمینه ازدواج که بتوانند هدایت و یسش های مفیدی در استفاده از موازین و معیارهای سازنده برای ایجاد وحدت یسشتر ارائه نمایند، سودمند بوده است.^(۴)

۱- ترجمه - از مکتوب ۱۲ مارس ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت شماره ۹۲۷

۲- مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امر الله به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا / انوار هدایت، شماره ۹۵۷

۳- نقل ترجمه دستخط ۶ فوریه ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم از صفحه ۲۷ جزوه تحقیق و تنسح

۴- ترجمه - از دستخط ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۹ از طرف معهد اعلی / Compilation II, no. 2346

شما و همسران نباید در تداوم مشاوره با مشاورین حرفه‌ای در امر ازدواج، اعم از فردی یا در صورت امکان با هم، و نیز استفاده از مشاوره مؤثر و سودبخش دوستان خردمند و بالغ، تأمل نمایید. مشاورین غیربیمانی می‌توانند سودمند باشند اما معمولاً لازم می‌آید که نظر آنها با بیش‌بیمانی تعدیل گردد.^(۱)

فرد بیمانی که دارای مشکلی است، می‌تواند بعد از دعا و مناجات و بررسی کردن جمیع وجوه آن در ذهن خویش به اتخاذ تصمیم بپردازد؛ او ممکن است ترجیح دهد با فردی از دوستان یا مشاورین حرفه‌ای مانند پزشکش یا وکیلش به مشورت بپردازد و در اتخاذ تصمیم توصیه‌های آنها را مد نظر قرار دهد؛ یا در صورتی که چند نفر دخیل باشند، مانند وضعیتی خانوادگی، او می‌تواند از جمیع نفوسی که در این موضع سهیم هستند بخواهد جمع شوند تا بتوانند به طور دسته جمعی به نتیجه و تصمیمی برسند.^(۲)

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف معهد اعلی / *Compilation II, no. 2339*
۲- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف بیت العدل اعظم، *Compilation I, no. 210*

راه حلّی برای امتحانات

از خداوند طلب بخشایش کنید

از خداوند طلب بخشایش کنید

يَا أَيُّهَا الوجود حاسب نفسك في كلِّ يومٍ قبل أن تُحاسب. لأنَّ الموت يأتيك بغتةً و تقومُ على الحساب في نفسك. (۱)

رحمت حق بر غضب او سبقت گرفته است

ارجعوا الى الله و توبوا اليه ليرحمكم الله بفضلِهِ و يغفر خطاياكم و يعفو جريراتكم و انه سبقت رحمته غضبه و أحاط فضله كلَّ مَنْ دخل في قصص الوجود من الاولين و الآخريين. (۲)

حقّ عالم است بكلّ نفوس و ما عندهم حلم حقّ سبب تجرّی نفوس شده چه که هتک آستار قبل از میقات نمی فرماید و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیه منع شده، لذا اکثری از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حق را از آن غافل دانسته اند لا و نفسه العليم الخبير. کلّ در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح. قل لک الحمد یا ستار عیوب الضعفاء و لک الحمد یا غفار ذنوب الغفلاء. (۳)

در مقابل خداوند باید نفس خود را به حساب بکشیم

انصب میزان الله في مقابلة عينيك ثم اجعل نفسك في مقام الذی کانک تراه ثم وزن اعمالک به في كلِّ يوم بل في كلِّ حين و حاسب نفسك قبل أن تحاسب في يوم الذی لن يستقرّ فيه رجل أحدٍ من خشية الله و تضطرب فيه افئدة النافلین. (۴)

حزن خداوند از گناهان ما

اگر اسم رحمانم مغایر رضا حرفی از احبابم استماع نمود مهموماً منعموماً بحلّ خود راجع شد و اسم ستارم هر زمان مشاهده نمود نفسی بهتکی مشغول است بکمال احزان بمقرّ اقدس بازگشت و بصیحه و ندبه مشغول و اسم غفّارم اگر ذنبی از دوستانم مشاهده نمود بصیحه زد و مدهوش بر ارض افتاد، ملثکه امریه بمنظر اکبر حملش نمودند... هر حین که اظهار عصیان از نفسی در ساحت اقدس شده هیکل قدّم از حیا اراده ستر جمال خود نموده چه که لازال ناظر بوفای بوده و عامل بشرايط آن. (۵)

۱- کلمات مکتوبه عربی، شماره ۳۱

۲- سورة الملوک، الواح نازلہ خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۳۳

۳- لوح علی، مجموعه اقتدارات، ص ۲۹۴

۴- سورة الملوک، الواح نازلہ خطاب به ملوک، ص ۴۱

۵- مانده آسمانی ج ۴، ردیف س، باب ۲

باید عاصی در حالتی که از غیرالله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند... عاصی باید مابین خود و خدا از بحر رحمت و رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت منبث کند و عرض نماید:

الهی الهی اسألك بدماء عاشقیک الذین اجتذبهم بیا نك الاحلی بحت قصدوا الذروة العلیا مقرّ الشهادة الكبرى وبالاسرار المكنونة فی علمك وباللنالیء المنزونة فی بحر عطائک أن تغفر لی ولأبی و امی و انک أنت ارحم الراحمین. لا اله الا أنت الغفور الکریم. ای ربّ تری جوهر الخطاء أقبل إلی بحر عطائک والضعیف ملکوت اقتدارک والفقر شمس غنائک. ای ربّ لا تخیه بجدک و کریمک و لا تمنعه عن فیوضات ایامک و لا تطرده عن بابک الذی فتحته علی من فی ارضیک و سمانک. آه آه خطیباتی منعثنی عن التقرّب الی بساط قدسک و جریراتی أبعثتني عن التوجه الی خباء مجدک. قد عملت ما نهیتني عنه و ترکت ما أمرتني به. أسألك بسلطان الأسماء أن تكتب لي من قلم النضل و العطاء ما يقربني الیک و يطهرني عن جریراتی الّتی حالت بيني و بین عفوک و غفرانک. إنک أنت المقدر الفیاض. لا اله الا أنت العزيز الفضال.^(۱)

عفا الله عما سلف

ای اهل عالم شما را وصیت می نمایم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شما است. بتقوی الله تمسک نمائید و بذیل معروف تثبّت کنید. براستی می گویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میالائید. عفا الله عما سلف. از بعد باید کلّ بما ینبغی تکلم نمایند. از لمن و طعن و ماتکدر به الانسان اجتناب نمایند.^(۲)

خداوند عیوب را می پوشاند

إن اطلعت علی خطیئة استروها لیستر الله عنکم.^(۳)

عظمت رحمت الهی

ای ربّ ای ربّ إن لم تظهر الغفلة من أین نصبت أعلام رحمتک و رفعت رایات کریمک و إن لم یعلن الخطا کیف یعلم بأنک أنت السّار الغفار العلیم الحکیم نفسی لغفلة غافلک الفدا بما مرّت عن ورائها سمات رحمة اسمک الرحمن الرحیم. ذاتی لذنب مذنبیک الفدا بما عرفت به اریاح فضلک و تضرّعات مسک الطافک. کینونتی لعصیان عاصیک الفداء لأنّ به اشرفت شمس مواهبک من افق عطائک و نزلت أمطار جودک علی حقایق خلقک.^(۴)

۱- بشارت نهم از لوح بشارت. مجموعه الواح طبع مصر. صص ۱۲۰-۱۱۹

۲- کتاب عهدی. مجموعه الواح طبع مصر. ص ۳۹۹

۳- لوح شیخ نجفی. ص ۴۱ به نقل از لوح ملک پاریس

۴- مانده آسمانی. ج ۴. ردیف س. باب ۲

پروردگارا آمرزگارا این بندگان را پناه توئی، واقف اسرار و آگاه توئی. جمیع ما عاجزیم و تو
مشدر و توانا! جمیع ما گنه کاریم و توئی غافر الذنوب و رحیم و رحمن. پروردگارا نظریه به قصور ما
منما، به فضل و موهبت خویش معامله کن. خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان؛
عجز ما بسیار است، ولیکن تأیید و توفیق تو آشکار.^(۱)

۱- مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۲۳۵ (نقرا: ۲۰۷)

راه حلّی برای امتحانات

خشیه الله

خشية الله

براستی میگویم حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشية الله بوده. اوست سبب اکبر از برای حفظ بشر و علت کبری از برای صیانت وری. بلی در وجود آیتی موجود و آن انسان را از آنچه شایسته و لایق نیست منع می نماید و حراست می فرماید و نام آن را حیا گذارده اند و لکن این فقره محدود است بمحدودی، کلّ دارای این مقام نبوده و نیستند.^(۱)

در اصول و قوانین، بابتی در قصاص که سبب صیانت و حفظ عباد است مذکور و لکن خوف از آن ناس را در ظاهر از اعمال شنیعة نالائقه منع می نماید. اما امری که در ظاهر و باطن سبب حفظ و منع است، خشية الله بوده و هست. اوست حارس حقیقی و حافظ معنوی. باید بآنچه سبب ظهور این موهبت کبری است تمسک جست و تشبّث نمود.^(۲)

یا جلیل^(۳) و صّ العباد بتقوی الله تالله هو القائد الاول فی عسا کر ربّیک و جنوده الاخلاق المرضیة و الاعمال الطیّبة و بها فتحت فی الاعصار و القرون مدائن الاقندة و القلوب و نصبت رایات التصر و الظفر علی اعلی الاعلام.^(۴)

براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و جنودی که لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیّبة طاهرة مرضیه بوده و هست.^(۵)

دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم. چه که خشية الله ناس را بمعرف امر و از منکر نهی نماید.^(۶)

از کسی جز خدا نترسید

من عرف الله لن یعرف دونه و من خاف الله لن یخاف سواه ولو یجتمع علیه کلّ من فی الارض اجمعین.^(۷)

۱- لوح شیخ نجفی، ص ۲۱ به نقل از کلمات فردوسی، ورق اول

۲- لوح دنیا، مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۹۶

۳- توضیح مترجم: این بیان عیناً در لوح شیخ نجفی صفحه ۹۹ نقل شده. با این تفاوت که به جای «ای جلیل»

عبارت «یا ایها الناظر الی الوجه» ذکر شده است. ۴- لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۱

۵- کتاب عهدی، مجموعه الراح طبع مصر، ص ۴۰۲

۶- اشراق اول از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۶

۷- سوره الملوک، الراح نازله خطاب به ملوک، ص ۲۴

ان السالك الى الله في منبج اليبضايه و الزكن المعراء لن يصل الى مقام وطنه الا بكف الصفر عما في ايدي الناس و من لم يخف الله اخافه الله من كل شيء و من خاف الله يخاف منه كل شيء.^(۱)

اهمیت خشیه الله

از حضرت ولی امرالله راجع بخشیه الیهی سؤال نموده بودید؛ شاید باران متوجه ابن حقیقت نیستند که نفوس انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش اکثر بحشیه الله نیازمندند مگر معدودی قلیل که صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و صرفاً عشق و محبت بزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است. بیم از مجازات و خوف از عذوبت الیهی در صورت ارتکاب معاصی برای نسیب اقدام نفوس در صراط مستقیم لازم و ضروری است. یقین است وجود ما باید نت به خداوند تعالی مشغول از عشق و انجذاب باشد، ولی خوف الیهی را نیز بایستی در قلوب استقرار دهیم بیمان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین در خوف و هراس است؛ این توحه و تذکر نباید چون دهشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم تلقی گردد بلکه سزاوار است الطاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ماوراء داد و معدلت الیه بشناسیم.^(۲)

و اما در خصوص فقرانی از آثار مبارکه که به غضب الیهی اشاره دارد؛ حضرت ولی امرالله می فرمایند که ذات الوهیت دارای صفات بسیاری است: او مهربان و رحیم اما در ضمن عادل است. درست همانطور که بنا به بیان حضرت بیاء الله، مجازات و مکافات دو ستونی است که جامعه بر پایه آن استوار است^(۳)، رحمت و عدالت را نیز می توان به عنوان همتای آنها در جهان آینده محسوب داشت. اگر ما نسبت به اوامر الیهی عصبان نماییم و بر خلاف احکام و اوامر او عمل کنیم، او اعمال ما را به نظر عدالت خواهد نگریست و ما را مجازات خواهد کرد. مجازات، آنگونه که بعضی معتقدند، به شکل آتش جهنم نیست، بلکه به شکل محرومیت و هیوط روحانی است. به این علت است که ما غالباً در ادعیه زیارت می کنیم که "خدا یا به عدل معامله فرما، بلکه به فضل و رحمت لانتباهات مقابله کن". غضب الیهی در اجرای عدالتش، اعم از این جهان یا آن جهان، مشهود می گردد. خدایی که فقط مهربان یا فقط عادل باشد، خدای کاملی نیست. خداوند باید واجد هر دو جنبه مزبور باشد مانند پدری که باید هر دو جنبه را در رفتارش نسبت به فرزندانش نشان دهد. اگر لحظه ای تأمل و تفکر کنیم، مشاهده خواهیم کرد که رفاه و آسایش ما تنها زمانی می تواند تضمین شود که هر دو صفت الیهی به طور یکسان مورد تأکید قرار گیرد و به حیر عمل در آید.^(۴)

۱- چهار وادی. آثار قلم اعلی. ج ۳. ص ۱۵۰

۲- نقل ترجمه مکتوب ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله. از صفحه ۱۰۹ مجموعه نصوص تربیتی

۳- اشاره به بیان مبارک در لوح مقصود: "خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و بریا، مجازات و مکافات." (ص ۷) -

برای توضیح مفهوم خشية الله برای کودکان، مانمی ندارد که آن را به گونه و به وسیله تشبیل و تشبیه. آنطور که حضرت عبدالیهاء اغلب تعلیم می فرمودند، آموزش دهیم. در این باره نیز، باید به کودکان تفهیم کرد که مانمی گوئیم که خدا ظالم است و به این علت از او می ترسیم، بلکه ما به این علت از او می ترسیم که عادل است، و اگر عمل خطایی انجام دهیم و مستحق تیه باشیم، در این صورت او ممکن است به صرف عدالت خویش مجازات ما را عملی بجا تشخیص دهد. ما هم باید نسبت به خداوند عشق بورزیم هم از او بترسیم.^(۱)

بیانات مبارکه برای

جهت

حصول آسایش در حین بیماری

بیانات مبارکه جهت حصول آسایش در حین بیماری

یا الهی اسمک شافی و ذکرک دوائی و قریبک رجائی و حیک مونسى و رحمتک طبیی و
معبنی فی الدنیا و الآخرة و انک أنت المعطى العلیم الحکیم.^(۱)

... ذکرک شفاءً أفئدةً المقربین...^(۲)

روح مقدس از بیماری‌ها است

معلوم انجناب بوده که روح در رتبه خود قائم و مستقر است و این که در مریض ضعف
مشاهده می‌شود بواسطه اسباب مانع بوده و الا در اصل ضعف بروح راجع نه.^(۳)

قدرت دعای شفاء

... ان تحفظ حامل هذه الورقة المباركة ثم الذى يقرؤها ثم الذى يلقى عليها ثم الذى يمر في
حول بيت التى هي فيها ثم أشف بها كل مريض و عليل و فقير عن كل بلاء و آفة و مكروه و
حزن ثم أهد بها كل من يريد أن يدخل في سبيل هدايتك و مناهج فضلک و غفرانک.^(۴)

از بیماری اجتناب نتوان نمود

نقاوت هر چند از عوارض ذاتیه انسانست ولی فی الحقیقه مشکل است. نعمت صحت بر
جميع نعماء مرجع است.^(۵)

ای کنیز الهی اگرچه جسمت ضعیف و مریض است و، مانند آیوب، در معرض امتحانات
بسیار، اما الحمد لله روحی قوی داری که در نهایت صحت و مسرت است. از خصائص این عالم
عنصری، نقاوت است و بیماری، و جوهر عالم الهی صحت است و سلامت و توانایی. جسم
مانند زجاج است و روح مانند سراج. الحمد لله، اگر به زجاج تا حدی آسیب رسیده، سراج در
نهایت لمعان است.^(۶)

... ..

۱- لوح طبّ، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۲۵

۲- مناجاة، ص ۵۸

۳- مجموعه اقتدارات، ص ۶۹

۴- ادعیه حضرت محبوب، طبع طهران، صفحه ۱۸۰

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالها، ص ۱۴۸ (فقره: ۱۳۲)

۶- ترجمه - لوح حضرت عبدالها، خطاب به آلبرتا حال Alberta Hall / نجم باختر، سال ۹، شماره: ۱۵،

ص ۱۷۳

مرض بر روح تأثیر ندارد

غالباً بیماری جسمی انسان را به خالقش نزدیکتر می‌سازد، قلبش را متأثر می‌کند تا از امیال دنیوی خالی شود تا لطیف و نسبت به رنجوران رفیق و نسبت به جمیع خلق مهربان شود. اگرچه امراض عنصری سبب آرزوگی موقت انسان می‌شود، اما تأثیری بر روح ندارد. بلکه، در تحقق هدف و مقصد الهی تأثیر می‌گذارد یعنی حساسیت‌های روحانی در قلب انسانی ایجاد می‌کند.^(۱)

اگر روح شفا نیابد

اگر روح شفا نیابد، معالجه جسم ارزشی ندارد. همه چیز در دست خداست، و بدون او، صحت و سلامت برای ما وجود ندارد.^(۲)

شنای جسمانی و روحانی

امراضی که سبب عوارض جسمانی عارض گردد بدوای طبیبان معالجه شود و بعضی امراض که سبب امور روحانی حاصل شود آن امراض با سبب روحانی زائل گردد. مثلاً امراضی که منبث از احزان و خوف و تأثرات عصبیه حاصل گردد، معالجه روحانی بیش از علاج جسمانی تأثیر دارد. پس این دو نوع معالجه را باید مجری داشت؛ هیچیک مانع از دیگری نیست. لهذا شما معالجه جسمانی را نیز منظور دارید. زیرا این هم از فضل و عنایات الهیه است که فن طبابت را برای بندگان خود کشف و آشکارا تا از این نیز مستفید گردند و همچنین بمعالجه روحانی نیز نهایت اهتمام نما زیرا تأثیرات عجیبه دارد.^(۳)

و اما راجع به سؤال شما در خصوص معالجه روحانی؛ چنین معالجه‌ای مسلماً شامل یکی از مؤثرترین روشهای آسوده کردن شخص از آلام و رنجهای روانی یا جسمی است. حضرت عبدالبنیاء در خطابه‌های مندرج در *Paris Talks* با این بیان بر اهمیت آن تأکید فرموده‌اند که باید از آن به عنوان وسیله‌ای اساسی برای تأثیر بر شنای کامل عنصری استفاده کرد. اما، شنای روحانی جانشین معالجه مادی نیست و نمی‌تواند باشد، اما مساعد ارزشمندی برای آن است. مسلماً، هر دو معالجه ضروری و مکمل یکدیگر هستند.^(۴)

و اما در خصوص سؤال شما در خصوص معالجه روحانی؛ اهمیت آن، همانطور که مطمئناً واقفید، مورد تأکید شدید حضرت عبدالبنیاء بوده است. هیکل مبارک محققاً آن را بخشی اساسی از

۱- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالبنیاء، دفتر خاطرات احمد سهراب / نجم باختر، سال ۸ شماره ۱۸،

ص ۲۳۱

۲- ترجمه - خطابه حضرت عبدالبنیاء مندرج در صفحه ۱۹ *Paris Talks*

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبنیاء، ج ۱، ص ۱۴۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۶ فوریه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۹۲۸

جریانات معالجه عصری می دانستند. معالجه عصری نمی تواند کامل و پایدار باشد مگر آن که به وسیله معالجه روحانی تثویت شود. معالجه روحانی را به بهترین وجه می توان با اطاعت از احکام و ارامر الهی که توسط مظاهر ظهورش نازل شده، کسب نمود. اما آحاد اجزاء نیز می توانند با معالجه روحانی دیگران، مساعدت نمایند. اما توفیق مساعی آنان کاملاً منوط به تمسک تام آنها به تعالیم الهی، و نیز روشی است که ابن معالجه را انجام می دهند. طبق بیان حضرت بیاء الله، انسان نمی تواند هدایت کامل را از خداوند دریافت دارد. او باید آن را از طریق انبیاء الهی کسب کند.^(۱)

گاهی شفا مناسب مریض نیست

مناجاتهایی که بجهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده، لهذا بجهت شفای روحانی و جسمانی هر دو تلاوت نمائید. اگر مریض را شفا مناسب و موافق، البته عنایت گردد؛ ولی بعضی مریضها شفا از برایشان سبب ضررهائی دیگر شود، اینست حکمت اقتضای استجاب دعا نمائید.^(۲)

مشورت با طیب حاذق

از رأی حکیم حاذق بنص مبارک نباید خارج شد و مراجعت فرض، ولو نفس مریض حکیم شعیب بنی نظیر باشد. باری، مقصود اینست که با مشورت حکیم بسیار حاذق، محافظه صحت فرمائید.^(۳)

کُلّ مأمور بمعالجه و متابعت حکما هستند. این محض اطاعت امر الله است والا شافی خدا.^(۴)

سرور بهترین شفا دهنده است

جمع ما باید از مریضان عیادت کنیم. وقتی که آنها محزون و رنجورند، ورود یک دوست به آنها واقعاً کمک می کند و برایشان مفید است. مسرت برای نفوسی که بیمارند شفا دهنده است. در شرق رسم است که به عیادت بیمار می روند و فرداً با او ملاقات می کنند. اهل شرق نهایت محبت و شفقت را نسبت به بیماران و رنجوران ابراز می کنند. این امر به مراتب بیشتر از نفس شفا مؤثر است. شما باید همیشه این تفکر محبت آمیز و لطف و عنایت را موقع عیادت از بیماران و آزرندگان داشته باشید.^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۲۳ مه ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امر الله / Compilation 1, no. 1059

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالها. ج ۱. ص ۱۵۸ (فقره: ۱۴۰)

۳- همان. ص ۱۵۳ (فقره: ۱۳۵) ۴- همان. فقره: ۱۳۶

۵- ترجمه - خطابه ۱۷ ژوئن ۱۹۱۲

همیشه باید سرور باشید. شما باید زیر زمره اهل سرور و شرف باشد و باید به اخلاق الهی
مزین گردید. سرور تا حد زیادی صحت ما را حفظ می‌کند، اما حزن و افسردگی روح موجب مرض
و بیماری است.^(۱)

ما امر مبارک را داریم که ملجأ و پناه ما باشد

در دنیای امروز، سرطان مصیبتی هولناک است. اما هنگامی که بد تقدیر اجبای الهی را به چنین
عذایی الیم مبتلا نماید، آنها امر مبارک را دارند که به آن پناه آورند. محبت دوستان یفانی را دارند که
آنها را نسلی دهد، و کلام میمن حضرت یفاء الله را در خصوص فناپذیری و جاودانگی دارند که به
آنها اطمینان و شپامت می‌بخشد. ما مسلماً حتی در بحبوحه سخت‌ترین مصائب و بلاها، برخوردار از
مواهب هستیم.^(۲)

حالت یأس و بدینی به خود نگیرد

همانطور که واقفید امروزه امراض روانی و مشکلات دماغی فراوان وجود دارد، و آنچه که
یہائیان نباید انجام دهند این است که در مقابل آنها حالت یأس و بدینی به خود بگیرند. قدرت مودعه
در امر الهی چنان است که می‌تواند ما را علیرغم هر نوع بیماری، نسبت به منکران و معرضان این امر
رتائی، در سطوحی بالاتر قرار دهد. البته این بدان معنی نیست که ما از نظریه‌ها و معالجات پزشکی
غفلت نماییم. برعکس، باید نهایت سعی خود را مبذول داریم که از نظرات متخصصان و اطباء حاذق
کاملاً استفاده کنیم.^(۳)

بیماری هیچ تأثیری بر روح ندارد

بسیار سخت است که انسان در معرض هر نوع بیماری، بخصوص بیماری روانی قرار گیرد. با
وجود این ما باید همواره به خاطر داشته باشیم که این امراض هیچگونه تأثیری بر روح یا رابطه باطنی ما
با خداوند ندارند. سبب تأسف بسیار است که دانش ما در مورد ذهن و روان، کارکرد آن و بیماری‌هایی
که آن را متأثر می‌سازند، هنوز اینقدر قلیل است؛ تردیدی نیست، وقتی که شکر اهل عالم به سوی
روحانیت بیشتر گرایش پیدا کنند، و دانشمندان به ماهیت حقیقی انسان پی ببرند، دارو و درمان انسانی‌تر
و پایدارتری برای شنای بیماری‌های روانی کشف خواهد شد.

... شما همیشه باید به خاطر داشته باشید که هر قدر شما یا دیگران به مشکلات روانی و دماغی
مبتلا و به محیط خردکننده این مؤسسات ایالتی گرفتار باشید، روحان سالم و به محبوب ما نزدیک
است، و در جهان بعد از آرامش و آسایش مطلوب برخوردار خواهد بود. حال باید امیدوار باشیم که در
این ضمن دانشمندان راههای معالجه بهتر و پایدارتری برای مبتلابان به امراض روانی بیابند. اما در این

۱- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله، مندرج در صفحه ۲۳ *Throne of the Inner Temple*

۲- ترجمه - ۵ سپتامبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۱۷۸

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲ ژانویه ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۱۵۶

جهان، تحمل چنین امراضی سخت و دشوار است.^(۱)

به علت معلولیت احساس ذلت و حقارت نکند

حضرت ولی امرالله معتقدند که شما نباید اجازه دهید اختلال گفتاری که بدان مبتلا هستید در شما احساس ذلت و حقارت ایجاد نماید. حضرت موسی مبتلا به لکنت زبان بودند. آنچه که شما هستید و نیز اعتقاد شما به امر یقینی است که شما بر دیگران دارید. این بدان معنی نیست که شما نباید برای غلبه بر آن تلاش کنید و برای کسب هدایت و مساعدت به پزشکان مراجعه نمایید. ایشان به شما اطمینان می‌دهند که دعا خواهند کرد که شما بر این مشکل به طور کلی فائق آید، و نیز در هر نقطه که هستید راهها برای تبلیغ و خدمت به امرالله به روی شما مفتوح گردد.^(۲)

آلام جسمانی اجتناب‌ناپذیرند اما حکمتی در آنها مکنون است

و اما در خصوص سؤال شما درباره معنی آلام جسمانی و رابطه آنها با شفای روحانی و روانی؛ آلام جسمانی ملازم ضروری کل وجود بشر و به عبارت دقیق‌تر اجتناب‌ناپذیر است. مادام که بر وجه ارض حیات وجود دارد، رنج و مشقت به صور و درجات مختلف وجود خواهد داشت. اما از رنج و مشقت، اگرچه واقعی مسلم می‌باشد، می‌توان به عنوان وسیله‌ای جهت وصول به سرور و سعادت استفاده نمود. این تعبیر و تفسیری است که جمیع انبیاء و قدسین از آن به عمل آورده‌اند. آنها در بحبوحه مصائب و بلاهای شدید، احساس سرور و وجد موفور می‌نمودند و آنچه را که در زندگی بهتر و مقدس‌تر بود تجربه می‌کردند. رنج و مشقت هم یادآوری کننده است و هم هدایت بخشنده. رنج و درد ما را بهتر آماده می‌کند تا خود را با شرایط محیط انطباق دهیم، و به این ترتیب این طریق به ارتقاء نفس منجر می‌گردد. در هر رنج و عیبی می‌توان معنایی و حکمتی مشاهده کرد. اما یافتن سر حکمت مزبور همیشه آسان نیست. گاهی اوقات وقتی که مشقت مزبور سبب شده و دیگر وجود ندارد، ما از سودمندی آن آگاه می‌شویم. آنچه را که انسان تصور می‌کند شر است و ضرر است، بعد معلوم می‌شود که موجب برکت و عنایت بوده است. و این ناشی از میل او است که می‌خواهد بیش از آنچه که می‌تواند بداند. حکمت الهی، مسلماً، برای جمیع ما مجهول است و تلاش برای کشف مواردی بیش از آنچه که همیشه در ذهن ما به صورت راز باقی می‌ماند، کاری عبث است.^(۳)

بیماری ممکن است برای پیشرفت ما یا دیگران باشد

حضرت ولی محبوب امرالله مقرر فرمودند که شما و والدین این نوزاد عزیز اطمینان دهم که برای شفای جسمانی و روحانی او دعا خواهند فرمود.
درک چنین مصائب مستولیه مشکل است. نفوسی که ایمانی محکم به امر الهی دارند، می‌دانند

۱- ترجمه - مکتوب ۱۲ آوریل ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره: ۹۴۸

۲- ترجمه - مکتوب ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*, p. 446

۳- مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۹۴۴

که بد قدرت حق حفظ و صباتشان می‌کند و مطمئن هستند هنگامی که بلیه‌ای از این نوع برایشان رخ می‌دهد، مبتنی بر علت و حکمتی است که به پیشرفت روحانی فرد مبتلا یا ترقی معنوی و رفاه مادی عزیزان او مربوط می‌شود؛ با حتی برای متأثر کردن قلوب نفوس غیرمؤمنانه‌ای است که مشدّر است از طریق مشاهده نحوه مواجهه فرد یبانی با چنین بلیات و مشقتی، نحت تأثیر و نفوذ روح الهی قرار گیرند.^(۱)

در خصوص امراض روانی

تحمّل سالها بیماری روانی، که شما توصیف نموده‌اید، کار آسانی نیست. آنطور که پیداست شما از نفوس متعدّد، با زمینه تحصیلات علمی و غیر علمی استمداد نموده‌اید و ظاهراً در طی سالیان دراز یبمارتان، ثمره و نتیجه چندانی به دست نیاورده‌اید. در صورت امکان، شما باید مشورت با بهترین متخصصان یک مرکز درمانی را، در یکی از شهرهای اصلی، که پیشرفته‌ترین وسایل و روشهای معاینه و معالجه در آنجا ممکن‌الحصول است، مورد توجه قرار دهید. علم روان و نیز وقوف به شرایط طبیعی کارکرد آن، و نیز ناتوانی‌های ناشی از آن، هنوز در مرحله نسبتاً صبارت است. اما احتمال زیاد دارد که همین علم، در جهت کاستن از رنج شما، کمک کرده زندگی فعالی را برایتان میسر سازد. در ده سال اخیر در معالجه اختلالات روانی پیشرفته‌های مهمی حاصل شده که می‌تواند برای شما بسیار مفید باشد.

کشف شما از امر مبارک، و از آثار شفا بخش و مناصد عظیم و متعالی اش، حقیقتاً، در مسیر تحقّق حیاتی سالم، نیروی عظیم را برایتان به ارمغان آورده که زندگی شما را، علیرغم هر نوع بیماری، در سطوحی عالی‌تر و والاتر قرار می‌دهد. برای جریان درمان، بهترین نتایج هنگامی حاصل می‌شود که روشهای جسمانی و روحانی توأم گردند. زیرا در این صورت برای شما ممکن خواهد شد که با ترکیب و تلفیق قدرت دعای مستمر و تلاش مصمّانه، بر یبمارتان غلبه یابید.^(۲)

ناراحتی‌های روانی روحانی نیستند، اگرچه ممکن است تأثیرات آن مسلماً مانع از پیشرفت روحانی فرد شده بر ماسعی او در این سبیل تأثیر کندکننده داشته باشد. در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء نوشته شده این بیان نیز مندرج است: «بر چنین مسائلی (یعنی بیماری‌ها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول سخت و غلبه‌ناپذیر به نظر برسند، می‌توان و باید به قوت مساعی قاطع و مستمر و دعا فائق آمد».

این کوشش شامل مشورت با پزشکان مطلع و مجرب از جمله متخصصان روانپزشکی است. کار و زحمت برای امر الهی، خدمت به نیازمندان، شرکت در تبرّعات شما را در مبارزه و غلبه بر رنجیابان یاری خواهد کرد. به طور قطع و یقین، یکی از این فعالیت‌های مفید، علیرغم احساس نواقص شخصی، کوشش در تبلیغ امرالله است. زیرا بدین طریق شما به کلمات شفا بخش طلعات مقدّسه اجازه می‌دهید ذهن و روان شما را در معرض سریان و سیلان فیوضات و قوّة خلاّفة خود قرار دهند.^(۳)

۱- مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۹۱۳

۲- مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره ۹۵۴

۳- مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۸۲ از طرف بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره ۹۵۵

بیانات مبارکہ

دربارہ

مرگ

بیانات مبارکيه در مورد مرگ

يا ابن العماء جعلتُ لك الموت بشارة كيف تحزنُ منه و جعلتُ التور لك ضياءً كيف تحتجبُ عنه^(۱)

ترقی روح

و اما ما سئلت عن الروح و بقائه بعد صعوده فاعلم انه يصعد حين ارتفاعه الى أن يحضر بين يدي الله في هيكل لا يتغيره القرون و الأعصار و لا حوادث العالم و ما يظير فيه و يكون باقياً بدوام ملكوت الله و سلطانه و جبروته و اقتداره و منه تظهر آثار الله و صفاته و عناية الله و الطافه. ان القلم لا يقدر أن يتحرك على ذكر هذا المقام و علوه و سموه على ما هو عليه و تدخله يدُ الفضل الى مقام لا يعرف بالبيان و لا يذكر بما في الامكان^(۲)

اگر بعد از فوت جسد روح را فانی باشد مثل اینست که تصور نمائیم مرغی در قفس بوده بسبب شکست قفس هلاک گردیده و حال آن که مرغ را از شکست قفس چه باک و این جسد مثل قفس است و روح بمثابة مرغ. ما ملاحظه کنیم که این مرغ را بدون این قفس در عالم خواب پرواز است؛ پس اگر قفس شکسته شود مرغ باقی و برقرار است، بلکه احساسات آن مرغ بیشتر شود، ادراکاتش بیشتر شود، انبساطش بیشتر شود، فی الحقیقه از جحیم به جنت نعیم رسد زیرا از برای طيور شکور جنتی اعظم از آزادی از قفس نیست. اینست که شهدا در نهایت طرب و سرور بمیدان قربانی شتابند.^(۳)

ترقی روح بعد از قطع تعلق از جسد ترابی در عالم الهی با بصرف فضل و موهبت ربانی و با به طلب مغفرت و ادعای خیریه سائر نفوس انسانی و یا بسبب خیرات و میراث عظیمه که بنام او مجری گردد حاصل شود.^(۴)

روح انسانی چون از این خاکدان فانی بجهان رحمانی پرواز نماید، برده برافتد و حقایق آشکار گردد. جمیع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد. ملاحظه نما که انسان در عالم رحم از گوش کربود و از چشم نابینا و از زبان لال و از جمیع احساسات محروم و چون از آن جهان ظلمانی به این عالم روشن و نورانی انتقال نمود دیده بینا شد و گوش شنوا گشت و زبان گویا گردید. همچنین چون از این عالم فانی بجیهانی رحمانی شتابد ولادت روحانی یابد،

۱- کلمات مکتونه عربی، فقرة ۳۲

۲- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۱۶۳ / مجموعه اشراقات، ص ۲۱۵

۳- مفارضات عبدالها، ص ۱۷۲ / مفارضات عبدالها، ص ۱۸۱

دیده بصیرت باز شود و سمع روح شنوا گردد و جمیع حقائق مجهوله معلوم و آشکار شود. (۱)

ارتباط ما با نفوسی که در گذشته‌اند

چنانچه ما در اینجا قوه داریم که در حق این نفوس دعا نمایم همین طور در عالم دیگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوه را دارا خواهیم بود. آیا جمیع خلق آن عالم مخلوق خدا نیستند. پس در آن عالم هم می‌توانند ترقی کنند. همچنان که در اینجا می‌توانند بتضرع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم می‌توانند طلب غفران نمایند، بتضرع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در این عالم بواسطه تضرع و ابتهاج یا دعای مندرسین تحصیل ترقی می‌نمایند، بهمچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجا می‌توانند ترقی کنند. (۲)

چرا باید مغموم و دلشکسته باشی؟ این فراق موقتی است؛ این دوری و حزن تنها برای مدتی محدود است. او را در ملکوت الهی خواهی یافت و به اتحاد ابدی خواهی رسید. الفت جسمانی موقت است، اما ارتباط آسمانی ابدی است. هرگاه اتحاد ابدی و لایناپه را به خاطر آوری، نسلی بایی و سرور شوی. (۳)

در مورد فوت طفل

از فوت آقای سندی کینی (۴) بسیار متأثر شدم. طفلی بسیار دوست داشتنی بود. از طرف من به جناب کینی و حرم محترم بگو: "محزون مباشید و ناله نکنید. آن نهال لطیف و شیرین از این عالم به گلستان ملکوت نقل مکان کرد و آن کیوتر مشتاق به آشیانه الهی پرواز نمود. آن شمع در این عالم ادنی خاموش شد تا در ملا اعلی برافروزد. یقین است که او را در عالم اسرار در محفل نوراً ملاقات خواهید کرد." (۵)

از فراق پسر خوبت محزون مباش. او فی الحقیقه از این عالم تنگ و تاریک که احزان لایناپه تیره‌اش ساخته عروج کرد تا به ملکوت وسیع، نورانی، مسرت بخش و زیبا وارد شود. خداوند او را از جاه تاریک رهانید و به ملا اعلی رسانید. به او بال بخشید تا به مدد آن به سماء وجد و سرور پرواز نماید. فی الحقیقه این از رحمت عظیم خداوند عزیز و غفار است. (۶)

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ص ۱۷۲ (تقر: ۱۴۹)

۲- مفاوضات عبدالباها، ص ۱۷۵

۳- ترجمه - لوح حضرت عبدالباها، p. 99 *Tablets of Abdul-Baha*

۴- Sandy Kinney

۵- ترجمه - لوح حضرت عبدالباها، خطاب به چارلز میسن ریوی، نجم باختر سال ۱۱، شماره ۱۵، ص ۲۶۰

۶- ترجمه - *Tablets of Abdul-Baha*, p. 51

از وفات آن نوجوان عزیز از جهت فرقت شما نجات حزن و حرقت حاصل شد. زیرا در عشوان شباب و سن جوانی باشیاں آسمانی پرواز نمود. ولی چون از این لانه کدر آشیانه نجات یافت و باشیانه ملکوت ابدی توجه نمود از جیان تاریک و تنگ نجات یافت بجیان نورانی بیرنگ شناخت، سبب تسلی خاطر است. در چنین وقوعات جانگداز حکمت بالغه الهی مندرج است. مثل آنست که باغبان میربان نهالی تر و تازه را از محل تنگی بمکان وسیع نقل کند. این انتقال سبب پژمرده گی و افسردگی و اضمحلال آن نهال نیست، بلکه سبب نشو و نما و حصول طراوت و لطافت و ظهور بار و برگ است. ولی این سر مکنون در نزد باغبان معلوم، اما نفوس که از این موهبت خیر ندارند، گمان چنین کنند که باغبان آن نهال را بقهر و غضب از محلش ریشه کن نموده. ولی نفوس آگاه را این سر مکنون معلوم و این قضای محتوم موهبتی محسوب. لهذا شما از صعود آن طیر وفا مأیوس و محزون مگردید بلکه در جمیع احوال طلب مغفرت و علو درجات از برای آن نوجوان بخواهید. ^(۱)

بالمای روح

از مصیبتی که بخت بر تو نازل شد و مشقتی که نقلی فادح بر تو وارد آورد محزون مباش و مغموم مگرد. سزاوار نفوس چون تو چنان است که هر امتحان و افتتانی را تحمل نمایی، و به هر قضا و قدری راضی باشی و جمیع امورت را به خداوند بسپاری تا بتوانی در حضور خداوند، نفس راضیه مرضیه مطمئنه باشی. بدان که پسر محبوب تو به مدد بالمهای روح به اعلی مدارجی که در ملکوت الهی نهایی ندارد عروج نموده. برای این سعادت که اصفا مشتاقانه از آستان مقدس و متعالی (خداوند) می طلبند، مسرور باش. به تو می گویم، اگر از مقام و موقعی که پست در آن قرار دارد مطلع می شدی، وجه تو به نور سرور منیر می گشت و پروردگار غفور را شکر و ثناء می گفتی و مشتاق می شدی که به آن مقام ممدوح عروج نمایی. ^(۲)

و اما نفوس که در این جهان تولد یابند و لطفه های نورانی هستند ولی از شدت گرفتاری از فوائد کلی محروم شوند و از این عالم بیرونند، حقیقتاً شایان تأسف است و نظر باین حکمت است که مظاهر کلیه در این جهان کشف نقاب کنند و تحمل هر مشقت و بلا نمایند و خود را فدا فرمایند تا این نفوس مستعدّه را مطالع انوار کنند و حیات ابدیه بخشند اینست قربانی حقیقی که حضرت مسیح خود را بجهت حیات عالم فدا نمود. ^(۳)

یکی از یاران سؤال کرد: "چگونه باید به مرگ نگریم؟"

حضرت عبدالباها، جواب فرمودند: شخص چگونه به هدف و مقصد از سفر نگاه می کند؟ با

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ج ۱، ص ۱۹۴ (فقره ۱۶۹)

۲- ترجمه - بیان حضرت عبدالباها، p. 86 *Tablets of Abdul-Baha*

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالباها، ج ۱، ص ۶۲ (فقره ۳۱)

امید و انتظار. همین موضوع دربارهٔ این سفر در این عالم ادنی مصداق دارد. در عالم بعد، انسان خود را از بسیاری از معلولیت‌هایی که اینک از آن رنج می‌برد، خلاص و رها می‌یابد. نفوسی که به مدد مرگ به آنها جهان رفته‌اند، عالمی مخصوص به خود دارند. این عالم از ما گرفته نمی‌شود؛ کار آنها، کار ملکوت، از آن ماست؛ اما مقدس از زمان و مکان است. ما زمان را با خورشید می‌سنجیم. وقتی که دیگر طلوع و غروب نباشد، زمان به صورت مزبور برای انسان وجود نخواهد داشت. ^(۱) نفوسی که صعود کرده‌اند دارای صفاتی دیگرند که خلق این عالم از آن بی‌خبرند. معذک انفصالی در میان نیست. در حال نضج و دعا این کیفیت با یکدیگر اتصال یابد. پس در حق آنها دعا کنید مثل این که آنها در حق شما دعا می‌کنند. ^(۲)

آنها برای ما دعا می‌کنند همانطور که ما برای آنها دعا می‌کنیم

اگر بستی از گل‌های سوسن داشته باشید که به آنها عشق بورزید و در کمال محبت از آنها مراقبت کنید، آنها نمی‌توانند شما را ببینند، و به مراقبتی که از آنها می‌کنید پی ببرند، اما، به علت همان مراقبت است که شکوفا می‌شوند و رشد می‌کنند.

در مورد همسر شما نیز این موضوع مصداق دارد. شما نمی‌توانید او را ببینید، اما نفوذ و تأثیر محبت‌آمیز او شما را احاطه می‌کند، از شما مراقبت می‌کند، ناظر به حال شما است. نفوسی که به حدائق الهی صعود کرده‌اند، برای ما که در اینجا هستیم دعا می‌کنند، همانطور که ما برای آنها دعا می‌کنیم. ^(۳)

ادعیهٔ مخلصانه همیشه تأثیر دارد لهذا در عالم دیگر نفوذش شدید است. هرگز انقطاع و فصلی نیست بین ما و نفوسی که در آن عالم‌اند و لکن تأثیرات حقیقهٔ معنویه‌اش در عالم دیگر است نه در این دنیا. ^(۴)

مکالمهٔ روحانی

آیا نفسی که در گذشته است می‌تواند با کسی که هنوز در قید حیات است مکالمه نماید؟
 جواب: می‌تواند مکالمه‌ای را برقرار کرد، اما نه مانند مکالمهٔ ما. تردیدی نیست که قوای عوالم بالاتر یا قوایی که در این عالم هستند تأثیر متقابل دارند. قلب انسان به روی الهامات مفتوح است؛ این ارتباطی روحانی است. همانطور که انسان در عالم رؤیا در حالی که لسان ساکت است با دوستی صحبت می‌کند، مکالمهٔ در عالم روحانی نیز چنین است. ^(۵)

۱- ترجمه - بیان حضرت عبداله‌ا، Abdul-Baha in London, p. 95

۲- ترجمهٔ این عبارات از کتاب بهاء‌الله و عصر جدید ص ۲۱۷ نقل گردید - م

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله‌ا، شاهراه منتخب، اثر لیدی بلامفیلد، ص ۲۱۵ (انگلیسی)

۴- بهاء‌الله و عصر جدید، طبع برزیل، ص ۲۱۸

۵- ترجمه - خطابهٔ حضرت عبداله‌ا، در Paris Talks صفحه ۱۷۹

رتبه و مقامی به مراتب شریف تر و جمیل تر

تقاضای توضیح کرده‌اید که پس از ترک این عالم برای ما چه اتفاقی می‌افتد. این سؤالی است که تاکنون هیچکس از مظاهر الیه به طور مشروح جواب آن را بیان نکرده‌اند، صرفاً به این دلیل که شما قادر نیستید آنچه را که با تجریبات دیگران تفاوت کامل دارد، در ذهن آنجا وارد سازید. حضرت مولی‌الوری به نحو جالبی بیان می‌فرمایند که نسبت این زندگی به حیات آینده مانند جنبی در عالم رحم است که چشم، گوش، دست، پا، و زبان اکتساب می‌کند ولی در عمل چیزی برای دیدن و شنیدن ندارد و نمی‌تواند راه برود یا چیزی را به چنگ آورد یا حرفی بزند. او تمام این امکانات را برای این جهان کسب می‌کند. اگر سعی کنید از کیفیت این دنیا برای جنبی بگویید، هرگز حرف شما را نخواهد فهمید؛ اما بعد از تولد به فهم آن می‌رسد و قابلیت‌ها و امکاناتش از قوه به فعل در می‌آیند. به همین ترتیب، ما نیز از نجس‌مقام و موقفمان در جهان بعد فاصریم. کل آنچه می‌دانیم این است که هوشمندی و شخصیتمان را در عالم بعد نیز خواهیم داشت و آن جهان خیلی از جهان خاکی بیشتر است همانگونه که این عالم از عالم ظلمانی رحم بهتر است.^(۱)

هنگامی که چنین ارواح مشتاقی این زندگی را پشت سر می‌گذارند، به رتبه و مقامی اشرف و اجمل از حیات این جهان وارد می‌گردند. ما از مرگ می‌ترسیم فقط به دلیل عدم شناخت نسبت به آن و نقصان ایمانمان به کلمات انبیاء و رسولانی که حامل پیام حقیقی مطمئن از آن فضای روحانی برای ما بودند. ما باید با کمال سرور با مرگ مواجه شویم علی‌الخصوص اگر زندگیمان در این مرحله وجود مشحون از اعمال و کردار حسنه بوده باشد.^(۲)

سؤال کرده‌اید که آیا نفسی می‌تواند در عالم بعد از حقیقت اطلاع پیدا کند. چنین آگاهی و وفوی مطمئناً میراست، و دال بر رحمت و محبت حقّ قدیر است. ما می‌توانیم با تلاوت ادعیه به هر نفسی کمک کنیم تدریجاً به این مقام بلند واصل شوند، حتی اگر از وصول به آن در این جهان ممنوع مانده باشد. ترقی روح با مرگ متوقف نمی‌شود. بلکه در سطحی جدید شروع می‌شود. حضرت پیاء‌الله تعلیم می‌فرمایند که امکانات عظیم و وسیع در عالم بعد در انتظار روح است. ترقی روحانی در آن عالم لایتناهی است و احدی، در این جهان نمی‌تواند عظمت و وسعت کامل آن را درک نماید.^(۳)

حضرت ولی امرالله از شنیدن لطعات شدیدی که در اثر فقدان فرزندان تحمل کرده‌اید بسیار متأسف شدند. ما نمی‌توانیم چنین اموری را درک کنیم؛ اما ما یقیناً می‌توانیم تسلیم شویم و بگوئیم خداوند بر بدایت و نهایت سیلی که در این زندگی طغی می‌کنیم واقف است، در حالی که ما فقط بخشی

۱- ترجمه - مکتوب ۱۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۷۰۱

۲- ترجمه - مکتوب ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۶۱۷

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۶۸۳

از آن را مشاهده می‌کنیم و نمی‌توانیم به وضوح و آگاهانه به قضاوت بپردازیم.^(۱)

مواهب عالم بعد

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید که اگر ما دید مناسبی برای مشاهده مواهب عالم بعد داشتیم نمی‌توانستیم حتی یک ساعت زندگی در این جهان را تحمل کنیم. ما به این دلیل از چنین دیدی محرومیم که اگر از آن برخوردار بودیم احدی میلی به ماندن در این جهان نداشت و کل بافت جامعه از هم می‌پاشید.

لذا، حضرت ولی امرالله مایلند شما به مواهبی که نصیب او شده فکر کنید و از مسرت او مسرور باشید. اگر ما به کلام انبیاء ایمان حقیقی داشته باشیم نه از مرگ هراسی خواهیم داشت نه از درگذشت عزیزانمان منموم و محزون خواهیم گشت.^(۲)

حضرت بهاء‌الله در الواح مبارکه می‌فرماید که اگر ما می‌توانستیم آرامشی را که در عالم بعد برای ما مهیا شده، درک کنیم، مرگ تلخی خود را از دست می‌داد؛ حتی ما از آن به عنوان دروازه‌ای به عالمی بی‌نهایت متعالی‌تر و شریف‌تر از این محنت‌کده خاکی، استقبال می‌کردیم. لذا، شما باید به مواهب آنها فکر کنید و خود را در این فراق موقت تسلی بخشید. جمیع ما به موقع خود به نفوسی که از ما جدا شده‌اند خواهیم پیوست و در سرور و جور آنها شریک و سهیم خواهیم شد.^(۳)



پایان ترجمه کتاب در ساعت ۴:۳۵ بعد از ظهر شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۸۳ شمسی، طهران.

- ۱- ترجمه - مکتوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباب.
- ۲- ترجمه - مکتوب ۱۲۲ اکتبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره: ۶۹۶
- ۳- ترجمه - مکتوب ۱۳ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۶۹۵

کتابشناسی نویسنده

- 'Abdu'l-Baha. *Paris Talks*. London: Bahá'í Publishing Trust, 1979
- *The Promulgation of Universal Peace*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1982
- *The Secret of Divine Civilization*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1957
- *Selections from the Writings of 'Abdu'l-Bahá*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1978
- *Tablets of Abdul-Baha Abbas*. New York: Bahá'í Publishing Committee; vol. 1, 1930; vol. 2, 1940; vol. 3, 1930
- *Tablets of the Divine Plan*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1977
- The Bab. *Selections from the Writings of the Bab*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1976
- Bahá'í Prayers: A Selections of Prayers revealed by Bahá'u'lláh, the Bab and 'Abdu'l-Bahá*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1991
- Bahá'í World, The*. vol. 18 (1979-83), Haifa: Bahá'í World Centre, 1986
- Bahá'í World Faith*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1976
- Bahá'u'lláh. *Epistle to the Son of the Wolf*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1983
- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1983
- *The Hidden Words*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1990
- *The Kitáb-i-Aqdas*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1992
- *Kitáb-i-Íqán*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1989
- *Prayers and Meditations*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1987
- *The Seven Valleys and the Four Valleys*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1991
- *Tablets of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1988
- Bahá'iyih Khánum, the Greatest Holy Leaf: A Compilation of the Faith and Bahá'iyih Khánum's Own Letters*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1982
- Balyuzi, H. M. *Eminent Bahá'ís in the Time of Bahá'u'lláh: with some Historical Background*. Oxford: George Ronald, 1985
- Blomfield, Lady [Sara Louise]. *The Chosen Highway*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1967
- Compilation of Compilations, The*. Prepared by the Universal House of Justice 1963-1990. 2 vols. [Sydney]: Bahá'í Publications Australia, 1991
- Diary of Juliet Thompson, The*. Los Angeles: Kalimát Press, 1983.
- Divine Art of Living, The: Selections from the Writings of Bahá'u'lláh and 'Abdu'l-Bahá*. Compiled by Mabel Hyde Paine, revised by Anne Marie Scheffer. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1986
- Esslemont, J. E. *Bahá'u'lláh and the New Era*. London, Bahá'í Publishing Trust, 1974

- Gail, Marzieh. *Summon Up Remembrance*. Oxford: George Ronald, 1987
- Lights of Guidance: A Bahá'í Reference File*. Compiled by Helen Hornby. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1988
- Living the Life*. London: Bahá'í Publishing Trust, 1984
- Maxwell, May. *An Early Pilgrimage*. Oxford: George Ronald, 1976
- Moffett, Ruth. *Du'a: On Wings of Prayer*. Happy Camp, California: Naturegraph Publishers, rev. edn. 1984
- Rutstein, Nathan. *Corinne Tru: Faithful Handmaid of 'Abdu'l-Bahá*. Oxford: George Ronald, 1987
- Shoghi Effendi. *The Advent of Divine Justice*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1990
- *Arohanui: Letters of Shoghi Effendi to New Zealand*. Suva, Fiji: Bahá'í Publishing Trust, 1982
 - *Bahá'í life*. Compiled by the Universal House of Justice. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1981
 - *Citadel of Faith: Messages to America 1947-1957*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1965
 - *Dawn of a New Day: Messages to India 1923-1957*. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1970
 - *Directives from the Guardian*. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1973
 - *God Passes By*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1974
 - *High Endeavors: Messages to Alaska*. [Anchorage]: National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Alaska, 1976
 - *The Light of Divine Guidance: The Messages from the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'ís of Germany and Austria*. vol. 1. Hofheim-Langenhain: Bahá'í-Verlag, 1982
 - *Messages to Canada*. [Toronto]: National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Canada, 1965
 - *The Promised Day is Come*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1980
 - *The Unfolding Destiny of the British Bahá'í Community: The Messages of the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'ís of the British Isles*. London: Bahá'í Publishing Trust, 1981
- Star of the West*. Rpt. Oxford: George Ronald, 1984
- Throne of the Inner Temple, The*. Compiled by Elias Zohoori. Jamaica, 1985
- The Universal House of Justice. *A Wider Horizon: Selected Messages of the Universal House of Justice 1983-1992*. Riviera Beach, Florida: Palabra Publications, 1992
- *Messages from the Universal House of Justice 1963:1986: The Third Epoch of the Formative Age*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1996.

کتابشناسی مترجم

۱- حضرت بهاء الله

- ۱-۱ مجموعه الواح مبارکه، طبع فاهره مصر، ۹ ذوالقعدة ۱۳۳۸ هـ (۲۵ بوليو ۱۹۲۰ م)
- ۱-۲ منتخبانی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، لجنة ملى نر آثار امرى بلسان فارسى و عربى، لانگنباين آلمان، نشر اول، ۱۴۱ بدیع
- ۱-۳ آثار قلم اعلى ج ۱ (کتاب مبین)، خط زين العقبين، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۲۰ بدیع
- ۱-۴ آثار قلم اعلى ج ۲، مطبع ناصرى، بمبى، محرم الحرام ۱۳۱۴
- ۱-۵ آثار قلم اعلى ج ۳، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۲۱ بدیع
- ۱-۶ آثار قلم اعلى ج ۴، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۳ بدیع
- ۱-۷ آثار قلم اعلى ج ۵، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۱ بدیع
- ۱-۸ آثار قلم اعلى ج ۶، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۲ بدیع
- ۱-۹ مناجاة، مجموعه اذکار و ادعية من آثار حضرة بهاء الله، دارالنشر البهائية فى البرازيل، شهر البهاء ۱۳۸ (آذار ۱۹۸۱)
- ۱-۱۰ کتاب اقدس، مرکز جهانی بهائی، حینا، ۱۹۹۵
- ۱-۱۱ الواح نازله خطاب بملوک و رؤسای ارض، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۲۴ بدیع
- ۱-۱۲ دریای دانش، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۳ بدیع
- ۱-۱۴ لوح مبارک خطاب به شیخ محمد نفی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۱۹ بدیع
- ۱-۱۵ الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلى شامل اشراقات و چند لوح دیگر، بدون محل و تاریخ طبع و نام ناشر
- ۱-۱۶ الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلى شامل اقتدارات و چند لوح دیگر، خط مشکین قلم، ۱۳ شهر رجب المرجب سنة ۱۳۱۰
- ۱-۱۷ ادعية حضرت محبوب، طبع مصر، ۱۳۳۹ هـ
- ۱-۱۸ ادعية حضرت محبوب، طبع طهران، بدون تاریخ
- ۱-۱۹ کتاب ايقان، طبع مصر، بدون تاریخ
- ۱-۲۰ لوح مفصود، مطبعة سعادة مصر، ۹ صفر ۱۳۳۹ قمری (۲۱ اکتوبر ۱۹۲۰ م)
- ۱-۲۱ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهى که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لجنة ملى نشر آثار امرى بلسان فارسى و عربى، آلمان، طبع ثانی، ۱۵۶ بدیع (۲۰۰۰ میلادی)

۲- حضرت ربّ اعلى

- ۲-۱ منتخبات آیات از آثار حضرت نفطة اولی جل اسمہ الاعلى، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۴ بدیع

۳- حضرت عبدالبهاء

- ۲-۱ خطابات حضرة عبدالبهاء في اوربا و امريكا، الجزء الاوّل في سفره الاوّل اوربا، طبع مصر، ۱۳۴۰ قمری، ۱۹۲۱ میلادی
- ۲-۲ خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء، ۲، در سفر امریکا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع
- ۲-۳ خطابات مبارکه، ج ۳، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع
- ۲-۴ منتخبانی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، مؤسسه مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۷۹ م
- ۲-۵ منتخبانی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۲، مرکز جهانی بهائی، حینا، ۱۹۸۴ م
- ۲-۶ التور الابهی فی مفاوضات عبدالبهاء، مطبعة بریل در شهر لیدن هلند، ۱۹۰۸ م
- ۲-۷ رساله مدنیه، مطبعة کردستان علمیه، ۱۳۲۹ قمری
- ۲-۸ مجموعه مناجاتها، مؤسسه ملی مطبوعات امری، آلمان، نشر ثانی، ۱۵۷ بدیع
- ۲-۹ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، مطبعة کردستان علمیه، ۱۳۲۸ قمری، ۱۹۱۰ میلادی
- ۲-۱۰ مکاتیب عبدالبهاء، جلد ثالث، طبع مصر، ۱۳۴۰ هجری، ۱۹۲۱ میلادی

۴- حضرت ولی امرالله

- ۳-۱ ظهور عدل الیهی، ترجمه نصرالله مودت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ بدیع
- ۳-۲ نظم جیانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی کانادا، ۱۴۶ بدیع (۱۹۸۹ میلادی)
- ۳-۳ قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، نشر ثانی، مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی، کانادا، ۱۴۰ بدیع، ۱۹۹۲ میلادی
- ۳-۴ حصن حصین شریعت الله، ترجمه فؤاد اشرف، مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان، ۱۵۴ بدیع (۱۹۹۷ میلادی)
- ۳-۵ ترفیحات مبارکه، جلد سوم ۱۹۴۸-۱۹۲۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۰ بدیع
- ۳-۶ قد ظهر بوم المعیاد، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع

۵- مجموعه آثار

- ۵-۱ نار و نور، منتخبانی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله، لجنة نشر آثار بلسانهای فارسی و عربی، لانگنهاین، ۱۳۹ بدیع، نشر اوّل
- ۵-۲ آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۵ بدیع
- ۵-۳ نمونه حیات بهائی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع، نشر ثانی

۶- بیت العدل اعظم و دارالتحقیق بین المللی

- ۶-۱ منتخبانی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الیهی خطاب به یاران ایرانی، لجنة ملی نشر آثار امری بزبانهای فارسی و عربی، لانگنهاین، آلمان غربی، ۱۴۲ بدیع (نشر اوّل)

- ۶-۲ بحرانیها و پیروزی‌ها، جمع‌آوری و نشر دارالتحقیق بین‌المللی
- ۶-۳ تحفیز و تشیع، گردآوری بخش تحفیز بیت‌العدل اعظم، فوریه ۱۹۹۵ میلادی
- ۶-۴ بیانیه خانم حضرت ورقة علیا، تدوین دایره‌مطالعه نصوص و الزام مرکز جهانی بیانی،
لجنة ملی نشر آثار امری بزبانهای فارسی و عربی، لانگنهاین، آلمان غربی، ۱۴۲ بدیع

۷- سایر کتب از مؤلفین بهائی

- ۷-۱ گنج شایگان، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۴ بدیع
- ۷-۲ مائده آسمانی، ج ۱، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
- ۷-۳ مائده آسمانی، ج ۴، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
- ۷-۴ مائده آسمانی، ج ۵، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
- ۷-۵ مائده آسمانی، ج ۸، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع
- ۷-۶ گنجینه حدود و احکام، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع
- ۷-۷ ایام تسعه، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، نشر چهارم، ۱۲۷ بدیع
- ۷-۸ تفحات ظہور حضرت بقاءالله، ادیب طاهرزاده، ترجمه باهر فرقانی، ج ۱، مؤسسه معارف بیانی کانادا، ۱۵۵ بدیع
- ۷-۹ گلزار تعالیم بیانی، ریاض قدیمی، مطبعة دانشگاه تیرونتو، ۱۹۹۵
- ۷-۱۰ بیجت‌الصدور، حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی، لجنة ملی نشر آثار امری بزبان فارسی و عربی، چاپ سوم، ۱۵۹ بدیع (۲۰۰۲ میلادی) هوفیایم، آلمان
- ۷-۱۱ درگه دوست، کلیسی آبیوز، ترجمه ابوالقاسم فیضی
- ۷-۱۲ امر و خلق ج ۳، فاضل مازندرانی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع
- ۷-۱۳ اخلاق بیانی، محمدعلی فیضی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۰ بدیع
- ۷-۱۴ بقاءالله و عصر جدید، جان ابتزر اسلمنت، ترجمه ع بشیر البس، هرحیمی، ف سلیمانی، دارالنشر البیانیة فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸ میلادی

۸- نشریات

- ۸-۱ پیام بیانی شماره ۱۸۲، دی و بهمن ۱۳۷۳ (ژانویه ۱۹۹۵ میلادی)